



مجله

جغرافیا و توسعه فضای شهری

(نشریه علمی)

| سال نهم، شماره ۲ | تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۱۷ |

- شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری محلات شهری (مطالعه موردی محلات مناطق ۱، ۵ و ۸ شهرداری اصفهان)
ریحانه مهره کش، حمید صابری
- چالش‌های محیط زیست هوشمند در کلانشهر مشهد با استفاده از مدل DPSIR
امید علی خوارزمی، مهسا غفوریان، مرضیه صبوری، سیما سردار
- بررسی تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان (نمونه موردی: خیابان امام «ره» - ارومیه)
کریم حسین زاده دلیر، میرسعید موسوی، نیما بایرام‌زاده، هادی پاشاچینی
- تدوین کاربست اقدام در بافت‌های تاریخی مبتنی بر رویکرد بازآفرینی فرهنگ‌مبنا (نمونه موردی: محله قنبرعلی بیگ شهر لار)
زهرا اعتمادی، امیرحسین شباتی شهرضا
- تحلیل ذینفعان حریم پایتخت (کلانشهر تهران) بر اساس ماتریس قدرت/منفعت
ناصر نصیریان، میثم بصیرت
- بررسی نقش مکان‌های سوم شهری در توسعه گردشگری (مطالعه موردی: پیاده‌راه مرکزی شهر رشت)
علی‌اکبر سالاری‌پور، رامتین زادصالحی، مهرداد مهرجو
- طراحی مدل مفهومی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت منابع انسانی سبز
مهدی جانعلی زاده قزوینی، آذر کفاش پور، امیر رحیم پور، مصیب سامانیان
- مدیریت اقلیمی فضاهای باز محلات شهری از طریق کنترل تناسبات پوسته‌ای
ریحانه مسگران، سید مجید مفیدی شمیرانی، نیلوفر نیک قدم

پیشین: ۷۳۵۴-۱۳۵۳

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۱۷



دانشگاه گیلان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۱۷

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر براتعلی خاکپور

سرمدیر: دکتر محمد رحیم رهنما

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

عیسی ابراهیمزاده آکباد - استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد اجزاء شکوهی - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
براتعلی خاکپور - دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
محمد رحیم رهنما - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
عباس سعیدی - استاد دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیای روستایی)
محمد سلیمانی مهرنجانی - دانشیار دانشگاه خوارزمی (دکتری جغرافیای شهری)
زهره فنی - دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)
علی اکبر عنایستانی - استاد دانشگاه فردوسی مشهد (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی)
عزت‌الله مافی - دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (دکتری جغرافیای شهری)
اصغر نظریان - استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری)

مقالات نمودار آرای نویسندگان است و به ترتیب وصول و تصویب درج می‌شود.

مدیر داخلی: دکتر مصطفی امیرخیریان
ویراستار ادبی: دکتر شیرین صباغی آبکوه
ویراستاران این شماره: عبدالله نوروزی
نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۹۴۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳۸۸۰۷۰۶۰
تلفن: ۰۵۱۳۸۸۰۶۷۳۴، سرمدیر: ۰۵۱۳۸۸۰۵۲۷۵
بها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا- سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها- سالانه)
نشانی اینترنتی مجله: E-mail: jud@um.ac.ir
http://jgusd.um.ac.ir

این مجله در جلسه کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور مورخ ۱۳۹۳/۶/۱۰، رتبه علمی - پژوهشی دریافت و طی نامه شماره ۳/۱۸/۱۳۷۲۲۷ در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۸ ابلاغ گردیده است.

بر اساس مصوبه وزارت عتف از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی - پژوهشی" به نشریه "علمی" تغییر نام یافتند.

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)
- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایط پذیرش مقاله

برای سرعت بخشیدن به امر داوری و چاپ مقالات، از همه پژوهشگرانی که مایل به چاپ مقالات علمی خود در این نشریه هستند، درخواست می شود به نکات زیر توجه کافی داشته باشند:

۱. مقاله ارسال شده نباید قبلاً در هیچ نشریه داخلی یا خارجی چاپ شده باشد. هیأت تحریریه انتظار دارد نویسندگان محترم تا هنگامی که جواب پذیرش از نشریه نرسیده است، مقاله خود را به مجله دیگری برای چاپ ارسال نفرمایند.

۲. مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۳ و مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 12 با نرم افزار Word تهیه شود. مقالات، روی کاغذ A4 (با حاشیه از بالا ۴ و پایین ۳ و راست ۳ و چپ ۳ سانتی متر) تایپ شود. متن به صورت دوستونی با رعایت فاصله ۱ سانتی متر بین دو ستون و فواصل بین خطوط به صورت Single باشد.

۳. حجم مقاله نباید از حدود ۷۰۰۰ کلمه و یا حداکثر ۲۰ صفحه چاپی به قطع نشریه بیشتر باشد (با در نظر گرفتن محل جداول، اشکال، خلاصه فارسی و کتابشناسی).

۴. برای مقالات فارسی، عنوان مقاله با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات نباید از ۲۰ حرف تجاوز کند و با قلم بی لوتوس سیاه ۱۳ بولد تایپ شود.

۵. نام نویسنده (نویسندگان) مقاله با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰، عنوان علمی یا شغلی او نیز با قلم بی لوتوس سیاه ۱۰ مشخص شود.

۶. برای مقالات انگلیسی، عنوان با قلم Times New Roman 13، نام نویسنده مقاله با قلم سیاه Times New Roman 10 عنوان علمی یا شغلی او یا قلم Times New Roman 10 در زیر عنوان مقاله ذکر شود؛ همچنین آدرس الکترونیکی و شماره تلفن نویسنده مسئول در پاورقی آورده شود.

۷. چکیده مقاله برای مقالات فارسی با قلم بی لوتوس نازک ۱۲ و برای مقالات انگلیسی با قلم نازک Times New Roman 11 به صورت تک ستونی باشد.

۸. شکل ها و نمودارهای مقاله حتماً اصل و دارای کیفیت مطلوب باشد. فایل اصلی اشکال (تحت Excel, Word, PDF) و با دقت ۶۰۰ dpi ارایه شود. اندازه قلم به خصوص، در مورد منحنی ها (legend) به گونه ای انتخاب شوند که پس از کوچک شدن مقیاس شکل برای چاپ نیز خوانا باشند (زیر نویس اشکال، بی لوتوس سیاه ۱۲ و سبک چین).

۹. ساختار مقاله شامل عناصر زیر است:

۹.۱. صفحه عنوان: در صفحه شناسنامه باید عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده (نویسندگان)، درجه علمی، نشانی دقیق (کد پستی، تلفن، دورنگار و پست الکترونیکی)، محل انجام پژوهش، مسئول مقاله و تاریخ ارسال) درج شود. نویسنده مسئول باید مشخص شود.

۹.۲. چکیده: شامل: ۱. چکیده فارسی که شرح مختصر و جامعی از محتوای مقاله با تأکید بر طرح مسأله، هدف ها، روش ها، نتیجه گیری و کلیدواژه ها (۳ تا ۵ واژه) است. چکیده در یک پاراگراف و حداکثر ۲۵۰ کلمه تنظیم شود. این بخش از مقاله در عین اختصار، باید گویای روش کار و برجسته ترین نتایج، بدون استفاده از کلمات اختصاری تعریف نشده، جدول، شکل و منابع باشد. چکیده انگلیسی باید مطابقت کامل با چکیده فارسی داشته باشد.

۹.۳. مقدمه: شامل ۱- طرح مسأله (مطالب مربوط به اهمیت و ضرورت، اهداف، سوال ها و فرضیه ها)، پیشینه تحقیق و مبانی نظری

۹.۴. روش شناسی تحقیق: در برگزیده؛ ۱- روش پژوهش و مراحل آن (روش تحقیق، جامعه آماری، روش نمونه گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده ها و اعتبارسنجی آن ها)؛ ۲- متغیر ها و شاخص های پژوهش؛ ۴- قلمرو جغرافیایی پژوهش

۹.۵. یافته های پژوهش: ارایه نتایج دقیق از یافته های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

۹.۶. بحث: حاوی تفسیر نتایج و مقایسه یافته های مطالعه با مطالعات پیشین و برجسته کردن نوآوری پژوهش

۹.۷. نتیجه گیری و پیشنهادها: شامل خلاصه ای از یافته ها، توضیح قابلیت تعمیم پذیری و کاربرد علمی یافته ها و ارایه رهنمودهای لازم برای ادامه پژوهش در ارتباط با موضوع، نتیجه گیری و توصیه ها و پیشنهادهای احتمالی.

۱۰. نحوه ارجاعات: منابع و مأخذ باید به صورت درون متنی و همچنین در پایان مقاله ذکر شود.

۱۰.۱. ارجاعات در متن مقاله باید به شیوه داخل پرانتز (APA) نسخه ۶ باشد؛ به گونه ای که ابتدا نام مؤلف یا مؤلفان، سال انتشار و صفحه ذکر شود. شایان ذکر است که ارجاع به کارهای چاپ شده فقط به زبان فارسی بوده و در اسامی لاتین معادل آن در زیر نویس همان صفحه ارایه شود؛ به عنوان نمونه: (شکری، ۱۳۸۷، ص. ۵۰) یا (وودز، ۲۰۰۵، ص. ۲۷). ۱۰.۲. در پایان مقاله، منابع مورد استفاده در متن مقاله، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده بر اساس الگوی فهرست نویسی APA نسخه ۶ تنظیم شود. (عناوین کتاب ها و مجلات ایتالیک/ مورب شود).

نمونه فارسی:

– رضوانی، م. ر. (۱۳۹۰). برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران. چاپ چهارم. تهران: نشر قومس.

– عنایتی، ع. ا. شایان، ح. و. بنیادداشت، ا. (۱۳۹۰). بررسی نقش اعتبارات بر تغییر الگوی مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان بهمنی). مجله برنامه ریزی فضایی. ۱(۳)، ۸۰-۶۳.

نمونه انگلیسی:

- Boume, L. S. (1981). *The geography of housing*. London: Edward Arnold.

- Turgat, H. (2001). Culture, continuity and change: Structural analysis of the housing pattern in squatter settlement. *Global Environment Research (GBER)*. 1(1), 17-25.

۱۰. ۳. انواع نقل قول‌ها (مستقیم و غیر مستقیم)، نقل به مضمون و مطالب به‌دست‌آمده از منابع و مآخذ، با حروف نازک و استفاده از نشانه‌گذاری‌های مرسوم، مشخص شود و نام صاحبان آثار، تاریخ و شماره صفحات منابع و مآخذ، بلافاصله در میان پرانتز نوشته شود.
۱۰. ۴. مقالات برگرفته از رساله و پایان‌نامه دانشجویان با نام استاد راهنما، مشاوران و دانشجو با هم و با مسئولیت استاد راهنما منتشر می‌شود.
۱۰. ۵. چنانچه مخارج تحقیق یا تهیه مقاله توسط مؤسسه‌ای تأمین مالی شده باشد، باید نام مؤسسه در صفحه اول درج شود.
۱۰. ۶. تمام منابع فارسی به انگلیسی ترجمه شده و به همراه چکیده مبسوط انگلیسی ارائه شود.
۱۱. شیوه ارزیابی مقالات: مقالات ارسالی که شرایط پذیرش را احراز کنند، برای داوران خبره در آن موضوع ارسال می‌شوند. داوران محترم، جدای از ارزشیابی کیفی مقالات، راهبردهای سازنده‌ای پیشنهاد می‌کنند. پیشنهادهای داوران محترم به طور کامل؛ اما بدون نام و نشان داور، برای نویسنده مقاله ارسال خواهد شد.
۱۲. مجله حق رد یا قبول و نیز ویراستاری مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و مقالات مسترد نمی‌شود. اصل مقالات رد یا انصراف‌داده‌شده، پس از سه ماه از مجموعه آرشیو مجله خارج خواهد شد و مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری هیچ مسئولیتی در این ارتباط نخواهد داشت.
۱۳. مسئولیت ارایه صحیح مطالب مقاله بر عهده نویسندگان مقاله است. از این‌رو، نسخه‌ای از مقاله آماده چاپ برای انجام آخرین تصحیحات احتمالی به نشانی الکترونیکی نویسنده ارسال خواهد شد، چنانچه ظرف مدت یک هفته پاسخی از سوی نویسندگان دریافت نشود، به معنای موافقت آن‌ها با اصلاحات انجام‌شده تلقی و نسبت به چاپ آن اقدام می‌شود.
۱۴. دریافت مقاله صرفاً از طریق سامانه مجله (<http://jgusd.um.ac.ir>) خواهد بود و مجله از پذیرش مقالات دستی یا پستی معذور خواهد بود.
۱۵. مقالاتی که مطابق فرمت مجله تهیه نشده باشند به نویسنده بازگردانده شده و در فرآیند ارزیابی قرار نخواهد گرفت.
۱۶. فایل‌های ضروری برای ارسال از طریق سامانه عبارت‌ند از:
الف) فایل مشخصات نویسندگان: در محیط Word شامل اسامی و مشخصات نویسندگان به فارسی و انگلیسی.
ب) فایل اصلی مقاله بدون مشخصات: در محیط Word شامل متن اصلی مقاله بدون اسامی و مشخصات نویسندگان همراه با چکیده مبسوط انگلیسی.
ج) فایل چکیده مبسوط (مکمل) مقاله: در محیط Word شامل چکیده مبسوط انگلیسی به همراه اصل نسخه فارسی آن و برگردان منابع فارسی به انگلیسی در قالب یک فایل.
۱۷. شرایط جزئی‌تر و دقیق‌تر نیز در فایل راهنمای نگارش و ارسال مقاله توسط نویسندگان ارائه شده است.

آدرس پستی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی: ۹۱۷۹۴۸۸۳، نمابر: ۰۵۱۳/۸۱۰۷۰۶۰

کد پستی: ۹۱۷۹۴۸۸۳ پست الکترونیکی jud@um.ac.ir

وب سایت: <http://jgusd.um.ac.ir>

فرم اشتراک (یک ساله / دو شماره) مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری

این جانب شغل با ارسال فیش بانکی به مبلغ ریال به حساب جاری شماره ۴۲۵۲۹۹۶۳۸ بانک تجارت شعبه دانشگاه مشهد کد ۴۲۵۰ به نام عواید اختصاصی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، متقاضی اشتراک دو فصلنامه از شماره هستم.

چنانچه صاحبان مقالات منتشر شده متقاضی دریافت مجله و تیراژی آن از طریق پست پیشتاز باشند، باید هزینه‌ی آن را به شماره حساب مذکور واریز و اصل فیش پرداختی را به نشانی دفتر مجله ارسال کنند.

نشانی: کد پستی:

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

دکتر روح اله اسدی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر احمدرضا اصغرپور ماسوله (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مصطفی امیرفخریان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر سید مصطفی حسینی (دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر محمدعلی خلیجی (استادیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی اهواز)
دکتر فرزانه رزاقیان (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری جهاددانشگاهی خراسان رضوی)
دکتر محمدرحیم رهنما (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر مهدی سقایی (استادیار برنامه ریزی روستایی موسسه غیرانتفاعی حکیم جرجانی گرگان)
دکتر مجتبی صادقی (دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر صدیقه لطفی (استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه مازندران)
دکتر حسین میرزایی (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
(۱-۱۶)	▪ شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری محلات شهری (مطالعه موردی محلات مناطق ۱، ۵ و ۸ شهرداری اصفهان) ریحانه مهره کش، حمید صابری
(۱۷-۳۶)	▪ چالش‌های محیط زیست هوشمند در کلانشهر مشهد با استفاده از مدل DPSIR امید علی خوارزمی، مهسا غفوریان، مرضیه صبوری، سیما سردار
(۳۷-۵۳)	▪ بررسی تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان (نمونه موردی: خیابان امام «ره» - ارومیه) کریم حسین زاده دلیر، میرسعید موسوی، نیما بایرام‌زاده، هادی پاشاچینی
(۵۵-۷۶)	▪ تدوین کاربری اقدام در بافت‌های تاریخی مبتنی بر رویکرد بازآفرینی فرهنگ‌مبنا (نمونه موردی: محله قنبرعلی‌بیگ شهر لار) زهره اعتمادی، امیرحسین شبانی شهرضا
(۷۷-۹۵)	▪ تحلیل ذینفعان حریم پایتخت (کلانشهر تهران) بر اساس ماتریس قدرت/منفعت ناصر نصیریان، میثم بصیرت
(۹۷-۱۱۵)	▪ بررسی نقش مکان‌های سوم شهری در توسعه گردشگری (مطالعه موردی: پیاده‌راه مرکزی شهر رشت) علی‌اکبر سالاری‌پور، رامتین زادصالحی، مهرداد مهرجو
(۱۱۷-۱۳۶)	▪ طراحی مدل مفهومی ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت منابع انسانی سبز مهدی جانعلی زاده فزونی، آذر کفاش پور، امیر رحیم پور، مصیب سامانیان
(۱۳۷-۱۶۶)	▪ مدیریت اقلیمی فضاهای باز محلات شهری از طریق کنترل تناسبات پوسته‌ای ریحانه مسگران، سید مجید مفیدی شمیرانی، نیلوفر نیک قدم

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۱۷

شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری محلات شهری (مطالعه موردی محلات مناطق ۱، ۵ و ۸ شهرداری اصفهان)

ریحانه مهره کش (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

rmohrekesh@yahoo.com

حمید صابری (استادیار گروه جغرافیا - مرکز تحقیقات گردشگری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، نویسنده مسئول)

hamidsaberi2000@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۲

صص ۱۶-۱

چکیده

زیست‌پذیری شهری یکی از مهم‌ترین و نوین‌ترین مباحث در تئوری‌های جدید شهرسازی و برنامه‌ریزی است که باهدف پیشبرد شهر به‌سوی مطلوبیت هرچه بیشتر مطرح شده است. هدف این پژوهش کاربرد تحلیل عاملی در شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری محلات شهری است. ابتدا زیست‌پذیری از دیدگاه نظری و سپس ویژگی‌های مناطق شهر اصفهان موردسنجش و بررسی قرار گرفته‌اند. رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر مبنای ماهیت توصیفی-تحلیلی است. برای شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری از تکنیک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده گردید. یافته‌ها نشان‌دهنده‌ی این است که بین مناطق شهری اصفهان از نظر زیست‌پذیری تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح‌بندی انجام‌گرفته، محلات جلفا و رزمندگان دارای بیشترین سطح زیست‌پذیری هستند که علت قرارگیری این محلات در یک طبقه مشابهت‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آن‌هاست زیرا ساکنان این دو محله به‌طور نسبی از کیفیت سیستم حمل‌ونقل، هویت اجتماعی، برخورداری از امکانات و رضایت‌مندی از محل سکونت خود راضی بوده‌اند. محله‌ی درب کوشک با توجه به قرارگیری در مرکز شهر و مواجهه با مسائل اقتصادی و فرهنگی و کالبدی دارای سطح زیست‌پذیری متوسط است بیشترین نارضایتی در این محله مربوط به عدم کیفیت سیستم حمل‌ونقل بوده است. محلات سیچان، عباس‌آباد و خانه اصفهان در پایین‌ترین سطح زیست‌پذیری جای گرفته‌اند و اولین اولویت توجه را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به اینکه شرایط زیست‌پذیری در مناطق مختلف متفاوت است، درنهایت هدف این پژوهش دستیابی به شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری مناطق شهری و شناسایی وضعیت محلات و عوامل مؤثر بر آن است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل عاملی، زیست‌پذیری، شهر اصفهان، شهر زیست‌پذیر.

۱. مقدمه

در گذشته محیط موضوع مهم و قابل توجهی در ذهن توده‌ی مردم به شمار نمی‌رفت، اما در جهان امروز، شهرها مکان اصلی کار و زندگی انسان‌ها شده‌اند و در دوره‌ای به سر می‌بریم که مسائل شهری و شهرسازی و شهروندی به مهم‌ترین مسائل مؤثر بر ابعاد کمی و کیفی زندگی انسان مبدل شده است و مردم استانداردهای بالاتری از محیط و شهری که در آن زندگی می‌کنند انتظار دارند. از این رو پرداختن به تئوری‌های جدید شهرسازی که هریک باهدف حل مشکلات شهری، بهبود وضعیت زندگی در شهرها، ارتقای کیفیت محیط و شهر، مدیریت شهری و پیشبرد شهر به‌سوی مطلوب‌تر شدن، مطرح شده‌اند، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است که یکی از این تئوری‌های نوین شهرسازی، شهر زیست پذیر است که ما را به‌سوی داشتن محیطی مطلوب‌تر برای زندگی و توسعه‌ی پایدار رهنمون می‌سازد. جیکوبز، اپلارد و لینچ از جمله اولین افرادی بودند که به بررسی و ارائه‌ی مطالبی در مورد محیط‌های زیست پذیر پرداختند و هدف همگی آن‌ها داشتن محیطی مطلوب‌تر و رسیدن به توسعه‌ی شهری پایدار بوده است (بندر آباد، ۱۳۹۰، ص. ۷۵). در زمان ما هدف بسیاری از جغرافیدانان این است که در سراسر جهان با حذف نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، همه خانواده‌ها بتوانند به شغل دائمی، مسکن سالم، بهداشت و درمان، آموزش و امنیت و به‌طور کلی به حد رضایت بخشی از کیفیت زندگی دست یابند (حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۹) زیست پذیری یک معنای کلی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی، کیفیت مکان و اجتماعات سالم در ارتباط است (نوریس^۱ و پیتمن^۲، ۲۰۰۰، ص. ۱۱۸-۱۲۴؛ بلاسینگیم^۳، ۱۹۹۸، ص. ۱-۱۳). تعریف زیست پذیری از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر یا از یک زمان به زمان دیگر متفاوت است و از آن جهت که یک مفهوم نسبی است، معنای جامع آن به مکان، زمان، هدف ارزیابی و سیستم ارزشی ارزیابان بستگی دارد (سیتلوانگا^۴، ۲۰۱۴، ص. ۵۴۱-۵۵۹).

بررسی تأثیر ترافیک آرام بر زیست پذیری و محله‌های زیست پذیر و قیمت مسکن در پورتلند در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که کوچک‌ترین اقدامات جهت آرام کردن ترافیک تأثیر فراوانی بر قیمت مسکن دارد و ضریب انعطاف‌پذیری جریان ترافیکی برابر با ۰/۰۷- است و پروژه‌هایی که ترافیک را ۱۶ درصد کاهش می‌دهند ارزش محله‌ها در این خیابان‌ها را ۱ درصد افزایش می‌دهند (پولونی^۵، ۲۰۱۷). ویژگی‌های جاده‌های شریانی تجاری مرتبط با زیست پذیری محله و بررسی اثرات مثبت و منفی جاده‌های تجاری با گره‌های فعالیت بر روی زیست پذیری محله‌های اطراف در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که جاده‌ها می‌توانند مکان‌های خوبی برای محله‌های اطراف باشند، در حالی که هنوز به‌عنوان راهروهای اصلی ترافیک عمل می‌کنند و دسترسی و پویایی نمی‌تواند متضاد یکدیگر باشند

1. Norris
2. Pittman
3. Blassingame
4. Saitluanga
5. Polloni

و برنامه ریزان باید برنامه‌های توسعه اقتصادی را برای محله‌های تحت تأثیر در نظرگیرند (کارولین و وسلی^۱، ۲۰۱۸). بررسی تعاملات بین پایداری شهری، آلودگی شهری و زیست‌پذیری شهری در سال ۲۰۱۹ نشان‌دهنده‌ی این است که پایداری اجتماعی شهری به‌طور مثبتی با زیست‌پذیری شهر مرتبط است، درحالی‌که آلودگی شهری با زیست‌پذیری شهری ارتباط منفی دارد. نتایج این مقاله دانش را در مورد اثر متقابل بین ستون‌های پایداری شهری و تأثیر آن‌ها بر زیست‌پذیری شهر افزایش می‌دهد (مارمارتینز براوو^۲، ۲۰۱۹).

با گذر زمان اصول و معیارهایی برای شهر زیست‌پذیر ارائه گردیده است که بر اساس تقدم زمانی به‌این‌ترتیب است: منشور خیابان ایده آل که توسط داندل اپلارد در سال ۱۹۸۱ مطرح گردید؛ اصول اجتماعی شهر زیست‌پذیر (توسط سوزان و هنری لنارد^۳ در سال ۱۹۸۷)؛ اصول طراحی شهر زیست‌پذیر (سوزان و هنری لنارد در سال ۱۹۸۷)؛ عوامل تقویت‌کننده و اصولی برای شهر زیست‌پذیر (هنری لنارد ۱۹۹۷)؛ ترافیک و اهمیت پیاده (هالوگ^۴، ۱۹۹۷)؛ معیارهای پایه‌ی شهر زیست‌پذیر (هنری لنارد)؛ همستان‌های شهری (سازمان شرکایی برای شهر زیست‌پذیر ۲۰۰۰)؛ عوامل تقویت‌کننده‌ی دیگر (پیتراوانس^۵ و همکاران، ۲۰۰۲)؛ منطقه بندی و کاربری زمین (الیوت^۶، ۲۰۰۸)؛ شهر زیست‌پذیر به‌عنوان موجود زنده؛ شاخص‌های شهر زیست‌پذیر به‌عنوان یکی از زیست‌پذیرترین شهرهای جهان؛ و شاخص‌های کیفیت زندگی که توسط اکونومیست^۷ و مرسر^۸ مطرح می‌گردد (بندر آباد، ۱۳۹۰، ص. ۵۲-۷۹). زیست‌پذیری بر این مفهوم دلالت دارد که مردم حق‌دارند در مناطقی زندگی کنند که دسترسی به طیف وسیعی از فرصت‌هایی را فراهم می‌کنند که کیفیت زندگی را افزایش می‌دهند: از جمله مسکن، حمل‌ونقل، فرصت‌های شغلی و تحصیلی، ثبات اجتماعی، عدالت و فرهنگ، سرگرمی و گزینه‌های تفریحی (وودوارد^۹، ۲۰۱۳). در حقیقت، مفهوم زیست‌پذیری به‌مثابه ایده‌ای است که باکیفیت زندگی و رفاه همراه است که از آن زمان به توسعه و ترویج سازمان‌های تجاری مربوط به «شاخص‌های زیست‌پذیری» منجر شده است. به این معنی، شاخص زیست‌پذیری، نشان‌دهنده یکپارچه‌سازی مفهوم «زیست‌پذیری» است که در ادبیات کیفیت زندگی در دانشگاه مورد بحث است (ونوهین و ارهارت، ۱۹۹۵، ص. ۳۴-۳۶). شهرهای زیست‌پذیر مکان‌هایی برای زندگی اجتماعی، ارتباط و گفتگو هستند. این شهرها به خلق معماری، منظر خیابان و طراحی فضای عمومی توجه دارند و متعهد به کاهش ترافیک و حل مسائل ایمنی، آلودگی و سروصدا با به‌کارگیری مجموعه‌ای از مکانیزم‌ها هستند (لنارد، ۱۹۸۷، ص. ۳). اهداف ایجاد جوامع زیست‌پذیر^{۱۰} در ایالت متحده آمریکا، احیای اجتماعات محلی موجود، بهبود محیط‌زیست و سلامت

1. Carolyn & Wesley

2. MarMartínez-Bravo

3. Crowhurst Lennard& Lennard

4. Hahlweg

5. Evans

6. Elliot

7. economist

8. mercer

9. Woodward

10. Making Livable Communities Project

عمومی و کیفیت زندگی، تأمین امکانات حمل و نقل بیشتر، بهبود کیفیت مداری و تبدیل آن‌ها به مراکز محله‌ای، توسعه فرصت‌های اقتصادی، افزایش امنیت اجتماعی و پیشگیری از جرم، حفاظت از اراضی زراعی و فضاهای باز و ایمنی در برابر مخاطرات محیطی است (اریکسون^۱، ۲۰۱۶، ص. ۱۵۴). در حقیقت زیست پذیری به سه بعد وابسته به هم تقسیم می‌شود: اقتصاد، اجتماع و محیط زیست. این سه بعد، اهدافی مانند بهره‌وری اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت محیطی را دنبال می‌کنند (خراسانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۱). زیست پذیری مفهومی چندگانه و دارای سلسله مراتب است که ممکن است در سطوح مختلف و در قالب معیارها و زیر معیارها شکل بگیرد.

بر اساس پیشینه مطالعاتی پژوهش حاضر، هرکدام از این مطالعات جنبه‌های خاصی از زیست پذیری را بررسی کرده‌اند. به‌طور کلی در تمامی مطالعات انجام گرفته به ارزیابی، مقایسه و بررسی شاخص‌های زیست پذیری پرداخته شده است. در منابع خارجی بیان شده بیشتر به موضوعات ترافیک و مسکن در محله‌ها و خیابان‌های زیست پذیر و پایداری شهری، آلودگی و زیست پذیری در شهرهای اروپایی توجه گردیده است. در مطالعات داخلی، بیشتر جنبه‌های نظری زیست پذیری مورد عنایت قرار گرفته‌اند و در اکثر موارد به بررسی شاخص‌های زیست پذیری و مطالعه تطبیقی آن‌ها به صورت مطالعه موردی عمدتاً در تهران پرداخته شده است (موسوی نور و همکارانش، ۱۳۹۶؛ شعبان زاده و همکاران ۱۳۹۷). در این پژوهش ضمن مطالعه مجدد سایر منابع، به شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست پذیری محلات مناطق ۱، ۵ و ۸ شهرداری اصفهان پرداخته شده است. سوال اصلی پژوهش این است که شاخص‌های مؤثر در زیست پذیری محلات شهر اصفهان کدامند؟ وضعیت محلات شهر اصفهان از لحاظ شاخص شهر زیست پذیر چگونه است؟ و تا چه حد بین محلات شهری از لحاظ شاخص زیست پذیری تفاوت وجود دارد؟

۲. روش شناسی

رویکرد حاکم بر پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی - تحلیلی است که با ترکیبی از روش‌های تحقیق کیفی و کمی انجام گرفته است. در بخش کیفی با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای در ابتدا شاخص‌های مؤثر بر زیست پذیری شهری از مروری بر متون خارجی و داخلی مربوط به موضوع استخراج شده و سپس بر اساس شرایط مناطق شهری هدف مطالعه و در راستای استفاده از شاخص‌های مناسب برای رسیدن به حداکثر نتیجه با روش همپوشانی، شاخص‌های نهایی به دست آمده است. پس از مطالعه‌ی شاخص‌ها بر اساس دیدگاه نظریه پردازان و سپس شاخص‌های استخراجی از ترکیب ۶۵ گویه در نهایت ۱۲ شاخص مورد توجه قرار گرفته است. در جدول ۲ به بیان جزئیات شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و گویه‌ها پرداخته شده است. در بخش کمی تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی برای اجرای پژوهش استفاده شد. گردآوری اطلاعات با استفاده از ابزار پرسشنامه (آنلاین و رودرو) و مصاحبه با ساکنین و مطالعه‌ی داده‌های ثانویه صورت گرفته است.

قلمرو مکانی این پژوهش شهر اصفهان که در سال ۹۷-۱۳۹۶ مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصفهان بعد از تهران و مشهد سومین شهر بزرگ ایران است که مساحت این شهر معادل ۵۵۰ کیلومتر مربع است. جامعه‌ی آماری در سال ۱۳۹۵ شامل ساکنان مناطق ۱۵ گانه‌ی شهر اصفهان است که جمعیتی معادل ۱۹۶۱۲۶۰ نفر بوده‌اند، برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. تعداد ۳۹۴ پرسشنامه تکمیل گردیده است. در این مقاله از ۱۵ منطقه ۳ منطقه به عنوان نمونه انتخاب شده سپس از هر منطقه دو محله مورد توجه قرار گرفته است که انتخاب این مناطق با توجه به تقسیم‌بندی شهر به سه قسمت شمال، مرکز و جنوب صورت گرفته است (شکل ۱).



شکل ۱. محدوده‌ی مورد مطالعه

برای پرسشنامه از تکنیک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای استفاده گردید. جهت تعیین میزان اعتبار ابزار اندازه‌گیری از روایی صوری استفاده شد که درواقع پرسشنامه با نظر متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. برای محاسبه پایایی گویه‌ها، از روش آلفای کرون باخ^۱ استفاده شده است. ضریب پایایی برای هریک از شاخص‌ها، بالای ۰/۷ به دست آمده است و نشان‌دهنده‌ی ارتباط و سازگاری درونی آن‌هاست که مطلوب و قابل قبول تلقی می‌شود. به منظور تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها برای شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری مناطق شهری از روش تحلیل عاملی تأییدی^۲ در این مطالعه

1. Cronbach's alpha

2. Confirmatory factor analysis (CFA)

استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه شامل ۶۷ مورد است، با خلاصه کردن سؤالات می توان شاخص ها کلی شهر زیست پذیر را به دست آورد تا بتوان بر اساس آن بیشترین تأثیرگذاری شاخص ها را موردبررسی قرارداد. برای انجام تحلیل عاملی، ابتدا باید از این مسئله اطمینان حاصل شود که می توان داده های موجود را برای تحلیل مورد استفاده قرارداد. بدین منظور از شاخص کایزر مییر اولکین^۱ و آزمون بارتلت^۲ استفاده می شود.

جدول ۱. مقادیر شاخص کایزر مییر اولکین و آزمون بارتلت

آزمون KMO (مقیاس کفایت نمونه برداری)	۰/۸۰۳
تخمین خی دو	۱۵۱۵/۲۹۴
آزمون کروییت بارتلت	۶۶
سطح معناداری	۰/۰۰۰

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۸)

اگر مقدار این آماره بیش از ۰/۷۰ درصد باشد، داده ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. (کلانتری، ۱۳۸۶، ص ۲۸۶) که با توجه به جدول ۱ مقدار شاخص KMO برابر با ۰/۸۰۳ است. از آنجاکه این مقدار به یک نزدیک است می توان گفت که نتایج قابل اتکا هستند. همچنین مقدار سطح معنی داری آزمون بارتلت (۰/۰۰۰)، کمتر از ۰/۰۵ است که نشان می دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی مناسب است، زیرا فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می شود (مؤمنی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۴).

۳. یافته ها

۱.۳. متغیرهای جمعیت شناختی

در بررسی نمونه مورد مطالعه (۳۹۴ نفر)، ۲۳۸ نفر (۶۰ درصد) از شهروندان مورد مطالعه زن و ۱۵۶ نفر (۴۰ درصد) مرد بوده اند. ۱۲۳ نفر (۳۲ درصد) از شهروندان مورد پژوهش مجرد و ۲۷۱ نفر (۶۸ درصد) متأهل بوده اند. از بین شهروندان مورد مطالعه (۳۹۴ نفر) ۳۵ نفر بین ۱۵-۲۰ سال سن، ۱۳۸ نفر بین ۲۱-۳۰ سال، ۱۵۸ نفر بین ۳۱-۴۵ سال سن، ۴۹ نفر بین ۴۶-۶۰ سال و ۱۴ نفر نیز بالای ۶۰ سال سن داشته اند. از لحاظ میزان تحصیلات ۴۶ درصد نمونه مورد مطالعه دارای تحصیلات دیپلم و زیر دیپلم و ۵۴ درصد از آنها مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر می باشند. در زیر (جدول ۲) ویژگی های جمعیتی محلات مورد مطالعه به تفکیک جنسیت، تأهل، سن و تحصیلات آورده شده است.

1. Kaiser-Meyer- Olkin Measure of Sampling Adequacy

2. Bartlett's Test of Sphericity

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت شناختی پژوهش

محل	جنسیت به درصد	تأهل به درصد	سن به درصد	تحصیلات به درصد
درب کوشک	زن ۶۲/۸ مرد ۳۷/۲	مجرد ۲۰/۵ متأهل ۷۹/۵	۵/۱ بین ۲۰-۱۵	۱/۳ بی‌سواد
			۲۴/۴ بین ۳۰-۲۱	۹/۰ زیر دیپلم
			۳۹/۷ بین ۴۵-۳۱	۳۵/۹ دیپلم و فوق‌دیپلم
			۲۳/۱ بین ۶۰-۴۶	۵۳/۸ لیسانس و بالاتر
			۷/۷ بیشتر از ۶۰	
عباس‌آباد	زن ۴۹ مرد ۵۱	مجرد ۳۵/۳ متأهل ۶۴/۷	۲ بین ۲۰-۱۵	۱۱/۸ زیر دیپلم
			۳۷/۳ بین ۳۰-۲۱	۴۵/۱ دیپلم و فوق‌دیپلم
			۴۱/۲ بین ۴۵-۳۱	۴۳/۱ لیسانس و بالاتر
			۱۳/۷ بین ۶۰-۴۶	
			۵/۹ بیشتر از ۶۰	
جلفا	زن ۶۵/۸ مرد ۳۴/۲	مجرد ۳۱/۵ متأهل ۶۸/۵	۵/۵ بین ۲۰-۱۵	۱/۴ بی‌سواد
			۴۲/۵ بین ۳۰-۲۱	۵/۵ زیر دیپلم
			۴۳/۸ بین ۴۵-۳۱	۳۵/۶ دیپلم و فوق‌دیپلم
			۵/۵ بین ۶۰-۴۶	۵۷/۵ لیسانس و بالاتر
			۲/۷ بیشتر از ۶۰	
سیچان	زن ۵۹/۷ مرد ۴۰/۳	مجرد ۳۲/۳ متأهل ۶۷/۷	۱۲/۹ بین ۲۰-۱۵	۱۱/۳ زیر دیپلم
			۳۸/۷ بین ۳۰-۲۱	۲۹/۰ دیپلم و فوق‌دیپلم
			۳۵/۵ بین ۴۵-۳۱	۵۹/۷ لیسانس و بالاتر
			۹/۷ بین ۶۰-۴۶	
			۳/۲ بیشتر از ۶۰	
رمندگان	زن ۶۸/۹ مرد ۳۱/۱	مجرد ۳۷/۷ متأهل ۶۲/۳	۱۳/۱ بین ۲۰-۱۵	۳/۳ بی‌سواد
			۳۲/۸ بین ۳۰-۲۱	۴/۹ زیر دیپلم
			۳۹/۳ بین ۴۵-۳۱	۲۷/۹ دیپلم و فوق‌دیپلم
			۱۳/۱ بین ۶۰-۴۶	۶۳/۹ لیسانس و بالاتر
			۱/۶ بیشتر از ۶۰	
خانه اصفهان	زن ۵۳/۶ مرد ۴۶/۴	مجرد ۳۳/۳ متأهل ۶۶/۷	۱۴/۵ بین ۲۰-۱۵	۱۴/۵ زیر دیپلم
			۳۶/۲ بین ۳۰-۲۱	۴۰/۶ دیپلم و فوق‌دیپلم
			۴۰/۶ بین ۴۵-۳۱	۴۴/۹ لیسانس و بالاتر
			۸/۷ بین ۶۰-۴۶	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۲.۳. تحلیل یافته‌ها

-تشکیل ماتریس داده‌های پژوهش

اولین گام در روش تحلیل عاملی، بعد از استخراج معیارها و شاخص‌های موردنظر از متون معتبر مربوطه، تشکیل ماتریس اولیه اطلاعات است. (تقوایی، کیومرثی، ۱۳۹۱، ص. ۸۱) در این مقاله، ماتریسی دارای ۶ منطقه‌ی شهری به‌عنوان ردیف‌های ماتریس و ۱۲ شاخص زیست‌پذیری به‌عنوان ستون‌های ماتریس، به‌عنوان ماتریس اولیه اطلاعات تشکیل گردیده است.

-بررسی واریانس شاخص‌های پژوهش

در این قسمت جدول ۳ نشان‌دهنده‌ی واریانس تبیین شده است که در آن درصد واریانس شاخص‌ها بیان می‌شود که شامل سه قسمت است که قسمت اول مربوط به مقادیر ویژه است. قسمت دوم مربوط به مقدار ویژه عوامل استخراجی بدون چرخش است و قسمت سوم نشان‌دهنده مقدار ویژه عوامل استخراجی با چرخش است؛ که در اینجا عوامل ۱، ۲، ۳، ۴، یعنی امنیت، هویت، مشارکت و امکانات آموزشی دارای مقدار ویژه بزرگ‌تر از ۱ هستند و در تحلیل باقی می‌مانند این ۴ عامل تقریباً ۷۲ درصد از تغییرپذیری متغیرها را توضیح دهند؛ که این مقدار در عامل اول ۴/۶۹ و در مورد چهارم ۱/۰۱ بوده است. واریانس تجمعی تبیین شده توسط عوامل مربوط به مناطق مورد مطالعه ۷۱/۴۵ که بیانگر آن است که عوامل مربوطه به‌طور زیادی به موضوع زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱، ۵ و ۸ شهر اصفهان مربوط بوده و حدوداً ۷۲ درصد زیست‌پذیری را بیانگر هستند که بر اساس ماهیت شهری دقت بالایی را نشان می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که عامل زیست‌پذیری به‌صورت مستقل بیش از ۱۰ درصد واریانس را تبیین می‌نماید تا جایی که مقدار این موضوع در عامل اول تقریباً ۲۴ درصد بوده و نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل زیست‌پذیری شهری در این عامل نهفته است و حدود یک‌سوم زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱، ۵، ۸ در ارتباط با این عامل بوده است. همچنین این مقدار در عامل دوم ۲۰ درصد بوده است و در عامل سوم ۱۵ درصد به‌طوری‌که واریانس تجمعی عامل اول و دوم و سوم ۶۰ درصد است. به عبارتی سه عامل اول در کنار یکدیگر بیش از نیمی از زیست‌پذیری شهری را تبیین می‌نمایند. این ویژگی چرخش واریماکس^۱ است که تغییرات را میان عامل‌ها به شکل یکنواخت توزیع می‌کند.

جدول ۳. مجموع واریانس‌های تبیین شده عوامل مؤثر بر شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری

عوامل	مقدار ویژه			مقادیر ویژه عوامل استخراجی بدون چرخش			مقدار ویژه عوامل استخراجی با چرخش		
	کل	درصد واریانس	فراوانی تجمعی عامل‌ها	کل	درصد واریانس	فراوانی تجمعی عامل‌ها	کل	درصد واریانس	فراوانی تجمعی عامل‌ها
۱	۴/۶۹۲	۳۹/۰۹۸	۳۹/۰۹۸	۴/۶۹۲	۳۹/۰۹۸	۳۹/۰۹۸	۲/۸۰۸	۲۳/۴۰۳	۲۳/۴۰۳
۲	۱/۵۵۹	۱۲/۹۹۲	۵۲/۰۹۰	۱/۵۵۹	۱۲/۹۹۲	۵۲/۰۹۰	۲/۳۹۴	۱۹/۹۴۷	۴۳/۳۴۹
۳	۱/۳۱۰	۱۰/۹۲۰	۶۳/۰۱۰	۱/۳۱۰	۱۰/۹۲۰	۶۳/۰۱۰	۱/۸۴۹	۱۵/۴۰۵	۵۸/۷۵۴
۴	۱/۰۱۳	۸/۴۴۱	۷۱/۴۵۱	۱/۰۱۳	۸/۴۴۱	۷۱/۴۵۱	۱/۵۲۴	۱۲/۶۹۷	۷۱/۴۵۱

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

-محاسبه ماتریس عاملی دوران یافته و نام‌گذاری عامل‌ها

کلیه‌ی معیارهای موردبررسی در چهار دسته خلاصه‌شده‌اند در جدول ۴ می‌توان به تفسیر و نام‌های عوامل

مربوطه پرداخت:

جدول ۴. ماتریس عاملی دوران یافته

ماتریس عاملی چرخش یافته نهایی بعد از ۷ تکرار دوران واریماکس				
شاخص‌های شهر زیست‌پذیر	عوامل زیست‌پذیری			
	۱	۲	۳	۴
امنیت			۰/۸۲۶	
هویت			۰/۸۱۷	
مشارکت		۰/۵۱۷	۰/۵۱۵	
امکانات آموزشی		۰/۷۱۶		
امکانات درمانی		۰/۸۴۳		
امکانات و زیرساخت‌ها		۰/۷۵۶		
حمل و نقل				۰/۷۸۹
مسکن	۰/۸۱۰			
اقتصاد و اشتغال	۰/۸۶۰			
تفریحات و اوقات فراغت	۰/۶۲۴			
پیاده‌مداری	۰/۶۰۴			
آلودگی	۰/۶۴۳			
Extraction Method: Principal Component Analysis. Rotation Method: Varimax With Kaiser Normalization. Rotation Converged in 7 iterations.				

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

عامل اول؛ این عامل ۲۳/۴۰ واریانس کل را تبیین می‌نماید و با شاخص‌های مسکن، اقتصاد و اشتغال، تفریحات و اوقات فراغت، پیاده‌مداری و آلودگی در ارتباط نزدیک است. بر این اساس با در نظر گرفتن مؤلفه‌های موجود در هر شاخص و توجه به میزان رضایت کلی از هر کدام از این شاخص‌ها می‌توان عامل اول را تحت عنوان **رضایتمندی از محل سکونت** نام‌گذاری کرد. می‌توان این‌طور گفت که وجود مسکن مناسب، توانایی اقتصادی، کیفیت پیاده‌روها و عدم آلودگی محیطی منجر به افزایش رضایت کلی می‌گردد زیرا این شاخص‌ها دارای جوهری مشترک‌اند و نسبت به هم وابسته‌اند.

عامل دوم؛ این عامل ۱۹/۹۴ واریانس کل را تبیین می‌نماید و با شاخص‌های مشارکت و گفتگو، خدمات آموزشی، خدمات درمانی، امکانات و زیرساخت‌ها در ارتباط نزدیک است. بر این اساس می‌توان عامل دوم را تحت عنوان **برخورداري از امکانات نام‌گذاری نمود.**

عامل سوم؛ این عامل ۱۵/۴۰ واریانس کل را تبیین می‌نماید و با شاخص‌های امنیت و هویت و حس تعلق در ارتباط است. بر این اساس می‌توان عامل سوم را تحت عنوان **انسجام و هویت اجتماعی** نام‌گذاری نمود.

عامل چهارم؛ این عامل با ۱۲/۷۰ واریانس کل را تبیین می‌کند و با شاخص حمل‌ونقل عمومی مرتبط است که تحت عنوان کیفیت سیستم حمل‌ونقل نام‌گذاری نمود.

در این مقاله، هر عامل، مستقل از سایر عامل‌ها در نظر گرفته شده است و درواقع همانند بسیاری از مطالعات شهری و منطقه‌ای از چرخش واریماکس یا عامل‌های متعامد^۱ استفاده شده، زیرا این روش جداسازی عامل‌ها را به‌طور شفاف‌تر و واضح‌تر نشان می‌دهد.

رتبه‌بندی محلات بر اساس امتیازات عاملی

در این مرحله به محاسبه‌ی ماتریس امتیازات عاملی پرداخته می‌شود که می‌توان از آن به‌عنوان مهم‌ترین مرحله تحلیل عاملی برای شناسایی محلات زیست پذیر شهری یادکرد. به عبارت دیگر این مطالعه بر آن است که عوامل زیست پذیری را در محلات مورد مطالعه شهر اصفهان شناسایی کند. بدین ترتیب، ماتریسی محاسبه می‌گردد که دارای ۴ ستون و ۶ ردیف است. امتیاز عاملی محلات شهری، وزن عددی است که هریک از محله‌ها پس از ضرب وزن عاملی در مقدار شاخص استاندارد شده (Z^2) به دست می‌آید؛ و در این ماتریس، امتیاز هر محله به تفکیک هر عامل زیست پذیری مشخص می‌گردد. به‌عنوان مثال امتیاز عامل اول که تحت عنوان رضایتمندی از محل سکونت

1. Orthogonal Factors

2. $Z = \frac{X - \mu}{\delta}$

Z برابر نمره (نمره معیار) است.

X مقداری است که باید استاندارد شود.

μ برابر میانگین است.

σ و برابر با انحراف معیار است.

نام‌گذاری گردید، برابر است با ۰/۰۹۴ و امتیاز همان محله یعنی درب کوشک از عوامل دوم برابر با ۰/۳۷۸ و به همین منوال ادامه دارد. در ادامه محلات مورد بررسی رتبه‌بندی نهایی گردیده و بالاترین نمره، بالاترین رتبه را کسب نموده و به عنوان بهترین محله شناخته می‌شود؛ که در پژوهش حاضر محله جلفا با امتیاز ۲/۶۶ به عنوان بهترین محله از لحاظ زیست‌پذیری انتخاب شده است.

جدول ۵. امتیازات عاملی به تفکیک هر محله

رتبه	جمع کل	کیفیت سیستم حمل و نقل	انسجام و هویت اجتماعی	برخورداری از امکانات	رضایتمندی از محل سکونت	محله
۳	۰/۷۰۰۹۷۴۴۵	-۰/۱۶۰۵۵۳۶۱	۰/۳۸۸۴۸۸۰۵	۰/۳۷۸۳۸۵۵۴	۰/۰۹۴۶۷۱۴۵۶	درب کوشک
۶	-۰/۵۰۴۹۴۳۵۸۶	-۰/۰۲۵۶۸۹۸۴	-۰/۶۳۲۴۸۵۶۲۸	۰/۱۶۶۳۳۸۱۷۹	۰/۰۳۶۸۹۳۷۰۳	عباس‌آباد
۱	۲/۲۶۶۸۵۴۴۶۸	۰/۷۱۲۸۵۷۵۵۵	۰/۴۲۹۶۹۳۴۶۸	۰/۳۰۵۰۶۰۴۱۵	۰/۸۱۹۲۴۳۰۳	جلفا
۵	-۰/۱۶۷۵۹۹۵۳۹	۰/۵۲۰۱۹۵۵۹	-۰/۵۰۸۸۷۱۴۸۵	۰/۲۸۴۴۵۶۹۰۸	-۰/۴۶۳۳۸۰۵۵۱	سیچان
۲	۱/۶۵۹۳۲۴۶۳۳	۰/۱۰۹۱۷۷۸۷۵	۰/۵۶۷۷۲۵۰۳	۰/۵۶۶۴۴۶۲۱۵	۰/۴۱۵۹۷۸۰۴	رزمندگان
۴	۰/۲۴۷۴۶۷۲۷۴	۰/۲۷۶۱۵۳۹۴۵	-۰/۳۱۸۱۲۹۷۸۵	۰/۰۹۴۲۳۱۸۴۵	۰/۱۹۵۲۱۱۲۶۹	خانه اصفهان

- سطح‌بندی محلات

به منظور سطح‌بندی محله‌ها با توجه به میزان زیست‌پذیری، می‌توان از روش‌های مختلف دسته‌بندی استفاده نمود. در پژوهش حاضر به منظور تعیین فاصله‌ی طبقات، اختلاف بین بزرگ‌ترین امتیاز یعنی ۲/۶۶ و کوچک‌ترین امتیاز یعنی ۰/۵۰ را بر تعداد طبقات مورد نظر تقسیم شده است؛ بنابراین:

$$\frac{2.77}{3} = 0.923$$

جدول ۶. سطح‌بندی محلات از نظر زیست‌پذیری

ردیف	سطح زیست‌پذیری	دامنه‌ی طبقه	محله‌ها
۱	نسبتاً کم	۰/۵۰۴ تا ۰/۴۱۹	سیچان، عباس‌آباد، خانه اصفهان
۲	نسبتاً متوسط	۰/۴۲۰ تا ۱/۳۴۳	درب کوشک
۳	نسبتاً زیاد	۲/۲۶۷ تا ۱/۳۴۴	رزمندگان، جلفا

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

۴. بحث

پژوهش حاضر، به منظور شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری محلات شهری بر روی ۳ منطقه از شهر اصفهان که انتخاب این مناطق با توجه به تقسیم‌بندی شهر به سه قسمت شمال، مرکز و جنوب صورت گرفته است.

با استفاده از تحلیل عاملی هرکدام از شاخص‌ها موردبررسی قرار گرفته‌اند و یافته‌ها حاکی از این است که بین مناطق شهری اصفهان از نظر زیست پذیری تفاوت وجود دارد و وضعیت زیست پذیری محلات به‌غیر از محلات جلفا و رزمندگان نامطلوب است. نتیجه به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش‌های پیشین همچون پیری، فراهانی (۱۴۰۰) غیره همسو بوده و میزان تفاوت در زیست پذیری مناطق شهری را نشان می‌دهد. می‌توان این‌طور تبیین نمود که عدم مدیریت شهری، کم‌توجهی به عوامل مؤثر بر بهبود زیست پذیری و بی‌توجهی به عوامل مؤثر در کیفیت زندگی باعث دست‌یابی به چنین نتیجه‌ای می‌شود. اولین یافته‌ای که از پژوهش حاضر به دست آمد، این بود که بین مناطق شهری اصفهان از نظر زیست پذیری تفاوت وجود دارد. همان‌طور که مروری بر متون و ادبیات پژوهش نشان داد تأکید مطالعات انجام‌گرفته بر روی محلات یا مناطق زیست پذیر است بر اساس مطالعات شیائویی، پولونی (۲۰۱۷)، وزلی (۲۰۱۸) و براوو (۲۰۱۹) که در بخش مبانی نظری اشاره گردید، شناسایی وضعیت محلات یا مناطق در افزایش زیست پذیری به‌عنوان مبحثی هدایت‌کننده تأثیر فراوانی دارد. علاوه بر این نتایج مطالعات دویران (۱۳۹۹)، جانباز قبادی (۱۳۹۸) و نیک پور (۱۳۹۹)، نشان می‌دهد شاخص‌های زیست پذیری با یکدیگر در ارتباط بوده و نسبت به یکدیگر اثرگذار و اثرپذیر می‌باشند از این‌رو ضرورت بررسی اثرگذاری شاخص‌های زیست پذیری امری اجتناب‌ناپذیر است، این در حالی است که در اکثر این تحقیقات به بررسی یک یا چند شاخص زیست پذیری برای یک محله یا منطقه پرداخته‌شده است. ولی در تحقیق حاضر تلاش شده تا با شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست پذیری مناطق شهری اصفهان، وضعیت زیست پذیری محلات منتخب (رزمندگان و خانه اصفهان، درب کوشک و عباس‌آباد، سیچان و جلفا)، موردبررسی و درنهایت با سطح اطمینان ۹۵٪ این نمونه قابل تعمیم به کل شهر اصفهان است. نتایج حاصل نشان‌دهنده‌ی این است که بین مناطق شهری اصفهان از نظر زیست پذیری تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح‌بندی انجام‌گرفته، محلات جلفا و رزمندگان دارای بیشترین سطح زیست پذیری هستند که می‌توان این‌طور بیان کرد که علت قرارگیری این دو محله در یک طبقه مشابهت‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی آن‌هاست زیرا ساکنان این دو محله به‌طور نسبی از کیفیت سیستم حمل‌ونقل، انسجام و هویت اجتماعی، برخورداری از امکانات و رضایت‌مندی از محل سکونت خود راضی بوده‌اند. محله‌ی درب کوشک با توجه به قرارگیری در مرکز شهر و مواجهه با مسائل اقتصادی و فرهنگی و کالبدی دارای سطح زیست پذیری متوسط است بیشترین نارضایتی در این محله مربوط به عدم کیفیت سیستم حمل‌ونقل بوده است. محلات سیچان، عباس‌آباد و خانه اصفهان در پایین‌ترین سطح زیست پذیری جای گرفته‌اند و اولین اولویت توجه را به خود اختصاص داده‌اند. شاید خلاف تصور باشد که عباس‌آباد یا سیچان این جایگاه را به دست آورده باشد ولی با کمی تأمل و بررسی دقیق‌تر می‌توان دریافت که این محلات از نظر شاخص‌های حمل‌ونقل عمومی، پیاده‌مداری، تفریحات و مشارکت و حتی هویت، امتیازات منفی و پایینی را به دست آورده است. می‌توان گفت که در حالت کلی ۳ منطقه مطرح‌شده، ۶ محله‌ی موردبررسی و به‌تبع آن شهر اصفهان از قابلیت زیست پذیری مناسبی برخوردار نیست. باید در نظر داشت که این پژوهش، بر روی ۳ منطقه از شهر اصفهان که انتخاب این مناطق با توجه به تقسیم‌بندی شهر به سه قسمت شمال، مرکز و جنوب صورت

گرفته است ولی توجهی به مشابهت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی نشده که این امر دقت تعمیم به کل شهر را پایین می‌آورد. علاوه بر این در صورت داشتن حجم نمونه‌ی بزرگ‌تر، احتمال می‌دهیم که نتایج دقیق‌تری به دست می‌آید، با توجه به این موارد برای انجام مطالعات آتی باید از چنین محدودیت‌هایی اجتناب کرد.

۵. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری محلات مناطق ۱، ۵ و ۸ شهرداری اصفهان پرداخته شد. این پژوهش با هدف کاربرد تحلیل عاملی در شناسایی شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری محلات شهری انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین مناطق شهری اصفهان از نظر زیست‌پذیری تفاوت وجود دارد. با توجه به سطح‌بندی انجام‌گرفته، محله جلفا با امتیاز ۲/۶۶ به‌عنوان بهترین محله از لحاظ زیست‌پذیری انتخاب‌شده است و پس از آن محله رزمندگان دارای بیشترین سطح زیست‌پذیری است. بر اساس نتایج تحلیل عاملی، در راستای بررسی بیشترین تأثیرگذاری شاخص‌های مؤثر در زیست‌پذیری مناطق ۱، ۵ و ۸ شهرداری اصفهان پیشنهادهایی به‌منظور گسترش سطح زیست‌پذیری و رفع کمبودها بدین شرح ارائه می‌شود:

- به‌منظور افزایش عامل رضایتمندی از محل سکونت، باید برنامه‌ریزی جهت تأمین مسکن، متناسب با تقاضای آن در محلات صورت گیرد و به ایجاد فرصت‌های شغلی و اعطای تسهیلات ویژه جهت راه‌اندازی کسب‌وکارهای منطبق با شرایط محلات بپردازیم علاوه بر این برنامه‌ریزی به جهت ایجاد فضاهای پیاده‌روی و افزایش مسیرهای تردد پیاده‌مدار، موجب کاهش حجم تردد اتومبیل‌ها و در نتیجه کاهش مصرف سوخت‌های تجدید ناپذیر و کاهش انواع آلودگی‌ها اعم از آلودگی هوا و آلودگی‌های صوتی خواهد شد. همچنین ایجاد فضاهای سبز شهری و افزایش مبلمان مناسب در محدوده پیاده‌راه‌ها می‌تواند به گذران اوقات فراغت کمک شایانی کند؛ و در نتیجه باعث افزایش رضایتمندی از زندگی و افزایش زیست‌پذیری شهری گردد. در نظر گرفتن تمامی موارد ذکرشده در محله سیچان در اولویت قرار دارد.

- ارتقای زیرساخت‌های آموزشی و درمانی، گسترش دسترسی به فناوری‌های ارتباطی و تکمیل و توسعه‌ی زیرساخت‌های فناوری که خود باعث افزایش مشارکت اجتماعی و همکاری بین مسئولین مربوطه و مردم می‌گردد همگی عواملی مؤثر برای برخورداری از امکانات و افزایش زیست‌پذیری شهری است.

- حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌ویش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، پس توجه به ویژگی‌های ساکنین هر محله و مکانی که در آن سکونت دارند باعث افزایش هویت و گسترش مفاهیم فرهنگی می‌گردد. به‌منظور توسعه‌ی انسجام و هویت اجتماعی، علاوه بر عوامل ذکرشده، توجه به امنیت و ایجاد گشت پلیس و نظارت موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش انسجام اجتماعی می‌گردد. اولویت قرار دادن محلات عباس‌آباد، سیچان و خانه اصفهان به‌منظور افزایش امنیت، هویت و حس تعلق امری لازم محسوب می‌شود.

- به جهت ارتقای کیفیت سیستم حمل و نقل، ایجاد شبکه‌ی حمل و نقل عمومی درون شهری یکپارچه، به‌ویژه در محلات عباس‌آباد و درب کوشک امری ضروری برای افزایش زیست پذیری در این محلات است.

تقدیر و تشکر

این مقاله از پایان‌نامه‌ی دوره دکترای تخصصی رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و دفاع شده در دانشکده ادبیات دانشگاه نجف‌آباد استخراج شده است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند مراتب تشکر صمیمانه‌ی خود را از مسئولان پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه نجف‌آباد و هیئت‌دوران پایان‌نامه که ما را در انجام و ارتقا کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تضاد منافع

این‌جانب ریحانه مهره کش به همراه سایر نویسندگان حمید صابری، بهه مجله‌ی توسعه و فضای شهری تعهد می‌دهیم که مقاله‌ی حاضر تضاد منافع ندارد و پیش‌ازین در جای دیگری برای چاپ ثبت نشده و نخواهد شد.

کتاب‌نامه

۱. برزگر، ص؛ حیدری، ت؛ و انبارلو، ع. (۱۳۹۸). تحلیل سکونتگاه‌های غیررسمی با رویکرد زیست پذیری. فصلنامه برنامه ریزی منطقه‌ای، ۹(۳۳)، ۱۳۷-۱۵۲.
۲. بندر آباد، ع. (۱۳۹۰). شهر زیست پذیراز مبانی تا معنا. چاپ اول. تهران: انتشارات آذرخش.
۳. پیری، ف.، و ملکی، س. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر زیست پذیری شهری با رویکرد مدل‌سازی ساختاری - تفسیری ISM نمونه موردی: شهر ایلام. جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱(۳۶)، ۵۳-۸۷.
۴. تقوایی، م.، و کبومرثی، ح. (۱۳۹۱). کاربرد تکنیک‌ها و مدل‌های برنامه ریزی و مدیریت توریسم. چاپ اول. اصفهان: انتشارات معظمی.
۵. جانباز قبادی، غ.، و نجاتی جوارمی، م. (۱۳۹۸). سنجش سطح زیست پذیری شهرها با رویکرد زیست محیطی جهت تحقق بخشی توسعه پایدار (نمونه موردی: شهر ساری). پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، ۲(۲۲)، ۷۷-۱۰۸.
۶. حاجی نژاد، ع.، رفیعیان، م.، و زمانی، ح. (۱۳۹۰). بررسی و رتبه بندی عوامل مؤثر بر میزان رضایت مندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی (مطالعه موردی: مقایسه بافت قدیم و جدید شهر شیراز). پژوهشهای جغرافیایی انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، ۱۷(۴۳)، ۱۴۳-۱۲۹.
۷. خراسانی، م.، رضوانی، م.، و مولایی قلیچی، م. (۱۳۹۴). تحلیل تاثیر متغیرهای فردی بر ادراک از زیست پذیری در روستاهای پیرامون شهر. فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۲۵، ۱۵۹-۱۸۲.
۸. خزاعی نژاد، ف.، سلیمانی مهرنجانی، م.، تولایی، س.، و رفیعیان، م. (۱۳۹۵). زیست پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها. پژوهش‌های جغرافیایی برنامه ریزی شهری، ۴(۱)، ۵۰-۲۷.

۹. دویران، ا. (۱۳۹۹). سنجش زیست‌پذیری بافت‌های شهری با تأکید بر پایداری اجتماعی (مطالعه موردی: محلات اسکان غیررسمی شهر همدان). *جغرافیای اجتماعی شهری*، ۶۴-۴۸.
۱۰. رضوانی، ع. (۱۳۹۵). روح شهر. *فصلنامه معماری سبز*، ۲(۴)، ۷۹-۵۵.
۱۱. شعبان زاده، ر.، مشکینی، و. ا. و رکن‌الدین افتخاری، ع. (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی شاخص‌های زیست‌پذیری مناطق شهری تهران، *مجله بین‌المللی توسعه پایدار شهری*، ۱۱(۶۴)، ۲۰-۱.
۱۲. صاحبی، م.، فراهانی، م. و مطهری، س. (۱۴۰۰). بررسی وضعیت زیست‌پذیری شهری در مناطق شهری از دیدگاه شهروندان (مطالعه موردی: مناطق هشت‌گانه کلان‌شهر کرمانشاه). *فصلنامه علمی-پژوهشی کارافن*، ۱۸(۱)، ۷۵-۵۹.
۱۳. کلانتری، خ. (۱۳۸۵). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی*. نوبت چاپ دوم، تهران: چاپ شریف.
۱۴. موسوی نور، ع.، وارثی، ح. و محمدی، ج. (۱۳۹۶). ارائه الگوی ترکیبی زیست‌پذیری کلانشهر تهران بر اساس شاخص‌های زیرساختی. *فصلنامه جغرافیا*، ۱۵(۵۳)، ۱۸۱-۲۰۴.
۱۵. مومنی، م. و فعال قیومی، ع. (۱۳۸۶). *تحلیل داده‌های آماری با استفاده از اس پی اس اس*. چاپ اول، تهران: انتشارات کتاب نو.
۱۶. نیک‌پور، ع. و یاراحمدی، م. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری در شهر نورآباد ممسنی. *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۷(۲۳)، ۷-۲۷.

17. Blassingame, L. (1998). Sustainable cities: Oxymoron, utopia, or inevitability? *Social Science Journal*, 35, 1-13.
18. Carolyn, M.A., & Wesley, M. (2018). Livable streets, livable arterials? Characteristics of commercial arterial roads associated with neighborhood livability. *Journal of the American Planning Association*. 84(1), 33-44.
19. Elliott, D.L. (2008). A better way to zone: Ten principles to create more livable cities. Washington D.C., USA: Island press.
20. Erickson, J. (2016). Livability and creativity: Civic innovations at the intersection of arts, culture, and planning. Urban and Environmental Policy and Planning. Tufts University. August. Advisor: Barbara Parmenter, PhD. Reader: Jonathan Witten, Esq.
21. Evans, P. (2002). *livable cities? Urban struggles for livelihood and sustainability*. California, USA: university of California press Ltd.
22. Floyd, F.J., & Widaman, K.F. (1995). Factor analysis in the development and refinement of clinical assessment instruments. *Psychological Assessment*, 7(3), 286-299.
23. Hahlweg, D. (1997). The city as a family” in Lennard. S.H., S Von Unger-Sternberg, H.L. Lennard, eds. *Making Cities Livable*. International Making Cities Livable Conferences, California, USA: Godolier Press.
24. Lennard, S.H.C. & Lennard, H.L. (1987). Livable cities: People and places: Social and design principles for the future of the city. California, USA: Godolier Press.
25. MarMartínez-Bravo, Javier, M.R., & Raquel, A.L. (2019). Trade-offs among urban sustainability, pollution and livability in European cities. *Journal of Cleaner Production*, 224, 651-660

26. Mccann, Eugene, J. (2007). Inequality and politics in the creative city- region: Questions of livability and state strategy. *International Journal Of Urban and Regional Research*, 31(1), 188-196.
27. Norris, T., & Pittman, M. (2000). The healthy community's movement and the coalition for healthier cities and communities. *Public Health Reports*, 115, 118-124.
28. Polloni, S. (2017). Traffic calming and neighborhood livability: Evidence from housing prices in Portland. *Regional Science and Urban Economics*, 74, 18-37.
29. Sitluanga, B.L. (2014). Spatial pattern of urban livability in Himalayan Region: A -case of Aizawl City, India. *Social Indicators Research*. 117(2), 541–559.
30. Timmer, V., & Seymoar, N. K. (2005). *Vancouver working group discussion paper, The World Urban Forum 2006*. Vancouver: UN Habitat – International Centre for Sustainable Cities.
31. Veenhoven, R., & Ehrhardt, J. (1995). The cross-national pattern of happiness: Test of predictions implied in three theories of happiness. *Social Indicators Research*, 34(1), 33 68.
32. Woodward, S. (2013). *Material Culture*. Oxford, UK: Oxford Bibliographies in Anthropology
33. Xiao, Y., Wang, J. Huang, H. (2021). Does economic development bring more livability? Evidence from Jiangsu Province, China. *Journal of Cleaner Production*, 293, 12618.

چالش‌های محیط زیست هوشمند در کلانشهر مشهد با استفاده از مدل DPSIR

امید علی خوارزمی (استادیار مدیریت شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

kharazmi@um.ac.ir

مهسا غفوریان (دانش آموخته کارشناسی جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

ma.ghafourian@mail.um.ac.ir

مرضیه صبوری (دانش آموخته کارشناسی جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

msabouri.1998@gmail.com

سیما سردار (دانش آموخته کارشناسی جغرافیا دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

sardar@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

صص ۳۶-۱۷

چکیده

پژوهش حاضر سعی دارد نقش عوامل موثر در پیاده سازی محیط زیست هوشمند در کلانشهر مشهد را در سه بخش میزان تاثیرگذاری در صورت وقوع، احتمال وقوع گزینه در آینده و تشریح وضعیت موجود بررسی کند. روش پژوهش با استفاده از روش ترکیبی چند جانبه و با گردآوری اطلاعات اسنادی و ابزار پرسشنامه و مصاحبه های نیمه ساختاریافته انجام گرفته است و مبنای تحلیل براساس اجزای مدل^۱ DPSIR بوده است. مشارکت کنندگان در این پژوهش شامل ۳۰ نفر از خبرگان در بخش کمی و ۹ نفر از متخصصان در بخش مصاحبه های کیفی که با روش گلوله برفی انتخاب شده اند، بوده است. داده های جمع آوری شده با استفاده از آزمون T-test در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. نتایج نشان میدهد که میزان تاثیرگذاری در صورت وقوع به غیر از بعد مدیریت پسماند در سایر ابعاد شامل مدیریت آب، مدیریت یکپارچه زیست محیطی، زیبا سازی شهری، فرهنگ و هویت، ساختمان هوشمند، مدیریت فاضلاب و توسعه برق سبز بالا بوده است و در احتمال وقوع آینده، گزینه بعد فرهنگ و هویت وضعیت نسبتا مطلوبی را نسبت به سایر ابعاد به خود اختصاص داده است. در تشریح وضعیت موجود شاهد وضعیت نامطلوب محیط زیست هوشمند در کلانشهر مشهد هستیم. در این پژوهش همچنین راهکارهای پیشنهادی جهت رسیدن به وضعیت مطلوب پیشنهاد گردیده است.

کلیدواژه‌ها: چالش‌های محیط زیست، توسعه پایدار، کلانشهر مشهد، محیط زیست هوشمند، مدل DPSIR

۱. مقدمه

شهرها به طور ذاتی با چالش‌های پیچیده و گسترده‌ای از جمله افزایش جمعیت، رشد شتابان شهرنشینی، افزایش مهاجرت و در نتیجه شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های غیررسمی که دارای مشکلات محیط زیستی فراوانی اند مواجهه هستند. از این رو مدیران شهری در سراسر جهان می‌کوشند با دیدگاهی یکپارچه مدل‌ها و رویکردهای نوینی را برای توسعه شهرهای قرن ۲۱ به منظور پاسخگویی به خواسته‌ها و انتظارات جهان امروز ارائه دهند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۷). در این راستا رویکردهایی چون شهرپایدار، شهر بوم گردی، شهرفشرده، شهرخلاق، شهردانش، شهر مقاوم و اخیراً مفهوم شهرهوشمند مطرح شده است (یگیانلار و کامروزامن، ۲۰۱۸). شهر هوشمند به عنوان رویکرد نوینی در مدیریت یکپارچه شهری، ترکیبی از مهارت‌های انسانی، موسسات و سازمان‌های یادگیرنده و فناوری‌های دیجیتال است که تلفیق این سه جزء زمینه استفاده از هوش شهری را برای بسیاری از کارکردهای شهری مانند هوش استراتژیک، اکتساب فناوری و نوآوری را فراهم می‌آورد (محمدی، ۱۳۹۵). از این رو عملیاتی شدن نوآوری‌های هوشمند در بستر مدیریت یکپارچه شهری محقق می‌شود (بذر افشان، خوارزمی و خاکپور، ۱۳۹۸). در ارتباط با شهرهای هوشمند اتحادیه اروپا چندین پروژه سیاستی حول مفهوم شهر هوشمند انجام داده است (کاراگلیو و چیارا، ۲۰۱۸). این اتحادیه ابعاد شهر هوشمند را دولت هوشمند، حمل و نقل هوشمند، انرژی هوشمند، مردم هوشمند و محیط زیست هوشمند معرفی کرده است (کمسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۵). شهرهای هوشمند یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین سناریوها را با هدف توسعه محیط زیست هوشمند ارائه می‌دهند و ماده اصلی توسعه محیط زیست هوشمند اینترنت اشیا می‌باشد که با اتصال حسگرها و محرک‌ها به اینترنت شکل می‌گیرد (گومز و همکاران، ۲۰۱۹). در محیط زیست هوشمند باید تعامل بین سه وظیفه اصلی درک شهروندان، اینترنت اشیا، اقدامات احتمالی دولت‌ها جهت هوشمندسازی محیط زیست سازماندهی شود (فرناندز، الوارز، اورتجا گونزالز، ۲۰۰۹). محیط زیست هوشمند مکانی جذاب و دارای اقتصاد قوی است که ریشه در منابع طبیعی آن دارد (برینزل، پارکاش و آوینش، ۲۰۱۹). باید توجه داشت حفظ کیفیت محیط زیست شهری و تداوم سلامت آن با توسعه پایدار شهری پیوند خورده است (رهنمایی و شاه حسینی، ۱۳۹۲). از این رو در برنامه ریزی شهری رویکرد محیط زیست هوشمند می‌تواند به عنوان رویکرد نوینی که حل‌کننده مشکلات محیط زیستی شهرها باشد مطرح شود. منظور از محیط زیست هوشمند این است که بتوان از فناوری‌های جدید برای حفظ منابع زیست محیطی بهره گرفت. در این رابطه می‌توان از جمله اهداف محیط زیست هوشمند را بهبود شاخص‌های زیست محیطی از طریق مدیریت صحیح منابع، پایداری محیط زیست، کاهش استفاده از انرژی به کمک نوآوری‌های فناوری و تشویق به کاهش مصرف و بازیافت مواد نام برد.

1. Yigieanlar & Kamruzzaman
2. Caragliu & Chiara
3. European Investment Bank Report
4. Gomes
5. Ferannde, Alvarez, Ortega & Gonzalez
6. Brinzel, Prakash & Avinash,

معمولاً برای سنجش کیفیت محیط زیست در جهان شاخص‌هایی را اندازه‌گیری می‌کنند. مهمترین این شاخص‌ها عبارت‌اند از: آلاینده‌ها، انرژی، ساختمان‌ها، حمل و نقل، مدیریت زباله، آب و کیفیت هوا (روزگار و جوانمرد، ۱۳۹۳). اثرات زیست محیطی چون آلودگی هوا و صدا، افزایش گازهای گلخانه‌ای، استفاده از انرژی‌های تجدیدناپذیر و تغییرات اقلیمی سبب شده که هوشمندسازی شهرها با تاکید بر بعد محیط زیست مورد توجه واقع شود و ضرورت توجه به این مهم را تداعی کند (پور احمد، زیاری، حاتمی نژاد و پارسا، ۱۳۹۷).

یکی از مدل‌های مرسوم در حوزه سنجش شاخص‌های محیط زیست شهری، مدل DPSIR می‌باشد که یک مدل میان رشته‌ای است و توانایی برقراری ارتباط میان یافته‌های علمی و مسایل جهان واقعی را دارد و در تصمیم‌گیری‌های مدیریت منابع محیط زیستی استفاده می‌شود. این مدل به نمایندگی از نیروی محرکه، فشار، وضعیت، تاثیرات و پاسخ‌ها، عناصری از چهارچوب تحلیلی وسیع می‌باشد (خطیبی، دانه کار، پوراحمد و وحید، ۱۳۹۴). رویکرد DPSIR با شروع زنجیرهای از پیوندهای علت و معلولی "نیروهای محرکه" (علت) از طریق "فشار" برای مثال (آلاینده‌ها) به تغییر در "وضعیت" (فیزیکی، شیمیایی و زیستی) و در نهایت با توجه به هدف مطالعه، "اثرات" مثبت و منفی را بررسی میکند و در نهایت در اکوسیستم‌ها (ساختار و عملکرد) منجر به "پاسخ‌ها" (خط مشی) می‌شود (شاهی، زبردست، صالحی و صالحی، ۱۳۹۷).

در بررسی پژوهش‌های خارجی برینزل، آواناش و آوینش^۱ در سال ۲۰۱۹ در پژوهشی با عنوان سیستم نظارت بر محیط زیست هوشمند بدین نتیجه رسیدند که جهت کنترل آلودگی هوا باید سیستمی در زمان واقعی به اندازه‌گیری آلاینده‌ها پرداخته و بر محیط زیست هوشمند نظارت داشته باشد. برکلجاسیس، ماجکتیس و تارابیک^۲ در سال ۲۰۱۷ در پژوهشی با عنوان سیستم نظارت هوشمند بر محیط زیست بدین نتیجه رسیده‌اند که با استفاده از سیستم سنجش کیفیت هوا می‌توان آلاینده‌های هوا را همزمان با تشخیص، کنترل نمود. زوو و آوی^۳ در سال ۲۰۱۱ در پژوهشی با عنوان محیط زیست، انرژی و رشد اقتصادی پایدار بدین نتیجه دست یافتند که رشد بلندمدت پیشرفت فناوری نه تنها به کاهش مداوم شدت انرژی در زمینه‌های بهره‌برداری از منابع انرژی و تصفیه کمک کرده است، بلکه به تنظیم ساختار بهینه تبدیل استفاده انرژی غیرقابل تجدید به انرژی‌های تجدیدپذیر منجر شده است.

در بررسی پژوهش‌های داخلی، در سند توسعه محیط زیست کلانشهر مشهد در سال ۱۳۹۷ نتایج نشان می‌دهد که با ورود به برنامه ریزی جامع و تعریف شاخص‌های ملی برای محیط زیست میتوان مجموع‌های از امکانات و استعدادها را به نحوی مطلوب بهره‌برداری نمود تا به جایگاه ترسیم شده در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ دست یافت. مهمترین نکات مطالعات سند محیط زیست شهر مشهد در ابعاد مختلف، شامل وضع موجود و مهم‌ترین راهبردها و اقدامات لازم برای رسیدن به جایگاه مطلوب بیان شده است.

1. Brinzel, Prakash & Avinash
2. Brkljacis, Majectic & Tarabic
3. Zoo & Aui

ستوهیان، حسنی، میراث احمدی و صالحی در سال ۱۳۹۶ در پژوهشی با عنوان محیط زیست شهر و توسعه پایدار در شهرهای هوشمند بدین نتیجه دست یافتند که به موازات تغییر و تحول در شئون اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زندگی بشر قرن حاضر و گسترش محیط زیست شهر چگونه امکان دستیابی به چهارچوب های پایداری در راستای شهری هوشمند عملیاتی و کاربردی می شود. گهواربند در سال ۱۳۹۵ در پژوهشی با عنوان شهر هوشمند، شهر دوستدار محیط زیست بدین نتیجه دست یافته است که پراکنش افقی و بی رویه شهرها منجر به از بین رفتن اجتماعات محلی، افزایش هزینه زیرساخت ها و خدمات شهری، افزایش طول سفرهای شهری، افزایش مصرف انرژی و وابستگی اتوموبیل شده که به کارگیری شهر هوشمند اجتناب ناپذیر است. خطیبی، دانه کار، پوراحمد و وحید در سال ۱۳۹۴ در پژوهشی با عنوان معرفی مدل DPSIR و قابلیت کاربرد آن در تصمیم گیری های محیط زیستی بدین نتیجه رسیده اند که این مدل می تواند اطلاعات متنوع درباره محیط زیست را طبقه بندی کند تا پاسخ های احتمالی را در اختیار سیاست گذاران قرار دهد.

در بررسی مبانی نظری پژوهش تعاریف و اهداف شهر هوشمند و محیط زیست هوشمند بیان شده است. در شهرهوشمند، سه لایه باهم کار میکنند تا یک شهر هوشمند را ایجاد کنند: اول پایگاه فناوری که شامل یک توده حیاتی تلفن های هوشمند و سنسورهای متصل به شبکه های ارتباطی است. لایه دوم از برنامه خاص تشکیل شده است، ترجمه داده های خام به هشدار در چند حوزه امنیت، تحرک، بهداشت، انرژی، آب، زباله، توسعه اقتصادی و مسکن و تعامل و جامعه. لایه سوم استفاده عمومی است، بسیاری از برنامه ها تنها در صورتی موفق می شوند که به طور گسترده پذیرفته شده باشند و بتوانند رفتارها را تغییر دهند (مکینسی و کمپانی^۱، ۲۰۱۸). یک شهر هوشمند یک منطقه جغرافیایی با تراکم بالا جمعیت است که از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای اتصال و نظارت بر خدمات زیرساختی حیاتی با هدف بهبود کارایی و پایداری زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی و هم چنین کیفیت زندگی شهروندان با سرمایه گذاری در زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و مدیریت عاقلانه منابع استفاده می کند (تربلمیر، رجاب و استرینگر^۲، ۲۰۲۰).

برنامه های پروژه محیط زیست هوشمند اتحادیه اروپا شامل حفاظت از محیط زیست در برابر آلودگی، مدیریت منابع پایدار، شبکه های هوشمند، روشنایی عمومی، انرژی تجدیدپذیر سبز، مدیریت پسماند، مدیریت آب، غذا و کشاورزی، ساختمان سبز، انرژی سبز و برنامه ریزی شهری سبز است (کمسیون اتحادیه اروپا، ۲۰۱۵). در این راستا از جمله اهداف محیط زیست هوشمند در برطرف نمودن چالش های زیست محیطی راه حل های هوشمندانه ای است که مردم را ترغیب میکنند که در ساعات خارج از کار، از حمل و نقل و عمومی استفاده کنند، هم چنین از انرژی و آب کمتری استفاده نموده و کاهش فشارهای مربوط به سیستم بهداشت و درمان را از طریق مراقبت های ویژه پیش گیرانه ای انجام دهند (مکینسی و کمپانی، ۲۰۱۸).

1. Mckinsey & Company

2. Treiblmaier, Rejeb, & Strebing

کلانشهر مشهد به دلیل افزایش سریع جمعیت، افزایش مهاجرت‌های داخلی، هم‌چنین مهاجرت از کشورهای همسایه سبب شده تا توان و ظرفیت لازم برای تامین اشتغال و مسکن، تامین زیرساخت‌ها و ارائه خدمات به تمامی قشرهای مختلف را نداشته باشد. از این رو ظهور و گسترش بخش غیررسمی و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در حاشیه شهر مشهد با کمبود خدمات و کیفیت پایین سطح بهداشت، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای منفی گسترش حاشیه شهر مشهد محسوب می‌شود که جمعیت بالغ بر یک میلیون و دویست هزار نفر را شامل می‌شود (قربانی، خوارزمی و ترکمن‌نیا، ۱۳۹۸). مسائل شهر مشهد در ابعاد کالبدی، اجتماعی و زیست محیطی قابل بررسی است که با توجه به عنوان پژوهش و مشکلات شهر مشهد در این خصوص، مسائل زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است. لازم به ذکر است علیرغم تدوین سند زیست محیطی شهر مشهد که از سال ۱۳۹۳ آغاز و در سال ۱۳۹۶ به پایان رسید و ابعاد مختلفی در آن بررسی گردیده است^۱، مطالعاتی که با رویکرد هوشمندسازی به محیط زیست مشهد بنگرد انجام نشده است.

در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌های پیاده‌سازی شهر هوشمند با تاکید بر بعد محیط زیست در کلانشهر مشهد با استفاده از مدل DPSIR می‌باشد.

۲. روش شناسی

۲.۱. روش پژوهش

روش پژوهش بر مبنای هدف تبیینی، بر مبنای نوع داده‌ها دوجبهی (کمی و کیفی) و بر مبنای نتیجه کاربردی است. جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه و مصاحبه بوده است. روش پژوهش ترکیبی چندجانبه بوده و به طور همزمان به جمع‌آوری اطلاعات کمی و کیفی پرداخته شده تا شناخت کاملی از مساله پژوهش به دست آید. با بهره‌گیری از مطالعات کیفی و مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته، مدل DPSIR در محیط زیست هوشمند تدوین گردید. مصاحبه‌شوندگان شامل کارشناسان شهرداری و متخصصان دانشگاهی به تعداد ۹ نفر بوده‌اند که به شیوه گلوله برفی انتخاب شدند. در مصاحبه‌ها پرسشهایی در قالب ۴ سوال صورت گرفته که با روش تحلیل شبکه مضامین مورد تحلیل واقع شده‌اند. سوالات پرسشنامه حاوی ۸ بعد و ۳۰ شاخص در سه قسمت میزان تاثیرگذاری در صورت وقوع، احتمال وقوع گزینه در آینده در طیف لیکرت ۱ تا ۵ و تشریح وضعیت موجود در طیف لیکرت ۱ تا ۳ با نظرسنجی از صاحب نظران این حوزه صورت گرفته است. حجم نمونه مورد نظر در بخش کمی شامل ۳۰ نفر در نظر گرفته شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌های کمی در نرم افزار SPSS با استفاده از آزمون شاپیروویلک توزیع نرمال بودن داده‌ها انجام گرفته است و سپس تحلیل و تفسیر داده‌ها با استفاده از آزمون T-test صورت گرفته است. در نهایت راهکارها و سیاست‌هایی جهت پیاده‌سازی محیط زیست هوشمند در کلانشهر مشهد ارائه گردیده است.

۱. طرح سند راهبردی زیست محیطی شهر مشهد

جدول (۱) به ابعاد و شاخص های پژوهش پرداخته است:

جدول ۱. عوامل و شاخص های کلیدی موثر در پیاده سازی محیط زیست هوشمند در شهر مشهد

ابعاد	گویه ها	منابع
مدیریت پسماند	نصب سنسورهای IoT-based ^۱ در سطل های زباله، جهت تشخیص پرشدگی ظرفیت سطل زباله	مهدیان فر، ۱۳۹۵
	تلفیق همزمان سامانه های شناسایی فرکانس رادیویی و سیستم اطلاعات جغرافیایی در امکان تفکیک هوشمند زباله ها و مدیریت بهینه بازیافت و هدایت سیستماتیک مواد زائد غیر قابل استفاده به محل های دفن	مهدیان فر، ۱۳۹۵
	احداث نیروگاه های تولید برق در کنار کوره های زباله سوز جهت استفاده از انرژی حاصل از سوزاندن مواد در بازیافت زباله	برینزل و همکاران، ۲۰۱۹
	استفاده از سطل های هوشمند برای تراکم کردن زباله ها و افزایش ظرفیت سطل ها برای جمع آوری زباله	برینزل و همکاران، ۲۰۱۹
مدیریت تامین و توزیع منابع آب	استقرار سامانه هوشمند تصفیه تکمیلی پساب جهت آبیاری فضای سبز عمومی و خصوصی	مهدیان فر، ۱۳۹۵
	استقرار سامانه مدیریت چاه ها در برقراری چاه های هوشمند جهت پیش بینی و پیش گیری حوادث و کنترل از راه دور	برینزل و همکاران، ۲۰۱۹
	استقرار سامانه توزیع آب هوشمند جهت هماهنگی تقاضای های متغیر با منابع مختلف آب	مهدیان فر، ۱۳۹۵
	استقرار سامانه آبیاری هوشمند جهت تخصیص بهینه آب غیر شرب و آبیاری بر مبنای توان توزیع شبکه های آبیاری	مهدیان فر، ۱۳۹۵
توسعه برق سبز	استقرار نیروگاه تولید برق خورشیدی، جهت تبدیل انرژی خورشیدی به برق و سازگار با محیط زیست	فرناندز ^۲ و همکاران، ۲۰۰۹
	استقرار سامانه چرخه تولید و توزیع انرژی با استفاده از پنل های خورشیدی به صورت متصل به شبکه برق سراسری جهت کاهش مصرف برق	فرناندز و همکاران، ۲۰۰۹
	هوشمندسازی شبکه برق مجهز به فناوری دیجیتال جهت ارسال برق مورد نیاز به مقاصد	فرناندز و همکاران، ۲۰۰۹
مدیریت فاضلاب	به کارگیری بیوفیلترهای مختلف در صنایع جهت زدودن آلودگی ناشی از آلاینده ها که با بوی نامطبوع همراه است	شهرداری مشهد، ۱۳۹۳
	استفاده از سامانه های بازچرخانی فاضلاب ها و به عبارتی استفاده مجدد از آب خاکستری به عنوان روشی هوشمند در جهت کاهش مصرف آب	
	نصب سنسورهای اندازه گیری PH آب و سنسورهای اندازه گیری میزان کدورتی آب در تصفیه خانه ها و فاضلاب ها برای کاهش انرژی مصرفی در تصفیه	

۱. مبتنی بر اینترنت اشیا

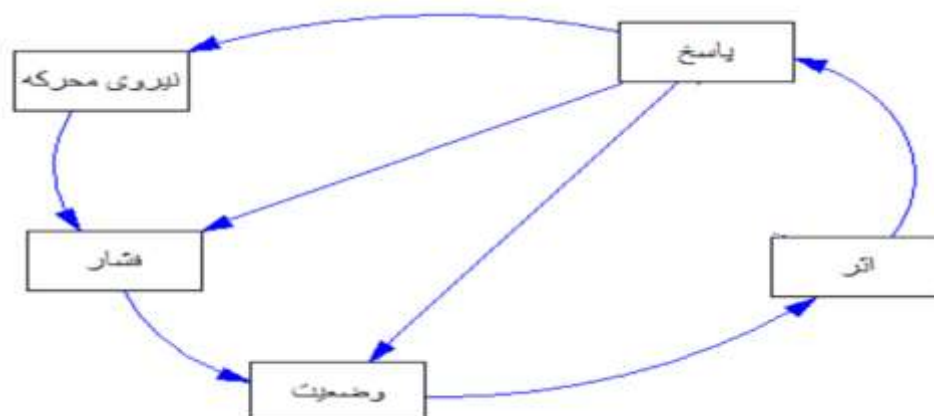
ابعاد	گویه ها	منابع
ساختمان هوشمند	استفاده از سامانه های کنترلی EMS ^۱ در ساختمان ها جهت جلوگیری از اتلاف انرژی	گزارش بانک سرمایه گذاری اروپا ^۲ ، ۲۰۱۵
	استفاده از حسگرهای حساس به صدا برای کنترل و تنظیم گرمایش و سرمایش و روشنایی در ساختمان ها	گزارش بانک سرمایه گذاری اروپا، ۲۰۱۵
	نصب پنل های خورشیدی در پشت بام خانه ها جهت تامین انرژی ساختمان ها	گزارش بانک سرمایه گذاری اروپا، ۲۰۱۵
	ایجاد سقف سبز یا باغ بام در ساختمان جهت جلوگیری از آلودگی هوا	گزارش بانک سرمایه گذاری اروپا، ۲۰۱۵
فرهنگ و هویت	ارتقاء کیفیت آموزش و فرهنگ سازی با ایجاد فضاهای آموزشی و کادر تحصیل کرده در راستاء ارتقاء سواد زیست محیطی شهروندان	سند راهبردی زیست محیطی شهر مشهد، ۱۳۹۷
	افزایش مشارکت های مردمی و استفاده از ایده های نوین در جهت دستیابی به محیط زیست هوشمند	
	استفاده از دستگاهها و گوشی های هوشمند جهت نشان دادن میراث علمی و فرهنگی کشور به صورت آنلاین	
	ارتقاء سواد زیست محیطی از طریق نمایش برنامه های تلویزیونی در زمینه مباحث زیست محیطی به ویژه در شبکه های ملی	
مدیریت یکپارچه محیط زیست	سیاست گذاری های دولتی در ابعاد زیست محیطی و آگاهی از روندهای جهانی و اثرات زیست محیطی جهت اتخاذ تصمیمات هوشمندانه	سند راهبردی زیست محیطی شهر مشهد، ۱۳۹۷
	همکاری و تشریک مساعی سازمان های دولتی و سازمان های غیر انتفاعی محیط زیست در حل مشکلات محیط زیستی و هوشمندسازی	
	نقش سمنهای زیست محیطی (NGO ^۳ ها) در حفظ محیط زیست، آگاهی بخشی به مردم، تامین منابع مالی و ...	
	اجراء قوانین و مقررات حفظ محیط زیست و زیبایی شهر و اعمال ضوابط ساخت و ساز در حاشیه شهر	
توسعه زیباسازی فضای شهری	استقرار مبلمان و دکوراسیون شهری سازگار با اقلیم منطقه و محیط زیست و توجه به آن در دستیابی به شهری هوشمند در تمامی مناطق شهری	مهدیان فر، ۱۳۹۵
	روشنایی هوشمند خیابان با به کارگیری چراغ های حسی به منظور صرفه جویی در مصرف انرژی	دهقان و همکاران، ۱۳۹۳
	استفاده از نیمکت های هوشمند مجهز به پنل های خورشیدی برای شارژ کردن گوشی ها و فراهم	دهقان و

1. Energy Management System
2. European Investment Bank Report
3. Non- Governmental Organization

ابعاد	گویه ها	منابع
	کودن WIFI برای مردم در استفاده از انرژی های پاک	همکاران، ۱۳۹۳
	استفاده از تابلوها و بیلبردهای هوشمند تبلیغاتی چند کاربردی	شهرداری مشهد، ۱۳۹۳
حمل و نقل هوشمند	تجدید نظر در استانداردهای سوخت خودروهای شخصی ترغیب استفاده از حمل و نقل همگانی و استانداردسازی استانداردهای آلاینده‌گی آنها ترغیب استفاده از دوچرخه های اشتراکی استفاده از خودروهای اشتراکی	بیدخوری و همکاران، ۲۰۱۶
رشد هوشمند شهری	میزان توجه به شاخص های رشد هوشمند شهری و پرهیز از توسعه افقی بی رویه	رهنما و همکاران، ۱۳۹۲

۲.۲. مدل DPSIR

رویکرد نیروی محرکه، وضعیت، فشار، اثر و پاسخ ابزار ارزشمندی جهت ارزیابی پارامترهای اقتصادی-اجتماعی-محیط زیستی می باشد. این رویکرد ابزار موثری برای تشریح مسایل محیط زیستی و درک ارتباطات بین انتشار آلاینده و اثرات آنها است و اولین بار توسط آژانس محیط زیست اروپا مورد استفاده و به صورت گستردهای کاربردی شده است. رویکرد DPSIR شکل توسعه یافته چهارچوب PSR است که توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ایجاد شده است. این چهارچوب مفهومی جهت سازماندهی اطلاعات وضعیت محیط زیست می باشد (جهانی شکیب و همکاران، ۱۳۹۳). در مدل DPSIR نیروهای محرکه اغلب عوامل انسانی اند که به مسائل محیط زیستی منجر می شوند، نیازها از هر دسته (اولیه یا ثانویه) که باشند، فعالیت‌هایی در جهت رفع آنها توسط جامعه‌ی انسانی صورت خواهد گرفت. این فعالیت‌ها منجر به بروز فشار بر محیط زیست خواهد شد. به عبارت دیگر، فشار شامل عوامل طبیعی و انسانی هستند که مستقیماً بر وضعیت محیط زیست تأثیر می‌گذارند. وضعیت، عبارت است از مقادیر کیفیت‌های محیط زیست و کمیت منابع طبیعی که تحت تأثیر فشار قرار گرفته‌اند. اثر، نتایج منفی تغییر وضعیت، بر سلامت و رفاه انسان و اکوسیستم است. پاسخ، سازوکارهای اتخاذشده‌ی جامعه برای کاهش اثرات منفی است. پاسخ می‌توانند مربوط به تغییرات در نیروی محرکه، فشار، وضعیت و اثر باشد (زبردست و همکاران، ۱۳۹۴). شکل (۱) مدل DPSIR را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مدل DPSIR

۳.۲. روش تحلیل شبکه مضامین

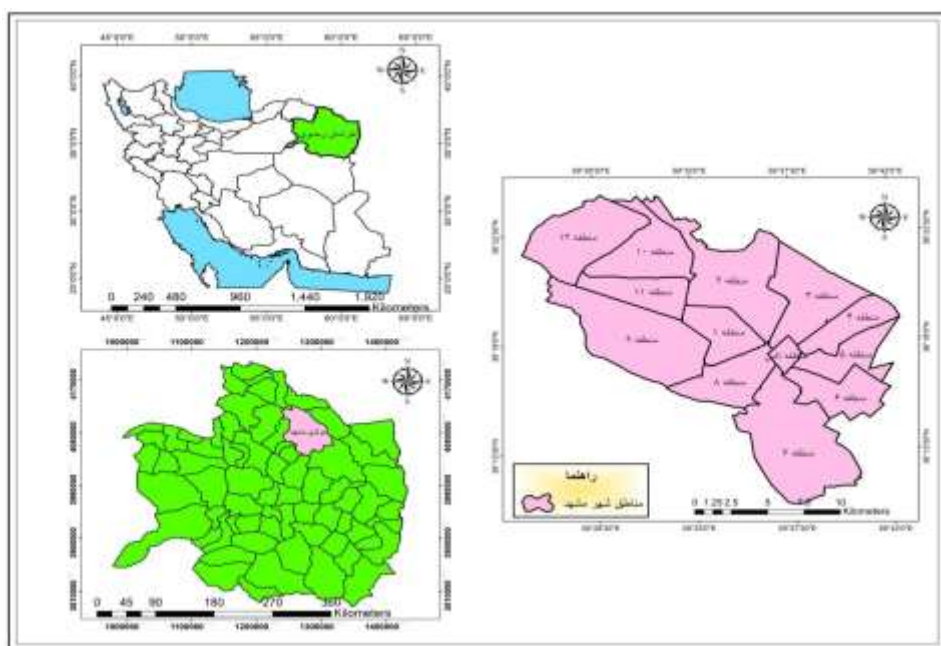
جهت تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل شبکه مضامین استفاده شده است که پس از مطالعه دقیق متن مصاحبه‌ها، کدهای معنایی به صورت جملات، عبارات و بندهایی استخراج شده و سعی بر تفسیر جملات و کدگذاری داده‌ها شده است. در مرحله بعد جهت استخراج مضامین، کدها به صورت کلان تحلیل شده، تجزیه و تحلیل و با یکدیگر به صورت جدول تلفیق شده‌اند و سعی شده تا مضامین خاص و پذیرفتنی حاصل شود. سپس مضامین در گروه‌هایی دسته‌بندی شده‌اند و تحت شبکه‌هایی قرار گرفته‌اند. تا این مرحله شبکه مضامین به عنوان ابزاری برای تحلیل داده‌ها قرار گیرد (خوارزمی، نصرآبادی و جوهری، ۱۳۹۵).

۴.۲. معرفی محدوده مورد مطالعه

کلان شهر مشهد با مساحت ۳۲۸ کیلومتر مربع در شمال شرقی ایران واقع شده است و به عنوان مرکز استان خراسان رضوی شناخته می‌شود. بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی جمعیت به حدود ۳۰۵۷۶۷۹ میلیون نفر رسیده است (آمارنامه مشهد، ۱۳۹۵). شهرداری مشهد برای ایجاد شهر هوشمند به درستی رویکرد تدوین سند راهبردی و نقشه راه مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات را جهت ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان برگزیده است. لازم است با ایجاد فضای تعاملی میان شهروندان و ابزارهای پیشرفته فناوری اطلاعات و ارتباطات، راه حل‌های هوشمندانه را شناسایی و مدیریت نمود (شریبتدار، کاهانی، جوادی، قهرمانی، طالبیان، طیرانی راد و گنجی بیدمشک، ۱۳۹۶). فعالیت‌های شهرداری مشهد در حوزه خدمات شهری و محیط هوشمند شامل طرح تفکیک زباله از مبدا، استحصال گاز و برق از پسماند، استقرار سامانه‌های مدیریت ناوگان خدمات شهری و بستر AVL^۱ مبتنی بر اطلاعات آنلاین و پایش عملکرد، سامانه سنجش نیاز آبی فضای سبز شهری مبتنی بر مدل‌های مفهومی، استقرار سامانه پایش آلاینده‌های زیست محیطی و اعلام شاخص‌های کیفیت هوا و پیش‌آگهی برای سه

1. Automatic Vehicle Location

روز آینده، سامانه هشدار آب گرفتگی زیرپل ها و تقاطع های غیرهم سطح، سامانه مدیریت خودروهای عملیات زمستانی، طرح بهره گیری از آبهای خاکستری، بهره گیری از انرژی های خورشیدی در پارک ها و معابر، اجرای طرح آزمایشی آبیگری تانکرهای فضای سبز به سیستم های هوشمند است (www.shahraraonline.ir). شکل (۲) شهر مشهد و مناطق شهرداری آن را نشان می‌دهد.



شکل ۲. موقعیت استان خراسان رضوی در ایران، موقعیت مرکزی مشهد در استان خراسان رضوی و موقعیت مناطق سیزدگانه مشهد

۳. یافته‌ها

۱.۳. تحلیل داده‌های کیفی

این بخش با هدف بررسی وضعیت محیط زیست هوشمند و تعیین راهکارهای موثر بر پیاده سازی محیط زیست هوشمند در کلانشهر مشهد در ابتدا به تحلیل شبکه مضامین پرداخته است که نتیجه آن تکمیل مدل DPSIR است. در تحلیل شبکه مضامین به دلیل اینکه در شمال و شرق شهر مشهد حاشیه نشینی بحران های محیط زیستی فراوانی را ایجاد کرده است و این مناطق منشا مشکلات محیط زیستی هستند که بر سایر مناطق مشهد تأثیرات نامطلوب محیط زیستی را به همراه داشته اند و توجه کمتر مدیریت شهری در هوشمندسازی این مناطق سبب اختلاف این مناطق با سایر مناطق شده است، پاسخ های مصاحبه شوندگان با تأکید بر مشکلات محیط زیستی مناطق حاشیه شهر مشهد و ارائه پاسخ های هوشمندانه جهت مدیریت مشکلات محیط زیستی این مناطق بیان شده است (جدول ۲).

جدول ۲. شبکه مضامین

شماره شبکه	عنوان شبکه مضامین	مضامین	کدهای معنایی
۱	وضعیت نامطلوب زیست محیطی در مناطق حاشیه شهر مشهد	ناهماهنگ بودن سیاست ها و برنامه های کلان توسعه	سیاستها و برنامه های کلان توسعه ناهماهنگ که مهاجرت ها و در نتیجه فشارهای جمعیتی را بر شهرها و به ویژه کلان شهرها تحمیل کرده است، حاشیه ها و به دنبال آن پیامدهای ناخوشایندی را به بار آورده، که یکی از آنها همین وضعیت نامطلوب زیست محیطی است.
		استقرار نامطلوب حاشیه نشینان	استقرار حاشیه نشینان در سرزمینهای پست و غیرقابل استفاده و ناهنجار، در کنار مسیلهای و کانالهای فاضلاب و محل تجمع زباله و وجود ساخت و سازهای غیراستاندارد و نبود شهرسازی اصولی در این مناطق از جمله عوامل ظهور مشکلات زیست محیطی در مناطق حاشیه شهر است.
		ساخت و سازهای غیرقانونی در حاشیه شهر	معمولا در حاشیه شهر شبانه شروع به ساخت و ساز می کنند بدون اینکه حتی از یک سیستم بهداشتی مناسبی برخوردار باشند. در مناطق حاشیه شهر مشهد به خصوص در مناطقی که ساخت و سازهای غیر مجاز بسیار زیادی وجود دارد، فاضلاب به راحتی میتواند در سطح خیابان منتشر شود و آلودگی های بسیار زیادی را با خود به همراه داشته باشد.
		ضعف در وجود آموزش و فرهنگ سازی	در مناطق حاشیه شهر که آگاهی صحیحی از سواد زیست محیطی وجود ندارد، حاشیه نشینان به تخریب زمین های کشاورزی و منابع محیطی پرداخته اند و فضای باز و سبز حاشیه شهر را نیز مختل نموده اند.
۲	پتانسیلها و محدودیت های شهر مشهد برای پیاده سازی شهر هوشمند	زیارتی و توریست پذیربودن (پتانسیل)	به دلیل زیارتی و توریست پذیر بودن و بین المللی بودن شهر مشهد و موقعیت این شهر به عنوان دومین کلانشهر کشور، امکان جذب کمک های خاص از بودجه های دولتی و حکومتی را، برای پیشبرد هوشمندسازی این شهر امکان پذیر میباشد.
		شهرداری الکترونیک (پتانسیل)	در قالب فعل خواستن و سیاست گذاری مدیران شهری و امکانات زیرساختی سازمان فاوا شهرداری الکترونیک را پتانسیلی می داند که میتواند در اجراء برنامه های هوشمند سازی به بهترین نحو عمل کند و اهداف هوشمند سازی محیط زیست را پیش ببرد.
		فقر فرهنگی در مناطق حاشیه شهر مشهد و کم رنگ بودن نقش سمن های زیست محیطی (محدودیت)	بخش بزرگی از شهروندان مشهد، در حاشیه ها مستقر میشوند و به دلیل عدم برخورداری از حداقل های زندگی، از نظر فرهنگی ظرفیت پذیرش طرح هایی چون هوشمند سازی شهری را در خود ندارند. سمن ها به عنوان یکی از مهمترین عوامل در فرهنگ سازی برای محیط زیست مشهد و هوشمندسازی آن، در حال حاضر و به تبعیت از شرایط کلی کشور فعالیت ناچیزی دارند.
		تضاد منافع سازمان های محیط زیستی (محدودیت)	باتوجه به آنکه هر یک از سازمان محیطزیستی اهداف و استراتژیهای مخصوص به خود را دارند، از این رو منافع گوناگون را دنبال می کنند و در نتیجه هماهنگی و یکپارچگی لازم در راستای ارتقاء کیفیت محیط زیست و هوشمندسازی آن وجود ندارد.
۳	راهکارهای	بهرهگیری از تجارب	مسئله در دنیا کشورهای توسعه یافته ای که پیشتاز تکنولوژی و

شماره شبکه	عنوان شبکه مضامین	مضامین	کدهای معنایی
	هوشمندانه محیطزیست در کلان شهر مشهد	شهرهای توسعه یافته	هوشمندسازی هستند که ما می توانیم از راهکارها و تجربیات این کشورها به گونه ای که بتواند مسائل و مشکلات کشور خودمان را برطرف سازد استفاده کنیم.
		مشارکتهای مردمی	استفاده از ظرفیت های خود مردم در ایجاد هوشمند سازی محیط و مشارکت و سهم کردن شهروندان در برخورداری از منفعت حاصل از ایجاد طرح های شهر هوشمند و محیط زیست هوشمند باعث می شود طرح ها به نتیجه مطلوبی برسند.
		تغییر نگاه مدیران و تمرکز آنان بر روی ایده های شهر هوشمند	مدیران شهری به عنوان مسئولان شهری شناخته شده اند و تخصیص بودجه و اعتبارات از سوی آنها جهت پیاده سازی طرح های هوشمند شهری سبب تحقق شهر مشهد، شهری هوشمند می شود.
		بسترسازی برای استقرار فناوری اطلاعات در همه مناطق	با اختصاص بودجه و سرمایه گذاری در بحث زیرساخت فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترش آن در تمامی مناطق حتی مناطق حاشیه و دور از دسترس زمینه را برای آمادگی شهروندان جهت پذیرش مفهوم هوشمندسازی و ضرورت های آن فراهم نموده ایم.
۴	مدیریت یکپارچه محیط زیست شهری در کلانشهر مشهد	ضعیف بودن هماهنگی سازمان های متولی محیط زیست	به دلیل سیستم متمرکز تصمیم گیری و مدیریت در کشور ایران، هماهنگی و تشریک مساعی سازمان ها از جمله سازمان های زیست محیطی ضعیف می باشد.
		رقابت سازمانی زیاد	سازمان ها یکپارچگی در راستای اهدافی معین ندارند.
		فرصت سوزی و افزایش بار مالی فراوان	چون هماهنگی برای رسیدن به هدفی معین در بین سازمان ها وجود ندارد، هزینه های سازمان ها در قالب برنامه های تعیین شده افزایش پیدا می کند.

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

براساس تحلیل شبکه مضامین یاد شده می توان تحلیل شبکه چالش های پیاده سازی محیط زیست هوشمند در شهر مشهد را با استفاده از مدل DPSIR بصورت جدول (۳) ارائه نمود. در ستون پاسخ، پیشنهاد مصاحبه شوندگان در خصوص پاسخهای مورد نیاز ذکر گردیده است.

جدول ۳. ابعاد و شاخص های محیطزیست هوشمند در شهر مشهد با مدل DPSIR

D	P	S	I	R
توسعه صنعت اتوموبیل سازی	مصرف سوختهای فسیلی و تجدیدنپذیر	افزایش آلودگی هوا	بیماری های تنفسی	شبکه حسگرها و هشداردهنده های آلودگی
جریان مهاجرت از روستا به شهر	ازبینرفتن زمین های زراعی اطراف شهر	مختل نمودن فضاهای باز و قابل استفاده حاشیه شهر	نابودی گونه های گیاهی و جانوری	قوانین مرتبط با حفظ اراضی زراعی
عدم اجرای طرح فاضلاب	وجود جانوران موزی و بوی نامطبوع	آلودگی رودخانه کشف رود و آلودگی خاک	مرگ و میر آبزیان	طراحی سیستم فاضلاب

R	I	S	P	D
احداث کوره زباله سوز و استقرار سطل‌های تفکیک زباله	بیماری‌هایی چون آسم و سرطان	افزایش آلودگی‌های هوا و خاک	وجود حشرات موذی	دفع غیر بهداشتی و عدم تفکیک زباله
طراحی سیستم تصفیه آب و لوله‌کشی آب آشامیدنی	وبا، کرم‌های روده و تب‌حصبه	آلودگی آب مصارف خانگی و شکستن لوله‌های اصلی شهر و لوله‌کشی به محل مسکونی	افزایش استفاده از آب‌های زیرزمینی	نبود آب آشامیدنی سالم و بهداشتی
مکان‌یابی صحیح کاربری‌ها و برنامه‌ریزی کاربری اراضی و منطقه‌بندی	بیماری‌هایی چون برونشیت و اعصاب	آلودگی هوا و آلودگی صوتی	تخریب اراضی زراعی و زمین‌های کشاورزی قابل کشت	استقرار نامناسب صنایع و کارخانه‌ها در اطراف شهر
ایجاد مسکن با رعایت اصول شهرسازی	شیوع انواع مرض‌ها و مرگ و میر کودکان	آلودگی محیط به زباله در محل اسکان	وجود حشرات و جانوران موذی	توالی‌های روباز و غیر بهداشتی
تنظیم و اجراء قوانین و مقررات ساخت و ساز در حاشیه شهر با رعایت ملاحظات زیستمحیطی	چهره‌های نامطلوب در حاشیه شهر	کیفیت پایین محیط زندگی از نظر تاسیسات و تجهیزات بهداشتی و خدماتی	ساخت و سازهای غیرقانونی در حاشیه شهر	پدیده سوداگری زمین
آموزش و فرهنگ‌سازی و ایجاد فضاهای آموزشی و کادر تحصیل کرده در مناطق حاشیه	عدم مشارکت در برنامه‌های زیست محیطی	تخریب اراضی سبز	ضعف فرهنگ حفظ محیط زیست و تغییر کاربری شدید اراضی	پایین بودن سطح سواد و آموزش

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۲.۳. تحلیل داده‌های کمی

در اولین بخش از پژوهش کمی به بررسی مشخصات عمومی پاسخگویان شامل میزان تحصیلات و سازمان محل فعالیت پرداخته شده است که در قالب جداول و تفسیر مربوطه به آن آورده شده است. در جدول (۴) توزیع فراوانی و درصد متغیر میزان تحصیلات به تفکیک لیسانس، فوق لیسانس و دکتری آورده شده است که تعداد کل پاسخگویان ۳۰ نفر، معادل ۱۰۰ درصد است و از این تعداد ۸ نفر لیسانس، معادل ۲۶/۷ درصد، ۱۴ نفر فوق لیسانس معادل ۴۶/۶ درصد و ۸ نفر هیئت علمی، معادل ۲۶/۷ درصد را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۴. درصد و توزیع فراوانی میزان تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد
لیسانس	۸	۲۶/۷
فوق لیسانس	۱۴	۴۶/۶
دکتری	۸	۲۶/۷

درصد	فراوانی	تحصیلات
۱۰۰,۰	۳۰	جمع

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در جدول ۵ توزیع فراوانی و درصد واحد سازمانی پاسخگویان به تفکیک آورده شده است که تعداد کل پاسخگویان ۳۰ نفر، معادل ۱۰۰ درصد است و از این تعداد ۱۳ نفر دانشگاه فردوسی، معادل ۴۳/۳ درصد، ۱۶ نفر شهرداری، معادل ۵۳/۴ درصد و ۱ نفر موسسه خردگرایان، معادل ۳/۳ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۵. درصد و توزیع فراوانی واحد سازمانی محل فعالیت

درصد	فراوانی	واحد سازمانی محل فعالیت
۴۳/۳	۱۳	دانشگاه فردوسی
۵۳/۴	۱۶	شهرداری
۳/۳	۱	موسسه خردگرایان
۱۰۰,۰	۳۰	جمع

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۳. تحلیل آمار استنباطی

تحلیل داده‌های کمی با استفاده از آزمون T-test صورت گرفته است. در این آزمون لازم است متغیرهای وابسته دارای توزیع نرمال باشند و داده‌ها از نوع (فاصله‌ای-نسبی) باشند. برای هر بعد از پرسشنامه پژوهش در سه قسمت میزان تاثیرگذاری در صورت وقوع، احتمال وقوع گزینه در آینده و تشریح وضعیت موجود از این آزمون استفاده شده است که در جداول (۶، ۷ و ۸) آورده شده است. سطح معناداری آزمون نشان می‌دهد که اگر مقدار سطح معنی داری بالای ۰/۰۵ باشد، فرضیه مورد تایید واقع می‌شود و اگر مقدار آن پایین تر از ۰/۰۵ باشد فرضیه رد می‌شود.

در این آزمون باید به آماره آزمون تی نیز در تحلیل داده‌های کمی توجه گردد. با توجه به آنکه شرط آزمون در قسمت میزان اثرگذاری در صورت وقوع و احتمال وقوع گزینه در آینده ۳ می‌باشد، اگر مقدار تی، عدد ۳ و بالاتر از آن باشد، بعد پژوهش مورد تایید می‌باشد، در غیر این صورت بعد پژوهش مورد تایید نمی‌باشد. باتوجه به آنکه شرط آزمون در قسمت تشریح وضعیت موجود عدد ۲ می‌باشد، اگر مقدار آماره تی عدد ۲ و بالاتر از آن باشد بعد پژوهش مورد تایید و در غیر این صورت بعد پژوهش مورد تایید نمی‌باشد. نتایج حاصل از پاسخگویی متخصصان

به شرح جدول ۶، ۷، ۸ آمده است:

جدول ۶. میزان اثرگذاری در صورت وقوع

تاثیرگذاری در صورت وقوع						
مقدار آزمون=۳						ابعاد
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار تی T	
پایین	بالا					
-۰/۱۶	۰/۶۱۷	۰/۲۲۵	۰/۲۵۱	۲۹	۱/۱۷۲	مدیریت پسماند
۰/۵۹۵	۱/۳۳۸	۰/۹۶۶	۰/۰۰۱	۲۹	۵/۳۲۱	مدیریت آب
۰/۷۵۵	۱/۳۳۷	۱/۹۶۶	۰/۰۰	۲۹	۷/۰۲۰	توسعه برق سبز
۱/۲۳۸	۰/۸۲۸	۱/۰۳۳	۰/۰۰	۲۹	۱۰/۳۰	مدیریت فاضلاب
۰/۷۷۰	۱/۲۷۳	۱/۰۲۵	۰/۰۰	۲۹	۸/۴۵۲	ساختمان هوشمند
۰/۸۴۶	۱/۴۵۳	۱/۱۵	۰/۰۰	۲۹	۷/۷۴۱	فرهنگ و هویت
۱/۰۵۲	۱/۴۳۰	۱/۲۴۱	۰/۰۰	۲۹	۱۳/۴۳	مدیریت یکپارچه زیست محیطی
۰/۵۶۷	۱/۱۶۵	۰/۸۶۶	۰/۰۰	۲۹	۵/۹۲۹	زیباسازی شهری

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۷. احتمال وقوع آینده ابعاد

احتمال وقوع گزینه در آینده						
مقدار آزمون=۳						ابعاد
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار تی T	
پایین	بالا					
-۱/۱	-۰/۴	-۰/۸	۰/۰۰	۲۹	-۵/۴	مدیریت پسماند
-۰/۶	۰/۰۰	-۰/۲۸۳	۰/۰۹۸	۲۹	-۱/۰۷	مدیریت آب
-۰/۲	۰/۶	۰/۲۱۱	۰/۳۵۵	۲۹	۰/۹۴	توسعه برق سبز
۰/۱۶	۰/۸	۰/۴۸۸	۰/۰۰۴	۲۹	۳/۰۹	مدیریت فاضلاب
۰,۲	۰/۷	۰/۴۹۱	۰/۰۰۲	۲۹	۳/۴۴	ساختمان هوشمند
۰/۴	۰/۴	۰/۶۷۵	۰/۰۰	۲۹	۵/۳۹	فرهنگ و هویت
۰/۰۸	۰/۵	۰/۲۱۶	۰/۱۴۶	۲۹	۱/۴۹	مدیریت یکپارچه زیست محیطی
-۰/۱۱	۰/۵	۰/۱۹۱	۰/۲۱۴	۲۹	۱/۲۶	زیباسازی شهری

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

جدول ۸. تحلیل وضع موجود ابعاد

تشریح وضعیت موجود						
مقدار آزمون=۲						ابعاد
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار تی T	
پایین	بالا					
-۰/۸۹	-۰/۷	-۰/۸	۰/۰۰	۲۹	-۱۹/۷۹۲	مدیریت پسماند
-۰/۸۴	-۰/۶	-۰/۷۴۴	۰/۰۰	۲۹	-۱۴/۹۶۹	مدیریت آب
-۰/۴۵	-۰/۰۰۹	-۰/۲۷۷	۰/۰۰۴	۲۹	-۳/۱۶۹	توسعه برق سبز
-۰/۴۵	-۰/۰۰۹	-۰/۲۷۷	۰/۰۰۴	۲۹	-۳/۱۶۹	مدیریت فاضلاب
-۰/۲۷	-۰/۵۲	-۰/۱۲۵	۰/۰۹۶	۲۹	-۱/۷۲۰	ساختمان هوشمند
-۰/۲۱	-۰/۰۰۴	-۰/۱۰۸	۰/۰۵۱	۲۹	-۲/۰۳۷	فرهنگ و هویت
-۰/۲۸	-۰/۰۸	-۰/۰۸۰	۰/۰۰۱	۲۹	-۳/۷۱۷	مدیریت یکپارچه زیست محیطی
-۰/۶۱	-۰/۲۸۸	-۰/۲۸۸	۰/۰۰	۲۹	-۵/۶۹۹	زیباسازی شهری

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

نتایج جدول ۶ و ۷ و ۸ نشان‌دهنده آن است که ابعاد مدیریت تامین و توزیع منابع آب با آماره تی ۵,۳۲۱، توسعه برق سبز با آماره تی ۷,۰۲۰، مدیریت فاضلاب با آماره تی ۱۰,۳۰۷، ساختمان هوشمند با آماره تی ۸,۴۵۲، فرهنگ و هویت با آماره تی ۷,۷۴۱، مدیریت یکپارچه محیط زیست با آماره تی ۱۳,۴۳۱، توسعه زیباسازی فضای شهری با آماره تی ۵,۹۲۱ از ابعاد تاثیرگذار در پیاده سازی محیط زیست هوشمند در کلانشهر مشهد میباشند که نشان دهنده میزان اولویت آن ها در برنامه ریزی ها است. همچنین تحلیل ها نشان می دهد، ابعاد مدیریت فاضلاب با آماره تی ۳,۰۹۴، ساختمان هوشمند با آماره تی ۳,۴۴۸، فرهنگ و هویت با آماره تی ۵,۳۹۰ با احتمال وقوع بالا می باشند و عبارت دیگر برنامه هایی جهت انجام آنها در آینده وجود دارد. در ادامه هیچ یک از ابعاد پژوهش در تشریح وضعیت موجود محیط زیست هوشمند در کلانشهر مشهد وضعیت مطلوبی نداشتند.

۴. بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد مدیریت یکپارچه محیط زیست شهری و محیط زیست هوشمند با یکدیگر رابطه ای تنگاتنگ دارند و تحقق مدیریت یکپارچه محیط زیست شهری لازمه توسعه محیط زیست هوشمند می باشد و براساس تحلیل های کمی و کیفی، عدم تحقق این امر در مورد مطالعه شهر مشهد حاکی از ضعف در شکل گیری این ارتباط و در نتیجه ایجاد چالش های جدی در تحقق مفهوم محیط زیست هوشمند در مشهد است. همچنین نتایج نشان می دهد که در جهت طراحی پاسخ های مناسب در مدل DPSIR لازم است، توجه ویژه ای به ابعاد دیگر این مدل گردد. پاسخ های مناسب در این مدل می تواند مفهوم پیاده سازی محیط زیست هوشمند را در

کلانشهر مشهد به واقعیت نزدیک نماید، هر چند که شهر مشهد به لحاظ تحلیل شاخص ها در وضع موجود در سطح نامطلوبی قرار دارد.

تحلیل‌های کمی نشان می‌دهد که بعد مدیریت یکپارچه محیط زیست بیش ترین تاثیرگذاری در صورت وقوع و بعد فرهنگ و هویت بیشترین احتمال وقوع آینده را در محیط زیست هوشمند کلانشهر مشهد را دارند، تحلیل‌های کیفی در ادامه بیانگر آن هستند که ۱- فقر فرهنگی در مناطق حاشیه شهر مشهد و عدم وجود آموزش و فرهنگ سازی در حفظ محیط زیست شهری، ۲- کم‌رنگ بودن نقش سمن‌های زیست محیطی و تضاد منافع سازمانهای محیط زیستی به ترتیب از جمله مهم ترین چالشهای پیاده سازی فرهنگ و هویت و مدیریت یکپارچه محیط زیست در توسعه محیط زیست هوشمند می باشند. بنابراین در راستای برطرف نمودن چالش‌های مربوطه پاسخ‌های هوشمندانه‌ای در قالب مدل DPSIR شناسایی شده اند که شامل ۱- همکاری مشترک سازمان‌های محیط زیست در تنظیم و اجراء قوانین و مقررات ساخت و ساز در حاشیه شهر مشهد با رعایت ملاحظات زیست محیطی، ۲- آموزش و فرهنگ سازی و ایجاد فضاهای آموزشی و کادر تحصیل کرده در حاشیه شهر مشهد می باشد که در راستای تحقق این موارد، سایر موارد هوشمندسازی چون تفکیک هوشمند زباله، طراحی سیستم تصفیه هوشمند آب، اجرای طرح هوشمندانه فاضلاب و ... مسیر می‌شوند. زیرا که نقش مدیران شهری و شهروندان در بحث هوشمندسازی محیط زیست غیر قابل انکار می باشد. نتایج پژوهش حاضر در خصوص اهمیت همکاری شهروندان با نتایج پژوهش برینزل، پارکاش و آوانش، در سال ۲۰۱۹ همراستا می باشد. در ابتدا همکاری سازمان‌های متولی محیط زیست با یکدیگر و بعد از آن همکاری شهروندان با سازمان‌های دولتی و خصوصی در حفظ محیط زیست و بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در پیاده سازی محیط زیست هوشمند سبب برطرف نمودن چالش‌های زیست محیطی و تحقق پاسخ‌های هوشمندانه محیط زیستی می شود. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش فرناندز و همکاران در سال ۲۰۰۹ در خصوص اهمیت همکاری سازمان‌های محلی در این فرآیند همراستا می باشد.

۵. نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی چالش‌های محیط زیست هوشمند در شهر مشهد می باشد. در این راستا عوامل مدیریت پسماند، مدیریت تامین و توزیع منابع آب، توسعه برق سبز، ساختمان هوشمند، فرهنگ و هویت، مدیریت یکپارچه زیست محیطی به همراه متغیرهای مربوطه با روش کمی مورد تجزیه و تحلیل واقع شدند و نتایج نشان داده است، عوامل مدیریت یکپارچه زیست محیطی، مدیریت فاضلاب، ساختمان هوشمند به ترتیب با مقدار آماره تی ۱۳، ۱۰ و ۸ بالاترین تاثیرگذاری را در پیاده سازی محیط زیست هوشمند در شهر مشهد دارند. بدین ترتیب با روش کیفی و از طریق مدل DPSIR وضع موجود محیط زیست هوشمند در شهر مشهد مورد بررسی واقع شده است و نتایج حاکی از وجود نیروهای محرکه‌ی نامطلوب زیست محیطی مناطق حاشیه است که وضعیت نا به سامان محیط زیستی را ایجاد کرده و در پی آن اثراتش گریبانگیر مناطق داخلی شده، بنابراین ارائه پاسخ‌های هوشمندانه زیست

محیطی با وجود تحقق مدیریت یکپارچه محیط زیست مطرح گردیده است. هم چنین وضعیت موجود در ارائه خدمات محیط زیست هوشمند محدود به تفکیک زیاله از مبدا، سیستم هوشمند فضای سبز، استفاده از پسماند در تولید گاز و سامانه هشدار آلودگی هوا و آبگرفتی می باشد. در حالی که مدیریت هوشمندانه فاضلاب و ساختمان هوشمند با وجود تاثیرگذاری بالا در تحقق محیط زیست هوشمند در شهر مشهد نادیده گرفته شده اند. هم چنین زیباسازی فضای شهری و توجه به حمل و نقل هوشمند از دیگر عواملی است که وضعیت چندان مطلوبی در سطح شهر مشهد ندارند.

پیشنهادهایی که در راستاء تحقق مدیریت یکپارچه محیط زیست شهری و همچنین پیاده سازی مفهوم محیط زیست هوشمند در مشهد ارائه شده عبارت اند از:

- تهیه سند یکپارچه در حوزه های مختلف و تعیین اقدامات و استراتژی های سازمان های ذی ربط در راستای شکل گیری مدیریت یکپارچه محیط زیست و همچنین شکل گیری و پیاده سازی مفهوم محیط زیست هوشمند در شهر مشهد.
- اختصاص ردیف بودجه مستقل به سازمان ها در ردیف انجام فرآیندهای زیست محیطی از وزرات خانه.
- استفاده از رسانه ملی جهت آموزش و اشاعه فرهنگ زیست محیطی و هوشمندسازی
- ایجاد فرهنگسراهای محیط زیستی.
- به روز رسانی قوانین و مقررات زیست محیطی.
- ترویج پویشهای مردمی، هم چنین یکپارچه نمودن سمن ها (NGO) در سطح استان و تسهیل ارتباط هر چه بیشتر سمن ها با سازمان ها.
- ایجاد واحد زیست محیطی در سازمان ها و برگزاری آموزش های زیست محیطی درون سازمانی.
- نظرسنجی و مشارکت مردم در خلال مطالعات، برنامه ریزی، اجرا و تصمیم گیری.
- ارتقاء سواد زیست محیطی شهروندان در سطوح مختلف تحصیلی به ویژه در مناطق حاشیه شهر.
- افزایش و ارتقاء خردجمعی در زمینه تصمیم گیری در رابطه با مسائل زیست محیطی.

کتابنامه

۱. بذرافشان، ن.، خوارزمی، ا. و خاکپور، ب. (۱۳۹۸). تحلیل کیفی چالش های نهادی و سازمانی در پیاده سازی شهر هوشمند در کلانشهر مشهد. تهران: کنفرانس ملی آینده پژوهی، مدیریت و توسعه پایدار.
۲. پوراحمد، ا.، زیاری، ک.، حاتمینژاد، ح.، و پارسا، ش. (۱۳۹۷). شهرهوشمند؛ تبیین ضرورت ها و الزامات شهر تهران برای هوشمندی. نگرشهای نو در جغرافیای انسانی، (۲)، ۱-۲۲.

۳. جهانی شکیب، ف.، ملک محمدی، ب.، زبردست، ل.، و عادلی، ف. (۱۳۹۳). بررسی قابلیت و کاربرد خدمات اکوسیستمی به عنوان شاخص های اکولوژیکی در مدل DPSIR (مطالعه نمونه: تالاب چغاخور). پژوهشهای محیط زیست، (۱۰)، ۱۰۹-۱۲۰.
۴. حاجیزاده طوسی، ر. (۱۳۹۳). فعالیتهای شهرداری مشهد در حوزه شهر هوشمند. شهرداری مشهد معاونت برنامه ریزی و توسعه. مدیریت آمار، فناوری و تحلیل اطلاعات.
۵. خطیبی، ع.، دانه کار، ا.، پورابراهیم، ش.، و وحید، م. (۱۳۹۴). معرفی مدل DPSIR و قابلیت کاربرد آن در تصمیمگیری های محیط زیستی. فصلنامه انسان و محیط زیست، ۱۳(۴)، ۶۵-۷۹.
۶. خوارزمی، ا.، بیگی نصرآبادی، ف. و جوهری، ل. (۱۳۹۵). بررسی تحلیلی شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب پیاده سازی نظام جانشین پروری در شهرداری مشهد. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، (۲۷)، ۱۵-۲۸.
۷. دهقانی، ب.، خوارزمی، ا.، و اجزاء شکوهی، م. (۱۳۹۴). ارائه مدل مفهومی جهت ارزیابی عوامل مؤثر بر ارتقاء وضعیت مبلمان شهری. تهران: کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه شهری.
۸. روزگار، ز. و جوانمرد، م. (۱۳۹۳). شهرهای هوشمند و مؤلفه های آن. شاهرود: ششمین کنفرانس فناوری اطلاعات و دانش.
۹. رهنما، م. (۱۳۹۷). سند توسعه محیط زیست کلانشهر مشهد. مشهد: شهرداری مشهد.
۱۰. رهنما، م.، و حیاتی، س. (۱۳۹۲). تحلیل شاخص های رشد هوشمند شهری در مشهد. فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، (۴)، ۷۱-۹۸.
۱۱. رهنمایی، م.، و شاه حسینی، پ. (۱۳۹۲). فرایند برنامه ریزی شهری ایران (چاپ دهم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
۱۲. زبردست، ل.، صالحی، ا.، مومنی، م.، افراسیابی، ه.، و محمد امینی، م. (۱۳۹۴). ارائه رهیافت سیستمی در برنامه ریزی محیط زیستی آلودگی هوا با استفاده از چهارچوب DPSIR (مطالعه موردی: تهران). مجله محیط شناسی، (۱)، ۱۲۹-۱۴۱.
۱۳. ستوهیان، ف.، حسینی، م.، میراث احمدی، م.، و صالحی، س. (۱۳۹۶). محیط زیست شهر و توسعه پایدار در شهرهای هوشمند. تهران: سومین همایش ملی مدیریت بحران، ایمنی، بهداشت، محیط زیست و توسعه پایدار.
۱۴. شاهی، ا.، زبردست، ل.، صالحی، ا.، و صالحی، ر. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل مؤثر در وضعیت محیط زیست انسانی شهر تهران براساس مدل DPSIR. پژوهشهای جغرافیای انسانی، (۲)، ۲۷۷-۲۹۵.
۱۵. شربتدار، م.، کاهانی، م.، جوادی، و.، قهرمانی، ع.، طالبیان، ح.، طیرانیراد، ا.، و گنجی بیدمشک، ا. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی شهرهای هوشمند آمستردام، بارسلون و نیویورک و در آمدی بر مطالعات سند شهر هوشمند مشهد. هشتمین کنفرانس نظام اداری الکترونیکی.
۱۶. قربانی، ر.، خوارزمی، ا.، و ترکمن نیا، ن. (۱۳۹۸). تحلیل تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی بر شکل گیری و گسترش سکونتگاه های غیررسمی کلانشهر مشهد پژوهشهای جغرافیای انسانی، (۲)، ۳۷۳-۳۸۵.

۱۷. گهواربند، س. (۱۳۹۵). شهرهوشمند شهر دوستدار محیط زیست. تهران: اولین همایش ملی توسعه سلامت، ایمنی و محیط زیست در حوزه اماکن تفریحی، ورزشی، مذهبی و فرهنگی شهر با رویکرد حفاظت از شهروند و شهر.
۱۸. محمدی، غ. (۱۳۹۵). تبیین الگوی شهرهوشمند در کلانشهر مشهد مبتنی بر توسعه پایدار. رساله دوره دکتری، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۹. مرکز آمار ایران، براساس اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن، آمارنامه مشهد، ۱۳۹۵.

20. Bidkhor, A. Kharazmi, O.A., & Ajza Shokouhi, M. (2016). Evaluation of the Current Situation of Smart Mobility in Metropolis of Mashhad. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*, 2 (4), pp 396-413.
21. Brinzel, R., Prakash, B., & Avinash, G. (2019). Smart Environmental Monitoring System. *International Journal of Green Computing*. 10 (1). pp 43-54.
22. Brkljacis, T., Majectic, F., & Tarabic, B.N. (2017). Smart Environment: Cyber Parks (connecting Nature and Technology). *Handbook of Research on Entrepreneurial Development and Innovation within Smart Cities*. Publisher: IGI Global.
23. Caragliu, A., Chiara, F. (2018). *Smart Innovative Cities: The Impact of Smart City Policies on Urban Innovation*. *Technological Forecasting & Social Change*. 142, pp 373-383.
24. *European Investment Bank Report*. (2015). Smart Cities, Ascimer.
25. Fernandez, A., Alvarez, J., Ortega, A. Gonzalez, L. (2009). Smart Environment Software Reference Architecture. *Fifth International Joint Conference on INC, IMS and IDC*.
26. Gomez, C. Chessa, S. Fleury, A. Roussos, G. Preuveneers, D. (2019). Internet of Things enabling Smart Environment: A Technology-Centric Perspective. *Journal of Ambient Intelligence and Smart Environment*. 11 (1), pp 23-43.
27. Treiblmaier, H. Rejeb, A. Strebing, A. (2020). *Block chain as a Driver for Smart City Development: Application Fields and a Comprehensive*. *Smart cities*. 3 (3)- 853-872.
28. Woetze l, J. Remes, J. Boland, B.Lv, K. Sinha, S. Strube, G.Means, J & OTS. (2018). *Smart Cities: Digital Solutions for a More Livable Future*. McKinsey & Company.
29. www.shahraronline.ir
30. Yigitcanlar, T. Kamruzzaman, M. (2018). Smart Cities and Mobility: Does the Smartness of Australian Cities Lead Sustainable Commuting Patterns?. *Journal of Urban Technology*, 26. 21-46.
31. Zuo, H. Danxiang, A. (2011). Environment, Energy and Sustainable Economic Growth. *International Conference on Green Buildings and Sustainable Cities*.

بررسی تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان (نمونه موردی: خیابان امام «ره» - ارومیه)

کریم حسین زاده دلیر (استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران)

karim.Dalir64@gmail.com

میرسعید موسوی (استادیار گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)

ms.Moosavi@iaut.ac.ir

نیما بایرام‌زاده (کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، نویسنده مسئول)

nima.Bayramzadeh@yahoo.com

هادی پاشاچینی (کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)

hadipasha3@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

صص ۵۳-۳۷

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان در خیابان امام «ره» در ارومیه می‌باشد. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. مطالب مورد استفاده در این پژوهش به دو صورت برداشت اسنادی و میدانی گردآوری شده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه و فیش‌برداری می‌باشد. حجم نمونه این پژوهش، استفاده‌کنندگان از خیابان امام می‌باشد که طبق فرمول کوکران برای جامعه آماری نامعلوم، مقدار عددی ۱۷۰ به دست آمده است. در این پژوهش روش نمونه‌گیری تصادفی می‌باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده به دو صورت کمی (روش‌های آماری (توصیفی و استنباطی)) و کیفی (نتایج حاصل از بررسی‌های آماری) انجام می‌گیرد. متغیرهای این پژوهش شامل متغیر مستقل کالبدی، اجتماعی و زیست‌بوم و متغیر الگوهای رفتاری به عنوان متغیر وابسته می‌باشد. نتایج این پژوهش نشانگر این است که طبق نتایج آزمون فریدمن و ارزیابی‌های مؤلفه‌های سیما و منظر شهری در این محدوده، مؤلفه اجتماعی با میانگین ۴/۷۷ در رتبه اول و مؤلفه الگوهای رفتاری با میانگین ۳/۹۶ در رتبه چهارم قرار گرفت. طبق نتایج آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی معناداری بین مؤلفه‌های منظر شهری و الگوهای رفتاری شهروندان وجود دارد. طبق نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام، ضرایب همبستگی به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۶۳ و ۰/۵۹ به دست آمده است به عبارت دیگر، با وارد شدن مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و زیست‌بوم به‌طور هم‌زمان ۰/۴۰ از واریانس بعد الگوی رفتاری تبیین می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: ارومیه، الگوی رفتاری، رفتار اجتماعی، فضاهای شهری، کیفیت محیط.

۱. مقدمه

در قرن بیستم میلادی، دو اتفاق مهم، تبدیل شهرنشینی به الگوی غالب زندگی اجتماعی افراد و تبدیل فضاهای شهری به فضاهای مصنوع بر اهمیت فضا در زندگی ساکنان آن افزوده شده است (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۹۰). این امر لزوم توجه به ارتباط میان کالبد و تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری را به یکی از حائز اهمیت ترین موضوعات زندگی شهری تبدیل کرده است. فضاهای شهری در مفهومی عام، ارتباط متقابل میان روابط و رفتارها است یعنی ضمن آنکه محل هم‌جواری هویت‌های فردی است، مهم‌ترین عامل احراز هویت در یک زندگی شهری بوده و بر رفتار و روابط انسانی نیز تأثیر می‌گذارد. اما آنچه حائز اهمیت است حضور مردم و وجود روابط اجتماعی حاکم بر آن‌هاست که مهم‌ترین اصل در پویایی فضای شهری به حساب می‌آید (آفتاب و علی پور، ۱۳۹۴، ص. ۴۲). این موضوع وابستگی زیادی به نحوه فعالیت و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان دارد ولیکن این رابطه یک‌سویه نبوده و همان‌طور که فضاهای شهری نشان‌دهنده فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری یک جامعه هستند، از طرفی دیگر بر فعالیت و رفتارهای انسان‌ها تأثیر زیادی می‌گذارند (خادمی و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۲۹). به گونه‌ای که هر رفتار انسانی در ساحت مکانی اتفاق می‌افتد تا مجموعه احوالات زیستی انسان به درک او از ماهیت مکانی‌اش وابستگی یابد (علی رازقی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۵۹).

امروزه انزوایی و کاهش تعاملات اجتماعی یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که زندگی اجتماعی ساکنان شهرها را تهدید می‌کند، از این رو، نیاز مردم به مکان‌هایی برای تعاملات اجتماعی و رفع نیازهای روانی به یکی از ملزومات زندگی شهری تبدیل شده است (رسول پور، ۱۳۹۷، ص. ۲۰). از طرفی حضور مکرر در هر محیط شهری، در ناخودآگاه ذهن، الگوی رفتاری شهروندان را شکل می‌دهد به‌طوری‌که انسان تصویر ذهنی خود، از شهر را بر مبنای تأثیرات حسی، تجربه‌ها، خاطره‌های فردی، ارزش و آرمان‌های ایده آل شکل می‌دهد (سیاف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۳۱). طبق بررسی‌های به‌عمل آمده از ارتباط رفتار با محیط، رفتارها در محیط‌های مختلف با یکدیگر متفاوت هستند (داینر و همکاران^۱، ۲۰۰۳، ص. ۱۸۷) و بر اساس تجربه، اگر فردی در فضای شهری با مشکل مواجه گردد، از گذراندن اوقات خود در این فضا ناامید شده و میزان حضورپذیری در این فضا کاهش می‌یابد (تان^۲، ۲۰۰۶، ص. ۳۱). گرچه توجه به منظر شهری اغلب به عنوان پدیده‌ای بصری است، درعین حال خاطرات را برمی‌انگیزاند، تجارب را یادآوری می‌کند و واکنش‌های احساسی را به وجود می‌آورد (کارمونا و همکاران^۳، ۲۰۱۷). در معنای عام، فضاهای شهری هویت‌ساز بوده و تأثیر متقابلی بر روی انسان و رفتار وی دارد (گلانی و اجیما^۴، ۱۹۹۶). در واقع، محیط کالبدی برخی الگوهای رفتاری و نقش‌های اجتماعی نوین را به ساکنان خود تحمیل می‌کند و برخی رفتارهای موجود را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌نماید (صابری‌فر، ۱۳۹۶، ص. ۸۹). در رابطه با ابعاد رفتار اجتماعی در فضاهای

-
1. Diener
 2. Tan
 3. Carmoona
 4. Golany & Ojima

عمومی و بین نحوه استفاده از این فضاها رابطه‌ای وجود دارد (مجنون توتاخانه^۱، ۲۰۱۸). فضاهای شهری در عین دارا بودن ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت‌های شهری و ضرورت‌های مرتبط بر آن نیز محسوب می‌گردد (آیدین و تر^۲، ۲۰۰۸). فضاهای عمومی نامطلوب و فاقد کیفیت اجتماعی-کالبدی و خدمات شهری مانند: میدان‌های بزرگ بی‌کیفیت و با کارکرد صرفاً ترافیکی و فضاهای فاقد تجهیزات و تسهیلات شهری به جامعه گریزی افراد منجر می‌شود (خداداد و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۴۸). از این رو ادراک انسان از فضا (منظر)، نقش بسزایی در احساس امنیت و افزایش سطح رضایت و آرامش از محیط دارد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص. ۳۶).

تعاملات اجتماعی برای افراد در کلیه فرهنگ‌ها و در کل طول عمر بشریت برای افراد مهم بوده است (لریر^۳، ۲۰۱۳- مولای و همکاران^۴، ۲۰۱۷) و الگوهای رفتاری انسان‌ها در فضاهای شهری، در دیدگاه طراحی شهری، مفهومی است که ارتباط متقابل محیط و انسان‌ها را توصیف می‌کند. انسان به مثابه مظلوف در فضا در برخورد با محیط رفتارهای گوناگونی از خود نشان می‌دهد (صحراکار و ذاکر حقیقی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۷ به نقل از پاکزاد و بزرگ، ۱۳۹۵، ص. ۲۲۹). به طور کلی رفتار فضایی خوب، به عنوان شاخص طراحی شهری موفق بوده و رفتار فضایی بد شاخص ضایع شدن منابع و دلیل نارضایتی افراد می‌باشد (حمزه‌نیا و طبیبیان^۵، ۲۰۱۸، ص. ۴). الگوهای رفتاری نشان‌دهنده نحوه رفتار مردم در فضا است (خطیبی، ۱۳۹۲، ص. ۳۶) و از طرفی محیط در ایجاد رفتارهای گوناگون نظیر رفتارهای تفریحی، هدفمند، صرفاً عبور و یا حضور مؤثر است (بحرینی و خسروی، ۱۳۹۳- وایت^۶، ۱۹۸۰). همچنین محیط در اینکه رفتار اجتنابی باشد یا خودانگیخته نیز تأثیرگذار می‌باشد (عظیمی سغین و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲) ارتباط میان انسان با محیط اطراف او تابعی از مجموعه سیستم حواس چندگانه است، در واقع محیط رفتاری تصویر شناختی محیط عینی است که اساس رفتار را شکل می‌دهد و از طرفی فرهنگ به عنوان عاملی مهم در شکل‌دهی به سامانه‌های فعالیتی آدم‌ها در سکونتگاه‌ها می‌باشد (پاک‌نژاد و لطیفی، ۱۳۹۷ به نقل از تی هال، ۱۳۸۴- کافکا^۷، ۱۹۳۵- راپاپورت، ۱۳۸۴).

در چارچوب دیدگاه‌های بررسی‌شده در رابطه با تأثیر منظر شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان پژوهش‌های متعددی به صورت تخصصی و یا میان‌رشته‌ای در داخل و خارج از کشور انجام شده است که هر یک بر جنبه‌ای از تأثیر یا رابطه میان فضا و رفتار تأکید کرده‌اند به طوری که در مطالعات خارج از کشور، ادوارد تی هال، آموس راپاپورت در زمینه انسان‌شناسی فضا از برجستگی بیشتری برخوردار است (علی‌اکبری، ۱۳۸۵، ص. ۱۴۶). کوین لینچ در مطالعه سه شهر آمریکا تأثیر وضوح یا خوانایی موجود در سیمای شهرها را در ارتباط ادراک فضایی تشریح کرد (لینچ، ۱۳۹۵، ص. ۹۰). دورلاک و لمان تأثیر نوع معماری فضاهای آموزشی (فضاهای باز و بسته) بر جنبه‌های رفتاری (رفتارهای

1. Majnoui-Toutakhane
2. Aydin & Ter
3. Lelévrier
4. Moulay
5. Hamzeieha & Tabibian
6. Whyte
7. Koffka

فعال، نیمه فعال و کم فعال) دانش آموزان در ۱۲ مدرسه آمریکا را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که فضای باز رفتار فعال و ترکیب فضای باز و بسته رفتارهای نیمه فعال و کم فعال را سبب می شود (مرتضوی، ۱۳۸۰، ص. ۳۴). مطالعه مشاورین شالر در مورد شهر نیویورک، استفاده از نمادها و نماهای بصری زیبا توأم با ترنم موسیقی ملایم را به عنوان مهم ترین شاخص های تأثیرگذار بر رفتار در وسایل حمل و نقل عمومی شهر معرفی می کند (شالر^۱، ۱۹۹۹، ص. ۲). در مطالعات داخل کشور نیز عسکری زاد و صفری^۲ اشاره کرده اند که تعاملات اجتماعی تأثیر عمیقی در نحوه رفتار مردم در فضاهای شهری دارد (عسکری زاد و صفری، ۲۰۲۰). رسول پور و همکاران (۱۳۹۷) اشاره کرده اند که نیازهای انسانی نتیجه تأثیر رفتار بر فضاهای شهری می باشد و از قابلیت های فضا می توان به زمینه ساز بودن آن به انجام رفتارها اشاره نمود. سلیمانی و همکاران (۱۳۹۶) اشاره کرده اند که میان محیط کالبدی-بصری و میزان اخلاق محور بودن خیابان رابطه نزدیکی وجود دارد. علی رازقی و همکاران (۱۳۹۶) اشاره کرده اند که بین ناهماهنگی های بصری و رفتار اجتماعی یک رابطه معنادار وجود دارد. خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) اشاره کرده اند که در اولویت بندی اثرگذاری معیارهای منظر شهر بر رفتار و کیفیت زندگی، معیار ادراک عمومی و فرم و ریخت شناسی بر اساس نظرات شهروندان در جایگاه اول قرار گرفته و این مؤلفه ها در بین معیارهای مورد سنجش نشان از اهمیت و اثرگذاری بیشتری بر روی زندگی شهروندان منطقه مورد مطالعه داشته است. آفتاب و علی پور (۱۳۹۴) اشاره کرده اند که بین سیمای بصری شهر و آرامش شهر رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. سیاف زاده و همکاران (۱۳۹۲) اشاره کرده اند که دو متغیر هویت مکانی و کیفیت منظر شهری دارای رابطه معنادار هستند. متغیرهای مذکور نسبت به افزایش و کاهش وضعیت یکدیگر واکنش نشان می دهند. با توجه به مطالب گردآوری شده، مطالعه تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان از دیرباز در دستور کار اندیشمندان گوناگون قرار گرفته بود که اهمیت توجه به آن را دوچندان می کند زیرا فضاهای شهری بدون الگوی رفتاری مناسب باعث کم شدن حضور مردم و ساکنین می شود که در این پژوهش نیز به بررسی تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان در خیابان امام «ره» پرداخته شده است.

امروزه شهرسازی معاصر به دلیل تأثیرپذیری از مدرنیته، عدم توجه به مبانی معماری و شهرسازی ایرانی (پورجوهری و یارعلی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲) و عدم درک ماهیت برون گرایی معماری غرب باعث پیدایش شهرها و فضاهای شهری بدون هماهنگی در بدنه شهری و حتی در سطح خرد نظیر ابنیه مجاور به یکدیگر شده است (کریر، ۱۳۸۶، ص. ۵۲). شهرها و فضاهای شهری، بارزترین جلوه تمدن بشریت در طول تاریخ تکامل بشریت می باشد (وحدت و دیگران، ۱۳۹۴، ص. ۱۸) و از طرفی ایران، به عنوان بازتابی از مبانی نظری و فکری ایرانیان در انسجام و نظم دادن به فضاهای شهری و سکونت های تجمعی خود بوده است. شهر و فضاهای شهری در فرهنگ عام ایرانی مفهومی جامعی داشته و دربرگیرنده ابعاد مختلفی نظیر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و طبیعی می باشد (تی هال، ۱۳۸۴، ص. ۶۵).

1. Shaller

2. Askarizad & Safari

شهر ارومیه به عنوان یکی از شهرهای تاریخی، دارای ساختار کالبدی و فضایی مشخص با محوریت بازار به عنوان ستون فقرات شهر و عناصر کارکردی اصلی مانند میدان، مسجد جامع در محدوده بازار، با بافتی یکپارچه و ارگانیک شکل گرفته است (عباس زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۷۸). بافت تاریخی این شهر در منطقه ۴ واقع شده است که هسته اولیه شهر را تشکیل می‌دهد. از مهم‌ترین خیابان‌های این محدوده می‌توان به خیابان‌های امام، عطایی و خیام اشاره کرد که بازار تاریخی ارومیه نیز در آن قرار دارد (محمودی آذر و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۲۱). با توجه به ارزشمند بودن خیابان امام «ره» به لحاظ ابعاد تاریخی، فرهنگی و سیاسی و وجود کاربری‌های جاذب، در طول شبانه‌روز جاذب افراد مختلفی می‌باشد. از طرفی چون خیابان‌ها به عنوان قرارگاه رفتاری، در فواصل زمانی مشخص الگوهای ثابت رفتاری دارند (رسول‌پور، ۱۳۹۷، ص. ۲۴) لذا لزوم توجه به تأثیرات این فضای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان در این خیابان به نظر مهم می‌رسد زیرا تداوم حیات اجتماعی، در حضور پذیری افراد در بافت‌های شهری می‌باشد و این رفتارهای اجتماعی شهروندان است که میزان سرزندگی محیط را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این پژوهش فضای شهری مورد بررسی فضاهای عمومی شهر، خیابان‌ها می‌باشد که در این راستا نمونه موردی خیابان امام «ره» در نظر گرفته شده است. هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان در خیابان امام «ره» در ارومیه می‌باشد. که در قالب فرضیه، «بین الگوهای رفتاری شهروندان و سیما منظر شهری رابطه وجود دارد.» تدوین گردیده است. از جنبه‌های نوآوری پژوهش می‌توان در حوزه قلمرو مکانی به دلیل پیچیده و چندبعدی بودن فضاهای شهری، به قلمرو مکانی متفاوت با سایر پژوهش‌ها اشاره نمود به‌طوری‌که در این پژوهش نمونه موردی خیابان امام «ره» در ارومیه در نظر گرفته شده است. در حوزه بازه زمانی نیز به دلیل وجود شرایط کرونایی حاکم بر جامعه به نظر می‌رسد بررسی تأثیر فضاهای شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان در این بازه زمانی بتواند تغییراتی در نتایج پژوهش ایجاد نماید. همچنین در حوزه روش تحقیق نیز به دلیل استفاده از تحلیل رگرسیونی چندگانه گام به گام به نظر می‌رسد نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد.

۲. روش شناسی

۱.۲. روش پژوهش

روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد که مطالب مورد استفاده در این پژوهش به دو صورت برداشت اسنادی و میدانی گردآوری شده به این صورت که چارچوب نظری از مطالب علمی نظیر اسناد کتابخانه‌ای، مقالات علمی و ... گردآوری شده است تا نظریه‌های مختلف در این زمینه بررسی و پیشینه پژوهشی لازم برای این پژوهش جمع‌آوری شود سپس به برداشت میدانی محدوده مورد مطالعه پرداخته شده است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه و فیش‌برداری می‌باشد. حجم نمونه این پژوهش، استفاده‌کنندگان از خیابان امام می‌باشد و چون جامعه آماری دقیقی در دست نیست از فرمول کوکران که برای جامعه آماری نامعلوم تهیه شده، استفاده شده است که به صورت زیر می‌باشد:

$$\sigma = \frac{\max(x_i) - \min(x_i)}{6} : \text{فرمول شماره 1}$$

$$n = \left(\frac{\frac{z_a}{2} \times \sigma}{\varepsilon} \right)^2 : \text{فرمول شماره 2}$$

با توجه به اینکه از طیف لیکرت ۵ درجه در پرسشنامه‌ها استفاده شده است و با استفاده از فرمول شماره ۱، انحراف معیار آن ۰/۶۶ به دست می‌آید و چون سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت برآورد ۰/۰۱ در نظر گرفته شده است و با استفاده از فرمول شماره ۲، تعداد حجم نمونه ۱۷۰ عدد به دست می‌آید که در محدوده خیابان امام به صورت تصادفی پر شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دو صورت کمی و کیفی انجام می‌گیرد به گونه‌ای که در بعد کمی از روش‌های آماری (توصیفی و استنباطی) و در بعد کیفی نتایج حاصل از بررسی‌های آماری تجزیه و تحلیل می‌گردد. در این پژوهش از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است که در نهایت با استفاده از نتایج به دست آمده راهکارهایی در جهت ارتقاء زندگی آفرینی و ایجاد سرزندگی در خیابان امام ارائه می‌گردد. معیارها و زیرمعیارهایی که در راستای بررسی تأثیر منظر شهری بر الگوهای رفتاری شهروندان در خیابان امام (ره) مورد استفاده قرار گرفته است، در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. این معیارها و زیر معیارها از پیشینه پژوهشی و چارچوب نظری گردآوری شده‌اند به طوری که متغیرهای کالبدی، اجتماعی و زیست‌بوم به عنوان متغیر مستقل و متغیر الگوهای رفتاری به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۱. معیارها و زیرمعیارهای پژوهش

نوع متغیر	معیارها	زیر معیارها
مستقل	کالبدی	دسترسی، نظم ترافیک، خط آسمان، آلودگی‌های دیداری، رنگ و کیفیت جداره‌ها، تابلوها و مبلمان شهری
	اجتماعی	حس ایمنی و امنیت، میزان خوانایی و حس جهت‌یابی، میزان تعاملات اجتماعی، پیشگیری از رفتارهای ناهنجار، هویت شهری و تعلق خاطر، کیفیت محل‌های تجمع
	زیست‌بوم	مدیریت پسماندها و جمع‌آوری زباله، فضاهای سبز و تفریحی مناسب، جاذبه‌های گردشگری و تاریخی
وابسته	الگوهای رفتاری	تنوع فعالیت‌های اجتماعی، کیفیت قرارگاه‌های رفتاری، هماهنگی کالبد و عملکرد قرارگاه‌های رفتاری، تناسب فعالیت‌ها با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه

مأخذ: (رسول‌پور و همکاران، ۱۳۹۷؛ علی رازقی و همکاران، ۱۳۹۶؛ آفتاب و علی پور، ۱۳۹۴؛ سیاف زاده و همکاران، ۱۳۹۲؛

سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶)

برای ارزیابی روایی پرسشنامه از ۱۵ نفر از متخصصین این امر استفاده شده است که با توجه به نظریات این افراد، روایی این پرسشنامه تأیید می‌گردد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است که تعداد ۲۰ عدد از پرسشنامه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است. طبق نتایج این آزمون، مقدار آلفای کرونباخ با ۰/۷۶۵ از مقدار ۰/۷ بیشتر می‌باشد که نشان‌دهنده پایایی بالای پرسشنامه است.

در این پژوهش از آزمون معتبر کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی فرض نرمال بودن داده‌های پژوهش استفاده شده است. با توجه به جدول شماره ۲، اگر سطح معنی‌داری برای کلیه متغیرهای مستقل و وابسته بزرگ‌تر از

سطح آزمون (۰/۰۵) باشد توزیع داده‌ها نرمال می‌باشد. همچنین می‌توان از قضیه حد مرکزی توزیع نرمال بودن متغیرها را سنجید. در این قضیه هرگاه حجم نمونه بزرگ‌تر از ۳۰ باشد می‌توان توزیع داده‌ها را نرمال در نظر گرفت.

جدول ۲. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

متغیرها	سطح معنی‌داری	اماره آزمون
کالبدی	۰/۰۷۷	۱/۲۷۷
اجتماعی	۰/۰۶۳	۱/۳۱۴
زیست‌بوم	۰/۰۶۹	۱/۳۵۴
الگوهای رفتاری	۰/۰۸۹	۱/۲۱۲

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

همان‌طور که از داده‌های جدول فوق مشخص است، سطح معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای همه متغیرها بزرگ‌تر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه این متغیرهای موردبررسی در پژوهش حاضر دارای توزیع نرمال می‌باشند و برای بررسی فرضیات تحقیق می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

احداث خیابان امام در سال ۱۳۰۷ توسط اداره بلدیه شهر ارومیه در دستور کار قرار گرفت. این خیابان که شهر را از شرق به غرب تقسیم می‌کرد توسط معمار بومی بنام مشهدی محمدحسین معمار معروف به ملا اوستا احداث گردید. ملا اوستا با وجود اینکه سواد دانشگاهی و کلاسیک نداشت ولی خیابان را به‌طور ماهرانه ایجاد کرد. خیابان امام «ره» به نوعی قلب و مرکز شهر ارومیه می‌باشد. بازار سرپوشیده ارومیه که جز بازارهای قدیمی این شهر می‌باشد در آن جای گرفته است. پیاده‌روی در خیابان امام «ره» به دلیل وجود تنوع جمعیتی و جاذبه‌های تاریخی جز یکی از ویژگی‌های مثبت شهر ارومیه می‌باشد. مسجد قدیمی سردار و مدرسه تاریخی ۲۲ بهمن نیز در این خیابان قرار دارد. در راستای بررسی سیما و منظر وضع موجود خیابان امام «ره» به برداشت میدانی این معبر پرداخته شده است به‌طوری‌که نقشه عمر بنا، کیفیت بنا، کاربری اراضی و تعداد طبقات محدوده مورد مطالعه در شکل شماره ۱ نشان داده شده است. همچنین تصاویری بر اساس مؤلفه‌های پژوهش تحت عنوان دسترسی، نظم ترافیک، کیفیت محل‌های تجمع، کیفیت قرارگاه‌های رفتاری، کیفیت قرارگاه‌های اجتماعی، دسترسی، هماهنگی کالبد و عملکرد قرارگاه‌های رفتاری در شکل شماره ۲ نشان داده شده است که نشانگر آشفتگی فضایی این فضای عمومی می‌باشد به‌طوری‌که در محل‌های تجمعی مردم دست‌فروشان ایجاد مزاحمت و سد معبر برای عابرین پیاده نموده‌اند و هماهنگی بین کالبد و عملکرد قرارگاه‌های رفتاری وجود ندارد.



شکل ۱. نقشه محدوده مورد مطالعه

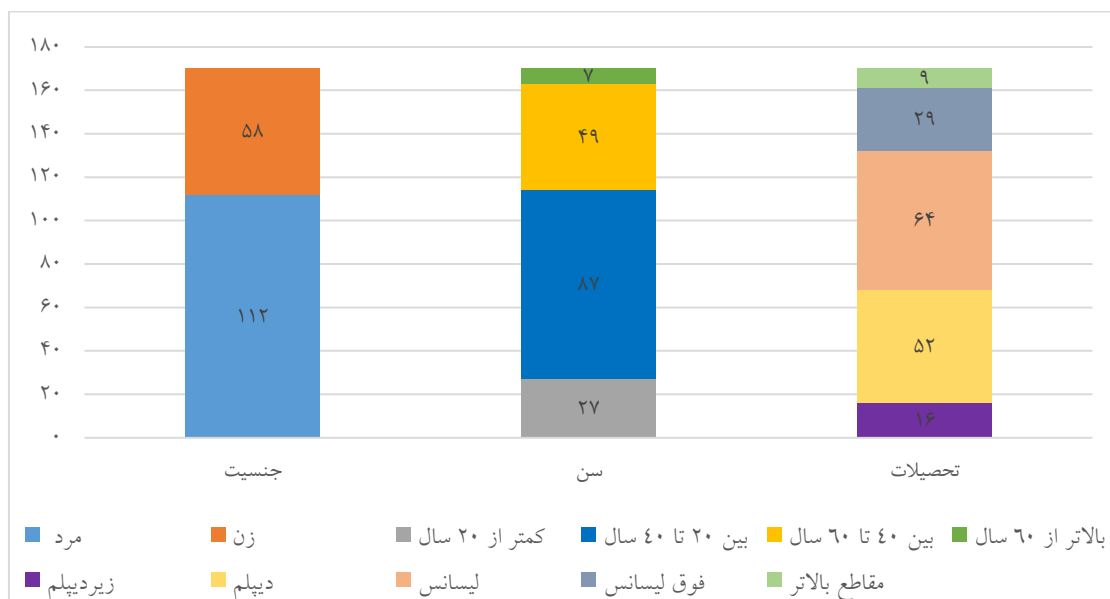


شکل ۲. وضع موجود محدوده مورد مطالعه

۳. یافته‌ها

۳.۱. یافته‌های توصیفی

بعد از تحلیل روایی و پایایی پرسشنامه، به بررسی ویژگی جمعیتی پرکنندگان پرسشنامه پرداخته شده که نتایج این بررسی در شکل شماره ۳ نشان داده شده است:



شکل ۳. ویژگی جمعیتی پرسشنامه

با توجه به اطلاعات گردآوری‌شده، از بین ۱۷۰ نفر پرکنندگان پرسشنامه، ۱۱۲ نفر مرد، ۸۷ نفر بین ۲۰ تا ۴۰ سال، ۶۴ نفر دارای مدرک لیسانس بودند که نشانگر حضور پذیری بالای مردان در این محدوده می‌باشد. پس از ارزیابی ویژگی جمعیتی، به تحلیل دلایل حضور افراد در این محدوده پرداخته‌شده که نتایج این ارزیابی در جدول شماره ۳ نشان داده‌شده است:

جدول ۳. دلایل استفاده از خیابان امام

کار	خرید	تفریح و گذران اوقات فراغت	صرفاً جهت عبور
۳۷ نفر	۶۵ نفر	۴۳ نفر	۲۵ نفر

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به داده‌های جدول شماره ۳، علت مراجعه افراد از مجموع ۱۷۰ عدد، ۳۷ نفر محل کار، ۶۵ نفر خرید، ۴۳ نفر تفریح و گذران اوقات فراغت و ۲۵ نفر نیز صرفاً جهت عبور استفاده می‌کنند. بالا بودن تعداد گویه خرید به دلیل تعداد بالای مراکز خرید در این محدوده می‌باشد که افراد از نقاط مختلف شهر برای رفع نیازهای روزمره و مایحتاج خود به این محدوده سفر می‌کنند.

۲.۳. یافته‌های تحلیلی

پس از تحلیل ویژگی‌های جمعیتی و وضعیت بصری محدوده مورد مطالعه، به ارزیابی مؤلفه‌های سیما و منظر شهری و الگوهای رفتاری در محدوده خیابان امام «ره» پرداخته‌شده است. مؤلفه‌های شناسایی شده دارای گویه‌های مربوط به خود می‌باشند که نتایج این ارزیابی در جدول شماره ۴ نشان داده‌شده است:

جدول ۴. جدول میانگین گویه‌ها

مؤلفه‌ها	گویه‌ها	میانگین
کالبدی	دسترسی	۳/۴۵
	نظم ترافیک	۲/۳۵
	خط آسمان	۲/۸۵
	آلودگی‌های دیداری	۳/۴۲
	رنگ و کیفیت جداره‌ها	۳/۸۵
	تابلوه‌ها و مبلمان شهری	۳/۶
زیست‌بوم	حس ایمنی و امنیت	۴/۱
	میزان خوانایی و حس جهت‌یابی	۳/۷۸
	میزان تعاملات اجتماعی	۳/۸۶
	پیشگیری از رفتارهای ناهنجار	۲/۷۵
	هویت شهری و تعلق خاطر	۴/۳
	کیفیت محل‌های تجمع	۲/۷
الگوهای رفتاری	مدیریت پسماندها و جمع‌آوری زباله	۲/۸۵
	فضاهای سبز و تفریحی مناسب	۲/۱۵
	جاذبه‌های گردشگری و تاریخی	۴/۳
	تنوع فعالیت‌های اجتماعی	۳/۳۲
	کیفیت قرارگاه‌های رفتاری	۲/۹۸
	هماهنگی کالبد و عملکرد قرارگاه‌های رفتاری	۳/۲
	تناسب فعالیت‌ها با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه	۳/۲

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به نتایج جدول شماره ۴، میانگین کلی هر یک از گویه‌ها به‌دست آمده است به‌طوری‌که در مؤلفه کالبدی: گویه رنگ کیفیت جداره‌ها با میانگین ۳/۸۵؛ در مؤلفه اجتماعی: گویه هویت شهر و تعلق خاطر با میانگین ۴/۳؛ در مؤلفه زیست‌بوم: گویه جاذبه‌های گردشگری و تاریخی با میانگین ۴/۳ و در مؤلفه الگوهای رفتاری: گویه تنوع فعالیت‌های اجتماعی با میانگین ۳/۳۲ بیشترین میانگین را کسب نموده‌اند. میانگین هر یک از مؤلفه‌ها محاسبه و نتایج این ارزیابی در جدول شماره ۵ نشان داده شده است:

جدول ۵. ارزیابی کلی مؤلفه‌ها

مؤلفه‌ها	میانگین
کالبدی	۳/۲۵
اجتماعی	۳/۵۸
زیست‌بوم	۳/۴۳
الگوهای رفتاری	۳/۱۷

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به جدول شماره ۵، نتایج این جدول نشانگر این است که مؤلفه اجتماعی با میانگین ۳/۵۸ بیشترین میانگین و مؤلفه الگوهای رفتاری با میانگین ۳/۱۷ کمترین میانگین را کسب نموده است. در راستای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از آزمون فریدمن استفاده شده است که نتایج این آزمون در جدول شماره ۶ نشان داده شده است:

جدول ۶. نتایج آزمون فریدمن

رتبه‌بندی	میانگین رتبه‌ای	میانگین	فراوانی داده‌ها	مؤلفه‌ها	سطح معناداری	فراوانی داده‌ها
۳	۴/۲۵	۳/۲۵	۱۷۰	کالبدی	۰/۰۰۲	۱۷۰
۱	۴/۷۷	۳/۵۸		اجتماعی		
۲	۴/۶۵	۳/۴۳		زیست‌بوم		
۴	۳/۹۶	۳/۱۷		الگوهای رفتاری		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به جدول شماره ۶، مقدار سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ است؛ لذا مؤلفه‌ها دارای تفاوت معناداری با یکدیگر هستند به‌طوری‌که مؤلفه اجتماعی با بیشترین میانگین در رتبه اول و مؤلفه الگوهای رفتاری با کمترین میانگین در رتبه چهارم قرار گرفته است. در راستای ارزیابی همبستگی میان مؤلفه‌های منظر شهری و الگوهای رفتاری شهروندان در خیابان امام (ره) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج این ارزیابی در جدول شماره ۷ نشان داده شده است:

جدول ۷. ارزیابی همبستگی مؤلفه‌های منظر شهری و الگوهای رفتاری شهروندان

آزمون همبستگی پیرسون		مؤلفه‌های منظر شهری	نوع و میزان رابطه
گ کک	الگوهای رفتاری	ضریب همبستگی	۰/۵۶۱
		سطح معناداری	۰/۰۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

طبق نتایج جدول شماره ۷، مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد بنابراین همبستگی معناداری بین مؤلفه‌های منظر شهری و الگوهای رفتاری شهروندان وجود دارد. همچنین با توجه به ضریب همبستگی، رابطه‌ای متوسط مستقیم بین مؤلفه‌های منظر شهری و الگوهای رفتاری شهروندان وجود دارد. به‌منظور تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی ابعاد کالبدی، اجتماعی و زیست‌بوم بر الگوهای رفتاری از تحلیل رگرسیونی چندگانه گام‌به‌گام استفاده شده است که نتایج آن در جدول شماره ۸ نشان داده شده است:

جدول ۸. خلاصه مدل

گام‌ها	متغیر پیش‌بین	همبستگی چندگانه R	ضریب تعیین چندگانه R ²	ضریب تعیین تعدیل شده
اول	کالبدی	۰/۶۱	۰/۳۷	۰/۳۶
دوم	کالبدی، اجتماعی	۰/۶۳	۰/۴۰	۰/۳۸
سوم	کالبدی، اجتماعی، زیست‌بوم	۰/۵۹	۰/۳۷	۰/۴۰

* متغیر الگوهای رفتاری به‌عنوان متغیر ملاک و ابعاد کالبدی، اجتماعی و زیست‌بوم به عنوان متغیر پیش‌بین. مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود متغیرهای پیش‌بین در سه مرحله وارد معادله رگرسیونی شده‌اند. ضرایب همبستگی به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۶۳ و ۰/۵۹ به‌دست آمده است. در گام اول ۳۶ درصد از واریانس توسط بعد کالبدی تبیین می‌گردد، در گام دوم با اضافه شدن مؤلفه اجتماعی معناداری این میزان به ۳۸ درصد ارتقاء یافت و در گام سوم با اضافه شدن بعد زیست‌بوم میزان واریانس این سه بعد به ۴۰ درصد ارتقاء یافت؛ به عبارت دیگر، با وارد شدن مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و زیست‌بوم به‌طور هم‌زمان ۰/۴۰ از واریانس بعد رفتاری تبیین می‌گردد.

جدول ۹. تحلیل واریانس متغیرهای پیش‌بینی کننده الگوهای رفتاری

گام	متغیرهای پیش‌بین	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F
اول	کالبدی	رگرسیون	۲۴۷/۵۸	۱	۲۴۷/۵۸	۱۶۹/۲۳
		باقی مانده	۴۶۷/۲۸	۱۶۹	۱/۶۲	
		مجموع	۷۴۱/۸۷	۱۷۰		
دوم	کالبدی، اجتماعی	رگرسیون	۲۹۶/۵۶	۲	۱۴۸/۲۸	۹۵/۵۶
		باقی مانده	۴۴۵/۳۰	۱۶۸	۱/۵۵	
		مجموع	۷۴۱/۸۷	۱۷۰		
سوم	کالبدی، اجتماعی، زیست‌بوم	رگرسیون	۳۰۴/۵۲	۳	۱۰۱/۵۰	۷۴/۳۸
		باقی مانده	۴۳۷/۳۵	۱۶۷	۱/۵۲	
		مجموع	۷۴۱/۸۷	۱۷۰		

* سطح معناداری ۰/۰۵ $p <$ مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

همان‌طور که در جدول شماره ۹ مشاهده می‌شود، آزمون تحلیل واریانس برای تعیین معناداری رگرسیون متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک مشخص شده است. در هر سه مرحله یا گام مقدار آماره F به‌دست آمده به ترتیب ۱۶۹/۲۳ ($p < ۰/۰۵$)، ۹۵/۵۶ ($p < ۰/۰۵$) و ۷۴/۳۸ ($p < ۰/۰۵$) می‌باشند که حاکی از معناداری آماری هر مرحله است.

۴. بحث

طبق نتایج آزمون فریدمن و ارزیابی‌های مؤلفه‌های سیما و منظر شهری در محدوده خیابان امام «ره»، مؤلفه اجتماعی با میانگین ۴/۷۷ در رتبه اول و مؤلفه الگوهای رفتاری با میانگین ۳/۹۶ در رتبه چهارم قرار گرفت. همچنین طبق نتایج آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی معناداری بین مؤلفه‌های منظر شهری و الگوهای رفتاری شهروندان وجود دارد که نشانگر این است که با بهبود شرایط هر یک از این مؤلفه‌ها وضعیت مؤلفه دیگری نیز بهبود پیدا می‌کند. همچنین طبق نتایج تحلیل رگرسیونی چندگانه گام‌به‌گام، ضرایب همبستگی به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۶۳ و ۰/۵۹ به‌دست‌آمده است به‌طوری‌که در گام اول ۳۶ درصد از واریانس توسط بعد کالبدی تبیین می‌گردد، در گام دوم با اضافه شدن مؤلفه اجتماعی معناداری این میزان به ۳۸ درصد ارتقاء یافت و در گام سوم با اضافه شدن بعد زیست‌بوم میزان واریانس این سه بعد به ۴۰ درصد ارتقاء یافت؛ به عبارت دیگر، با وارد شدن مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و زیست‌بوم به‌طور هم‌زمان ۰/۴۰ از واریانس بعد رفتاری تبیین می‌گردد. فرضیه اصلی پژوهش حاضر «بین الگوهای رفتاری شهروندان و سیما منظر شهری رابطه وجود دارد.» می‌باشد که برای اثبات این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیونی چندگانه گام‌به‌گام استفاده شده است که نتایج این آزمون حاکی از وجود رابطه‌ای معنادار مستقیم می‌باشد و همچنین با بهبود وضعیت سیما منظر شهری که شامل ابعاد کالبدی، اجتماعی و زیست‌بوم می‌باشد کیفیت الگوهای رفتاری شهروندان نیز بهبود می‌یابد.

با مقایسه نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های مرتبط می‌توان دریافت که نتایج این پژوهش با مطالعات رسول‌پور و همکاران (۱۳۹۷)، علی رازقی و همکاران (۱۳۹۶)، آفتاب و علی پور (۱۳۹۴) و سیاف زاده و همکاران (۱۳۹۲) همسو می‌باشند. به‌طوری‌که رسول‌پور و همکاران (۱۳۹۷) اشاره کرده‌اند که نیازهای انسانی نتیجه تأثیر رفتار بر فضاهای شهری می‌باشد و از قابلیت‌های فضا می‌توان به زمینه‌ساز بودن آن به انجام رفتارها اشاره نمود و از طرفی دیگر، ارتقای کیفیت محیطی و تأثیر شاخص‌های آن بر الگوهای رفتاری در فضاهای شهری مفهومی کمی نداشته بلکه با مفاهیم کیفی نیز در ارتباط می‌باشد، همسو می‌باشد. همچنین با مطالعات علی رازقی و همکاران (۱۳۹۶) که اشاره کرده‌اند که بین ناهماهنگی‌های بصری و رفتار اجتماعی یک رابطه معنادار وجود دارد همسو می‌باشد. با مطالعات آفتاب و علی پور (۱۳۹۴) که اشاره کرده‌اند که بین سیمای بصری شهر و آرامش شهر رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد نیز همسو می‌باشد. و با مطالعات سیاف زاده و همکاران (۱۳۹۲) که اشاره کرده‌اند که دو متغیر هویت مکانی و کیفیت منظر شهری دارای رابطه معنادار هستند به‌طوری‌که متغیرهای مذکور نسبت به افزایش و کاهش وضعیت یکدیگر واکنش نشان می‌دهند، همسو می‌باشد.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه فضاهای شهری بدون حضور ساکنان آن بدون معنا و مفهوم می‌باشند، لذا توجه به تأثیر این فضاها بر الگوهای رفتاری مردم به نظر مهم می‌رسد. امروزه با پیشرفت روزافزون فناوری‌ها و تکنولوژی‌های جدید

توجه به فضاهای شهری با کاهش کیفیت روبه‌رو شده است به‌طوری‌که کیفیت و کمیت تجمعات انسانی کاهش پیدا کرده و باعث تغییر الگوی رفتاری در فضاهای شهری شده است. زمان آن فرارسیده تا با بررسی وضعیت فضاهای شهری و ارتباط یابی آن با الگوهای رفتاری مردم نسبت به تغییر وضعیت کنونی و در جهت توسعه پایدار فضاهای شهر گام برداشت تا حیات اجتماعی فضاهای شهری جان تازه‌ای بگیرد.

در این پژوهش به بررسی رابطه میان متغیرهای کالبدی، اجتماعی و زیست‌بوم به‌عنوان متغیر مستقل و متغیر الگوهای رفتاری به‌عنوان متغیر وابسته پرداخته شده است. تا با شناسایی رابطه این متغیرها در جهت ایجاد فضاهای شهری برای شکل‌گیری الگوهای رفتاری مناسب‌سازی گردد. انسان‌ها فضاهای شهری را در بسیاری از حالات با وجوه زیبا شناسانه‌اش تجزیه و تحلیل می‌کنند، به‌طوری‌که این تجزیه و تحلیل‌ها فضا را برای آن‌ها لذت‌بخش‌تر می‌نماید و زمینه را برای شکل‌گیری فعالیت‌ها و تجمع‌های اجتماعی مهیا می‌سازد. لذا توجه به سیما و منظر شهری در جهت شکل‌گیری الگوی رفتاری مناسب بیش‌ازپیش مهم می‌باشد. در این راستا نتایج این پژوهش نشانگر این است که طبق نتایج آزمون فریدمن و ارزیابی‌های مؤلفه‌های سیما و منظر شهری در این محدوده، مؤلفه اجتماعی با میانگین $4/77$ در رتبه اول و مؤلفه الگوهای رفتاری با میانگین $3/96$ در رتبه چهارم قرار گرفت. طبق نتایج آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی معناداری بین مؤلفه‌های منظر شهری و الگوهای رفتاری شهروندان وجود دارد. طبق نتایج تحلیل رگرسیونی چندگانه گام‌به‌گام، ضرایب همبستگی به ترتیب $0/61$ ، $0/63$ و $0/59$ به‌دست‌آمده است به‌عبارت‌دیگر، با وارد شدن مؤلفه‌های کالبدی، اجتماعی و زیست‌بوم به‌طور هم‌زمان $0/40$ از واریانس بعد الگوی رفتاری تبیین می‌گردد. در نهایت در راستای بهبود وضعیت الگوهای رفتاری در فضاهای عمومی شهری، راهکارهایی در زیر ارائه گردیده است:

۱. ایجاد تورفتگی‌های ساختمانی در جهت طراحی فضایی برای ایجاد قرارگاه‌های اجتماعی در خیابان امام

«ره»

۲. استفاده از رویکرد مشارکتی در طراحی خیابان امام «ره» در راستای جلوگیری از وندالیسم شهری

۳. استفاده از هنر روانشناسی رنگ‌ها در جهت جذاب نمودن فضاها و تأثیرگذاری مثبت بر روی کاربران

در طراحی خیابان امام «ره» و تقویت حس مکان و هویت‌مند نمودن

۴. طراحی و ایجاد فضاهای انعطاف‌پذیر و چندمنظوره برای برگزاری مراسم‌های مذهبی، سیاسی، باستانی

در خیابان امام «ره»

۵. پیش‌بینی فضاهای تجمعی برای ایجاد ارتباط اجتماعی مؤثر در طراحی دوباره خیابان امام «ره»

۶. ساماندهی دست‌فروشان و جلوگیری از ایجاد سد معبر در این خیابان در جهت روان‌سازی ترافیک پیاده

۷. استفاده مؤثر از پوشش گیاهی و طراحی و تولید مبلمان شهری خلاقانه در راستای جذب افراد با

ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی متفاوت در خیابان امام «ره»

کتابنامه

۱. آفتاب، ا. و علی پور، ا. (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل رابطه بین سیمای بصری شهر و رفتار شهروندان (مطالعه موردی: شهر اردبیل). فصلنامه جغرافیای سرزمین، ۱۲ (۴۶)، ۴۱-۵۶.
۲. بحرینی، س. ح.، و خسروی، ح. (۱۳۹۳). راهنمای طراحی فضاهای شهری: جلداره فضای شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. پاکزاد، ج. (۱۳۸۵). سیمای شهر؛ آنچه کوبین لینچ از آن می فهمید. فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، ۱۸ (۵۳)، ۲۰-۲۵.
۴. پاکزاد، ج.، و بزرگ، ح. (۱۳۹۵). الفبای روانشناسی محیط برای طراحان. تهران: انتشارات آرمان شهر.
۵. پاک نژاد، ن.، و لطیفی، غ. (۱۳۹۷). تبیین و ارزیابی تأثیرات مؤلفه های محیطی بر شکل گیری الگوهای رفتاری در فضاهای شهری (از نظریه تا عمل: مطالعه میدان تجریش). باغ نظر، ۱۵ (۶۹)، ۵۱-۶۶.
۶. پورجوهری، ا. ح.، و یارعلی، آ. (۱۳۹۲). بررسی تأثیرات معماری و شهرسازی مدرن غرب بر ایران نمونه موردی شهر تهران. ماهنامه تخصصی شهر و منظر، ۳ (۳۱)، ۷-۱۹.
۷. تی هال، ا. (۱۳۸۴). بعد پنهان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. خادمی، م.، پورجعفر، م. ر.، و علی پور، ر. (۱۳۸۹). درآمدی بر مفهوم خیابان به عنوان فضای شهری. دوفصلنامه جستارهای شهرسازی، ۹ (۳۱)، ۳۸-۴۵.
۹. خداداد، م.، بیرانوندزاده، م.، و سبحانی، ن. (۱۳۹۵). ارزیابی اهمیت نقش مولفه های منظر شهری بر کیفیت زندگی شهروندی (مطالعه موردی: شهر گرگان). دوفصلنامه پژوهشهای منظر شهر، ۳ (۶)، ۴۳-۵۸.
۱۰. خطیبی، س. م. (۱۳۹۲). تأثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت محیط شهر مطالعه موردی محدوده ورودی ساندج. هویت شهر، ۷ (۱۳)، ۶۳-۷۳.
۱۱. رایاپورت، آ. (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی. تهران: انتشارات پردازش و برنامه ریزی تهران.
۱۲. رسول پور، ه.، اعتصام، ا.، و طهماسبی، ا. (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیر مولفه های کیفیت محیطی بر الگوهای رفتاری در فضاهای فیزیکی شهری (نمونه موردی: خیابان ولی عصر (عج) تهران). مطالعات محیطی هفت حصار، ۷ (۲۵)، ۱۹-۳۴.
۱۳. سلیمانی، ع.، آفتاب، ا.، اسدی عیسی کانی، م.، و مجنونی، ع. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر طراحی شهری بر رفتار و اخلاق شهروندان (مطالعه موردی: خیابان های امام، مدرس و کاشانی ارومیه). پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، ۵ (۲)، ۲۸۹-۳۱۴.
۱۴. سیاف زاده، ع.، میره ای، م.، و نوده فراهانی، م. (۱۳۹۲). نقش کیفیت منظر شهری در ایجاد حیات اجتماعی و هویت مکانی شهروندان (مطالعه موردی: بزرگراه نواب). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۱ (۲۹-۳۹).
۱۵. صابری فر، ر. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین میزان بهره مندی از فضاهای رفاهی شهری و سلامت روان شهروندان. مجله پژوهش سلامت، ۳ (۲)، ۸۹-۹۴.

۱۶. صحراکار، ن.، ذاکر حقیقی، ک. (۱۳۹۸). تحلیلی بر اثرگذاری کیفیت محیط کالبدی بر الگوهای رفتاری شهروندان (نمونه موردی: میدان بابا طاهر همدان). فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۱۰ (۳۹)، ۱۴۴-۱۵۶.
۱۷. عباسزاده، م.، محمدمرادی، ا.، و سلطان احمدی، ا. (۱۳۹۴). نقش ارزش های میراث معماری و شهری در توسعه گردشگری فرهنگی (مطالعه موردی: بافت تاریخی ارومیه). مطالعات شهری، ۴ (۱۴)، ۷۷-۹۰.
۱۸. عظیمی سغین، ع.، حسنی آشورزاده، ع.، و منتجب، س. (۱۳۹۸). تحلیل و ارزیابی الگوهای رفتاری شهروندان در طراحی جدید میدان شهدا کرمان (مشتاق) و رابطه آن با معیارهای تعامل پذیری اجتماعی و عناصر کالبدی-معماری. نشریه علمی تخصصی شباک، ۵ (۵۰)، ۱-۶.
۱۹. علی اکبری، ا. (۱۳۸۵). رویکردی مفهومی به تأثیر سیمای شهری بر الگوهای رفتاری. جغرافیا، ۴ (۱۰-۱۱)، ۱۴۳-۱۶۳.
۲۰. علی رازقی، م.، نوابخش، م.، و انصاری، ح. (۱۳۹۶). ناهماهنگی های بصری در سیمای شهر اهواز و تأثیر آن بر رفتار اجتماعی شهروندان. مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۴ (۵۲)، ۵۸-۷۶.
۲۱. کریر، ر. (۱۳۸۶). فضاهای شهری. اصفهان: انتشارات خاک.
۲۲. لینیچ، ک. (۱۳۹۵). سیمای شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. محمودی آذر، ا.، هاشم پور، ر.، و فوادمهرعشی، س. م. (۱۳۹۶). تحلیلی بر تعامل کیفیت زندگی عینی و ذهنی بر مبنای دسترسی به خدمات عمومی در بافت تاریخی شهر ارومیه. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۷ (۴۵)، ۲۰۷-۲۲۵.
۲۴. مرتضوی، ش. (۱۳۸۰). روانشناسی محیط و کاربرد آن. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. وحدت، س.، سجاذزاده، ح.، و کریمی مشاور، م. (۱۳۹۴). تبیین ابعاد موثر بر منظر خیابان در جهت ارتقاء خوانش منظر فضاهای شهری. مطالعات شهری، ۴ (۱۵)، ۱۷-۳۵.
26. Askarizad, R., & Safari, H. (2020). The influence of social interactions on the behavioral patterns of the people in urban spaces (case study: The pedestrian zone of Rasht Municipality Square, Iran). *Cities*, 101.
27. Aydin, D. & Ter, U. (2008). Outdoor Space Quality: Case Study of a University Campus Plaza. *International Journal of Architectural Research*, 2(3), 203-189.
28. Carmona, M., Heath, T., OC, T., & Tiesdell, S. (2017). *Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design*. UK: Architectural press.
29. Diener, E., Napa Scollon, C. & Lucas R. E. (2009). The Evolving Concept of Subjective Well-Being: The Multifaceted Nature of Happiness. *Social Indicators Research Series*, 39, 67-100.
30. Golany, G. S., & Ojima, T. (1996). *Geo- Space Urban Design*. New York: John Wiley and Sons.
31. Hamzeieha, Sepideh & Tabibian, M. (2018). Redesigning Urban Spaces with an Emphasis on the Relationship Between the Physical Environment of the City and the Behavior of Citizens (Case Study: Adl Street in Qazvin). *Space Ontology International Journal*, 7, 1-14.
32. Koffka, K. (1935). *Principles of gestalt psychology*. New York and London: Harcourt brace.
33. Lelévrier, C. (2013). Social mix neighbourhood policies and social interaction: The experience of newcomers in three new renewal developments in France. *Cities*, 35, 409-416.

34. Majnoui-Toutakhane, A. (2018). influencing factors on performance of social behavior settings at parks and green spaces of tabriz abstract. *Journal of Urban and Regional Analysis*, 10, 199-215.
35. Moulay, A., Ujang, N., & Said, I. (2017). Legibility of neighborhood parks as a predictor for enhanced social interaction towards social sustainability. *Cities*, 61, 58–64.
36. Shaller, B. (1999). Enhancing Transits Competitiveness: A Survey Methodology, *Transportation Research Record*, 1669(1), 143-149.
37. Tan, E. (2006). The Copenhagen experience what the pedestrian wants. *NovaTerra*, 6(1), 5-31
38. Whyte, W. H. (1980). *The social life of small urban spaces*. Washington DC: The Conservation Foundation.

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۱۷

تدوین کاربست اقدام در بافت‌های تاریخی مبتنی بر رویکرد بازآفرینی فرهنگ‌مبنا (نمونه موردی: محله قنبرعلی‌بیگ شهر لار)^۱

زهرا اعتمادی^{۱*} (کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

(^۲مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

zahra_201155@yahoo.com

امیرحسین شبانی شهرضا^{۳*} (استادیار گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، نویسنده مسئول)

(^۴مرکز تحقیقات افق‌های نوین در معماری و شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران)

amirhosein_shabani@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

صص ۷۶-۵۵

چکیده

اتخاذ رویکرد فرهنگی در شهرسازی به معنای تاکید بر معنای فرهنگی فضا در کنار فرم و محتوای آن است. بازآفرینی فرهنگ‌مبنا بر همین اساس به دنبال تعادل‌بخشی به ابعاد گوناگون شهر از منظر فرهنگ است. این پژوهش، با رویکردی میان‌رشته‌ای با نگاه به ادبیات فرهنگ شهری و کاربست بازآفرینانه، به دنبال پیوند نگاه فرهنگ‌مبنا در کنش بازآفرینانه در بافت‌های تاریخی است. این پژوهش بر حسب رویکرد توصیفی تحلیلی بر پایه نظریه زمینه‌ای بوده و ۱۵ نفر از ساکنین فعلی، ساکنین سابق و مطلعین از محله "قنبرعلی‌بیگ" لار در مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. تحلیل به کمک نرم‌افزار MAXQDA 2018 و کدگذاری‌های سه‌گانه انجام شد؛ در اولین سطح از مقوله‌سازی به کمک گزاره‌های حاصل از مصاحبه‌ها، ۳۱۲ مقوله و در گام بعدی ابتدا ۵۰ طیف مفهومی و پس از فشرده‌سازی در دومین سطح ۱۰ مقوله مهم حاصل شده‌است. در نهایت، مقولات به‌دست‌آمده نهایی، دلبستگی به زادگاه و علاقه به حفظ آن، رویدادمحوری، تغییر ساختار جمعیت‌شناختی از نظر قومی در کنار انطباق اجتماعی ساکنین جدید و بومی، رواج و رونق بالای تجارت در جوار محله، حفظ سنت استفاده روزانه از آب، حفظ هویت و خاطرات جمعی، اشاعه‌ی فرهنگ لارستان و کمک به اقتصاد فرهنگی شهر، نارضایتی از وضعیت کالبدی، تغییر کاربری ناسازگار با هویت تاریخی بافت، اتحاد و همدلی بین اهالی ساکن و سابق و مقوله هسته‌ای نیز "تداوم حیات و وحدت فرهنگی محله" می‌باشد که بر این اساس کاربست اقدام ارائه شده‌است.

کلیدواژه‌ها: بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنا، بافت‌های تاریخی، محله قنبرعلی‌بیگ، نظریه زمینه‌ای، لار

۱. این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد زهرا اعتمادی در دانشکده هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، با عنوان «تدوین چارچوب طراحی شهری در بافت‌های تاریخی با رویکرد بازآفرینی فرهنگ‌مبنا (نمونه موردی: محله قنبرعلی‌بیگ شهر لار)» است.

۱. مقدمه

حضور فرهنگ به عنوان عاملی که از یکسو ریشه در تاریخ دارد، و از سوی دیگر با آرزوها، خواسته‌ها و باورهای انسان‌ها در هم آمیخته و نوعی ویژگی منحصر به فرد را برای هر اجتماع انسانی شکل می‌دهد، بعدی ازلی دارد (مامفورد، ۱۳۸۵). فرهنگ و بازنمودهای فرهنگی، همواره به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از مناسبات شهر محسوب شده و هر شهری با فرهنگ و بارزهای فرهنگی مختص به خود، شناخته می‌شده است. ولی آنجا که سخن از معرفی دوباره فرهنگ به عنوان عامل توسعه مطرح می‌شود، می‌بایست به شرایط شهری دوران معاصر اشاره نمود. شرایطی که در آن فرهنگ را به عنوان نهادی بر جریان اقتصاد محور توسعه قرار می‌دهد، به شکلی که از دهه ۱۹۷۰ میلادی، بسیاری از شهرهای اروپایی، شاهد نوعی تجدید ساختار ناخواسته شدند که دلایل آن را می‌توان در جابه‌جایی صنایع و به تبع آن اشتغال، مهاجرت طبقه متوسط شهری به حومه‌ها، توسعه مراکز خرید در خارج از شهرها و افزایش مالکیت و وابستگی به خودروی شخصی دانسته‌اند. (باغبانی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲). بنابراین جریان فعل و انفعالات فرهنگ شهری در بافت‌ها و ساخت‌های برآمده از زمان‌های مختلف، ویژگی‌ها و سازوکارهای متنوعی را در شهرها به همراه داشته‌است که مساله فرهنگ را نه فقط در تظاهرات کالبدی بلکه در هویت، معنابخشی و زیست پایدار آن قابل تامل می‌کند.

در سطح جهانی، چالش بافت‌های تاریخی به عنوان کانون اولیه زیست ساکنان شهرها برآمده از جایگاه خاص شان در حیات شهرها در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی بیش‌وکم و با تقدم و تاخر در غالب کشورها مطرح بوده‌است. آنها یادآور خاطرات ارزشمند ساکنان خود می‌باشند که نقش مهم و تاثیرگذاری در هویت شهر و ساکنان خود داشته‌اند. با ورود مدرنیسم محلات قدیمی دچار تغییرات زیادی شدند و محلات قدیمی که به خاطر ساختار سنتی و قدیمی خود توان و فرصت انطباق با شرایط جدید را نداشتند به مرور فرسوده شده و کارایی خود را از دست دادند. عوامل و شرایط زیادی باعث سرعت بخشیدن به این تغییرات شده‌اند که از جمله‌ی آنها می‌توان به عوامل اجتماعی و اقتصادی اشاره نمود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۷۴؛ لطفی، ۱۳۸۹، ص. ۴۹). در ایران نیز بافت‌های تاریخی در اکثر شهرهایی که سابقه تاریخی مستندی دارند هم از یکسو با چالش‌ها و تهدیدهای عام و هم فراز و نشیب‌های برآمده از زمینه خاص، روبه‌رو بوده و هستند. پیچیدگی مساله بافت‌های تاریخی، در آنجا بیشتر می‌گردد که این گونه بافتی، به عنوان محمل شکل‌گیری شهرها و با وجود ساختارهای ریشه‌دار در ماهیت ذاتی ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی شهرها در دوره معاصر، در مسیری متضاد با بافت‌های نوظهور، دچار توقف، تاخیر یا پس افتادگی در جریان روزآمدی شده‌اند و افول آن‌ها به معنای افول کانون هویت بخش و تعریف‌کننده‌ی حیات تاریخمند شهرهاست.

بازآفرینی شهری فرهنگ‌مبنا از جمله رویکردهای متأخری است که اهداف احیاء و تداوم حیات شهری در بافت‌های تاریخی را همزمان دنبال می‌کند و بر اهمیت نقش فرهنگ در معنایی فراگیر و جامع، در قالب فضاها، مفاهیم، سازوکارهای فرهنگی موثر تأکید می‌ورزد. (حناچی، ۱۳۸۶، ص. ۱۵؛ لطفی، ۱۳۸۹؛ خان‌محمدی و دیگران،

۱۳۹۹). از این‌رو و با توجه به دوگانه فرهنگ و بافت تاریخی، مساله مورد مذاقه از یک‌سو، به ماهیت نگاه فرهنگ‌مبنا و تظاهرات شهری این رویکرد در شهرسازی و از سوی دیگر توجه به زمینه، بستر و خاستگاه فرهنگی شهر در مقیاس بافت تاریخی باز می‌گردد. به عبارت دیگر مساله این است که چگونه می‌توان با نگاه فرهنگ‌مبنا، چالش‌ها و تهدیدهای پیش روی بافت‌های تاریخی را تعریف، تحلیل و مساله‌یابی نمود و در سیاست‌های شهری پاسخی بر آن متصور شد.

روند بکارگیری فرهنگ به عنوان بخشی اساسی یا ابزاری برای بازآفرینی شهری در کشورهای غربی در پاسخ به افول نمادین و اقتصادی صنعتی شدن، رخ داد و این موضوع منجر به ارتقا بخش خدمات و رقابت در بخش‌های مرکزی شهرها شد (ندویسین^۱ و همکاران، ۲۰۱۹؛ لازاریک^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). این رویکرد، اولین بار در سال ۱۹۸۵ مورد توجه نهاد سرمایه اروپایی فرهنگ و سپس لاندری^۳ (۲۰۰۰) و فلوریدا^۴ (۲۰۰۲) در خلق مفاهیم مرتبطی مانند محیط نوآور و الهام‌بخش قرار گرفت که سبک جدید زندگی شهری معاصر را هدف قرار می‌داد. از این‌رو بازآفرینی فرهنگ‌مبنا، به دنبال مکان‌هایی است که در آن‌ها این فرایند ممکن است توسط طیف گسترده‌ای از کاتالیزورهای فرهنگی یا بازسازی‌کننده‌ها آغاز شده و یا پشتیبانی شود (لاندری^۵ و همکاران، ۱۹۹۶). از زمان مطرح شدن نگاه فرهنگ‌مبنا در بازآفرینی تاکنون، امتدادهای مختلفی سعی کرده‌اند فرهنگ را از مناظر گوناگون به موتور محرکه بافت تبدیل نمایند از جمله با رویکردهای مانند رویدادمحوری (شبابی و ایزدی، ۱۳۹۳)، محلات فرهنگی (خان‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۹)، شهر خلاق (صحرائیان و موحد، ۱۳۹۶)، محرک‌های توسعه در قالب بناها و فضاهای خاص فرهنگی (هاشمی و دیگران، ۱۳۹۹) و بازآفرینی مبتنی بر تقویت معانی فرهنگی بافت برآمده از بستر اجتماعی آن (لطفی و دیگران، ۱۳۹۶) که در پژوهش حاضر آخرین مورد توجه بوده است. پروژه‌های مهم در سطح بین‌المللی با این رویکرد در شهرهایی مانند لیورپول در آغاز دهه ۱۹۹۰، مرکز شهر گلاسکو در همین زمان (گورنز^۶، ۱۹۹۸، ص. ۱۱۱)، بارسلونا (جیدانیس^۷، ۲۰۰۰، ص. ۳۸۱-۲۸۲) قابل ذکر است. با این وجود نکته قابل ذکر این است که، از آنجایی که فرهنگ و مظاهر آن واجد ویژگی یکتایی در هر زمینه هویت‌مند می‌باشند بنابراین، هر طرح بازآفرینی فرهنگ‌مبنا بسته به بستر خود ویژگی‌ها، اقتضائات و دستاوردهای منحصر به فردی دارد که پژوهش حاضر نیز از این موضوع مستثنی نیست.

با وجود وسعت و سابقه قابل‌تأمل شهرنشینی در ایران و نیز حضور بیش و کم معنادار بافت‌های تاریخی در ساختار شهرایرانی امروز، مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه بازآفرینی فرهنگ‌مبنا، مویده این موضوع است که

1. Nedučin
2. Lazarević
3. landry
4. Florida
5. landry
6. Gorenz
7. Gdaniec

توجه به مقوله فرهنگ در پژوهش‌های حوزه بافت‌های تاریخی در منابع فارسی سابقه طولانی مدتی ندارد و از اوایل دهه‌نود هجری خورشیدی به طور جدی قابل رصد می‌باشد؛ در کنار این موضوع پیشینه حداقل چهاردهه‌ای این موضوع در منابع انگلیسی زبان و لزوم بومی‌سازی مفاهیم وارداتی در این عرصه، موید ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتر در این عرصه است.

شهر لار به عنوان بخش مرکزی شهرستان لارستان در جنوب استان فارس، حد فاصل شهر شیراز و سواحل شمال خلیج فارس با سابقه طولانی تاریخی‌اش نزدیک به سه هزار سال، از پیش از دوره ساسانی تا به امروز، مرکز آن یعنی شهر قدیم، از موقعیت خاص جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی برخوردار بوده‌است. لار به دلیل موقعیت و جایگاه استراتژیک خود در منطقه توانسته‌بود تا مبادلات تجاری، اقتصادی و حتی سیاسی خود را از بصره تا سواحل غربی هندوستان گسترش دهد. لار از دو بخش شهر جدید و شهر قدیم تشکیل شده‌است. شهر جدید پس از زلزله سال ۱۳۳۹، در اوایل دهه چهل شمسی و در ۵ کیلومتری جنوب شهر قدیم لار بنا نهاده شده‌است. شهر قدیم لار که در شمال شهر جدید واقع است همچون سایر شهرهای قدیم ایران، دارای فضاهای شاخص و عناصر نظام‌بخشی است که بسیاری از آنها هنوز از بین نرفته‌اند. در پژوهش حاضر، به دنبال پرسش از چیستی و چگونگی لحاظ نمودن کاربست فرهنگ مبنا در مواجهه با بافت تاریخی قبر علی بیگ شهر لار، بافت تاریخی شهر لار با مرکزیت محله قبرعلی‌بیگ به عنوان کانون انباشت خاطرات جمعی ساکنین اصیل و قدیمی شهر و دارای پتانسیل‌های تاریخی اعم از عرصه غنی معماری، فرهنگی و هویتی و پیوند خورده با حافظه جمعی ساکنان مورد مذاقه قرار می‌گیرد، تا از این طریق هدف اصلی پژوهش حاصل شود.

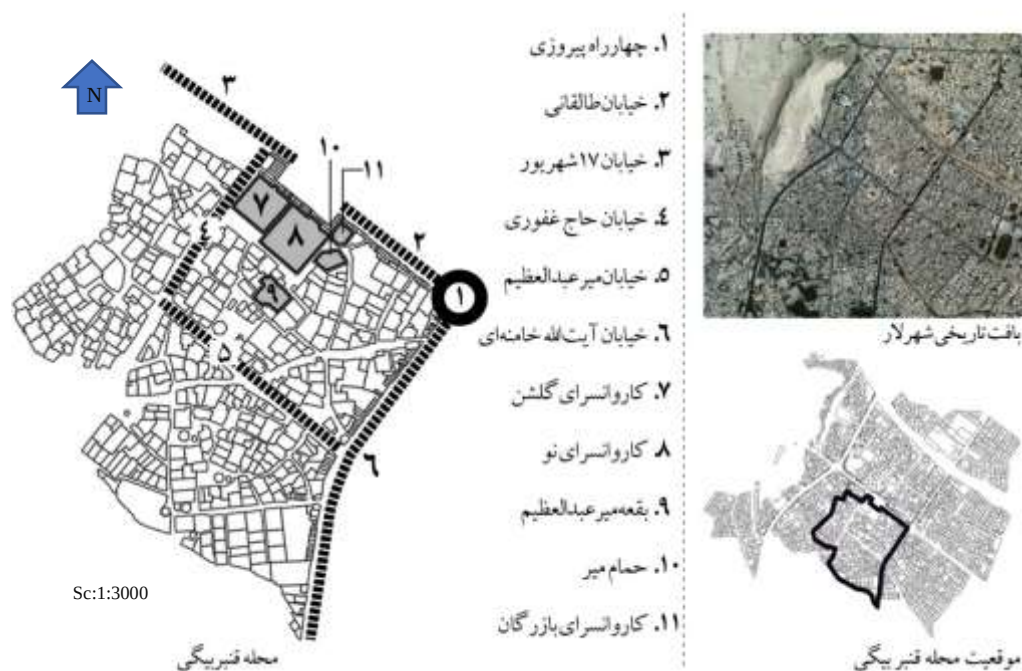
۲. روش شناسی

از آنجایی که در پژوهش حاضر رویکرد اتخاذ شده برآمده از تحلیل و شناخت مقوله فرهنگ در ساختار بافت‌های تاریخی شهر است، درک و تحلیل زمینه‌گرایانه، مهم‌ترین بخش در اکتشاف معانی و ادراکات فرهنگی محسوب می‌شود از این‌رو، در این پژوهش از روش کیفی برآمده از نظریه زمینه‌ای که با تعبیری مانند نظریه برپایه یا گردند تئوری^۱ نیز در پژوهش‌های به زبان فارسی اتلاق می‌شود به عنوان رویکرد اصلی روش‌شناسی مورد کاربرد قرار گرفته‌است. نظریه زمینه‌ای روش‌شناسی نسبتاً جدیدی است که نخستین بار در سال ۱۹۶۷ توسط اشتراش^۲ و گلیسر^۳ در کتاب کشف نظریه زمینه‌ای ارائه شد. طراحان نظریه زمینه‌ای به جای به کار بستن نظریه‌های کلان در مورد واقعیت‌های خاص به خود واقعیت ملموس مراجعه می‌کند تا نظریه مناسب را برای توضیح این واقعیت بسازند (فراستخواه، ۱۳۹۶). روش پژوهش مبتنی بر اکتشاف منظر ذهنی ساکنان محله مذکور به منظور بازآفرینی فرهنگ مبنا بر مراحل زیر استوار بوده است:

1. Grounded theory
2. Strauss
3. Glaser

- ۱- خوانش و تحلیل محتوای منابع نظریه‌ای در زمینه فرهنگ، بازآفرینی فرهنگ‌مبنا و نظریه برپایه
 - ۲- ورود به میدان پژوهش به منظور شناسایی بستر کالبدی و انسانی پژوهش
 - ۳- تدوین ساختار مصاحبه نیمه ساختار یافته، اصول اخلاقی مصاحبه و شناسایی مصاحبه‌شوندگان اولیه
 - ۴- انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به اشباع نظری (تمرکز مصاحبه‌ها بر دیدگاه افراد نسبت در راستای شناسایی نکاتی مرتبط با فرهنگ خاص بافت (اعم از رویدادها، فضاها، ابنیه)، مولفه‌های کالبدی و غیرکالبدی (میراث ناملموس) فرهنگی بافت، جستجوی تجربه زیسته در بافت، ارزیابی ادراکات فردی و جمعی در وضع موجود و گذشته بافت و همچنین مشکلات آن بود)
 - ۵- استفاده از نتایج مشاهدات میدانی و نظر خواهی از خبرگان (کارشناسان بافت تاریخی لار در شهرداری و نهادهای مرتبط) به عنوان مستندات تکمیلی
 - ۶- پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها در نرم‌افزار MAXQDA به منظور کدگذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها
 - ۷- پیدا کردن مفاهیم و انتخاب پرچسب‌های مناسب برای آن‌ها (کدگذاری باز)
 - ۸- ترکیب مفاهیم و کدگذاری محوری (طبق شاخص‌های انتخاب یک طبقه محوری، کدهایی که به کرات در داده‌ها مشاهده شدند در مرکز قرار گرفته به طوری که بقیه‌ی کدها به آن مرتبط باشند؛ و پالایش، توسعه و بهبود هر طبقه در پی آن صورت پذیرفت)
 - ۹- تلاش برای رسیدن به مقوله هسته‌ای مبتنی بر خروجی دو مرحله قبل (کدگذاری انتخابی)
 - ۱۰- تفسیر و تحلیل نهایی
۲. ۱. محدوده مورد مطالعه

موقعیت جغرافیایی محله قنبرعلی بیگ لار در شهر از شمال: خیابان طالقانی و میدان شهید نصیری و بخشی از خیابان ۱۷ شهرپور، از جنوب: خیابان میرعبدالعظیم و بخشی از خیابان حاج غفوری، از شرق: خیابان آیت‌الله خامنه‌ای، از غرب: بخشی از خیابان حاج غفوری و هم مرز با محله آقا می‌باشد. در محله مذکور، کاروانسراهای گلشن، نو، بازرگان و مرقد میرعبدالعظیم، مسجدقنبربیگی و حمام میر هم‌چنین نزدیکی به بازار معروف لار از دانه‌ها و فضاهای ارزشمند تاریخی این محله به شمار می‌روند.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محله قنبریگ

۲. ویژگی میدان انسانی پژوهش

میدان انسانی پژوهش شامل ساکنین سابق محله، ساکنین فعالی محله و مطلعین و همچنین مجریان طرح‌های بازسازی و مرمت بافت تاریخی است که در جدول زیر اطلاعات جمعیت‌شناختی و سکونت‌شان ارائه گردیده است: از آنجایی که راهبرد اصلی پژوهش کیفی است و نمونه‌گیری مبتنی بر روش گلوله برفی انجام شده در جدول زیر جنسیت (یک زن و چهارده مرد)، تحصیلات (۲۰ درصد دیپلم، ۱۳ درصد فوق دیپلم، ۲۶ درصد لیسانس، ۳۳ درصد فوق لیسانس و ۶ درصد دکتری) و وضعیت سکونت (سابقه سکونت بالای ۱۸ سال یا ساکن) مجموعه قابل اعتمادی را تشکیل داده‌اند.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	جنسیت	سن	سطح سواد	وضعیت سکونت	وضعیت اقتصادی	وضعیت تاهل	شغل
۱	زن	۵۰	فوق لیسانس	۱۸ سال سابقه سکونت در محله و مهاجرت به شهر جدید در ۳۰ سال اخیر	خوب	متاهل	کارمند
۲	مرد	۵۵	دکتری	۱۸ سال سابقه سکونت در محله و پس از گذر از دوره تحصیل، مهاجرت به شهر جدید لار در ۲۰	عالی	متاهل	آزمایشگاه تشخیص طبی

کد	جنسیت	سن	سطح سواد	وضعیت سکونت	وضعیت اقتصادی	وضعیت تاهل	شغل
				سال اخیر			
۳	مرد	۴۰	لیسانس	مهاجرت به شهر جدید	متوسط	متاهل	شغل آزاد
۴	مرد	۴۸	دیپلم	حدود ۴۰ سال سابقه سکونت در محله و مهاجرت به بخش دیگری از شهر قدیم در سال‌های اخیر	متوسط	متاهل	شغل آزاد
۵	مرد	۵۲	فوق دیپلم	ساکن در محله از زمان تولد تا کنون	متوسط	متاهل	کارمند
۶	مرد	۵۲	فوق دیپلم	ساکن در محله از زمان تولد تا کنون	متوسط	متاهل	کارمند
۷	مرد	۵۸	فوق لیسانس	مهاجرت به بخش دیگری از شهر قدیم	خوب	متاهل	کارمند بازنشسته دولت
۸	مرد	۵۸	فوق لیسانس	مهاجرت به بخش دیگری از شهر قدیم	خوب	متاهل	کارمند بازنشسته دولت
۹	مرد	۶۵	لیسانس	۵۰ سال سابقه سکونت در محله و مهاجرت به شهر جدید در ۱۵ سال اخیر	متوسط	متاهل	کارمند بازنشسته دولت
۱۰	مرد	۵۸	لیسانس	مهاجرت به بخش دیگری از شهر قدیم	متوسط	متاهل	شغل آزاد
۱۱	مرد	۴۲	فوق لیسانس	ساکن در محله از زمان تولد تا کنون	متوسط	مجرد	شغل آزاد
۱۲	مرد	۴۲	فوق لیسانس	ساکن در محله از زمان تولد تا کنون	متوسط	مجرد	شغل آزاد
۱۳	مرد	۷۵	لیسانس	۲۵ سال سابقه سکونت در محله و مهاجرت به شهر جدید در ۵۰ سال اخیر	خوب	متاهل	کارمند بازنشسته دولت
۱۴	مرد	۵۵	دیپلم	ساکن در محله از زمان تولد تا کنون	عالی	متاهل	شغل آزاد
۱۵	مرد	۶۹	دیپلم	۵۰ سال سابقه سکونت در محله و مهاجرت به محلات دیگر شهر قدیم در ۲۰ سال اخیر		متاهل	کارمند بازنشسته دولت

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳. یافته‌ها

۳.۳. کدگذاری

۳.۳.۱. گام اول: کدگذاری باز

در این بخش به بیان ارتباط بین مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها (کدگذاری اولیه) و پایه‌های اصلی تحقیق (بازآفرینی فرهنگ‌مبنا) پرداخته شده و سعی شده ارتباط جامع، کامل و یکپارچه‌ای بین مقولات مذکور ایجاد کرده تا براساس این مقولات و طبقات اصلی شکل گیرد. به همین خاطر، ابتدا در نرم‌افزار MAXQDA کدها به صورت کامل بررسی و مرتب شده و سپس طبقه‌بندی شدند. سپس طبقه‌ها با مقایسه و دسته‌بندی بزرگتر شده و به مقوله‌های مجزا تبدیل شدند.

در جداول زیر، در مقولات سطح اول تامل شده، آنها را مقایسه و ترکیب و دسته‌بندی کرده و با توجه به موضوع و زمینه اجتماعی تحقیق، آن مقولات سطح اول را گروه‌گروه بر مبنای خویشاوندی خانوادگی در مقولات بزرگتر و در خوشه‌های مقوله‌ای منظم شده است. با توجه به گستره پژوهش و ۱۵ مصاحبه‌ای انجام شده، به کمک داده‌های حاصله، در اولین سطح از مقوله‌سازی از مجموع گزاره‌های حاصل از مصاحبه با سه گروه افراد، به ۳۱۲ مقوله گزاره‌ای و بعد ۵۰ طیف مفهومی و در نهایت با دسته‌بندی و فشرده‌سازی مقولات و طیف‌های مفهومی، ۱۰ مقوله مهم در سطح دوم بدست آمده‌است.

جدول ۲. کدگذاری اولیه مصاحبه‌ها

کد	گزاره
IN-E-01-014	مسجد میر عبدالعظیم از کانون‌های مهم عزاداری محرم در لار
IN-C-03-010	تنظیم مسیرهای سینه‌زنی محلات نعمتی و حیدری در دهه اول محرم برای عدم برخورد باهم جهت جلوگیری از درگیری احتمالی در گذشته
IN-E-02-045	وجود کنیسه یهودیان در گذشته در لار و تخریب آن در چند سال پیش
IN-E-01-033	وضعیت نامناسب خانه‌های قدیمی محله و فرسودگی آنها
IN-E-02-019	عدم رسیدگی به کاروانسراها و تبدیل آنها به پارکینگ و انبار
IN-C-03-03	از بین رفتن بخشی از دانه‌های ارزشمند تاریخی شهر و محله قنبر بیگ طی خیابان کشی اخیر
IN-C-01-030	جلوگیری از تخریب و مرمت حمام میر و قراردادن آن مکان در معرض دید عموم
IN-C-01-029	پتانسیل ایجاد فضاهای گردشگری در لار
IN-E-01-019	وجود بیشترین برکه‌ها در محله در گذشته به دلیل عبور دو رشته رودخانه از آن
IN-C-07-09	محوطه اطراف دهنشیر و آب‌انبار و محوطه مسجد میر عبدالعظیم به عنوان آبادترین و پر رفت‌وآمدترین بخش‌های محله
IN-E-02-057	تاسیس اولین مکتب خانه‌های لار با نام "کتاب" در این محله
IN-D-01-03	به وجود آمدن اولین کتابخانه لار در مرز بین محله قنبربیگ و پیرغیب به نام "پیر صدق"
IN-E-02-020	بازار قیصریه در نزدیکی محله قنبربیگ، یکی از بازارهای تاریخی زنده‌ی جهان و ثبت شده در میراث فرهنگی

کد	گزاره
IN-D-05-05	قابلیت ایجاد موزه‌های محلی با صنایع دستی متنوع لار
IN-D-02-08	تخریب و پرکردن دهنشیر محله به خواست اهالی محل به دلیل مشکلات سیستم دفع آب‌های سطحی و مرمت مجدد آن توسط خیرین محله
IN-C-02-011	ادامه سکونت افراد باقی مانده در محله با وجود فوت و مهاجرت خیلی از ساکنین، به دلیل عدم استطاعت مالی و یا دل‌بستگی به زادگاه
IN-D-04-010	اعتقاد مردم به دخیل بستن به درخت کنار برای استجابت دعا
IN-D-04-016	استفاده از تمامی اجزای درخت نخل مثل برگ‌ها، تنه، لیف درخت، مغز ساقه و میوه از قدیم تا به امروز
IN-E-02-055	رسم دفن اموات در نزدیکی مکان‌های مذهبی مثل امامزاده یا مساجد در گذشته
IN-C-01-011	بی آزار بودن اهالی افغانستانی محله برای ساکنین بومی محله
IN-C-02-02	نزدیکی محل کار و محل زندگی اکثر اهالی محله به هم؛ یعنی بازار و خانه
IN-D-01-01	کاروانسراها به عنوان بارانداز و محل استراحت تجار

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۲.۳. کردن کدگذاری باز

مقوله‌ای کردن روح کدگذاری باز است؛ در جدول (۳) گزاره‌ها از متن مصاحبه با ساکنین حال حاضر محله، ساکنین سابق محله و مطلعین از احوال محله قنبربیگ استخراج و فهرست شده‌اند و ضمن درج کد، از سوی محقق، مفهوم‌سازی گشته‌اند، بدین صورت که مقوله‌ی برآمده از هر گزاره در ستون آخر آن ردیف نوشته شده‌است.

جدول ۳. مقوله‌سازی سطح اول

ردیف	گزاره	کد	مقوله (مقوله‌سازی سطح اول)
۱	مسجد میرعبدالعظیم از کانون‌های مهم عزاداری محرم در لار	IN-E-01-014	اهمیت و استفاده زیاد مسجد میرعبدالعظیم
۲	تنظیم مسیرهای سینه‌زنی محلات نعمتی و حیدری در دهه اول محرم برای عدم برخورد باهم جهت جلوگیری از درگیری احتمالی در گذشته	IN-C-03-010	جلوگیری از ایجاد تنش‌های ناشی از تعصبات مذهبی به وسیله برنامه‌ریزی ساعت عبور
۳	وجود کنیسه یهودیان در گذشته در لار و تخریب آن در چند سال پیش	IN-E-02-045	وجود ادیان مختلف در لارستان قدیم
۴	وضعیت نامناسب خانه‌های قدیمی محله و فرسودگی آن‌ها	IN-E-01-033	فرسودگی
۵	عدم رسیدگی به کاروانسراها و تبدیل آن‌ها به پارکینگ و انبار مغازه‌های میدان	IN-E-02-019	کاربری ناسازگار کاروانسراها
۶	از بین رفتن بخشی از گورهای ارزشمند تاریخی شهر و محله قنبربیگ طی خیابان‌کشی‌های سال‌های اخیر	IN-C-03-03	از بین رفتن برخی از بناهای تاریخی
۷	جلوگیری از تخریب و مرمت حمام میر و قرار دادن آن	IN-C-01-030	رها شدن آثار تاریخی و عدم

ردیف	گزاره	کد	مقوله (مقوله سازی سطح اول)
	مکان در معرض دید عموم		رسیدگی به برخی از آن‌ها
۸	پتانسیل ایجاد فضاهای گردشگری در لار	IN-C-01-029	قابلیت ایجاد فضاهای گردشگری به وسیله بازسازی میراث تاریخی
۹	وجود بیشترین برکه‌ها در محله قنبربیگ در گذشته به دلیل عبور دو رشته رودخانه از آن	IN-E-01-019	گذر دو رشته رودخانه اصلی از محله
۱۰	محوطه اطراف دهنشیر و آب‌انبار و محوطه مسجد میرعبدالعظیم به عنوان آبادترین و پررفت‌وآمدترین بخش‌های محله	IN-C-07-09	آبادی فضای مذهبی و فضای مربوط به تامین آب در همه وقت
۱۱	تاسیس اولین مکتب‌خانه‌های لار با نام "کتاب" در این محله	IN-E-02-057	اهمیت سوادآموزی
۱۲	به وجود آمدن اولین کتابخانه لار در مرز بین محله قنبربیگ و پیرغیب به نام "پیر صدق"	IN-D-01-03	ارزش و اهمیت سواد
۱۳	بازار قیصریه در نزدیکی محله قنبربیگ، یکی از بازارهای تاریخی زنده‌ی جهان و ثبت شده در میراث فرهنگی	IN-E-02-020	نزدیکی محله قنبربیگ به قطب تجاری شهر
۱۴	قابلیت ایجاد موزه‌های محلی با صنایع دستی متنوع لار	IN-D-05-05	وجود صنایع دستی متنوع در لار
۱۵	تخریب و پر کردن دهنشیر محله به خواست اهالی محل به دلیل مشکلات سیستم دفع آب‌های سطحی و مرمت مجدد آن توسط خیرین محله	IN-D-02-08	مشکلات زیرساختی بافت
۱۶	ادامه سکونت افراد باقی مانده در محله با وجود فوت و مهاجرت خیلی از ساکنین، به دلیل عدم استطاعت مالی و یا دلبستگی به زادگاه	IN-C-02-011	عدم تمکن مالی و دلبستگی به زادگاه
۱۷	اعتقاد مردم به دخیل بستن به درخت کنار برای استجابات دعا	IN-D-04-010	اعتقاد راسخ به تقدس درخت کنار
۱۸	استفاده از تمامی اجزای درخت نخل مثل برگ‌ها، تنه، لیف درخت، مغز ساقه و میوه از قدیم تا به امروز	IN-D-04-016	ارج و قرب بالای درخت نخل
۱۹	رسم دفن اموات در نزدیکی مکان‌های مذهبی مثل امامزاده یا مساجد در گذشته	IN-E-02-055	احترام زیاد به اموات در گذشته
۲۰	بی آزار بودن اهالی افغانستانی محله برای ساکنین بومی محله	IN-C-01-011	سازگاری نسبی اهالی بومی و غیربومی
۲۱	نزدیکی محل کار و محل زندگی اکثر اهالی محله به هم؛ یعنی بازار و خانه	IN-C-02-02	بازاری و تاجر بودن بیشتر ساکنین محله
۲۲	کاربری کاروانسراها در زمان قدیم: بارانداز و محل استراحت تجار	IN-D-01-01	اهمیت کاروانسراها

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۳.۳. گام دوم: کدگذاری محوری

با توجه به اینکه مهم‌ترین فعالیت‌های کدگذاری محوری عبارت‌اند از:

- مرور و بازاندیشی در کدگذاری باز؛
- تامل مجدد در مضامین هم خانواده و مرتب‌سازی نهایی آن‌ها؛
- فهم نهایی ارتباطات میان مفاهیم و مقولات هم خانواده؛
- ترکیب نهایی مقولات هم خانواده؛
- تلاش برای تقلیل کل معانی در چند خانواده‌ی بزرگ از مقولات؛
- مقایسه‌ی چند خوشه‌ی خانوادگی بزرگ از مقولات با همدیگر و تامل در ارتباطات و نسبت‌های معنادار میان این چند خانواده بزرگ مقوله‌ای؛

کشف پدیده‌ی اصلی

پرسش از اینکه آیا هریک از محورهای مقوله‌ای از حیث داده‌هایی که حاوی آن هستند به اشباع رسیده‌اند. بررسی‌های انجام شده در این مرحله، در مقایسه‌ی بین کدهای به دست آمده از مصاحبه‌ها مبتنی بر تحلیل نرم‌افزار در بخش Two-Cases Model، کدهای مشترک زیر را نشان می‌دهند:

- اعتقاد قوی و محکم مذهبی در میان مردم لار در گذشته
- از بین رفتن خیلی از گهرهای ارزشمند تاریخی در محله قنبربیگ
- اتحاد و مشارکت مردم محله و هیئت امنای مسجد در ایام ماه محرم و از میان گروه‌های «اهالی ساکن در محله-مطالعین از احوال محله «و اهالی سابق محله-مطالعین از احوال محله» سه کد مشترک مشاهده شده:
- ارزش و رونق زیاد مسجد میرعبدالعظیم در مناسبت‌های مذهبی
- سالمند بودن درصد بیشتری از ساکنین محله در حال حاضر

مالکیت شخصی کاروانسراها و تبدیل آن‌ها به انبار مغازه‌ها در حال حاضر است. پس از این مرحله و مبتنی بر منطق نظریه زمینه‌ای گام آخر کدگذاری برای رسیدن به نظریه مستخرج از داده‌ها در مرحله بعد تعریف شد.

جدول ۴. سیر داده‌ها از طیف‌های مفهومی

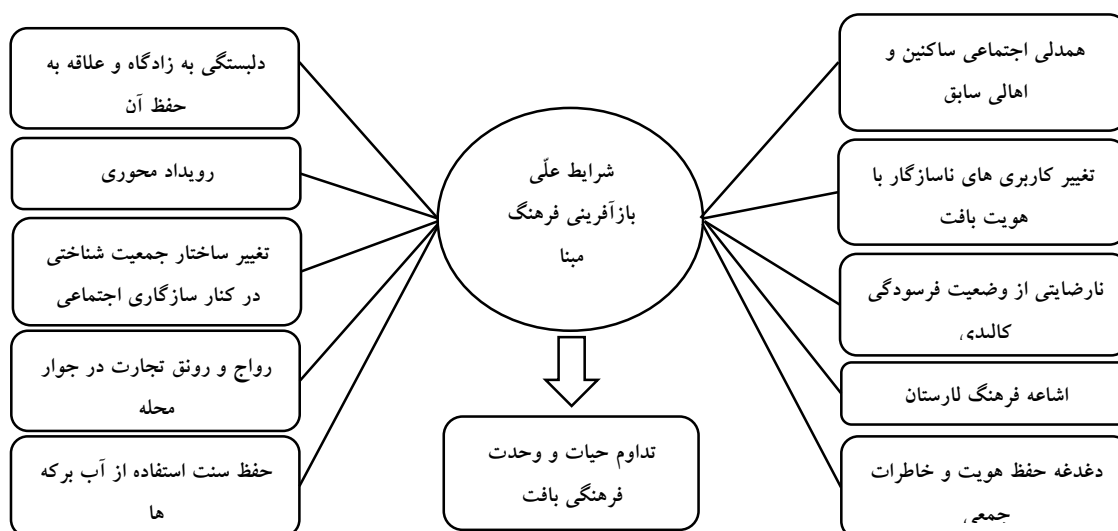
مقوله خوشه‌ای (سطح دوم)	طیف‌های مفهومی	داده
مذهب‌گرایی	رویداد محوری	مسجد میرعبدالعظیم از کانون‌های مهم عزاداری ماه محرم در لار
	وجود شبکه‌های اجتماعی سنتی	تنظیم مسیرهای سینه‌زنی محلات نعمتی و حیدری در دهه اول ماه محرم برای عدم برخورد باهم جهت جلوگیری از درگیری احتمالی در گذشته
	اتحاد و همدلی بین اهالی ساکن و سابق محله	وجود کنیسه یهودیان در گذشته در لار و تخریب آن در چند سال پیش

مقاله خوشه‌ای (سطح دوم)	طیف‌های مفهومی	داده
	حضور ادیان مختلف	وضعیت نامناسب خانه‌های قدیمی محله و فرسودگی آن‌ها
فرسودگی کالبدی	نارضایتی از وضعیت کالبدی	عدم رسیدگی به کاروانسراها و تبدیل آن‌ها به پارکینگ و انبار مغازه‌های میدان
	تغییر کاربری ناسازگار با هویت تاریخی بافت	از بین رفتن بخشی از گهرهای ارزشمند تاریخی شهر و محله قنبریگ طی خیابان کشی‌های سال‌های اخیر
	تعارض نظام حرکت و دسترسی تاریخی و جدید به واسطه خیابان کشی‌های معاصر	جلوگیری از تخریب و مرمت حمام میر و قرار دادن آن مکان در معرض دید عموم
دغدغه‌مندی	نگاه توسعه در کنار حفظ هویت و خاطرات افراد توسط مهندسين	پتانسیل ایجاد فضاهای گردشگری در لار
	اشاعه فرهنگ لارستان و کمک به اقتصاد شهر	وجود بیشترین برکه‌ها در محله قنبریگ در گذشته به دلیل عبور دو رشته رودخانه از آن
منظر آب	حفظ سنت استفاده روزانه از آب برکه‌ها	محوطه اطراف دهنشیر و آب‌انبار و محوطه مسجد میرعبدالعظیم به عنوان آبادترین و پر رفت‌وآمد ترین بخش‌های محله
ارزش‌های فرهنگی	اهمیت آموزش و فرهنگ سوادآموزی	تأسیس اولین مکتب‌خانه‌های لار با نام "کتاب" در این محله
		به وجود آمدن اولین کتابخانه لار در مرز بین محله قنبریگ و پیرغیب به نام "پیر صدق"
	رواج و رونق بالای تجارت در حوالی محله قنبریگ	بازار قیصریه در نزدیکی محله قنبریگ، یکی از بازارهای تاریخی زنده‌ی جهان و ثبت شده در میراث فرهنگی
	دغدغه حفظ و یادآوری فرهنگ و آداب و رسوم لار	قابلیت ایجاد موزه‌های محلی با صنایع دستی متنوع لار
	اشتیاق و دغدغه‌مندی در برابر حفظ میراث فرهنگی و باستانی	تخریب و پرکردن دهنشیر محله به خواست اهالی محل به دلیل مشکلات سیستم دفع آب‌های سطحی و مرمت مجدد آن توسط خیرین محله
تعلق خاطر	دلبستگی به زادگاه و علاقه به حفظ آن	ادامه سکونت افراد باقی‌مانده در محله با وجود فوت و مهاجرت بسیاری از ساکنین، به دلیل عدم استطاعت مالی و یا دلبستگی به زادگاه
گیاهان واجد اهمیت	اهمیت آیینی و هویت‌بخش درخت کنار و نخل	اعتقاد مردم به دخیل بستن به درخت کنار برای استجابت دعاهایشان
		استفاده از تمامی اجزای درخت نخل مثل برگ‌ها، تنه، لیف درخت، مغز ساقه و میوه از قدیم تا به امروز
آداب و اعتقادات	ردپای اعتقادات از حیات تا مرگ	رسم دفن اموات در نزدیکی مکان‌های مذهبی مثل امامزاده یا مساجد در گذشته
بافت اقتصادی کم‌درآمد	تغییر ساختار جمعیت‌شناختی از نظر قومی در کنار انطباق اجتماعی ساکنین جدید و بومی	بی‌آزار بودن اهالی افغانستانی محله برای ساکنین بومی محله
رونق تجارت	اقتصاد پویا	نزدیکی محل کار و محل زندگی اکثر اهالی محله به هم؛ یعنی بازار و خانه
	زمینه‌گرایی اقتصادی	کاربری کاروانسراها در زمان قدیم: بارانداز و محل استراحت تجار

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳.۳. ۴. گام سوم: کدگذاری انتخابی یا اکتشاف پدیده‌ی اصلی در حوزه‌ی معنایی

مطابق با فرایند کدگذاری در نظریه زمینه‌ای، در این گام پس از بررسی کدگذاری در مراحل قبل و شناخت مفاهیم کلیدی در قالب خوشه بندی‌های انجام شده ۱۰ مقوله اصلی شناسایی شدند و در نهایت مقوله هسته به عنوان موثرترین مقوله در میان دیگر موارد شناسایی گردید. بدیهی است که مقوله هسته می‌تواند مهمترین راهبرد مداخله در بافت تاریخی قنبر علی بیگ باشد و سیاست‌های لازم در راستای تحقق آن اتخاذ گردند.



شکل ۲. اکتشاف مقوله هسته‌ای از مقولات و مفاهیم

جدول ۵. اکتشاف مقوله هسته‌ای

ردیف	مفاهیم	مقوله	مقوله هسته
۱	برگشتن اکثر افراد کوچ کرده در ایام عزاداری و مناسبت‌ها به محل زادگاه خودشان، کوچ به شهر جدید پس از ازدواج و در عین حال رفت‌وآمد مداوم به محله، ادامه سکونت افراد باقی‌مانده در محله با وجود فوت و مهاجرت خیلی از ساکنین، به دلیل عدم استطاعت مالی و یا دلبستگی به زادگاه	دلبستگی به زادگاه و علاقه به حفظ آن	تداوم حیات و وحدت فرهنگی محله
۲	مسجد میرعبدالعظیم در ماه محرم، دسته سینه‌زنی محله قنبربیگ در روز عاشورا، شب‌های خاص دهه اول ماه محرم و ختم هرساله در مکان‌های خاص	رویداد محوری	
۳	رنج سنی نسبتاً بالای اهالی حال حاضر محله، سکونت اتباع افغانستانی در تعداد زیادی از خانه‌های فرسوده محله، بی‌آزار بودن اهالی افغانستانی محله برای ساکنین بومی محله، عدم ارتباط ساکنین افغانستانی با لاری‌های	تغییر ساختار جمعیت‌شناختی از نظر قومی در کنار انطباق اجتماعی ساکنین جدید و بومی	

ردیف	مفاهیم	مقوله	مقوله هسته
	ساکن در محله		
۴	بازار قیصریه پشت محله قنبریگ و رفت و آمد مداوم و هر روزه‌ی اهالی شهر و روستاهای اطراف	رواج و رونق بالای تجارت در جوار محله قنبریگ	
۵	آغاز مرمت آب‌انبار میرزا عبدالباقی، ساخت یک سقاخانه سنتی در جوار "تی‌تخ" برکه‌ی محله قنبریگ، قرارداد شیر فلکه برای برکه قنبریگ جهت سهولت استفاده، کیفیت مطلوب آب برکه محله قنبریگ و استفاده حال حاضر اهالی از آن،	حفظ سنت استفاده روزانه از آب برکه‌ها	
۶	احیا کاروانسراها، جلوگیری از تخریب حمام میر، وضعیت رو به تخریب باغ و مطب دکتر حبیب، مرمت آثار تاریخی شهر و محله از جمله خانه محمودی، تخریب بافت تاریخی و قدیمی محله به دلیلی خیابان کشی‌ها	حفظ هویت و خاطرات افراد	
۷	ایجاد فضاهای گردشگری در لار، درآمدزایی و ایجاد مشاغل برای جوانان لاری، پتانسیل ایجاد نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های صنایع دستی لار	اشاعه فرهنگ لارستان و کمک به اقتصاد شهر	
۸	وضعیت نامناسب خانه‌های قدیمی محله، فرسودگی دانه‌های تاریخی	نارضایتی از وضعیت کالبدی	
۹	عدم رسیدگی به کاروانسراها، تبدیل آن‌ها به پارکینگ و انبار مغازه‌های میدان	تغییر کاربری ناسازگار با هویت تاریخی بافت	
۱۰	مشارکت مردم محله و هیئت امنای مسجد میرعبدالعظیم برای سیاه‌پوش کردن محله قبل از شروع ماه محرم، جمع شدن پیشکسوتان و جوانان داوطلب داخل مسجد و برنامه‌ریزی و تقسیم کار در ایام عزاداری ماه محرم، برنامه‌ریزی برای رفع کمبودها و مشکلات محله برای شروع ماه محرم، شناخت کامل اهالی زمان قدیم از یکدیگر و مراقبت از منافع و موقعیت یکدیگر از قدیم تا به امروز، همکاری و اتحان زنان محله و محلات دیگر برای پخت غذای نذری دهه اول محرم آشپزخانه‌ی محله قنبریگ	اتحاد و همدلی بین اهالی ساکن و سابق محله	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۴. بحث

مروری بر مفاهیم بیان شده و مرتبط با پژوهش حاضر در پژوهش‌های مشابه را می‌توان در قالب زیر بیان نمود:

- ایجاد تعادلی میان جریان توسعه و امر حفاظت توسط بازآفرینی فرهنگ‌مبنا (لطفی، ۱۳۸۹)

- راهبرد محله فرهنگی و اولویت بندی معیارهای کارکرد، فرم و معنا در بازآفرینی فرهنگ مبنا (دیاریان، ۱۳۹۱)

- گردشگری فرهنگی در چارچوب بازآفرینی فرهنگ مبنا (پژوهان و پور مقدم، ۱۳۹۷)
- جذب سرمایه گذاری و نوسازی محیط شهری توسط بازآفرینی شهری و هدایت آن به سمت مقوله فرهنگ و هنر و در نتیجه جذب گردشگر (پی چیتای^۱، ۲۰۱۰)
- بررسی دو مقوله بازآفرینی شهری و کارآفرینان فرهنگی (جی یون کیم^۲، ۲۰۱۶)
- بازآفرینی فرهنگی و شهرهای خلاق و ارائه چارچوبی یکپارچه برای استراتژی هایی برای جذب و ترغیب سرمایه گذاران در بازآفرینی فرهنگی (لوسیا^۳ و تارنیو^۴، ۲۰۱۸)
- بررسی تعامل بین ترجیحات فرهنگی شهروندان، چشم اندازهای مربوط به شهرنشینی، منافع بخش خصوصی و استفاده از فضای شهری در بازآفرینی فرهنگ مبنا (ندیسن^۵، ۲۰۱۹)

پژوهش حاضر، به دنبال درک مولفه‌های فرهنگی بافت تاریخی قنبر علی بیگ لار، به منظور تداوم حیات و بازآفرینی ارزش‌های فرهنگی، رویکرد اکتشاف معانی فرهنگی جاری در لایه اجتماعی بافت را در پیش گرفت. با توجه به مطالعات داخلی صورت گرفته در این زمینه و بررسی آنها می‌توان نقطه تمایز این پژوهش و دیگر موارد را در دو مورد به بحث گذاشت: مقایسه روش شناختی و مقایسه رویکردها به بازآفرینی فرهنگ مبنا لازم به ذکر است که انتخاب و مقایسه، با جستجوی عبارت "بازآفرینی فرهنگ مبنا" در مقالات پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی انجام شد. در بین منابع داخلی از نظر روش شناختی هیچ یک از مطالعات از نظریه زمینه ای استفاده نکرده اند و رویکرد پژوهشگران به بازآفرینی فرهنگ مبنا نیز روی رهیافت گردشگری (پژوهان و دیگران، ۱۳۹۷؛ اسحاقیه فیروزآبادی، ۱۳۹۸؛ پژوهان و پور مقدم، ۱۳۹۷) و رقابت پذیری (مرادی و دیگران، ۱۳۹۸)، شهر خلاق (پور ذکریا و فدایی نژاد، ۱۳۹۸) است. به طور کلی در میان پژوهش‌های انجام شده در این زمینه و پژوهش حاضر، اهداف مشترکی همچون ایجاد هم پیوندی و ارتباط بین عناصر فرهنگی و تاریخی با کلیت بافت و یا کشف محرک‌های فرهنگی و رویدادهای جمعی از طریق تسری محتوا و روحیه هریک از عناصر ارزشمند به کلیت بافت دیده می‌شود. در بین مطالعات داخلی، پژوهش لطفی و همکاران (۱۳۹۵) روی بافت تاریخی شیراز به دلیل رویکرد جامع نگر به بازآفرینی فرهنگ مبنا در بخش فضای اجتماعی با پژوهش حاضر نزدیکی دارد اما چون در نهایت مکان خلاق فرهنگی مورد نظر بوده است اشتراک به حداقل می‌رسد. در پژوهش‌های خارجی طیف، مسایل متنوع تر می‌باشد و رابطه

بازآفرینی فرهنگ مبنا با نابرابری های شهری (فلانگا^۱ و کورا نانس^۲، ۲۰۲۱)، تاثیر بناهای خاص به عنوان محرک بازآفرینی فرهنگ مبنا (موراسکا^۳، ۲۰۲۰)، گردشگری شهری (لی^۴، ۲۰۲۰)، حفاظت میراث فرهنگی (موراسکا و دیگران، ۲۰۲۱)، رویداد محوری و بازآفرینی فرهنگ مبنا (پایدار(لیو^۵، ۲۰۱۹)، استراتژی های مدیریت در بازآفرینی فرهنگ مبنا (چیو^۶ و دیگران، ۲۰۱۹)، مطالعات مسکن و بازآفرینی فرهنگ مبنا (فان^۷ و دیگران، ۲۰۱۹) نقش دولت در بازآفرینی فرهنگ مبنا (لو^۸، ۲۰۱۹)، کاربرد استفاده مجدد سازگار از بناها در بازآفرینی فرهنگ مبنا(نیو^۹ و دیگران، ۲۰۱۸) به بحث گذاشته شده است. همچنین امکان بهره گیری از قدمت و عملکرد بناهای تاریخی برجسته در جهت بازآفرینی فرهنگ مبنا و کارایی اقتصادی بافت(یو^{۱۰} و دیگران، ۲۰۱۹) هم مطرح بوده است. اما در مجموع پژوهش حاضر در هر دو ملاحظه مذکور، هم به دلیل زمینه محور بودن (چه به لحاظ مکانی و فرهنگ مکان) و هم به دلیل بهره مندی از نظریه زمینه ای متفاوت می باشد.

بر اساس یافته های پژوهش، در بافت تاریخی قنبرعلی بیگ، با وجود جریان روبه رشد ورود جمعیت غیربومی به بافت تاریخی مذکور، در سال های اخیر، که منجر به تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی آن و کاهش تدریجی جمعیت اصیل و بومی شده و در عین حال به دنبال آن، وضعیت زندگی اقشار کم درآمد نیز رو به وخامت بیشتری رفته است؛ وضعیت کالبدی و سیمای فرسوده بافت و کمبود فضاهای سرزنده و کاربری های نامتناسب، نیز در این میان مزید بر علت می باشد تا در مجموع حس تعلق و مشارکت را در میان سکنه این بافت افول نماید. اما در عین حال، حس تعلق ساکنین قدیمی (چه کسانی که در محله سکونت دارند و چه آن هایی که دیگر سکونت ندارند) مهمترین سرمایه اجتماعی بافت مذکور است که این موضوع وجود ظرفیت مشارکت پذیری را در بافت تأیید می نماید. مشارکت در بافت مذکور در قالب موارد زیر مطرح می باشد:

۱- مشارکت سنتی ساکنین در قالب تجار خوش نامی که در طول تاریخ در ساخت بناها (مسجد و مدرسه) و زیرساخت های عام المنفعه (آب انبار، قنات) سهم بسزایی داشته اند (فرهنگ نوع دوستی).

۲- مشارکت در برگزاری رویدادهای مذهبی با محوریت عزاداری ماه محرم و صفر (فرهنگ مذهبی)

۳- تلاش مردم و مشارکت در استفاده بهینه از آب در مقابل گرما و خشکی به خلق آثار ماندگار «آب انبارها» منجر شده است. ساخت آب انبارها از قدیم با کمک خود مردم بوده و امروزه که ساخت آب انبارها توسط نیکوکاران ادامه

1. Falanga
2. Correa Nunes
3. Murawska
4. Li
5. Liu
6. Chiu
7. Fan
8. Luo
9. Niu
10. Yu

دارد، تأنجا که عمق و قطر آنها بستگی به بودجه و اعتبار شخص افراد دارد. (مشاورین دانشگاه شیراز، ۱۳۹۶ص. ۷۳-۷۱) (فرهنگ طبیعت‌دوستی)

نقش عنصر آب عنصر سازمان‌دهنده رشد و گسترش بافت تاریخی قنبرعلی‌بیگ: از میان همه عناصر کالبدی مرتبط با عنصر آب، شبکه‌ای منحصر به فرد از عنصر آب‌انبار ساختار شهر لار را متأثر ساخته است. همان‌گونه که از تصویر هوایی سال ۱۳۳۵ بافت تاریخی لار می‌توان تشخیص داد، این بافت دارای یک ترکیب فشرده از توده و فضا است. به طوری که در درون این بافت می‌توان پیچیدگی خاصی از درهم‌آمیزی قطعات مسکونی، معابر و آب‌انبارها را مشاهده نمود. از سوی دیگر بافت تاریخی لار با محوریت آب‌انبارها شکل گرفته و در حقیقت دسترسی به آب مهم‌ترین عامل در شکل‌دهی به فضای شهری، گذراندی، محله‌بندی و ریخت‌شناسی شهر قدیم بوده است؛ همین موضوع موجب شده است بافت تاریخی لار بر خلاف بافت‌های تاریخی شهرهای دیگر مثل یزد، از یک الگوی ساختاری شعاعی تبعیت کند (همان).

آب‌انبارها که در زبان محلی به آن‌ها «برکه» می‌گویند از شاخص‌ترین عناصر نقطه‌ای کالبدی شهر قدیم و محلات شهر لار هستند که تعدد آن‌ها در اولین برخورد با شهر و محلات بسیار چشم‌گیر است. به واسطه اهمیت نقش برکه‌ها در تأمین آب مردم معمولاً هر محله یک یا چند برکه مخصوص به خود داشته است. محله قنبریگ هم از این قائده مستثنی نیست و دارای سه برکه به نام های قنبریگ، میرزا عبدالباقی و قصاب می‌باشد.

حس تعلق خاطر

محدوده بافت تاریخی لار در کلیت و محله قنبرعلی‌بیگ بطور خاص، همواره محل زندگی و کسب پیشه افراد مختلف بوده و هست. نظام کاربری اراضی در این محدوده حاکی از شرایط خاص مجاورت کاربری مسکونی و بازار است. در حد فاصل محلاتی مانند آردفروشان، قنبریگ و پیرغیب، بالاترین میزان فعالیت‌های تجاری رخ می‌دهد. وجود پهنه بازار به عنوان یکی از عوامل محیط حس تعلق فضا مناسب‌ترین قسمت برای حضور شهروندان و قرارگاه رفتاری محسوب می‌شود.

تعاملات مذهبی - فرهنگی از دیگر عوامل محیطی حس تعلق به فضا محسوب می‌شود. وجود مساجد و حسینیه‌هایی نظیر میر عبدالعظیم، مسجد شاه‌غیب و مسجد فضل‌الله‌خانی، نقش مذهبی بافت که خودش نوع تعاملات اجتماعی است را پررنگ کرده است. از دیگر دلایل حس تعلق فضا در بافت محدوده مورد نظر وجود ابنیه و آثار با ارزش تاریخی است. همچنین بخشی از ساکنین محله قنبریگ سال‌های متمادی در این محله زیسته‌اند که این خود نوعی احساس تعلق خاطر به همراه دارد که مدت اقامت یکی از شاخص‌های اجتماعی تأثیرگذار در بررسی میزان مشارکت ساکنین می‌باشد. پس بنابر نتایج به‌دست‌آمده حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهده‌ها می‌توان گفت با توجه به اینکه تعدادی از ساکنین محدوده مورد نظر بومی‌های لار هستند بنابرین سابقه‌ی سکونت بالایی دارند که شاید از عمده دلایل آن تولد در محل، تعلق خاطر، ارث، محل کار و... باشد.

ظرفیت‌های فرهنگی

بافت تاریخی هر شهر نمادی از فرهنگ، قدمت، و شاخص‌های مردم‌شناسی آن شهر به شمار می‌رود. در لار نیز بافت تاریخی گسترده و بی‌نظیری وجود دارد که علاوه بر اینکه میراث تاریخی آن شهر می‌تواند به عنوان ظرفیت فرهنگی و گردشگری جنوب استان فارس مطرح باشد. این محدوده در برگیرنده محلاتی قدیمی از جمله محله قنبربیگ است که علاوه بر اهمیت آن‌ها از لحاظ فرهنگی، وجود اماکن مذهبی بسیار هویت فرهنگی-مذهبی قوی دارد. در بافت تاریخی محله قنبربیگ، خانه‌ها و بناهای با ارزش تاریخی و فرهنگی بسیاری از جمله خانه محمودی وجود دارد که علاوه بر بالا بودن ظرفیت فرهنگی-گردشگری، که تعدد این ابنیه و فضاهای بار ارزش ظرفیت‌های فرهنگی برآمده در سابقه طولانی مدت بافت اجتماعی و فرهنگی آن را نشان می‌دهد.

بنا بر آنچه گذشت، بازآفرینی فرهنگ‌مبنا در پروژه‌های انجام شده و پژوهش حاضر، بدون آن‌که در عنوان اشاره‌ای مستقیمی به اقتصاد داشته باشند، سیاست‌های اقتصاد مبتنی بر مولفه‌های فرهنگی را به مرکز شهرها ارائه می‌کنند و سعی دارند بیشترین میزان تولیدات فرهنگی و اشتغال را فراهم نمایند. در همین حال، به این دلیل که رویکرد فرهنگی بر تداوم تاریخی و استفاده هرچه بهتر از میراث فرهنگی شهر تأکید می‌ورزد، امر حفاظت و احیاء آثار و بافت تاریخی، به سرفصلی جدایی‌ناپذیر از این فرآیند بدل می‌شود و این مزیت را دارد که رونق اقتصادی و بازگشت سرمایه، نه در انجام طرح‌های تخریب و بازسازی، که با حفاظت، احیاء، مرمت و معاصرسازی حاصل می‌شود. تفاوت این رویکرد با رویکردهای پیشین مرمت شهری تفاوتی ساختاری و محتوایی است که از مفهوم گسترده فرهنگ و رویدادهای فرهنگی، به عنوان عامل رونق اقتصادی، رشد اجتماعی و در کل کاتالیزور و تعدیل‌کننده فرایند بازآفرینی استفاده می‌کند. این کار در قالب انواع فعالیت‌های مرتبط با فرهنگ و هنر و طراحی برای تامین بستر رویدادهای فرهنگی صورت می‌گیرد. در پژوهش حاضر و در تلاش برای اکتشاف ظرفیت‌های فرهنگی مبتنی بر دیدگاه‌های جامعه فرهنگی ساکنین در بافت، استفاده از نظریه برپایه و تحلیل محتوای ترجیحات و ادارکات می‌تواند وجهی متمایزکننده با دیگر پژوهش‌ها باشد.

۵. نتیجه گیری

بر اساس راهبرد اصلی پژوهش، ۳۱۲ مقوله گزاره‌ای (کدگذاری باز) و ۵۰ طیف مفهومی (کدگذاری محوری) و در مرحله پایانی، ۱۰ مقوله اصلی (کدگذاری انتخابی) ساختار مضمونی پژوهش را تشکیل دادند. "تداوم حیات و وحدت فرهنگی محله" که مقوله کانونی است، برآیند روند تحلیل و استنتاج از مراحل قبلی است و از آن جایی که، در نظریه زمینه‌ای اکتشاف و تدقیق مفاهیم از بستر اجتماعی حاصل می‌گردد، فرهنگ چه در قالب لایه‌های زیرین سازمان اجتماعی بافت (خرده فرهنگ‌ها، تجربه زیسته اجتماعات محلی و میراث ناملموس) و چه در ظهور عناصر فرهنگی (ابنیه و فضاها) مسیر اصلی برای حصول بازآفرینی فرهنگ مبنا می‌باشد. لازم به ذکر است که، انباشت تجارب، مفاهیم و آموزه‌های فرهنگی در بافت‌های تاریخی چه به صورت عام و چه در محله قنبر بیگ به صورت

خاص، در طول زمان این ساختارهای شهری را واجد زیرساختی قابل ارجاع می‌کند که در هر راهبرد مداخله باید مورد بازخوانی و معاصرسازی قرار گیرد.

رویکرد "فرهنگ‌مبنا" در بازآفرینی شهری، به عنوان رویکردی امروزی و یکپارچه‌نگر، فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی را عامل تسهیل‌کننده و نیرو محرکه‌ی بازآفرینی شهری می‌داند. توجه به نقش فرهنگ، استفاده از ارزش‌های تاریخی و فرهنگی به عنوان منابعی برای توسعه، و توجه به گذران اوقات فراغت مردم، مهم‌ترین ابعاد این رویکرد هستند. در این رویکرد ضمن توجه به منافع مالی و اقتصادی در پروژه‌های شهری، مسیر سرمایه‌گذاری در راستای ایجاد مراکز فرهنگی و هنری و گذران اوقات فراغت تعیین می‌شود که از این طریق، علاوه بر بازگشت سرمایه، به دلیل ایجاد جذابیت‌های خاص برای حضور مردم، ابعاد اجتماعی برنامه‌ریزی مانند هویت، انسجام و شبکه‌های اجتماعی مناطق و شهرهای بازآفرینی شده، تقویت می‌شوند.

محله قنبریگ، به سبب وجود منابع، فضاها و بافت فرهنگی ویژه خود در شهر لار، اولویت‌ها و پیشنهادات زیر را در راستای بازآفرینی فرهنگ‌مبنا می‌تواند در دستور کار داشته باشد:

• استفاده از ظرفیت ابنیه و زیرساخت‌های تاریخی مانند خانه محمودی، آب‌انبار و دهنشیر محله قنبریگ (یکی از عمیق‌ترین سازه‌های دهنشیر لار)، حمام میر (از اولین حمام‌های تاسیس شده در لار)، کاروانسراهای نو و گلشن، سابات‌ها و... به عنوان عناصر هویت بخش محله

• استفاده از امتیاز نزدیکی به قطب تجاری شهر که بازار قیصریه منحصر به فرد لار و کاروانسراها می‌باشد؛ این موضوع از سویی باعث رونق اقتصادی و از سویی دیگر، با حضور تجار و افراد سرشناس با موقعیت اجتماعی بالا در این محله سرزندگی اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

• از شاخص‌های فرهنگی-تاریخی محله مذکور، اولین مکتب‌خانه (در گویش محلی کُتاب)، اولین بهداری، اولین حمام‌ها و اولین کتابخانه بوده‌است که این مساله نشان از سابقه و ظرفیت اجتماعی-فرهنگی محله مذکور است که با تغییر کاربری بخش‌های باقیمانده از ابنیه مذکور و تغییر به موزه، کافه هنر و... بسستر تبدیل به محله فرهنگی نیز مهیاتر خواهد شد.

• رویداد محوری از سیاست‌های تثبیت شده در بازآفرینی فرهنگ مبناست که در محله قنبریگ نیز به عنوان یکی از کانون‌های اصلی رویدادهای مذهبی در مقیاس شهری می‌توان تداوم و تقویت این رویدادها را به عاملی تاثیرگذار در سرزندگی بافت بدل نمود.

• بر اساس یافته‌های پژوهش، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بافت اجتماعی محله، اتحاد و همدلی میان شهروندان است که با وجود کمتر شدن سکونت اهالی بومی محله، همچنان حس حمایت‌گرانه، حفاظت از منافع خود و دیگری و همچنین اتحاد بین اهالی ساکن و سابق محله قابل تامل است. در چنین بافت‌هایی حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی عاملی مهم در تداوم حیات پایدار بافت است.

کتاب نامه

۱. اسحاقیه، ع.، صالحی، م. و رشیدی، م. (۱۳۹۸). سنجش پتانسیل ظرفیت های بازآفرینی فرهنگ مبنا در محله فهادان یزد با هدف توسعه گردشگری در محله گردشگری شهری، ۶ (۲)، ۵۹-۷۴.
۲. ایزدی، م.، قلعه نوئی، م.، و خان محمدی، م. (۱۳۹۹). تبیین مدل محله فرهنگی در بافت های تاریخی برای توسعه اقتصاد و حضور صنایع خلاق (مورد پژوهی: خیابان لاله زار تهران)، نشریه باغ نظر، ۱۷ (۱۷)، ۵-۱۸.
۳. باغبانی، پ. (۱۳۹۵). بازآفرینی فرهنگ مبنا مراکز شهری با تاکید بر طراحی زمینه گرا. پایان نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری. دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
۴. پژوهان، م.، و پور مقدم، ز. (۱۳۹۷). برنامه ریزی راهبردی گردشگری شهری با رویکرد بازآفرینی فرهنگ مبنا در بافت های تاریخی (مطالعه موردی: بافت قدیم شهر رشت). فصلنامه مطالعات شهری، ۲۷ (۷)، ۵۳-۶۶.
۵. پورذکریا، م.، و فدایی نژاد، س. (۱۳۹۸). بازخوانی رویکرد بازآفرینی فرهنگ-مبنا در ساخت شهر خلاق (تدوین چارچوب تحلیلی بازآفرینی قطب خلاق و فرهنگی، باغ نظر، ۱۶ (۷۷)، ۵-۱۴.
۶. حناچی، پ.، دیبا، د.، و مهدوی نژاد، م. (۱۳۸۶). حفاظت و توسعه در ایران (تجزیه و تحلیل تجارب مرمت در بافت های باارزش شهرهای تاریخی ایران). نشریه هنرهای زیبا، ۳۲، ۵۱-۶۰.
۷. دیاریان، ن. (۱۳۹۱). تدوین راهبرد بازآفرینی شهری با تاکید بر مفهوم محله فرهنگی نمونه موردی: بافت درونی شهر ممدان. شیراز: پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی گرایش برنامه ریزی شهری. دانشکده هنر، معماری و شهرسازی دانشگاه شیراز.
۸. ذبیحی، ح.، شیعه، ا.، و هاشمی، م. (۱۳۹۹). مکان یابی موقعیت پردازه های محرک توسعه در بافت های ناکارآمد شهری (مورد پژوهی: ناحیه ۲ منطقه ۱۸ شهرداری تهران). نشریه باغ نظر، ۱۴ (۱۷)، ۵۱-۶۲.
۹. شبانی، ا.، و ایزدی، م. (۱۳۹۳). رویکردی نوین به بازآفرینی شهر خلاق. مجله نقش جهان دانشگاه تربیت مدرس. ۴ (۲)، ۶۳-۵۴.
۱۰. صحرایان، ز.، و موحد، ع. (۱۳۹۶). تحلیل و شناسایی پهنه های زمینه ساز توسعه خلاق بافت های فرسوده با تاکید بر گردشگری (مطالعه موردی: محله فهادان شهر یزد). نشریه آمایش جغرافیایی فضا، ۲۶ (۷)، ۳۱-۴۸.
۱۱. فراستخواه، م. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تاکید بر "نظریه برپایه" (گرنند تئوری GTM). تهران: نشر آگاه.
۱۲. لطفی، س. (۱۳۸۹). بازآفرینی شهری به سوی زبانی مشترک برای مرمت و حفاظت شهری در ایران. نشریه آبادی، ۳۲ (۲)، ۱۵۰-۱۸۰.
۱۳. لطفی، س. (۱۳۸۹). بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تعاملی بر بن مایه های فرهنگی و کنش بازآفرینی. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۴۵ (۳)، ۴۹-۶۲.
۱۴. لطفی، س.، شعله، م.، و علی اکبری، ف. (۱۳۹۶). تدوین چارچوب مفهومی کاربست اصول و آموزه های بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا (مورد پژوهی: بافت تاریخی شیراز). معماری و شهرسازی ایران، ۱۳ (۱۳)، ۲۲۹-۲۴۵.

۱۵. مامفورد، ل. (۱۳۸۵). *فرهنگ شهرها*. مترجم: عارف اقوامی مقدم، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۱۶. مرادی، ف.، زرابادی، ز.، و ماجدی ح. (۱۳۹۸). واکاوی اصول بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا با رویکرد ارتقای رقابت پذیری. *باغ نظر*، ۱۶ (۷۰)، ۵-۱۶.
۱۷. مشاورین دانشگاه شیراز (۱۳۹۶). *طرح تفصیلی ویژه بافت تاریخی لار*. شیراز: مشاورین دانشگاه شیراز.

18. Chin-Tay P., & Coca-Stefaniak, J.A. (2010), Cultural urban regeneration practice and policy in the UK and Singapore. *Asia Pacific Journal of Arts and Cultural Management*, 7(1), 512-527
19. Chiu. Y.H., Lee, M.Sh. (2019). Culture-led urban regeneration strategy: An evaluation of the management strategies and performance of urban regeneration stations in Taipei City. *Habitat International*, 86, 1-9.
20. Council for Cultural Co-operation (1995). *Culture and neighbourhoods*. Volume 1. Strasbourg: *Council of Europe Publishing*
21. Della L. M., & Trunfio. M. (2018). The role of the private actor in cultural regeneration: Hybridizing cultural heritage with creativity in the city. *Cities*, 82, 35-44.
22. Falanga, R., & Correa, N.M. (2021). Tackling urban disparities through participatory culture-led urban regeneration. Insights from Lisbon. *Land Use Policy*, 108, 105478.
23. Fan, D. D., & Kim, S.H. (2019). The Study on the Residential Space in Culture-led Urban Regeneration: A case study of Residential Space in Henan. *E3S Web of Conferences*, 79, 01005.
24. Florida, R. (2002). *The rise of the creative class: And how it's transforming work, leisure, community and everyday life*. New York: Basic Books.
25. Gdaniec, C. (2000). Cultural industries, information technology and the regeneration of post-industrial urban landscapes. Poblenou in Barcelona – a virtual city? *Geojournal*, 50, 379-387
26. Kim, J.Y. (2016). Cultural entrepreneurs and urban regeneration in Itaewon, Seoul. *Cities*, 56, 132-140
27. Landry, C. (2000). *The Creative City: A toolkit for urban innovators*. London & Sterling: Eearthscan.
28. Landry, C., Greene, L., Matarasso, F., & Bianchini, F. (1996). *The art of regeneration-Urban renewal through cultural activity*. Stroud & Glos: Comedia & The Round.
29. Li, j. (2020). Culture and tourism-led peri-urban transformation in China – The case of Shanghai. *Cities*, 99, 102628.
30. Liu, Y. (2019). Event and sustainable culture-led regeneration: Lessons from the 2008 European Capital of Culture, Liverpool. *Sustainability*, 11(7), 1869.
31. Luo, D., & Li, S.L. (2019). Research on policy path of culture-led regeneration: Based on government roles analysis. Proceedings of 22nd International Conference on Advancement of Construction Management and Real Estate, CRIOCM 2017pp. 209-216.
32. Murawska, S., Grzelak-Kostulska, E., Dąbrowski, L.S., Biegańska, J., & Smoliński, P. (2021). Culture-led regeneration as a vital instrument for preserving the cultural heritage of historical parks in Poland. *Muzeologia a Kulturne Dedicstvo*. 9(1), 41-61.
33. Murawska. S.S. (2020). Railway feat. culture – Rumia library effect as an example of the influence of culture-led regeneration in a medium-sized city in Poland. *Cities*, 106, 102875.
34. Nedučin. D., Krklješ, M., & Gajić, Z. (2019). Post-socialist context of culture-led urban regeneration – Case study of a street in Novi Sad, Serbia. *Cities*, 85, 72-82.

35. Niu, S., Lau, S.S.Y., Shen, Z., & Lau, S.S.Y. (2018). Sustainability issues in the industrial heritage adaptive reuse: rethinking culture-led urban regeneration through Chinese case studies. *Journal of Housing and the Built Environment*, 33(3), 501-518.
36. Yu, T., Tang, Q., Wu, Y., Wang, Y., & Wu, Z. (2019). What determines the success of culture-led regeneration projects in China? *Sustainability*, 11(18), 4847.

تحلیل ذینفعان حریم پایتخت (کلانشهر تهران) بر اساس ماتریس قدرت / منفعت

ناصر نصیریان (دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

naser.Nasiryan@ut.ac.ir

میثم بصیرت (ستادیار گروه شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

mbasirat@ut.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۸/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۰

صص ۹۵-۷۷

DOI: 10.22067/JGUSD.2021.71009.1061

مقاله پژوهشی

چکیده

تضاد منافع در استفاده از زمین در حریم های شهری، از ویژگی های ذاتی کلان شهرهای جهان است که در بیشتر موارد به سوداگری زمین می انجامد. تهران پایتخت ایران که در تعریف رسمی حریم برای آن از دیگر شهرهای کشور مستثنی شده است دارای طیف وسیعی از گروه های ذینفع با منافع قانونی و یا غیرقانونی در حریم است. هدف پژوهش حاضر شناسایی و تحلیل گروه های ذینفعی است که با توجه به اختیارات و نفوذی که دارند از قدرت و یا منفعت در حریم پایتخت بهره می برند. روش پژوهش مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است که با مرور ادبیات موجود حریم به بررسی شناخت و تحلیل ذینفعان حریم پایتخت بر اساس ماتریس قدرت و منفعت Power /interest Matrix پرداخته و سپس با استفاده از ابزارهای مصاحبه و پرسشنامه آن را مورد تحلیل قرار داده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که ذینفعان حریم پایتخت در چهار دسته بخش حکومتی-دولتی، بخش عمومی، بخش خصوصی و گروه های مردمی خلاصه می شوند که هر یک دارای ذینفعانی کلیدی دیگری هستند. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که بخش ذینفعان عمومی و خصوصی از بیشترین میزان قدرت و منفعت برخوردارند، ذینفعان بخش حکومتی-دولتی اگرچه از قدرت و نفوذ بالایی برخوردارند اما از منفعت پایینی سود می برند و در نهایت ذینفعان گروه های مردمی تنها بخشی است که از کمترین میزان قدرت و منفعت برخوردارند.

کلیدواژه ها: تحلیل ذینفعان، حریم پایتخت، کلان شهر تهران، ماتریس قدرت / منفعت

۱. مقدمه

حریم در ماده ۲ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر عبارت است از قسمتی از اراضی بلافاصل پیرامون محدوده شهر که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد و از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مربوط تجاوز ننماید و به منظور هرگونه استفاده برای احداث ساختمان و تأسیسات در داخل حریم شهر تنها در چارچوب ضوابط و مقررات مصوب طرح‌های جامع و هادی امکان‌پذیر خواهد بود. نظارت بر احداث هرگونه ساختمان و تأسیسات که به موجب طرح‌ها و ضوابط مصوب در داخل حریم شهر مجاز شناخته شده بر عهده شهرداری است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴).

حریم را نمی‌توان به راحتی در داخل مرزهای جغرافیایی تعریف کرد زیرا که بسیار تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و تعاملات عملکردی آن‌ها است. در فرهنگ فارسی معین حریم به عنوان مکانی مشخص شده که «حمایت و دفاع از آن واجب است». در منابع خارجی حریم با عناوین مختلفی شناخته می‌شود و در قالب عبارات گوناگون، پس‌کرانه شهری، اراضی عملکردی، حوزه تداخل شهر و روستا، منطقه روستا شهری، هاله شهری، کمربند سبز، مرزهای توسعه شهری و مرزهای خدمات شهری و غیره تعریف شده است. در منابع خارجی حریم با اصطلاحات مختلفی شناخته می‌شود و در قالب عبارات گوناگون؛ نواحی حومه‌ای، نواحی فرا شهری، پس‌کرانه شهری (کاوز^۱، ۲۰۰۵؛ پیتزل^۲، ۲۰۰۴) حوزه تداخل شهر و روستا، هاله روستا-شهری (ژیانگ و سالوو^۳، ۲۰۱۷)، هاله شهری (ادل^۴، ۱۹۹۹؛ زاهو و والتجر^۵، ۲۰۰۹؛ زاهو، ۲۰۱۷). کمربند سبز (چانگ و بنگستون^۶، ۲۰۰۵)، مرزهای توسعه شهری، مرزهای خدمات شهری (هاتلول و موقال^۷، ۲۰۰۴، ماجدی و پورجوهری^۸، ۲۰۱۲) تعریف شده است.

حریم پایتخت یا آنگونه که در این مقاله برای معادل لاتین آن اصطلاح «هاله شهری»^۹ به کار رفته است، از مستعدترین مناطق برای بروز تصرفات زمین، ساخت‌وساز غیرمجاز و اسکان غیررسمی به اشکال مختلف در زمین‌های متعلق به منابع طبیعی یا مالکان شخصی است، به طوری که مدیریت حریم پایتخت در طی دهه‌های گذشته دستخوش تغییر و تحولات زیادی شده است، یکی از دلایل عمده آن، عدم توجه برنامه‌های تهیه شده به ذینفعان مرتبط با حریم شهر تهران بوده است. ساخت‌وسازهای غیرقانونی و بی‌ضابطه، تغییر کاربری و تفکیک اراضی کشاورزی، استقرار واحدهای صنعتی پراکنده تنها بخشی از مشکلاتی بوده است که به واسطه عدم توجه و برنامه‌ریزی در حریم به وجود آمد. برنامه ریزان شهری معتقدند که مدیریت حریم شهرها در مرزهای قانونی و اداری آن‌ها پایان

1. Caves

2. Pitzl

3. Jiang & Swallow,

4. Adel

5. Zhao & Woltjer

6. Zhao

7. Hathloul & Mughal,

8. Majedi & Pourjohari

9. Urban fringe

نمی‌پذیرد، برای اداره امور شهرها لازم است حریمی در پیرامون آنها تحت کنترل و نظارت برنامه ریزانه قرار گیرد؛ زیرا شهر همچنان که بر پیرامون خود تاثیر می‌گذارد، از وقایع و تحولات آن نیز تاثیر می‌پذیرد (معصوم، ۱۳۸۳، ص. ۵). از این رو تعریف و تعیین حریم برای شهرها، ابزار رسمی و قانونی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای هدایت و کنترل توسعه و نظارت بر ساخت و سازها در پیرامون شهر است (مهندسین مشاور طرح و کاوش، ۱۳۸۹، ص. ۱۴). اما اینکه این نوع مدیریت در پیرامون و حریم شهرها واجد چه مختصات و ویژگی‌هایی باشد به شرایط و عوامل بستگی دارد که مسئولان و متولیان شهری بر آن اعمال می‌کنند. آنچه درباره مدیریت حریم پایتخت^۱ مهم می‌نماید این است که حریم کلان‌شهری مانند تهران با گستره‌ای که در طرح جامع تصویب‌شده (۱۳۸۶) و در دیگر طرح‌ها گسترش آن نیز خواسته شده است شامل تضاد منافع محلی متعددی است که هریک اهداف، نیازها، ماهیت و توان‌های متفاوتی دارند. این تفاوت از دهیاری یک روستای واقع در حریم تا شهرهای کوچک و متوسط (و حتی نهادهای خدماتی ویژه) متغیر است. بر اساس قانون هرکدام از این حکومت‌های محلی (شهرداری و دهیاری‌ها) که درون حریم شهر تهران واقع‌اند دارای قدرت اعمال کنترل بر ساخت و ساز در محدوده قانونی و حریم خود هستند. تعدد حکومت‌های محلی و نیز تفاوت در ظرفیت و صلاحیت و گستره عمل و دید هر یک از آن‌ها موجب تفرق حکومتی در این گستره قلمرویی شده است (مهندسین مشاور طرح و کاوش، ۱۳۸۹، ص. ۳۳). با این حال، در طرح تصویب‌شده در رابطه با حریم پایتخت (مهندسین مشاور طرح و کاوش، ۳۹۱) الزام به «رعایت اصل حفاظت از طبیعت، احیای فعالیت‌های کشاورزی، باغداری و پیش‌بینی گردشگاه‌ها و تفرجگاه‌ها و فضاهای تفریحی در گستره طبیعت پیرامون پایتخت برای استفاده عموم» تأکید شده است، اما از آنجاکه حریم پایتخت متأثر از ذینفعان مختلف با دامنه خواسته‌ها و منافع متفاوت است این مهم خودبه‌خود مسئله برانگیز خواهد شد که بدون درک و شناخت درست از ذینفعان مختلف، هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری راه به‌جایی نخواهد برد. بنابراین ضرورت توجه و شناسایی ذینفعان مختلف و مرتبط با حریم باید مورد توجه قرار بگیرد؛ زیرا که یکی از اهداف مهم سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی رضایت ذینفعانی است که بر حفظ مشروعیت سیاسی سازمان و تأمین منابع آن شدیداً اثرگذارند (سهیل خان، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۰).

برای ذینفعان تعاریف متعددی ارائه شده است که در مهمترین آنها ذینفعان را افراد یا گروهی دانسته‌اند که در رسیدن به اهداف سازمانی بتوانند تأثیرگذار یا تأثیرپذیر باشند و یا افراد یا سازمانی که حقوق و منافع نسبت به عملکرد سازمان، منابع و یا خروجی‌های آن داشته باشد یا به‌وسیله خروجی‌ها تحت تأثیر قرار گیرند (برایسون^۲، ۲۰۰۴، ص. ۳). افراد یا گروه‌های کوچک که توان پاسخگویی، مذاکره و بحث و تغییر آینده استراتژیک سازمان را دارا

۱. طرح جامع سال (۱۳۸۵) تهران و به دنبال آن طرح راهبردی حریم پایتخت (۱۳۹۱) به صراحت مشخص می‌کند حریم مشخص شده برای تهران فقط حریم شهری به اسم تهران نیست بلکه حریم بیش از ۲۲ نقطه شهری و بیش از ۴۰۰ نقطه روستایی - آبادی و شهرک نیز می‌باشد.

2. Bryson

هستند (آکرمن و ادن^۱، ۲۰۱۱، ص. ۱۷۹). «افراد»، «گروه» ها و یا «سازمانی» است که از یک وضعیت (سیاست، برنامه، موقعیت یا اقدام) تأثیر می‌پذیرد و یا بر آن تأثیر می‌گذارد، این تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هم مثبت و هم منفی می‌تواند باشد (برنامه سکونت گاه های سازمان ملل متحد، قابلیت های کلیدی برای حکمرانی شهری، ۲۰۰۵، ص. ۵).

تحلیل ذینفعان به خصوص از این لحاظ که می‌تواند نقش مؤثر و تأثیرگذاری در فرآیند مدیریت راهبردی یک سازمان و یا پروژه داشته باشند، حائز اهمیت است. این تحلیل منجر می‌شود تا مدیران و مسئولان متوجه شوند که ذینفعان کلیدی آن‌ها چه کسانی هستند و چه چیزی باعث رضایت آنها می‌شود؟

بدین منظور، موضوع پژوهش حاضر در قالب چند پرسش اصلی مطرح می‌شود؛ ۱- ذینفعان کلیدی حریم پایتخت چه گروه‌هایی هستند؟ ۲- سطح تأثیرگذاری هریک از گروه‌های ذینفع چگونه است؟ ۳- چه مناسباتی (به لحاظ قدرت و منفعت) میان گروه‌های ذینفع واقع در حریم پایتخت وجود دارد؟ بر این اساس در این پژوهش سعی بر آن است تا به این سؤالات پاسخ داده شود و ارتباط هرکدام از ذینفعان با میزان قدرت و منفعت مشخص شود.

۲. روش شناسی

۱.۲. روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. به منظور گردآوری اطلاعات ابتدا به روش کتابخانه‌ای، اسنادی و سپس با مراجعه به سازمان‌ها و بخش‌های مستقر در محدوده مورد مطالعه، اطلاعات پایه‌ای و داده‌ای موردنظر گردآوری شد. پس از تهیه فهرستی از ذینفعان حریم پایتخت که از طریق مصاحبه، همفکری و مشورت با خبرگان و کارشناسان و همچنین مطالعه منابع و اسناد مکتوب استفاده شد که به منظور شناسایی میزان قدرت و منفعت و تأثیرگذاری هرکدام از آن‌ها در مدیریت حریم پایتخت پرداخته شده است. برای تعیین میزان قدرت و منفعت ذینفعان، پرسشنامه‌ای تدوین گردید که به منظور ارزیابی شدت قدرت تأثیرگذاری ذینفع، از روش امتیازدهی طیف لیکرت (۱ تا ۵) استفاده شده است. طبق بررسی‌های انجام شده و مصاحبه با ۳۰ نفر از کارشناسان و مسئولین اجرایی شهرداری‌های مناطق تهران (مناطق ۴، ۵، ۸، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲) و اداره کل حریم پایتخت در مورد میزان قدرت و منفعت هر یک از ذینفعان حریم پایتخت اطلاعاتی به دست آمد که برای تحلیل اطلاعات به دست آمده از ذینفعان حریم پایتخت از نرم‌افزار spss استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) نیز بالاتر ۰/۷ بود که نشان‌دهنده پایایی پرسشنامه است. با توجه به اینکه از طیف ۵ درجه‌ای استفاده شده است میانگین ۲/۵ برای میزان حداقل برخورداری از قدرت و منفعت بیان شده است؛ بنابراین در فرآیند شناخت و تحلیل ذینفعان حریم پایتخت ۳ مرحله کلی انجام شد، ابتدا فهرستی از ذینفعان حریم پایتخت از طریق مصاحبه با خبرگان و کارشناسان به دست آمد، سپس از طریق پرسشنامه از مسئولین اجرایی

شهرداری‌های مناطق و اداره کل حریم پایتخت برای امتیازدهی به هرکدام از ذینفعان نظرسنجی شد و درنهایت پس از امتیازدهی به هرکدام از ذینفعان نتایج نهایی از آن استخراج گردید.

۲. ۱. ۱. ماتریس قدرت/ منفعت^۱

ماتریس قدرت/ منفعت ابتدا در سال ۱۹۹۸ توسط ادن و اکرمین پیشنهاد شد که بر مبنای دو معیار قدرت ذینفعان در تأثیرگذاری بر آینده فعالیت‌ها و منفعت ذینفعان از فعالیت‌ها و دستاوردهای آن ترسیم می‌گردید که بعدها توسط افرادی چون «برایسون»، «مندلو»، «جانسون و اسکولز» مورد استفاده قرار گرفت و با جایگزین نمودن اندازه‌گیری منفعت به جای محور دینامیک، به شکل فعلی ماتریس قدرت/ منفعت درآمد (اولاندر و لاندین^۲، ۲۰۰۵، ص. ۳۲۲). بر اساس این ماتریس ذینفعان را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد.

جدول ۱. نقش هر یک از ذینفعان با توجه به ماتریس قدرت/ منفعت

قدرت و منفعت زیادی دارند و معمولاً بازیگران و نقش‌آفرینان کلیدی هستند که از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالایی برخوردارند.	نقش‌آفرینان (A)
قدرت کم ولی منفعت زیادی دارند، اکثریت شهروندان جز این دسته هستند.	شهروندان (B)
منفعت کم ولی قدرت زیادی دارند. بیشتر سازمان‌ها و نهادهای حکومتی و دولتی شامل این دسته می‌شوند	سازمان‌ها و نهادها (C)
قدرت و منفعت چندانی ندارند، این گروه معمولاً گروه‌های حاشیه‌نشین شهری هستند (بی‌تفاوت‌ها)	گروه‌های بی‌تفاوت (D)

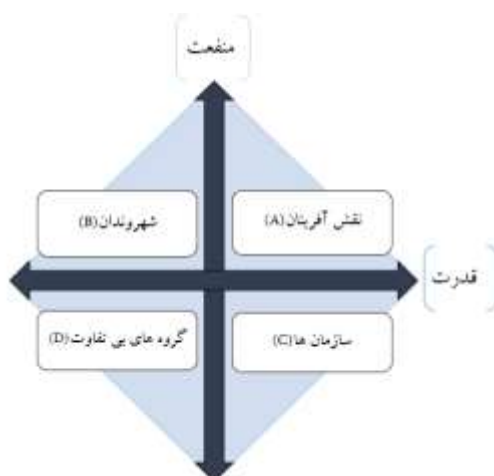
مأخذ: (برایسون^۳، ۲۰۰۴)

ذینفعان «C» چالش‌برانگیزترین ذینفع در برقراری و تداوم ارتباط به شمار می‌روند. علیرغم منفعت پایینی که از فعالیت‌ها دارند، باید رابطه خود را با دیگر ذینفعان حفظ کرده و آن‌ها را راضی نگه دارد چراکه این ذینفعان ممکن است قدرت بالقوه خود را به رویداد یا فعالیتی خاص در سازمان معطوف کنند. ذینفعان «D» به واسطه منفعت و قدرت نفوذ کمتری که بر سازمان دارند، سازمان از حداقل توان خود برای راضی نگه داشتن آنها استفاده می‌کند. ذینفعان «B» به علت منفعت بالا نسبت به دیگر ذینفعان می‌بایست همواره آگاه نگه‌داشته شوند اگرچه قدرت کمی دارند (برایسون، ۲۰۰۴، ص. ۵). از نظر «کل لند و ایرلند» منافع ذینفعان در یک پروژه دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد؛ از جمله این موارد می‌توان به مسائل مرتبط با اهداف و رسالت ذینفع، منافع اقتصادی، حق قانونی، کسب

1. Power/interest matrix
2. Olander & Landin
3. Bryson

حمایت سیاسی و اجتماعی، مسائل مرتبط با سلامت و ایمنی، توسعه فرصت‌ها و حفظ شرایط موجود اشاره نمود (نگوین، اسکیت‌مور و وانگ^۱، ۲۰۰۹، ص. ۲-۶).

در پژوهش حاضر، منظور از قدرت، قدرتی است که گروه‌های ذینفع بر یک سازمان و یا یک پروژه اعمال می‌کنند مانند کنترل کردن تصمیم‌گیری‌ها، فراهم آوردن تسهیلات و اجرای آن‌ها که می‌تواند ناشی از قدرت قانونی یا مشروع، قدرت مبتنی بر زور، قدرت دانش و مهارت، اطلاعات متناسب، قدرت ابزار کار و تولید، قدرت منابع مالی و یا غیره باشد. همچنین منظور از منفعت، عوایدی است که ذینفعان از فعالیت‌ها و دستاوردهای یک پروژه و یا سازمان به دست می‌آورند. بر این اساس، موقعیت هر یک از ذینفعان کلیدی را می‌توان در دو سطح قدرت و منفعتی که هرکدام دارند، در یک ماتریس نشان داد. به گونه‌ای که بر روی محور عمودی منفعتی که به طور بالقوه برای هرکدام از این ذینفعان وجود دارد، نشان داده خواهد شد و بر روی محور افقی قدرتی که هرکدام از بازیگران دارد بیان شده است.



شکل ۱. ماتریس قدرت / منفعت ذینفعان

مأخذ: (اورلاندو و لاندین ۲۰۰۵، برایسون ۲۰۰۴، دن و اکرمین ۱۹۹۹)

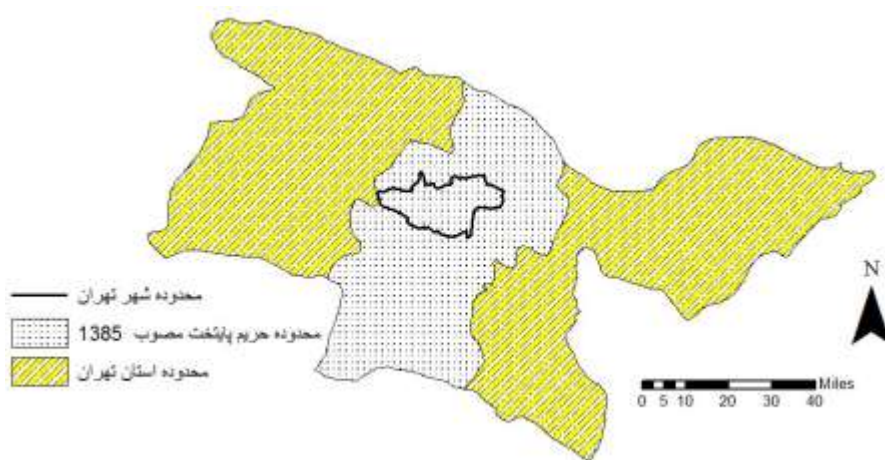
۲.۲. محدوده و قلمرو پژوهش

محدوده کنونی حریم پایتخت بخش بزرگی از استان تهران را دربرمی گیرد که همین امر باعث شده از حریم دیگر شهرهای کشور مستثنی باشد^۲؛ محدوده‌ای پیرامون کلان‌شهر که در طرح جامع ۱۳۸۶ مطالعه و پیشنهاد شد و در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ تهیه شد. محدوده کنونی حریم پایتخت به اعتبار اسناد طرح جامع تهران (۱۳۸۵) که با توجه

1. Nguyen, Skitmore & Wong

۲. موضوع مستثنی نمودن حریم پایتخت از موضوع مفاد ماده ۲ قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها است که در آن حریم، قسمتی از اراضی بلافاصله پیرامون محدوده شهر تعریف شده که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد و از مرز تقسیمات کشوری شهرستان و بخش مربوط تجاوز ننماید. (مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص وضعیت حریم پایتخت ۱۳۹۲/۱۰/۹).

به الزامات در نظر گرفته شده برای بلافاصل پیرامون شهر، مشخص گردیده است، با احتساب شهر تهران وسعتی حدود ۵۹۰۰ کیلومترمربع و بدون آن حدود ۵۳۰۰ کیلومترمربع را در برمی گیرد. این گستره از شمال به خط الراس البرز، از جنوب به مرز شهرستان ری و رودخانه شور (مرز جنوبی استان تهران) از شرق به رودخانه جاجرود، مرز شرقی شهرستان پردیس و همچنین مرزهای غربی شهرستانهای پاکدشت و ورامین، از غرب به مرز غربی شهرستانهای تهران، قدس، رباط کریم و شهریار (به استثنای دهستان جوقین) و کمربند سبز حائل بین شهرهای تهران و گرمدره محدود است، محدوده کنونی حریم پایتخت بیش از ۲۲ شهر و ۴۱۳ شهرک، آبادی و روستا را دربرمی گیرد (بوم‌سازگان ۱۳۸۵؛ طرح راهبردی حریم پایتخت، ۱۳۹۱).



شکل ۲. محدوده حریم پایتخت

۳. یافته‌ها

۱.۳. تهیه فهرست ذینفعان حریم پایتخت

تهیه فهرست اولیه ذینفعان از طریق مصاحبه حضوری با کارشناسان و خبرگان مدیریت شهری حاصل شد. در این تقسیم‌بندی ذینفعان حریم پایتخت را بر اساس منشأ قدرت، منفعت و اهداف بنیادین آنها را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد، در این شیوه از طبقه‌بندی بر اساس منشأ قدرت و منفعت، کلیه ذینفعان در چهار دسته بخش حکومتی-دولتی، بخش عمومی، بخش خصوصی و گروه‌های مردمی طبقه‌بندی می‌شوند. این تقسیم‌بندی در شرایطی است که گروه‌های مردمی، تشکلهای غیردولتی و دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد را نیز دربرمی گیرد. جدول (۲) بخش‌ها و عناصر کلیدی ذینفع حریم پایتخت را نشان می‌دهد.

جدول ۲. بخش ها و عناصر ذینفع حریم پایتخت

بخش های ذینفع در حریم پایتخت	عناصر و نهادهای ذینفع کلیدی حریم پایتخت
بخش حکومتی - دولتی	نهادهای سیاست گذاری و برنامه ریزی حکومتی - دولتی در حریم پایتخت
	نهادهای قضایی و انتظامی حکومتی - دولتی در حریم پایتخت
	نهادهای سطح منطقه ای حکومتی - دولتی در حریم پایتخت
	نهادهای خدماتی و زیرساختی حکومتی - دولتی در حریم پایتخت
	نهادهای خدماتی و حفاظتی حکومتی - دولتی در حریم پایتخت
بخش عمومی	شهرداری
	دهیاری
بخش خصوصی	شرکت های داخلی، ساختمان سازی، کارخانه ها صنعتی، تأمین کنندگان خرد مقیاس (خدماتی - تولیدی، کشاورزی)
گروه های مردمی	شهروندان، کاربران، مصرف کنندگان، اجتماعات محلی
	گروه های و حاشیه نشین و سکونتگاه های غیررسمی

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۴۰۰)

۲.۳. تحلیل قدرت و منفعت ذینفعان حریم پایتخت

پس از تهیه فهرست اولیه، به منظور تحلیل ذینفعان حریم پایتخت «پرسشنامه» شناخت و تحلیل ذینفعان «با توجه به مطالعات صورت گرفته در تهیه فهرست ذینفعان» تدوین و جهت تکمیل و پاسخگویی مسئولین اجرایی شهرداری و اداره کل حریم پایتخت توزیع گردید. در این پرسشنامه از مسئولین اجرایی خواسته شد که قدرت و منفعت هر یک از ذینفعان حریم را با عددی بین ۱ تا ۵ مشخص کنند. پرسشنامه های تکمیل شده توسط ۳۰ نفر از مسئولین اجرایی شهرداری های مناطق و اداره کل حریم پایتخت جمع آوری و تحلیل گردید. با جمع آوری نتایج حاصله از وظایف و دامنه اختیارات هر یک از ذینفعان، اطلاعاتی در مورد هر ذینفع به دست آمده که به شناخت بیشتر ذینفعان حریم پایتخت و رهیافت آن ها کمک می کند.

۱.۲.۳. قدرت

نتایج حاصل از تحلیل داده ها به دست آمده نشان می دهد که در میان بخش های ذینفع در حریم پایتخت بخش عمومی متشکل از شهرداری و دهیاری از قدرت بیشتری نسبت به دیگر بخش ها برخوردار هستند هر چند عناصر اصلی بخش حکومتی - دولتی نیز دارای قدرت زیادی هستند (وزارت راه و شهرسازی، شورای عالی شهرسازی و معماری، هیئت دولت) اما دیگر عناصر این بخش قدرت چندانی نسبت به دیگر ذینفعان کلیدی ندارند به طور مثال

نهادهای خدماتی حفاظتی (سازمان حفاظت محیط زیست و جهاد کشاورزی) قدرت کمتری از عناصر توسعه‌گرای مثل وزارت نیرو و یا دهیاری‌ها دارند. دیگر بخش‌های خصوصی و گروه‌های مردمی نیز به ترتیب از قدرت کمتری نسبت به دو بخش قبلی برخوردار هستند. نتایج حاصل از تحلیل قدرت ذینفعان حریم پایتخت در جدول (۳) بیان شده است.

جدول ۳. میزان قدرت هر یک از عناصر و ذینفعان کلیدی حریم پایتخت

بخش‌های ذینفع	عناصر ذینفع کلیدی	میانگین	انحراف معیار	میانگین کلی
ذینفعان حکومتی - دولتی	هیئت دولت	۳/۹	۱/۰۰۳	۳/۲۱
	شورای عالی شهرسازی و معماری	۴/۴	۱/۰۵۵	
	وزارت راه و شهرسازی	۴/۳	۰/۹۴۷	
	وزارت کشور	۳/۷۳	۱/۱۴۳	
	بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	۴/۱	۱/۰۱۵	
	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	۲/۷	۰/۷۳۱	
	نیروی انتظامی	۳/۱	۰/۷۲۴	
	استانداری	۳/۰۳	۰/۹۶۴	
	فرمانداری و بخشدارها	۳/۶۳	۰/۹۶۴	
	وزارت نیرو	۳/۳	۱/۰۲۲	
	وزارت صنعت، معدن و تجارت	۳/۱	۱/۰۹۴	
	سازمان حفاظت محیط زیست	۱/۸۷	۰/۹۹۵	
	وزارت جهاد کشاورزی	۲/۸۳	۱/۰۲۰	
	وزارت میراث فرهنگی	۲	۰/۴۹۰	
	سازمان اوقاف و امور خیریه	۲/۳	۰/۶۷۵	
ذینفعان عمومی	شهرداری	۴/۵	۰/۸۷۱	۳/۷۵
	دهیاری	۳	۰/۹۹۷	
ذینفعان خصوصی	شرکت‌های ساختمان‌سازی، کارخانه‌ها صنعتی، تأمین‌کنندگان خرد مقیاس (خدماتی - تولیدی، کشاورزی)	۲/۷	۰/۰۰۳	۲/۷
ذینفعان گروه‌های مردمی	شهروندان، کاربران، مصرف‌کنندگان، اجتماعات محلی	۱/۲	۰/۶۷۵	۱/۱۵
	گروه‌های حاشیه‌نشین و سکونت‌گاه‌های غیررسمی	۱/۱	۰/۶۲۳۶	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

۲.۲.۳. منفعت

نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل منفعت ذینفعان نشان می‌دهد که در میان بخش‌های ذینفع در حریم پایتخت بخش عمومی متشکل از شهرداری و دهیاری، بخش خصوصی (شرکت‌های ساختمان‌سازی، کارخانه‌ها صنعتی، تأمین‌کنندگان خرد مقیاس) و شهروندان و مصرف‌کنندگان از گروه‌های مردمی از منفعت بیشتری نسبت به دیگر

بخش‌ها و عناصر کلیدی برخوردار هستند، اگرچه عناصر اصلی بخش حکومتی-دولتی دارای قدرت زیادی هستند اما از کمترین منفعت برخوردارند به‌طور مثال نهادهای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بخش حکومتی-دولتی (وزارت راه و شهرسازی، شورای عالی شهرسازی و معماری، هیئت دولت) که از بیشترین میزان قدرت در میان دیگر عناصر برخوردار بودند از منفعت بسیار پایینی بهره می‌برند. گروه‌های حاشیه‌نشین و غیررسمی نیز کمترین میزان منفعت را در میان تمامی ذینفعان کلیدی دارا هستند. نتایج حاصل از تحلیل منفعت ذینفعان حریم پایتخت در جدول (۴) بیان شده است.

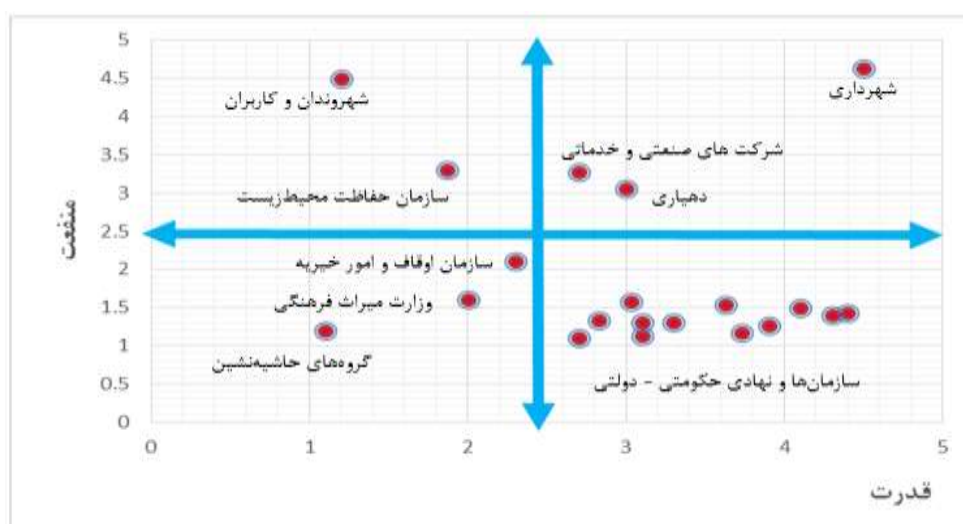
جدول ۴. میزان منفعت هر یک از عناصر و ذینفعان کلیدی حریم پایتخت

بخش‌های ذینفع	عناصر ذینفع کلیدی	میانگین	انحراف معیار	میانگین کلی
ذینفعان حکومتی - دولتی	هیئت دولت	۱/۲۷	۰/۴۵	۱/۵۳
	شورای عالی شهرسازی و معماری	۱/۴۳	۰/۵۰۴	
	وزارت راه و شهرسازی	۱/۴	۰/۵۶۳	
	وزارت کشور	۱/۱۷	۰/۳۷۹	
	بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	۱/۵	۰/۵۰۷	
	سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	۱/۱	۰/۲۵۴	
	نیروی انتظامی	۱/۱۳	۰/۳۴۶	
	استانداری	۱/۵۷	۰/۶۲۶	
	فرمانداری و بخشدارها	۱/۵۳	۰/۷۷۶	
	وزارت نیرو	۱/۳	۰/۵۳۵	
	وزارت صنعت، معدن و تجارت	۳/۳۱	۰/۶۰۴	
	سازمان حفاظت محیط زیست	۳/۳	۰/۶۸۱	
	وزارت جهاد کشاورزی	۱/۳۳	۰/۴۷۹	
	وزارت میراث فرهنگی	۱/۶	۰/۳۷۹	
	سازمان اوقاف و امور خیریه	۲/۱	۰/۴۷۹	
ذینفعان عمومی	شهرداری	۶۳,۴	۰/۴۹	۳/۸۲
	دهیاری	۳/۰۵	۰/۸۶	
ذینفعان خصوصی	شرکت‌های ساختمان‌سازی، کارخانه‌ها صنعتی، تأمین‌کنندگان خرد مقیاس (خدماتی-تولیدی، کشاورزی)	۳/۲۷	۰/۹۴۴	۳/۲۷
ذینفعان گروه‌های مردمی	شهروندان، کاربران، مصرف‌کنندگان، اجتماعات محلی	۴/۵	۰/۹۲۲	۲/۸۵
	گروه‌های حاشیه‌نشین و سکونت‌گاه‌های غیررسمی	۱/۲	۰/۱۸۳	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

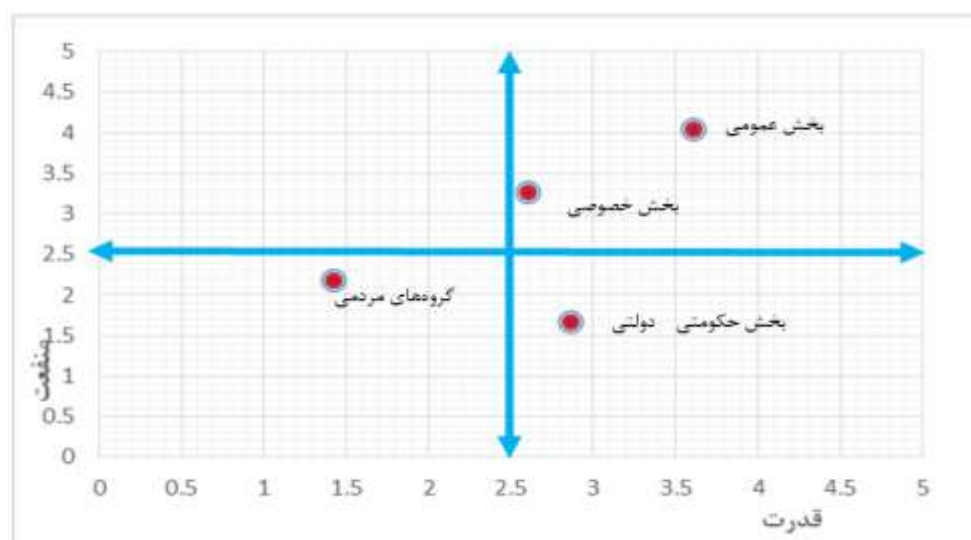
تجزیه و تحلیل ساختار قدرت و منفعت هر یک از ذینفعان کلیدی حریم پایتخت نشان می‌دهد که نیروهای اثرگذار حکومتی-دولتی هرچند از میزان قدرت و نفوذ بالایی برخوردار هستند اما از منفعت چندانی برخوردار نیستند

(هرچند ممکن است بنا به دلایلی و یا دور زدن قانون خود را سهیم بدانند). در این میان تنها ذینفع کلیدی بخش حکومتی - دولتی که از منفعت بهره می‌برد سازمان حفاظت محیط‌زیست است. در بخش عمومی شهرداری‌ها و دهیاری‌های حریم پایتخت با توجه به حیطه وظایف و مسئولیت‌های که در این محدوده دارند، تنها ذینفعانی کلیدی هستند که هم از قدرت و هم از منفعت بالایی برخوردارند. بالا بودن سهم دهیاری‌ها از قدرت و منفعت را می‌توان ناشی از وجود تعداد بسیار زیادی روستا و شهرک در حریم پایتخت دانست از طرف دیگر تصویب قانون «قانون تعریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن‌ها» در سال ۸۴ باعث شد که دهیاری‌ها از قدرت و اختیار زیادی برای صدور مجوز و نظارت بر ساخت‌وساز در محدوده حریم روستا برخوردار باشند. همین عوامل باعث شده تا نهادی را که تا قبل از سال ۱۳۸۱ وجود نداشته اکنون به یکی از قدرتمندترین ذینفعان حریم پایتخت تبدیل شود. بخش خصوصی با وجود تعداد زیاد شرکت، کارخانه‌ها صنعتی، فعالیت‌های تولیدی، خدماتی و نیز با توجه به قدرت مالی، دانش و مهارتی که دارند از قدرت، نفوذ و منفعت بالایی برخوردارند، زیرا که فلسفه وجودی این بخش کسب منفعت است. گروه‌های مردمی حریم پایتخت متشکل از چندین گروه از جمله شهروندان، کاربران (استفاده‌کنندگان از فضای حریم پایتخت که ساکن حریم نیستند ولی از این فضا برای موارد تفریحی، گردشگری و سرگرمی استفاده می‌کنند) و گروه‌های حاشیه‌نشین و کم‌درآمد است که بخشی از آن‌ها از جمله شهروندان، کاربران هرچند قدرت چندانی ندارند اما از سطح بالایی از منافع را برخوردار هستند و بخش دیگر که شامل گروه‌های حاشیه‌نشین و کم‌درآمدند، پایین‌ترین میزان قدرت و منفعت را در میان تمامی ذینفعان دارا هستند. شکل (۲) قدرت و منفعت کلیه ذینفعان کلیدی حریم پایتخت را در ماتریس قدرت و منفعت نشان می‌دهد.



شکل ۳. قدرت و منفعت هریک از ذینفعان کلیدی در ماتریس قدرت و منفعت

شکل ۳ رابطه کلی بخش‌های ذینفع حریم پایتخت را بر اساس میزان بهره‌مندی از قدرت و منفعت در هر یک از بخش‌های کلیدی نشان می‌دهد. این رابطه بر پایه هرکدام از محورهای ماتریس قدرت و منفعت نشان داده شده است و مشخص می‌کند که بخش‌های عمومی و خصوصی به عنوان نقش‌آفرینان اصلی گروهای هستند که هر دو مشخصه قدرت و منفعت را دارا هستند، بخش حکومتی-دولتی سازمان‌ها و نهادهایی هستند که از قدرت بالایی برخوردارند ولی منفعت چندانی به لحاظ قانونی ندارند، گروه‌های مردمی به دو بخش شهروندان-کاربران و گروه‌های حاشیه‌نشین و کم‌درآمد تقسیم شده‌اند که از کمترین میانگین قدرت و منفعت برخوردار هستند. شکل ۴ رابطه کلی بخش‌های ذینفع حریم پایتخت را بر اساس ماتریس قدرت/منفعت نشان می‌دهد.



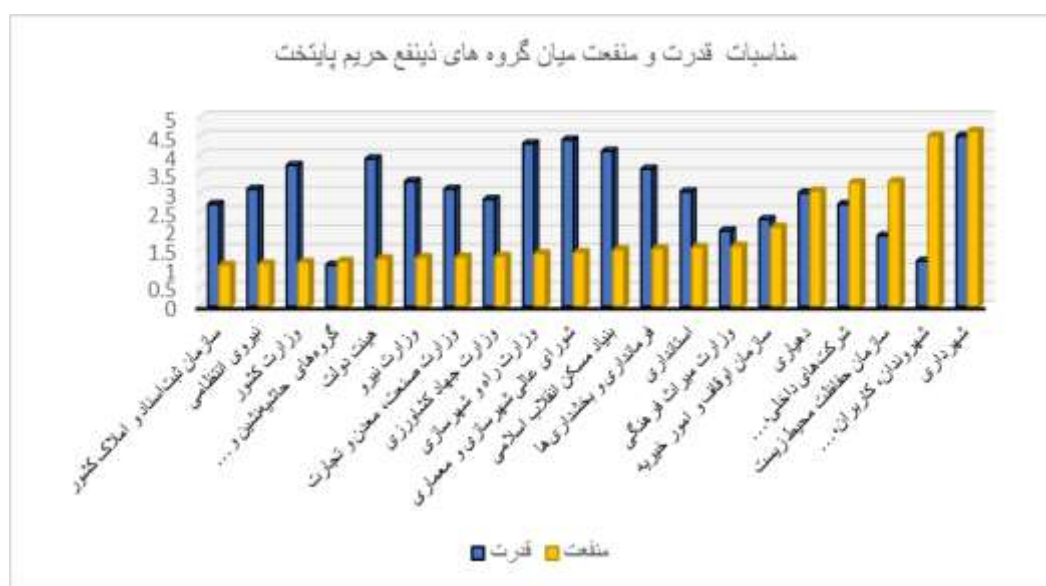
شکل ۴. رابطه بخش‌های ذینفع حریم پایتخت بر اساس ماتریس قدرت/منفعت

۴. بحث

یکی از سوالات اصلی این پژوهش این بود که سطح تأثیرگذاری هریک از گروه‌های ذینفع چگونه است و چه مناسباتی میان گروه‌های ذینفع واقع در حریم پایتخت وجود دارد؟ با بررسی تفصیلی از نتایج و یافته‌های به دست آمده از قدرت و منفعت ذینفعان نکات مهمی قابل بیان است.

در میان عناصر بخش حکومتی-دولتی، شورای عالی شهرسازی و معماری، وزارت راه و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی به عنوان ۳ زیر مجموعه اصلی به ترتیب از بیشترین میزان قدرت در میان ذینفعان حکومتی و دولتی برخوردارند. دلیل آن هم این است که اعضای شورای عالی از مهم‌ترین وزرای مؤثر در هرگونه برنامه ریزی و مدیریت مناطق کلان‌شهری هستند، از آنجا که طرح‌ها و پروژه‌های مربوط به حریم پایتخت از جمله طرح‌های زیرمجموعه طرح جامع شهر تهران و منطقه کلان‌شهری تهران محسوب می‌شود، باید از تصویب شورای عالی

شهرسازی و معماری ایران بگذرد. بخش عمده‌ای از وظایف وزارت راه و شهرسازی در حوزه سیاست گذاری و برنامه‌ریزی و خدمات زیرساختی قابل بررسی است. از بعد برنامه‌ریزی، وزارت راه و شهرسازی عالی‌ترین نهاد در زمینه برنامه‌ریزی فضایی در کلیه سطوح (ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و شهری) است. ازاین رو تأثیر زیادی بر توسعه فضایی حریم پایتخت و مدیریت محدوده حریم خواهد داشت. وزارت راه و شهرسازی از جمله عناصر ذی‌ربط حکومتی- دولتی است که در سه حوزه سیاست گذاری و برنامه‌ریزی، خدماتی زیرساختی، خدماتی حفاظتی نیز نقش اساسی ایفا می‌کند. شکل ۵ مناسبات قدرت و منفعت میان گروه‌های ذینفع حریم پایتخت را نشان می‌دهد.



شکل ۵. مناسبات قدرت و منفعت میان گروه‌های ذینفع حریم پایتخت

از طرفی یکی از مهم‌ترین وظایف بنیاد مسکن در ارتباط با توسعه فضایی و برنامه‌ریزی و مدیریت محدوده فراشهری حریم پایتخت، تهیه و اجرای طرح‌های هادی روستایی است. این کارکرد به این دلیل اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد که وجود تعداد بسیار زیاد نقاط روستایی و آبادی عملاً حریم پایتخت را به عرصه ساخت‌وساز تبدیل کرده است که منبع بالقوه توسعه‌های غیررسمی و برنامه‌ریزی نشده در گذشته، حال و آینده هستند. قدرت گرفتن دهیاری برای صدور مجوز ساخت‌وساز و همچنین نفوذ افراد و شرکت‌های خصوصی به این محدوده این روند را تسریع کرده است. مطالعات مناطق روستایی اطراف حریم پایتخت نشان می‌دهد که محدوده‌های روستایی و دهیاری‌ها بعد از تصویب «قانون تعریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن» مصوب ۱۳۸۴ بیش از آن‌که چهره روستایی به خود بگیرند، شیوه توسعه شهری را در پیش گرفته‌اند.

چنانچه در نتایج حاصل از داده‌های گردآوری شده نیز مشخص است (شکل ۵) شهرداری و دهیاری از بیشترین قدرت و منفعت برخوردار هستند. شهرداری به دلیل نظارت و کنترل ساخت‌وسازها در داخل و خارج از حریم

شهرها که در قوانین متعددی برای آن پیش‌بینی شده است از قدرت بسیار بالایی برخوردار است. به‌طور مشخص، طبق قانون شهرداری مصوب ۱۳۴۳ و مواد الحاقی سال‌های بعدی، شهرداری‌ها مسئول نظارت بر کلیه اقدامات عمرانی اعم از تفکیک زمین، احداث راه و خیابان و ایجاد ساختمان در داخل حریم شهرها هستند. مواد ۹۹ و ۱۰۰ قانون شهرداری‌ها ساخت‌وساز در داخل حریم شهرها را مشخص کرده است. بر اساس ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم می‌توانند قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه اخذ نمایند. شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی، ساختمان‌های بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه به‌وسیله مأمورین خود اعم از آن‌که ساختمان در زمین محصور یا غیر محصور واقع باشد جلوگیری نماید. بر اساس همین ماده، کمیسیونی که ترکیب آن را قانون تعیین می‌کند، مسئول رسیدگی به موارد تخلف از قانون است. «قانون تعریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن»، مصوب ۱۳۸۴ تغییراتی را در گستره اختیارات شهرداری برای کنترل ساخت‌وساز در حریم اعمال می‌کند که اصلی‌ترین آن استثناء نمودن ساخت‌وسازهای روی‌داده در محدوده دهیاری‌های واقع در حریم از کنترل شهرداری است. به‌طوری‌که ماده ۲ قانون مصوب می‌گوید: حریم شهر عبارت است از قسمتی از اراضی بلافصل پیرامون محدوده شهر که نظارت و کنترل شهرداری در آن ضرورت دارد؛ اما طبق تبصره ۱ ماده ۳ قانون و برخلاف آنچه در ماده ۲ تأکید شده است شهرداری مجاور حق دخالت در ساخت‌وساز و سایر امور روستاهای واقع در حریم خود را ندارد. مطابق این قانون، شهرداری حق دخالت و نظارت بر بخشی از حریم خود را ندارد. به‌این ترتیب اگر چه بخشی از قانون، هدف نظارتی خود را نقض کرده است اما همچنان شهرداری به عنوان یک عنصر اصلی تعیین‌کننده در حریم نقش بازی می‌کند. در حال حاضر، وظایف و تکالیف اجرایی حریم پایتخت توسط معاونت‌های معماری و شهرسازی مناطق شهرداری دارای حریم و امور سیاست‌گذاری آن توسط معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران و نیز اداره کل حریم شهرداری انجام می‌شود.

باوجوداینکه از تشکیل دهیاری در ایران (۱۳۸۱) زمان زیادی نمی‌گذرد، عملکرد این نهاد مدیریت روستایی به‌ویژه در حریم کلان‌شهرها در موضوع کنترل ساخت‌وساز بعد از ۱۳۸۴ و تصویب «قانون تعریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آن»، بسیار چالش‌برانگیز بوده است. این چالش نتیجه وجود یک نقطه‌ضعف بزرگ در این قانون و در ارتباط با کنترل اثربخش توسعه فضایی در حریم کلان‌شهرها به خصوص حریم پایتخت با توجه به وضعیت استثنایی که دارد. این چالش در نتیجه «اعطای اختیار به دهیاری‌های واقع در حریم شهرها (ازجمله حریم پایتخت) برای صدور مجوز و نظارت بر ساخت‌وساز در محدوده حریم روستا» است. هدف اصلی از الحاق این بند به لایحه پیشنهادی دولت، تأمین منابع درآمدی ناشی از ساخت‌وساز برای نهاد نو تأسیس دهیاری در روستاهای کشور بوده است. این هدف به‌صراحت در تبصره ۴ ماده ۳ بیان شده است، این اقدام موجب افزایش تفرق مدیریتی در حریم شهرها به‌ویژه کلان‌شهرهای کشور می‌شود و در نتیجه وضعیت نابسامان کنونی در کنترل ساخت‌وساز در حریم کلان‌شهرها را بیش‌ازپیش تشدید می‌کند، به‌طوری‌که حریم شهرها را عرصه رقابت مدیریت-

های روستایی برای افزایش هر چه بیشتر ساخت و سازها به منظور کسب منابع درآمدی می‌کند. روشن است که دهیاری‌ها فاقد توان فنی، تخصصی و انسانی لازم برای مدیریت توسعه روستایی در حریم کلانشهرها به خصوص حریم پایتخت با جاذبه توسعه شدید هستند. در شرایط حاضر و بعد از این تفویض اختیار به دهیاری‌ها، کنترل ساخت و ساز روستایی با همراهی چند نهاد دیگر مانند بنیاد مسکن و بخشداری‌ها و گروه ماده ۹۹ قانون شهرداری در حال انجام است.

۵. نتیجه‌گیری

هدف این مقاله این بوده تا ضمن شناسایی ذینفعان کلیدی حریم پایتخت، سطح مناسبات (قدرت/ منفعت) میان این گروه‌ها را مشخص کند، لذا پس از شرح چگونگی شناسایی و تحلیل ذینفعان حریم پایتخت، ضمن معرفی روش ماتریس قدرت/ منفعت و نحوه عملکرد آن اطلاعاتی در مورد ذینفعان کلیدی حریم پایتخت و تشریح فرایند هریک از عناصر و نهادهای آن بیان شد. ذینفعان در چهار دسته شامل بخش حکومتی - دولتی، بخش عمومی، بخش خصوصی و گروه‌های مردمی به همراه هریک از ذینفعان کلیدی آن‌ها با توجه میزان برخورداری از قدرت و منفعت در حریم پایتخت مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که حریم پایتخت متأثر از ذینفعان متعددی با خواسته‌ها و انتظارات مختلفی است که دارای قدرت، نفوذ و منفعت بسیار متفاوتی هستند؛ بخش زیادی از ذینفعان کلیدی حریم پایتخت که عمدتاً عناصر و نهادهای بخش حکومتی - دولتی را شامل می‌شوند به لحاظ قانونی از قدرت بسیار بالایی برخوردار هستند هرچند سطح پایینی از منفعت را دارا هستند (گزارش‌های شرکت حریم بان شهر تهران حاکی از آن است که بخش عمده‌ای از اراضی واقع در حریم از سوی نهادها و سازمان‌های مربوط به نیروهای مختلف حکومتی - دولتی و حتی عمومی تصرف و زیر ساخت و ساز قرار گرفته‌اند. این مهم زمانی اتفاق می‌افتد که هر بخش با اعمال قدرت غیرقانونی و یا فراقانونی بخشی از آن را برای خود و کارکنانش، ولو با دور زدن قانون، جدا کرده و از آن خود می‌کند). شهرداری و دهیاری‌ها به عنوان ذینفعان کلیدی بخش عمومی به ترتیب در محدوده شهر و روستا واقع در حریم پایتخت به عنوان نیروهای بخش عمومی فعالیت می‌کنند که از بالاترین میزان قدرت و منفعت برخوردار هستند، قدرت گرفتن دهیاری‌ها برای صدور مجوز در محدوده روستاهای واقع در حریم که بیش از ۶۶۰ نقطه شهری، روستا و آبادی را در برمی‌گیرد، این عنصر را عملاً به عنوان یک ذینفع با قدرت و منفعت غیرقابل مهار تبدیل کرده است. بخش خصوصی دیگر گروه ذینفع کلیدی است که از قدرت و منفعت بالایی برخوردار است، ذینفعان کلیدی بخش خصوصی (شرکت‌ها و کارخانه‌های صنعتی و مالکین اراضی) محدوده حریم را به عنوان یک منبع قابل مبادله و قابل استفاده تلقی می‌کنند که در هم‌جواری بلافاصله کلانشهر تهران فرصت‌های بسیار سودآوری را از نظر اقتصادی برایشان خواهد داشت. گروه‌های مردمی تنها بخشی است که کمترین میانگین را به لحاظ برخورداری از قدرت و منفعت بین سایر بخش‌ها به دست آورده است، هرچند برخی از عناصر کلیدی آن (شهروندان، کاربران) از منفعت بالایی برخوردار هستند اما از سطح قدرت بسیار پایینی بهره می‌برند این ذینفعان

کلیدی از حریم پایتخت صرفاً به عنوان فضای تفریحی-گردشگری استفاده می کنند. بخش دیگر از گروه های مردمی (گروه های حاشیه نشین و غیررسمی) ذینفعانی هستند که از پایین ترین میزان قدرت و منفعت در بین سایر ذینفعان برخوردارند. بنابراین، متناسب با یافته ها و نتایج پژوهش پیشنهاد های سیاستی زیر توصیه می گردد؛

- ضرورت تهیه و تدوین هرچه سریعتر پیش نویس مدیریت یکپارچه حریم پایتخت برای جلوگیری بیش از پیش تفرق عملکردی، مدیریتی و قانونی توسط ذینفعان
- تشکیل کمیسیون قانونی ویژه مدیریت حریم پایتخت در شهرداری تهران (متشکل از نماینده وزارت کشور در امور شهرداری ها و دهیاری ها، نماینده شورای عالی شهرسازی و معماری، نماینده شورای شهر تهران، نماینده بنیاد مسکن، شهرداران شهرهای واقع در حریم پایتخت و دعوت از نمایندگان شهروندان، سازمان های مردم نهاد و متخصصین دانشگاهی) برای تسریع در روند تصمیم گیری های انعطاف پذیر متناسب با نیازهای زمانی و مکانی؛
- ارائه سیاست های تشویقی، نظام مالیاتی، قوانین بانکداری و عدم محدودیت های سرمایه گذاری متناسب با رویکرد حفاظتی حریم پایتخت برای ذینفعان خصوصی؛
- مستثنی شدن حوزه عمل دهیاران واقع در حریم پایتخت در قوانین و کاهش اختیارات آنها برای صدور مجوز و ساخت و ساز در محدوده استراتژیک حریم پایتخت؛
- برگزاری دوره آموزشی و هم اندیشی میان نمایندگان و مسئولان حکومتی-دولتی، عمومی، خصوصی و جامعه مدنی برای ایجاد درک راهبردی مشترک نسبت به وضعیت استراتژیک حریم پایتخت؛
- ایجاد سامانه برخط در کمیسیون قانونی ویژه مدیریت حریم پایتخت به منظور شفاف سازی و انتشار آزاد آخرین تصمیمات و قراردادهای مرتبط با حریم؛
- تشکیل صندوق سرمایه گذاری حریم متشکل از ذینفعان خصوصی دارای مالکیت و حقوق توسعه اراضی در جهت برنامه های متناسب با حفاظت از حریم
- تشکیل کارگروه مالی و حقوقی در امور قراردادها در کمیسیون ویژه مدیریت حریم پایتخت در جهت تضمین حقوق مالکان و گروه های شهروندان و کابرن برای استفاده راحت تر از فضاهای باز حریم برای نیازهای تفریحی و گردشگری؛

کتابنامه

۱. جلیلی، م. (۱۳۹۲). *ارزیابی فرایند سیاست گذاری کلان مدیریت شهری؛ نمونه مطالعاتی فرایند سیاست گذاری کلان برنامه ساختاری- راهبردی (جامع) شهر تهران (۱۳۹۰-۱۳۷۸)*. تهران: دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد.
۲. سعیدی رضوانی، ه. (۱۳۹۱). *مدیریت حریم کلان شهرها. دومه نامه شهر نگار، ۵۶-۵۷، ۱۲-۱*.

۳. سهیل خان، م. (۱۳۸۴) «مشارکت عمومی - خصوصی در خدمات‌رسانی شهری»، ترجمه جواهری پور، م.، فرزین پاک، ش.، ابراهیمی، ب.، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران
۴. صادقیان ندوشن، م.، و باقری، م. (۱۳۹۵). تعارض منافع ذینفعان شرکت‌ها و راهکارهای حل آن، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی. پاییز ۱۳۹۵، دوره بیستم - شماره ۳
۵. مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۴). *قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها*. تهران: مجلس شورای اسلامی.
۶. معصوم، ج. (۱۳۸۳). *شهرداری‌ها و مدیریت حریم*. مجله شهرداری‌ها، ۶(۶۵)، ۱۰-۵.
۷. مهندسین مشاور بوم‌سازگان (۱۳۸۵). *حریم شهر تهران (از گزارش‌های طرح جامع تهران، طرح راهبردی هدایت و کنترل تحولات کالبدی، اسناد). قسمت سوم، تدقیق و تکمیل طرح توسعه تهران*. تهران: مهندسین مشاور بوم‌سازگان.
۸. مهندسین مشاور طرح و کاوش (۱۳۸۹). *طرح برنامه راهبردی مدیریت و برنامه‌ریزی حریم پایتخت - جلد اول از گزارش‌های مطالعه و پیشنهاد نظام اجرایی و قانونی مدیریت حریم پایتخت و تعیین حدود و مرزهای نهایی آن*. تهران: مهندسین مشاور طرح و کاوش
۹. مهندسین مشاور طرح و کاوش. (۱۳۹۱). *طرح برنامه راهبردی مدیریت و برنامه‌ریزی حریم پایتخت و برنامه‌ریزی حریم - مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران / معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی امور زیرساخت و طرح جامع - جلد یک از یازده*. تهران: مهندسین مشاور طرح و کاوش.

10. Ackermann, F., & Eden, C. (2011). Strategic management of stakeholders: Theory and practice. *Long range planning*, 44(3), 179-196.
11. Adell, G. (1999). *Theories and models of the peri-urban interface: a changing conceptual landscape*. London: Development Planning Unit, UCL.
12. Al-Hathloul, S., & Mughal, M. A. (2004). Urban growth management-the Saudi experience. *Habitat International*, 28(4), 609-623.
13. Amati, M., & Yokohari, M. (2007). The establishment of the London Greenbelt: reaching consensus over purchasing land. *Journal of Planning History*, 6 (4), 311-337.
14. Bengston, D. N., & Yeo-Chang, Y. (2005). *Seoul's greenbelt: an experiment in urban containment*. Washington DC: US Department of Agriculture.
15. Bryson, J.M. (2004). What to do when stakeholders matter: stakeholder identification and analysis techniques. *Public management review*, 6(1), 21-53.
16. Caves, R. (2005). *Encyclopedia of the City*. Routledge. London: Routledge.
17. Heimlich, L.B., & Ralph, E. (2001). *Development at the urban fringe and beyond: impacts on agriculture and rural*. Washington DC: US Department of Agriculture.
18. Jiang, Y., & Swallow, S.K. (2017). Impact Fees Coupled With Conservation Payments to Sustain Ecosystem Structure: A Conceptual and Numerical Application at the Urban-Rural Fringe. *Ecological Economics*, 136, 136-147.
19. Johnson, G., & Scholes, K. (1999). *Exploring corporate strategy*. London: Prentice Hall Europe.
20. Majedi, H., & Pourjohari, A.H. (2012). Urban Growth Carriers; An Alternative Policy for Urban Growth Management in Iran. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 1(1), 33-42.

21. Nguyen, N.H., Skitmore, M., & Johnny, W.K.W. (2009). Stakeholder impact analysis of infrastructure project management in developing countries: a study of perception of project managers in state-owned engineering firms in Vietnam. *Construction Management and Economics*, 27(11), 1129-1140.
22. Nutt, P. (2002). Why decisions fail: Avoiding the blunders and traps that lead to debacles. San Francisco: Berrett-Koehler Publishers.
23. Olander, S., & Landin, A. (2005). Evaluation of stakeholder influence in the implementation of construction projects. *International Journal of Project Management*, 23, 321-328
24. Pitzl, G. (2004). *Encyclopedia of Human Geography*. Greenwood Publication.
25. Reed, M. S., Graves, A., Dandy, N., Posthumus, H., Hubacek, K., Morris, J., Prell, Ch., Quinn, C.H., & Stringer, L.C. (2009). Who's in and why? A typology of stakeholder analysis methods for natural resource management. *Journal of environmental management*, 90(5), 1933-1949.
26. UN-Habitat (2005). United Nations Human Settlements Programme (UN-HABITAT). *Key competencies for improving local governance - Local elected leadership series, Volume 3 - Concepts and Strategies: for each of the roles and competencies*. UN-Habitat.
27. Weaver, D.B., & Lawton, L.J. (2001). Resident perceptions in the urban-rural fringe. *Annals of Tourism Research*, 28(2), 439-458.
28. Zhao, P. (2017). An 'unceasing war' on land development on the urban fringe of Beijing: A case study of gated informal housing communities. *Cities*, 60, 139-146.
29. Zhao, P., Lu, B., & Woltjer, J. (2009). Conflicts in urban fringe in the transformation era: An examination of performance of the metropolitan growth management in Beijing. *Habitat International*, 33(4), 347-356.

بررسی نقش مکان‌های سوم شهری در توسعه گردشگری (مطالعه موردی: پیاده‌راه مرکزی شهر رشت)

علی اکبر سالاری پور (استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، نویسنده مسئول)

salaripour@guilan.ac.ir

رامتین زادصالحی (کارشناسی ارشد طراحی شهری، موسسه آموزش عالی دیلمان، لاهیجان، ایران)

upe.zfs8226@outlook.com

مهرداد مهرجو (دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی - برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه گیلان، رشت، ایران)

mehrjousemehrdad@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۷

صص ۹۷-۱۱۵

چکیده

امروزه با رشد شهری بدون برنامه و به دنبال آن افزایش استفاده از اتومبیل، به تدریج نقش عابرپیاده در فضاهای شهری کم‌رنگ می‌شود و همین امر موجب کاهش سرزندگی فضاهای عمومی برای تعاملات اجتماعی در شهرها شده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی سطح و کیفیت تعاملات اجتماعی در پیاده‌راه فرهنگی شهر رشت؛ بررسی نقش مکان‌های سوم در ایجاد تعاملات اجتماعی و افزایش سطح تعاملات اجتماعی در توسعه گردشگری است. هدف پژوهش حاضر، کابردی و روش تحقیق نیز، توصیفی است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه دارای طیف لیکرت استفاده شده است. همچنین از آزمون تی تک‌نمونه‌ای، تحلیل عاملی و ضریب همبستگی پیرسون برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. پرسشنامه، شامل ۵۱ سؤال کیفیت محیطی، کیفیت مکان‌های سوم، هویت، جذابیت گردشگری و تعاملات اجتماعی را در پیاده‌راه علم الهدی می‌سنجد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر محاسبه شد. پایایی آن توسط آزمون آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹۷ شده است. یافته‌های همبستگی برای هر سه آزمون مقدار قابل قبولی است و نشان می‌دهد که مولفه‌های «هویت‌مندی مکان»، «کیفیت-پیاده‌راه» و «مکان‌های سوم» تاثیر قابل توجهی در توسعه و رونق گردشگری در پیاده‌راه دارند. مهمترین نتیجه پژوهش حاضر تبیین روابط هم افزا میان توسعه مکان‌های سوم و گردشگری است. بنابراین جایگاه مکان‌های سوم در برنامه ریزی شهری و همچنین برنامه ریزی گردشگری شهری باید در کشورمان مورد تاکید قرار گیرد و افزایش کیفیت‌های محیطی و فرهنگی آن در نهایت به افزایش تنوع اجتماعی، تعامل میان شهروندان و گردشگران و افزایش درآمدهای پایدار منجر گردد.

کلیدواژه‌ها: پیاده‌راه فرهنگی، توسعه گردشگری، رشت، مکان‌های سوم، هویت مکان.

۱. مقدمه

پیاده‌راه‌ها در بیشتر جوامع جز اصلی شبکه معابر شهری و محلی برای استراحت، تفرج و پیاده‌روی شهروندان محسوب می‌شوند (آلور^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). و از آنجایی که معابر پیاده در فضای عمومی شهری برای حرکت عابر پیاده می‌باشد، می‌تواند موجب تقویت رابطه اجتماعی و معنوی شهروندان تلقی گردد (خو^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). اما متأسفانه در کشورهای در حال توسعه؛ این معابر به‌عنوان مکان‌های معلول و فراموش شده شهرها تلقی می‌شوند (مرصوصی و صباحی‌گراغانی، ۱۳۹۹). در طول چند دهه اخیر در اثر حرکت شتابان به‌سوی توسعه، کالبد شهرها تغییرات بسیار شدیدی را متحمل شده‌اند (ملکشاهی، ۱۳۹۸). تا قبل از ورود خودرو و تحولات حاصل از آن در شهرسازی، راه‌ها و فضاهای شهری در انطباق کامل با فضاهای انسانی و نیازهای اجتماعی شهروندان شکل می‌گرفت (زو^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). در شهرهای کهن نظام کالبدی شهر به‌طور کلی براساس مقیاس انسانی یا مردم‌واری استوار بوده‌است و وسعت شهرها و فاصله میان مراکز مختلف آن چنان بود که شهروندان با پای پیاده از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رفتند (استفنسون^۴، ۲۰۱۴). این راه‌ها و فضاهای شهری علاوه بر نقش ارتباطی و دسترسی، مکانی امن و راحت برای تماس اجتماعی، گردش و تماشا، شنیدن اخبار، برگزاری جشن‌ها و آیین‌ها، تفریح و سرگرمی و مذاکره و داد و ستد را فراهم می‌آوردند (یانگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۱). با پیدایش حمل‌ونقل ماشینی بسیاری از فضاهای شهری که محل زندگی اجتماعی بود، به گذرگاه و توقفگاه وسائط ماشینی تبدیل شده و این توسعه به‌تدریج تمام ساختار کالبدی و اجتماعی شهر را زیر نفوذ برد (یوسف^۶ و همکاران، ۲۰۱۶). در نتیجه نیازها و حقوق طبیعی انسان پیاده کمتر مورد توجه برنامه ریزان و طراحان شهری قرار گرفت و راه‌های پیاده نه به‌عنوان بخشی از فضای شهری بلکه به‌عنوان تابعی از حرکت سواره به‌حساب آمدند (آلن^۷ و همکاران، ۲۰۱۴). شهرسازی اتومبیل محور با از بین بردن پویایی زندگی و جدایی افراد از مراکز تجمع‌های عمومی باعث کم شدن تعاملات اجتماعی شده‌است (سندلندز^۸، ۲۰۰۳). بنابراین مسیرهای سواره نیز در بازه‌های زمانی مختلفی به مکان‌های تبدیل شده‌بودند که رفت و آمد عابران پیاده در این مسیرها به ندرت و به سختی اتفاق می‌افتاد و تعاملات اجتماعی در این مسیرها به شدت روبه کاهش و افول بوده‌است؛ که با تبدیل این مسیرها به مسیرهای پیاده یا پیاده‌راه‌ها سبب شد که در راستای توسعه گردشگری در بیشتر شهرها متمرکز واقع شوند و سبب کنش ارتباطی و افزایش تعاملات اجتماعی در بین افراد جامعه و گردشگران گردید و صنعت گردشگری عامل مؤثر در تبادلات فرهنگی و اجتماعی بین کشورهاست و به‌عنوان گسترده‌ترین صنعت خدماتی در جهان دارای حائز اهمیت ویژه‌ای است؛ و به‌طور کلی اهمیت و عظمت گردشگری به ایجاد فرصت‌های شغلی و

1. Alver
2. Xu
3. Zhou
4. Stephenson
5. Yang
6. Yusup
7. Alen
8. Sandelands

درآمد محدود نمی‌شود بلکه در صورت برنامه‌ریزی و توسعه از پیش تعیین شده، گردشگری قادر است منافع مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و محیطی را ایجاد و سهم قابل توجهی را در توسعه ملی ایفا نماید (سالاری‌پور و همکاران، ۱۳۹۸). به همین منظور احیای بافت‌های تاریخی شهرها، بسیاری از برنامه‌ریزان و نهادهای مرتبط، در تلاش برای جذب فعالیت‌های جدید هستند. یک نمونه از این فعالیت‌های جدید، گردشگری و فعالیت‌های فرهنگی مربوط به آن است (ابوشوک^۱ و همکاران، ۲۰۲۱؛ فیچت^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). پروژه‌های گردشگری این امکان را دارند که با تصویر کهنه و متروک مبارزه کنند و به ایجاد درک مثبت و تبدیل مکان‌های سوم به فضاهای گردشگری شهری کمک کنند و در نتیجه به افزایش اطمینان و احتمال سرمایه‌گذاری منجر شوند (جنگرا^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). ابعاد فرهنگی و نحوه‌ی تبادل و تعامل فرهنگ‌ها در مسائل گردشگری با انتشار بیانیه‌ی مانیل در سال ۱۹۸۰ در اجلاس مجمع عمومی سازمان جهانی گردشگری مورد توجه اساسی قرار گرفت، در این بیانیه ضمن برشمردن آثار مثبت فرهنگی و اجتماعی ناشی از گردشگری داخلی و بین‌المللی، از دولت‌ها خواسته‌شد در حفظ منابع فرهنگی بکوشند؛ به‌نحوی که استفاده‌ی مستمر باعث از بین رفتن آن‌ها نشود. (هالدر و ساردا^۴، ۲۰۲۱). و این مهم که از مکان‌های سوم نیز می‌توان در راستای توسعه گردشگری فرهنگی بهره‌مند شد و مکان‌های سوم به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی در حوزه‌ی عمومی به مکان‌هایی اطلاق می‌شوند که افراد می‌توانند به‌صورت منظم به آن سر بزنند و با دوستان، همسایه‌ها، همکاران و حتی غریبه‌ها ارتباط برقرار کنند و با یک دیگر تبادل فرهنگی و اجتماعی داشته باشند (مهتا و بوسون^۵، ۲۰۱۱). از نظر اولدنبرگ^۶ (۱۹۹۹)، در مکان‌های سوم برخلاف مکان‌های اول (خانه) و مکان‌های دوم (محل کار)، شرایط به‌گونه‌ای فراهم شده‌است که افراد نگرانی‌های معمولشان را کنار می‌گذارند و به سادگی از معاشرت با افراد پیرامونشان لذت می‌برند، براین اساس؛ مکان‌های سوم از نظر اولدنبرگ؛ بستری خشی هستند که سبب ایجاد مکانی با زمینه امن برای برقراری ارتباط با افراد ناآشنا، مکانی همسطح کننده به منظور ایجاد بستری برابر برای همه اعضای جامعه، دارای فضاهایی مناسب برای کنش ارتباطی در راستای گفت‌وگو به عنوان فعالیت اصلی افراد حاضر در مکان‌های سوم، در دسترس به لحاظ زمانی، سهولت و موقعیت دسترسی، دارای زمینه مناسب در جهت بسترسازی برای تمام گروه‌های اجتماعی، دارای ساختار کالبدی ساده برای از بین رفتن اختلاف‌های اجتماعی غنی و فقیر هستند که به طور کلی اولدنبرگ از آن به عنوان ظاهر ساده مکان‌های سوم یاد می‌کند و همین‌طور اولدنبرگ دو ویژگی دیگری همچون؛ جو صمیمی و خانه‌ای دور از خانه را برای مکان‌های سوم به‌عنوان زمینه‌ای برای گفت‌وگو و تبادل نظر در عین بحث‌های غیرجدی و دوستانه و بسترهای مناسب برای شکل‌گیری حمایت اجتماعی را نام می‌برد. (اولدنبرگ، ۱۹۹۸). از جمله ویژگی‌های بارز فضای سوم این است که حاضرین در

1. Abou-Shouk
2. Fitchett
3. Jangra
4. Halder & Sarda
5. Mehta & Bosson
6. Oldenburg

این فضاها، افراد ثابتی نیستند بلکه مدام در حال تغییر است و طیف وسیعی از افراد را شامل میشود که منجر به سرزندگی و حضوپذیری بالا میشود. مکان سوم باعث افزایش روابط چهره به چهره میشود و باعث میشود تا مردم از حال هم باخبر باشند، همچنین تأکید بر ضرورت تعادل زیست در سه قلمرو (فضای اول- سکونت، فضای دوم- کار و فضای سوم- زندگی اجتماعی (تفریح و اوقات فراغت) به عنوان یک تجربه مطلوب زیستی است، هرچند مکان اول و دوم عامل هویت بخش محسوب میشوند، فضای سوم زمینه ایجاد قلمرو اجتماعی را فراهم می‌آورد (سالاری- پور و همکاران، ۱۳۹۸).

بررسی پژوهش‌های پیشین در راستای موضوع پژوهش نشان می‌دهد که بخشی از آن‌ها به بررسی میزان تأثیرگذاری بیشتر معیار عملکردی نسبت به سایر معیارها در مسیرهای گردشگری پرداخته‌اند (محمدی و چنگلویی، ۱۳۹۱؛ سلطانی و پیروزی، ۱۳۹۱) و برخی دیگر به بررسی میزان اثرگذاری روابط اجتماعی و تعاملات اجتماعی در مسیرهای گردشگری و تبدیل فضاهای گمشده به مکان‌های سوم پرداختند (احمدی و دیانتي، ۱۳۹۲؛ جلالی و قلعه-نویی، ۱۳۹۳؛ محمدی زاده، ۱۳۹۵).

در شهر رشت نیز مانند بسیاری از شهرهای جهان افزایش قابلیت پیاده‌مداری و توجه دوباره به سهم جابجایی عابر پیاده در نظام حمل و نقل در دستور کار برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفت و در این راستا از سال ۱۳۹۰ پروژه پیاده راه سازی در بافت مرکزی این شهر آغاز شد. این پروژه مورد استقبال شهروندان و گردشگران قرار گرفت و به عنوان یک پروژه بزرگ مقیاس شهری، علیرغم ضعف‌ها و کمبودهای مختلف، توانست به افزایش سرزندگی اجتماعی در مرکز رشت کمک نماید. بدیهی است سنجش و ارزیابی آثار پروژه‌های اینچنین در افزایش تعاملات اجتماعی و توسعه گردشگری می‌تواند به انباش دانش و دوری از آزمون و خطا در پروژه‌های مشابه آتی در کشور بیانجامد. بنابراین مهم‌ترین اهداف مورد نظر این پژوهش، بررسی سطح و کیفیت تعاملات اجتماعی در محدوده پیاده‌راه فرهنگی رشت، بررسی نقش مکان‌های سوم در ایجاد تعاملات اجتماعی، بازطراحی پیاده‌راه با تأکید بر مکان‌های سوم و افزایش سطح تعاملات اجتماعی و توسعه گردشگری است.

با عنایت به موارد مذکور، سؤالات اساسی این پژوهش را می‌توان به این صورت بیان کرد:

- ۱- سطح و کیفیت تعاملات اجتماعی در محدوده پیاده‌راه فرهنگی رشت چگونه است؟
- ۲- نقش مکان‌های سوم در ایجاد تعاملات اجتماعی در شرایط فعلی چقدر است؟
- ۳- چگونه می‌توان با بازطراحی پیاده‌راه با تأکید بر مکان‌های سوم به افزایش سطح تعاملات اجتماعی و توسعه گردشگری کمک کرد؟

۲. روش شناسی

۲.۱. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، با توجه به هدف کاربردی بوده و باتوجه به نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی است. داده‌های موردنیاز پژوهش نیز با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده شدند. نمونه‌ی آماری پژوهش، بازدیدکنندگان پیاده‌راه علم‌الهدی هستند. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری در دسترس است زیرا از افراد حاضر در پیاده‌راه علم‌الهدی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده‌است. در این پژوهش برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. با قرار دادن جمعیت رشت در فرمول کوکران عدد ۳۸۴ حاصل شد. بنابراین برای انجام این تحقیق تعداد ۴۰۰ پرسشنامه بین مراجعه‌کنندگان به پیاده‌راه توزیع گردید. متغیرها و گویه‌های پرسشنامه بر اساس نظریه اولدنبرگ (۱۹۹۷)، مهتا و بوسن (۲۰۱۰)، موننگومری (۲۰۰۶) ساخته شده است. پرسشنامه مذکور، مشتمل بر ۵۱ سؤال با طیف لیکرت می‌باشد که کیفیت پیاده‌راه، کیفیت مکان‌های سوم، هویت، جذابیت گردشگری و تعاملات اجتماعی را در سطح پیاده‌راه علم‌الهدی می‌سنجد. برای تایید روایی این پرسشنامه از نظرات متخصصین به منظور ارزیابی، اصلاح و تایید نهایی سوالات استفاده شده است. پایایی این پرسشنامه توسط آزمون آلفای کرونباخ مورد ارزیابی قرار گرفته که نتایج آن در جدول شماره ۱ مشاهده می‌گردد. برای تحلیل اطلاعات از روش‌های آزمون تی تک‌نمونه‌ای، تحلیل عاملی و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده‌است.

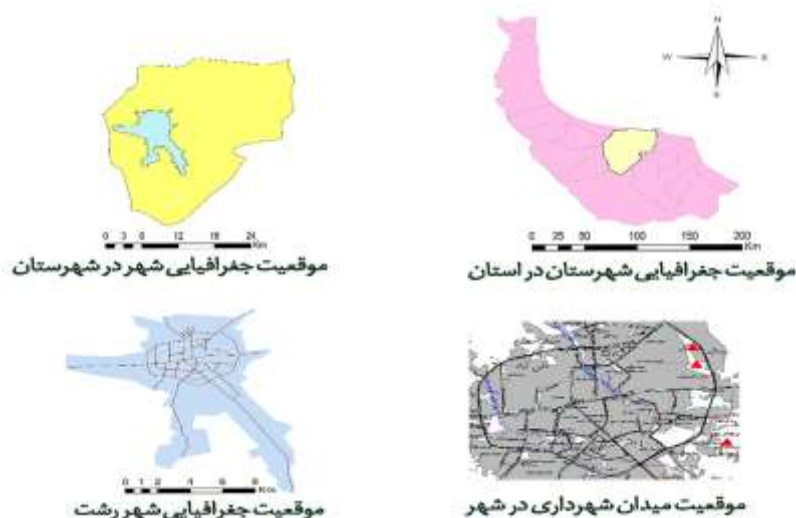
جدول ۱. پایایی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میزان آلفای کرونباخ
کیفیت پیاده‌راه	۰/۸۳
کیفیت مکان‌های سوم	۰/۸۶
هویت	۰/۸۸
جذابیت گردشگری	۰/۹۰
تعاملات اجتماعی	۰/۸۲

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

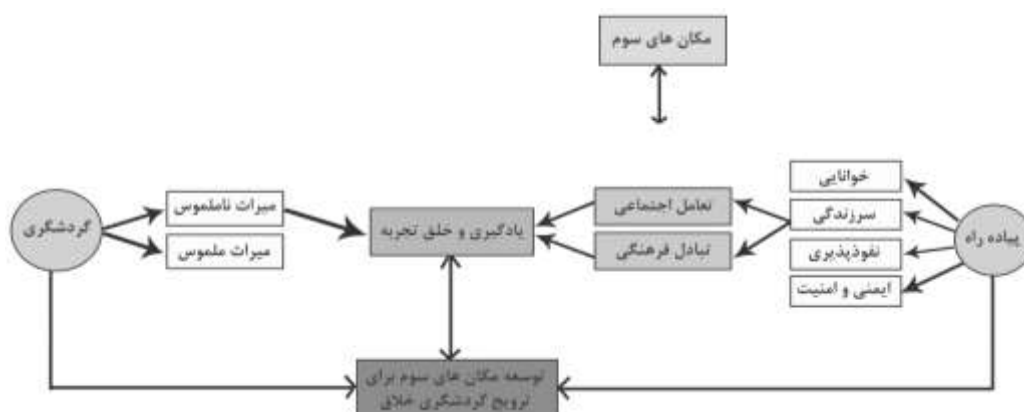
جنبش جدیدی که امروزی شهرهای ایران را در بر گرفته است پیاده‌راه‌هایی است که در دل بافت‌های شهری و خیابان‌های شهر فضاهای شهری فعال و سرزنده‌ای جهت برقراری کنش‌های اجتماعی و تعامل هرچه بیشتر شهروندان به وجود می‌آورد. مرکز تاریخی شهر رشت سالیان زیادی با ترافیک سنگین خودرو شهر که مانند گره‌کوری مرکز شهر را می‌فشرد و جریان زندگی را در آنجا بند آورده بود، دست‌وپنجه نرم می‌کرد. در سال ۹۴ به همت شهرداری شهر رشت، میدان و سه خیابان سعدی، امام خمینی و شریعتی که اطراف آن را در بر گرفته بودند تبدیل به پیاده‌راه‌هایی شدند که با طول ۸/۳ کیلومتر عنوان یکی از بزرگ‌ترین پیاده‌راه دنیا را به خود اختصاص داده‌اند.



شکل ۱. موقعیت پیاده‌راه مرکزی شهر رشت

۳.۲. مدل مفهومی

باتوجه به مبانی نظری پژوهش یک پیاده‌راه مناسب باید دارای چهار ویژگی (خوانایی، سرزندگی، نفوذپذیری، ایمنی و امنیت) باشد. سرزنده بودن یک پیاده‌راه موجب ایجاد تعامل اجتماعی و تبادل فرهنگی میان مردم می‌شود که نتیجه آن یادگیری و تجربه‌های مختلف میان مردم است. یکی از راه‌های ایجاد سرزندگی در پیاده‌راه‌ها خلق مکان‌های سوم مناسب است که باعث ایجاد پاتوق و تعاملات اجتماعی میان مردم می‌شود و تجربه‌های مختلف را میان آنها ایجاد می‌کند. از آنجایی که گردشگری خلاق بر روی میراث ناملموس یک جامعه تمرکز دارد و هدف آن یادگیری تجربه‌ها و تبادل فرهنگی است، مکان‌های سوم می‌توانند به‌عنوان فضایی موثر در خدمت گردشگری خلاق قرار گیرند. پس توسعه مکان‌های سوم علاوه‌بر ایجاد سرزندگی و پویایی در سطح یک پیاده‌راه می‌تواند زمینه ایجاد گردشگری خلاق را در آن ایجاد کند. مدل مفهومی این پژوهش این روابط را به خوبی نشان می‌دهد:



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

۳. یافته‌ها

۳.۱. یافته‌های توصیفی

۱۲۸ نفر از پاسخگویان به پرسشنامه‌ها دارای سن بین ۱۸ تا ۲۵ سال هستند. تحصیلات بیشتر پاسخگویان لیسانس با ۱۴۲ نفر بوده است. ۲۰۸ نفر آنان مرد و ۱۹۲ نفر آنان زن بوده‌اند. تعداد ۳۲۸ نفر از آنان بومی شهر رشت بوده و ۱۱۲ نفر مدت اقامت آنان ۲۰ تا ۳۰ سال است.

جدول ۲. درصد فراوانی مشخصات پاسخ‌دهندگان

متغیر	سطح	تعداد	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۲۰۸	۵۸/۵
	زن	۱۹۲	۴۱/۵
سن	زیر ۱۸ سال	۱۸	۴/۲
	۱۸ تا ۲۵ سال	۱۲۸	۴۷
	۲۵ تا ۳۵ سال	۷۶	۱۴
	۳۵ تا ۴۵ سال	۸۴	۱۶
	۴۵ تا ۶۰ سال	۶۶	۱۱
	بالای ۶۰ سال	۲۸	۷/۸
	سیکل و پایین‌تر	۳۰	۵
	دیپلم	۸۰	۱۰/۱
تحصیلات	فوق دیپلم	۸۸	۱۷/۸
	لیسانس	۱۴۲	۵۷/۲
	فوق لیسانس و دکتری	۶۰	۹/۹
	کارمند	۱۰۶	۱۵/۴
شغل	آزاد	۱۵۰	۴۶/۴
	بیکار	۱۴۴	۳۸/۲
	بومی	۳۲۸	۸۹/۵
نوع سکونت	غیربومی	۷۲	۱۰/۵
	زیر ۱ سال	۴۰	۹/۱
مدت سکونت	۱ تا ۵ سال	۲۶	۴/۳
	۵ تا ۱۰ سال	۴۰	۹/۱
	۱۰ تا ۱۵ سال	۳۴	۷/۲
	۱۵ تا ۲۰ سال	۷۶	۱۸/۲
	۲۰ تا ۳۰ سال	۱۱۲	۳۵/۱
	بالای ۳۰ سال	۷۲	۱۷

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

۳. ۲. یافته‌های تحلیلی

ابتدا آزمون‌های کیسر میرالکین و کرویت بارتلت را انجام می‌دهیم تا صلاحیت نمونه برای تحلیل عاملی را مورد بررسی قرار دهیم. شاخص کیسر میرالکین نشان می‌دهد که حجم نمونه برای تحلیل عاملی مناسب است یا خیر، که میزان آن باید از ۰٫۵ بیشتر باشد. آزمون بارتلت نیز نشان‌دهنده این است که در ماتریس داده‌ها به اندازه کافی همبستگی وجود دارد که بتوان تحلیل عاملی را ادامه داد یا خیر. نتایج آزمون بارتلت و مقدار عددی شاخص کفایت نمونه‌گیری KMO تناسب کلی بین نمونه‌ها برای انجام تحلیل عاملی را نشان می‌دهد. سطح معناداری آزمون بارتلت ۰/۰۰۱ و مقدار عددی شاخص کفایت نمونه‌گیری KMO برابر با ۰/۸۶۷ است که مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی را نمایش می‌دهد.

جدول ۳. آزمون بارتلت و مقدار KMO تایج تحلیل عاملی

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		۰/۸۶۷
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	۴۵۶۷/۱۳۸
	df	۴۰۰
	Sig.	۰/۰۰۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

متغیرهای تمام عوامل در جدول ۴ بیان شده‌اند در همین جهت مقدار ویژه عامل اول ۳/۰۶۶ است که ۲۷/۸۷۴ درصد از واریانس و مقدار ویژه در عامل دوم ۲/۹۳۸ است که ۲۰/۹۸۳ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. و تعداد ۱۴ متغیر در این عامل بارگذاری شده‌اند که مربوط به شاخص کیفیت مکان‌های سوم است. مقدار ویژه عامل سوم ۴/۴۶۵ است و ۴۴/۶۵۴ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند. که دارای ۱۰ متغیر در جدول ۵ جای گرفته‌اند. مقدار ویژه عامل چهارم ۲/۴۸۳ است که ۴۹/۶۵۵ درصد از واریانس را تبیین می‌کند و دارای ۵ متغیر است. همچنین مقدار ویژه در عامل پنجم ۴/۰۳۴ است و ۳۶/۶۷۰ درصد از واریانس را محاسبه می‌کند و دارای ۱۱ متغیر می‌باشد.

جدول ۴. تغییرات بیان شده کل عوامل

Component	Initial Eigenvalues			Extraction Sums of Squared Loadings		
	Total	% of Variance	Cumulative %	Total	% of Variance	Cumulative %
۱	۳/۰۶۶	۲۴/۸۷۴	۲۴/۸۷۴	۳/۰۶۶	۲۴/۸۷۴	۲۴/۸۷۴
۲	۲/۹۳۸	۲۰/۹۸۳	۲۰/۹۸۳	۲/۹۳۸	۲۰/۹۸۳	۲۰/۹۸۳
۳	۴/۴۶۵	۴۴/۶۵۴	۴۴/۶۵۴	۴/۴۶۵	۴۴/۶۵۴	۴۴/۶۵۴
۴	۲/۴۸۳	۴۹/۶۵۵	۴۹/۶۵۵	۲/۴۸۳	۴۹/۶۵۵	۴۹/۶۵۵
۵	۴/۰۳۴	۳۶/۶۷۰	۳۶/۶۷۰	۴/۰۳۴	۳۶/۶۷۰	۳۶/۶۷۰

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

با توجه به روابط بین عوامل استخراج شده با شاخص‌های مورد نظر با متن نظری و تجربی در این زمینه، و مطالبی که در پژوهش بیان شده عوامل استخراج شده به شرح ستون ۴ در جدول ۵ نام‌گذاری شده است. بعد از دوران برخی از متغیرها با بیش از یک عامل، بارعاملی بالای ۰/۴ دارند که این متغیرها را در ذیل عامل هستند، در نظر نمی‌گیرند. همچنین قابل ذکر است که علامت منفی در این جدول نیز فقط نشان دهنده جهت مخالف این نوع شاخص با بقیه شاخص‌ها است و نه مقدار عددی کمتر. بر این اساس، ۷ عامل و شاخص‌های مورد مطالعه ذیل هر عامل در جدول ۵ مشخص می‌شوند. عامل سوم ارتباط بالایی (بیشتر از ۰/۶) با هر ۱۰ متغیر ذیل این عامل دارد: خود را یک رشتی می‌دانم (۰/۸۱۲)، رشت من را از دیگران متمایز می‌کند (۰/۸۳۶) را می‌توان به عنوان هویت فردی و تقویت کننده هویت‌مندی مکان نام برد، نقش میدان شهرداری در تعریف هویت و تاریخ رشت (۰/۶۵۴)، وجه اشتراک هویت فرد با هویت میدان (۰/۷۳۳)، دلبستگی به میدان شهرداری از لحاظ عاطفی (۰/۸۶۹)، حس خوبی نسبت به پیاده را شهرداری دارم به عنوان حس تعلق (۰/۷۲۴) و تعلق فرد به پیاده‌راه شهرداری (۰/۸۴۶) که حس فرد نسبت به تعلق خود به مکان نیز از ویژگی‌های بارز هویت‌مندی مکان است. در بین مؤلفه‌های ذکر شده دلبستگی عاطفی به مکان، حس تعلق نسبت به مکان و هویت فردی سبب ایجاد هویت مکان می‌گردد که به بیان ساده‌تر این نوع متغیرها در هویت‌مند نمودن مکانی همچون پیاده‌راه شهرداری نیز مؤثر هستند. دسترسی به پیاده‌راه شهرداری، دسترسی به کاربری‌های خدماتی، رضایت از روشنایی پیاده‌راه، حس امنیت، رضایت از کف سازی معابر پیاده‌راه، کافی بودن فضای سبز موجود و ... شاخص‌ها و متغیرهایی هستند که عامل دوم را تشکیل می‌دهند. که تمامی این شاخص‌ها بار عاملی کمتر از ۰/۶ دارند ولی دو شاخص از عامل اول همچون رضایت از مبلمان شهری (۰/۶۲۵) و احساس رضایت از عدم آلودگی صوتی (۰/۷۴۶) با باری بالاتر از ۰/۶ هستند. عامل دوم؛ کیفیت مکان‌های سوم در بین متغیرها، ۴ متغیر ارتباط بالایی (بیشتر از ۰/۶) دارد از قبیل؛ متناسب بودن مکان صندلی‌ها و فضاهای قابل نشستن (۰/۷۸۹)، قابل تشخیص بودن سر در رستوران‌ها و کافه‌ها (۰/۷۰۴)، ذران اوقات فراغت در کافه‌های پیاده‌راه شهرداری (۰/۶۶۹) و مناسب بودن کافه‌ها و رستوران‌ها به نسبت نیاز مردم (۰/۶۱۹) است در صورتی که بار سایر متغیرها نیز ویژگی‌های کیفیت مکان‌های سوم را نشان می‌دهند و در عامل دوم کمتر از ۰/۶ هستند. در بین عوامل، عامل چهارم با ۵ متغیر دارای بارهای قابل ملاحظه‌ای است از قبیل؛ جذب شهروندان به سمت پیاده‌راه از طریق نشانه و نمادها (۰/۸۰۴)، وجود بازار بزرگ رشت در مرکز شهر (۰/۷۶۹)، وجود جاذبه‌های خاص برای عکاسی در محدوده (۰/۷۲۵)، مناسب بودن کارکنان رستوران‌ها و کافه با مردم (۰/۶۴۸) و به غیر از متغیر میزان خاطره‌انگیزی از محدوده که دارای باری کمتر از ۰/۶ یعنی برابر ۰/۵۰۸ است. در عامل پنجم با نام تعاملات اجتماعی متغیر پذیرای جمعیت بودن پیاده راه با بار (۰/۷۳۵)، موفقیت در جذب جوانان با بار عاملی (۰/۶۴۰)، مناسب بودن این مکان برای دیدار جمعی دوستان (۰/۶۷۹)، امکان مرادده و گفتگو در پیاده راه (۰/۶۵۱)، برقراری ارتباط دوستانه پایدار در پیاده‌راه (۰/۶۳۳-)، پذیرای جمع‌های خانوادگی (۰/۶۱۹) و تبادل فذهنگی و تعاملات اجتماعی در پیاده‌راه (۰/۳۸۷) است که در متغیر برقراری ارتباط دوستانه پایدار در پیاده‌راه علامت منفی نشان دهنده جهت مخالف این شاخص با بقیه

شاخص‌ها است و نه مقدار عددی کمتر. سایر مؤلفه‌های کمتر از ۰/۶ در عامل پنجم بدین ترتیب است؛ موفقیت جذب گروه سنی سالمندان توسط پیاده‌راه، جذب گروه سنی کودکان، پذیرای گردشگران و توریست، علاقه‌مند به گفتگو و تعامل در این فضا.

جدول ۵. عوامل استخراجی، بارعاملی و نام گذاری آن‌ها برای تحلیل گردشگری فرهنگی

عنوان عامل	شاخص	بارعاملی	نامگذاری عوامل
کیفیت پیاده‌راه	مبلمان شهری موجود در این محدوده (مانند چراغ‌های روشنایی شهری، نیمکت ه، سطل های زباله) سالم هستند و کارایی دارند.	۰/۶۲۵	عامل اول: رضایت از تجهیزات فضای شهری
	از نبود آلودگی صوتی در این محدوده احساس رضایت دارید.	۰/۷۴۶	
	از روشنایی این محدوده در ساعات تاریک شدن هوا رضایت دارید.	۰/۵۱۱	
	پوشش معابر (کف سازی، نوع موزائیک ها، سنگفرش و...) در این محدوده برای قدم زدن شما مناسب است.	۰/۵۷۵	
	از نظم و نحوه جمع آوری زباله در این محدوده راضی هستید.	۰/۵۶۹	
	از زیرساخت های دفع آب های سطحی مانند آب باران و جوی ها رضایت دارید.	۰/۵۴۰	
	فضای سبز موجود در این منطقه (پارک ها، تعداد و نوع درختان) را کافی می دانید.	۰/۵۹۲	عامل دوم: رضایت از عرصه‌های بازو جمعی
	هنگام پیاده روی در شب در این محدوده احساس امنیت می کنید.	-۰/۷۱۹	عامل سوم: دسترسی به پیاده راه
	تا چه اندازه در این محدوده فضایی برای بازی کودکان مشاهده کرده اید؟	-۰/۵۳۷	
	دسترسی به اینجا برایتان راحت است.	۰/۵۷۸	
کیفیت مکان‌های سوم	رستوران ها، کافی شاپ ها و فروشگاه ها دارای نمای ساختمانی و سردر متمایز و قابل تشخیص هستند.	۰/۷۰۴	عامل اول: فضاهای مناسب گذران اوقات فراغت
	برای نشستن و گذران فراغت به کافی شاپ های اینجا می آیم.	۰/۶۶۹	
	برای تماشای فیلم و تئاتر به سینماها و تئاتر های اینجا می آیم.	۰/۵۵۰	
	جشنواره ها و رویدادهای فرهنگی، هنری جذاب و سرگرم کننده ای در این پیاده راه برگزار می شود.	۰/۵۱۷	
	تا چه میزان در این محدوده فضای باز تئاتر، نمایش و موسیقی خیابانی مشاهده کرده اید؟	۰/۵۷۱	
	از بیرون می توان فضای داخل رستوران ها و کافی شاپ ها و مغازه ها را به خوبی دید.	۰/۵۷۵	
	برای غذا خوردن در رستوران ها یا غذا خوری ها به اینجا می آیم.	۰/۵۴۱	
	در اینجا فضای کافی و مناسب برای نشستن وجود دارد.	۰/۶۱۹	عامل دوم: استقرار مناسب صندلی ها
	مکان قرارگیری صندلی ها و فضاهای نشستن مناسب است.	۰/۷۸۹	
	سایبان های مناسب در این مکان وجود دارد.	۰/۵۶۵	
هویتی/مکان	از اینجا به شکل گذری عبور می کنم.	-۰/۵۵۲	عامل چهارم: عبور گذری
	وجه اشتراکات هویت فردی شما با هویت میدان شهرداری چه میزان است؟	۰/۷۳۳	عامل اول: دلبستگی عاطفی
	اینجا (پیاده راه شهرداری) برایم تداعی کننده معانی و خاطرات شخصی است.	۰/۶۵۱	

عنوان عامل	شاخص	بار عاملی	نامگذاری عوامل
	حس می‌کنم اینجا (پیاده راه شهرداری) بخشی از وجود من است.	۰/۸۰۹	
	از لحاظ عاطفی به اینجا (پیاده راه شهرداری) دلبستگی دارم.	۰/۸۶۹	
	حس خوبی نسبت به اینجا (پیاده راه شهرداری) دارم.	۰/۷۲۴	
	تعلق به اینجا (پیاده راه شهرداری) برایم ارزشمند است.	۰/۸۴۶	
	به وجود این مکان (پیاده راه شهرداری) افتخار می‌کنم.	۰/۶۹۷	
	خودم را یک (رشتی) می‌دانم.	۰/۸۱۲	عامل دوم: هویت فردی
	رشت من را از دیگران متمایز می‌کند.	۰/۸۳۶	
	میدان شهرداری نتا چه حد در تعریف هویت و تاریخ رشت نقش دارد؟	۰/۶۵۴	عامل سوم: هویت تاریخی پیاده راه
	تا چه میزان وجود نشانه های شهری و بناهای خاص باعث جذب شما به این محدوده شده است؟	۰/۸۰۴	جاذبیت گردشگری
	وجود بازار بزرگ رشت در این محدوده تا چه میزان در جذب شما به عنوان یک گردشگر تأثیرگذار بوده است؟	۰/۷۶۹	
	تا چه میزان در این محدوده جاذبه های خاصی برای عکاسی وجود دارد؟	۰/۷۲۵	
	تا چه اندازه بازدید از این پیاده راه برای شما خاطره انگیز بوده است و احتمالاً این خاطره را برای دیگران تعریف خواهید کرد؟	۰/۵۰۸	
	تا چه اندازه از نحوه رفتار مردم به ویژه کسانی که در رستوران ها، فروشگاه ها یا آنها برخورد داشته اید با شما مناسب بوده است؟	۰/۶۴۸	
تعاملات اجتماعی	این فضا تا چه میزان توانسته پذیرای جمع های دوستانه باشد؟	۰/۷۳۵	عامل اول: تعاملات اجتماعی
	این فضا تا چه میزان در جذب گروه سنی سالمندان موفق عمل کرده است؟	۰/۵۳۱	
	این فضا تا چه میزان در جذب گروه سنی جوانان و نوجوانان موفق عمل کرده است؟	۰/۶۴۰	
	این فضا تا چه میزان می تواند پذیرای گردشگران و توریست ها باشد؟	۰/۵۶۳	
	تا چه حد برای ملاقات با دوستانان این فضا را انتخاب می کنید؟	۰/۶۷۹	
	تا چه حد علاقه مند به گفت و گو، تعامل و .. با دیگران در این فضای شهری هستید؟	۰/۵۶۴	
	تا چه میزان این فضا امکان مراوده و گفتگو کردن با دیگران را برای شما به وجود آورده است؟	۰/۶۵۱	
	تا چه حد در این مکان توانسته اید با سایر افراد ارتباط دوستانه پایدار برقرار کنید؟	۰/۶۲۳-	
	این فضا تا چه میزان توانسته پذیرای جمع های خانوادگی باشد؟	۰/۶۱۹	
	تبادل فرهنگی و تعاملات، بین مردم و گردشگران در این مکان باعث افزایش اطلاعات، دانش عمومی و تجارب گردیده است.	۰/۶۸۷	

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

حال که متغیرهای نهایی شکل گرفت آزمون همبستگی را برای آن‌ها انجام می‌دهیم تا ببینیم رابطه بین مکان‌های سوم و تعاملات اجتماعی چگونه است.

جدول ۶. همبستگی پیرسون بین مکان سوم و تعامل اجتماعی

نام متغیر	شاخص	تعامل اجتماعی
مکان سوم		۰/۴۶۱
		۰/۰۰۰

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

مشاهده نتیجه آزمون همبستگی پیرسون در سطح پیاده راه رشت نشان می دهد که دو مولفه (مکان سوم-تعامل اجتماعی) وابستگی مثبتی باهم دارند. این بدین معناست که هرچقدر مکان های سوم در سطح یک فضا تقویت شوند می توانند تعاملات اجتماعی بیشتر و بهتری را منجر شوند. این امر بیانگر این واقعیت است که مکان های سوم به زندگی غیر رسمی شهروندان معنا داده، روابط اجتماعی شهروندان را در خارج از زندگی رسمی کاری و خانوادگی ترمیم کرده، و مفهوم تعاملات اجتماعی را از برخوردها و روابط سطحی و زودگذر به پیوندهای اجتماعی قوی تر ارتقا می دهند.

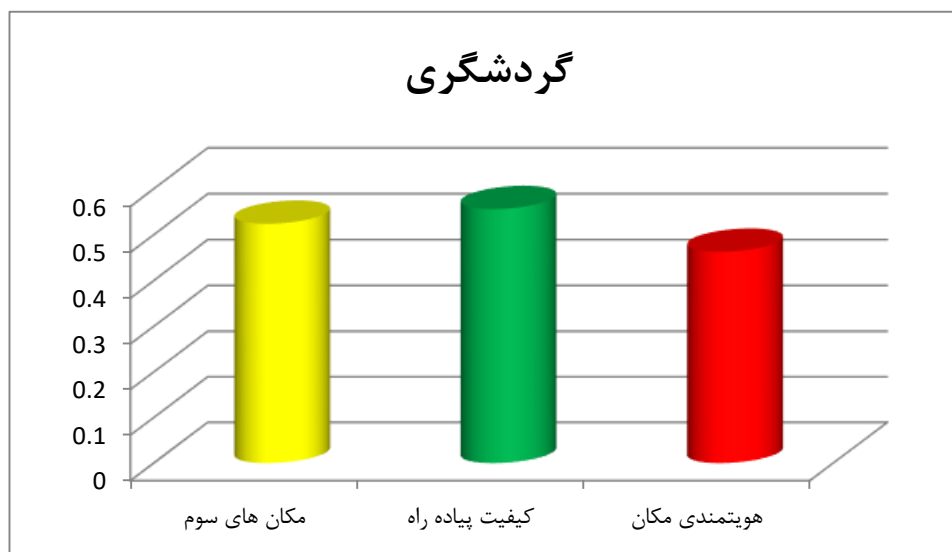
۳. ۲. ۱. بازطراحی پیاده راه با تاکید بر مکان های سوم و افزایش سطح تعاملات اجتماعی و توسعه گردشگری

در سؤال سوم این پژوهش به دنبال این هستیم که نشان دهیم سه مولفه (کیفیت مکان های سوم، کیفیت پیاده راه و هویتمندی مکان) می توانند باعث توسعه گردشگری شوند، و به دنبال رونق گردشگری باعث افزایش سطح تعاملات اجتماعی شوند. به همین منظور ابتدا با استفاده از تحلیل عاملی، عوامل و معیارهای این مولفه ها را خلاصه، مرتب و دسته بندی می کنیم، سپس با استفاده از تحلیل همبستگی پیرسون به بررسی ارتباط بین آن ها می پردازیم. در این قسمت پس از تحلیل عاملی و خلاصه کردن مولفه های (کیفیت مکان های سوم، کیفیت پیاده راه و هویتمندی مکان) ارتباط آن ها را با مقوله گردشگری از طریق آزمون همبستگی پیرسون میسنجیم:

جدول ۷. همبستگی بین متغیرها

نام متغیر	شاخص	گردشگری
کیفیت مکان های سوم		۰/۵۲۴
کیفیت پیاده راه		۰/۵۵۶
هویتمندی مکان		۰/۴۶۳
		۰/۰۰۰

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)



شکل ۳. همبستگی گردشگری با مولفه های مختلف

نتیجه آزمون همبستگی پیرسون برای هر سه آزمون مقدار قابل قبولی است و نشان می دهد که هر سه ی این مولفه ها تاثیر قابل توجهی در توسعه و رونق گردشگری پیاده راه دارند. اما از میان این سه مولفه کیفیت پیاده راه تاثیر بیشتری را بر جذب و رونق گردشگری دارد. این امر بیانگر این واقعیت است که پوشش معابر، مبلمان شهری، زیرساخت های دفع آب های زائد، نحوه جمع آوری زباله و میزان فضای سبز و... برای مردم و گردشگران اهمیت بسیار زیادی دارند و تاثیر فراوانی بر روی انتخاب آن ها می گذارند، پس باید به کیفیت آن ها در سطح پیاده راه اهمیت داد. بعد از کیفیت پیاده راه مولفه مکان سوم بیشترین همبستگی را با گردشگری نشان داد. این نتیجه نشان می دهد که کیفیت مغازه ها، کافی شاپ ها، رستوران ها، سینماها و... یک پیاده راه از اهمیت فراوانی برای مردمی که به آن مراجعه می کنند برخوردارند. در واقع این ها مکان هایی هستند که مردم خارج از زندگی کاری و رسمی خود به آن مراجعه می کنند و علاوه بر سرگرم شدن به تعامل و گفت و گو با دیگر مردم می پردازند. همچنین این مکان ها نقش پررنگی در پر کردن اوقات فراغت مردم دارند. پس هرچقدر این مکان ها نقش خود را بهتر ایفا کنند امکان مراجعه مردم به آن فضای عمومی برای استفاده از این مکان ها بیشتر می شود. و اما مولفه ای که کمترین همبستگی را با گردشگری نشان داد مولفه هویت‌مندی مکان بود. این مولفه این امر را تداعی میکند که هرچقدر یک مکان بتواند معانی و خاطرات فرهنگی آن مردم را برایشان ترسیم کند، بیشتر میتواند آن مردم را به خود جذب کند و آن ها را به خود علاقه مند کند. کمتر بودن میزان همبستگی این مولفه نشان دهنده بی اهمیت بودن آن نیست، زیرا مردم شدیداً به مکان هایی که فرهنگشان را نشان می دهد علاقه مندند.

جدول ۸. نقاط ضعف پیاده راه

نقاط ضعف پیاده راه	
کیفیت پیاده راه	۱- مردم از دسترسی به کاربری های خدماتی رضایت زیادی ندارند. ۲- روشنایی محدوده در شب نسبتاً ضعیف است. ۳- آلودگی صوتی محدوده زیاد است. ۴- زیرساخت های دفع آب های سطحی مانند آب باران و جوی ها ضعیف است. ۵- فضای مناسبی برای بازی کودکان وجود ندارد.
کیفیت مکان های سوم	۱- مردم از میزان رستوران ها و غذاخوری های موجود در محدوده راضی نیستند. ۲- مردم از میزان کافی شاپ های موجود در محدوده راضی نیستند. ۳- مردم از میزان سینماها و تئاترهای موجود در محدوده راضی نیستند. ۴- فقدان نمایش ها و موسیقی های خیابانی جاذب جمعیت ۵- نبود سایبان های مناسب در محدوده
هویمندی مکان	با توجه به پاسخ های مردم این مکان از لحاظ هویت و ایجاد این حس در مردم بسیار خوب عمل کرده است.

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

پس از مشخص شدن تاثیر مولفه های مذکور بر توسعه گردشگری حال می خواهیم با استفاده از همبستگی پیرسون میزان وابستگی گردشگری و تعامل اجتماعی را بسنجیم. در واقع می خواهیم ببینیم که رونق گردشگری چه تاثیری را بر تعاملات اجتماعی بین مردم می گذارد:

جدول ۹. همبستگی گردشگری و تعاملات اجتماعی

گردشگری		متغیرها
۰/۰۰۰	۰/۵۷۸	تعامل اجتماعی

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

نتیجه این تست نشان دهنده همبستگی بالای میان گردشگری و تعامل اجتماعی می باشد. یعنی هرچه قدر گردشگری در یک مکان توسعه پیدا کند امکان ایجاد تعامل اجتماعی میان مردم بیشتر می شود. این تعامل اجتماعی باعث می شود که مردم مختلف با فرهنگ ها و زبان های مختلف در کنار هم قرار گیرند و با فرهنگ و هنر هم آشنا شوند. این مقوله علاوه بر بالا بردن ارزش های اجتماعی پیاده راه باعث بوجود آوردن جذابیت هایی می شود که مردم را به سمت استفاده از پیاده راه می کشاند و از زندگی ماشینی جدا می کند، که ارزش های اکولوژیکی فراوانی برای شهر نیز دارد.

۴. بحث

همبستگی مثبت بین مولفه های کیفیت مکان سوم و تعامل اجتماعی، حکایت از این مساله دارد که هرچه کیفیت مکان های سوم ارتقاء یابد، حضور جمعیت در این فضاها افزایش می یابد. لذا منجر به شکل گیری تعاملات اجتماعی گسترده تر می گردد. به عبارتی چنانچه کاربری های جاذب (رستوران ها، کافی شاپ ها و ...) در مکان های سوم در نظر گرفته شده باشند و جشنواره ها، رویدادها و فعالیت های فرهنگی، هنری و سرگرم کننده در این فضاها به وقوع بپیوندند و نمایش و تئاتر در فضای باز و موسیقی خیابانی بتوانند جایگاه خود را در فضاهای شهری بازبایند و طراحی جداره های مکان های سوم به گونه ای باشد که ارتباط تنگاتنگ کاربران درون کافی شاپ ها و رستوران ها و ... با حاضران در فضاهای عمومی حفظ گردد (دید از بیرون به درون کاربری های مذکور وجود داشته باشد) و مبلمان (سایبان و ...) در خور مکان های سوم و مطابق با اصول طراحی شهری ایجاد گردد، این مکان ها می توانند پاسخگوی نیاز روحی و روانی مردم باشند. درواقع چنین اقداماتی تمایل به حضور و استفاده از فضاها را در مردم برمی انگیزند. به گونه ای که می توانند باعث حضور مجدد افراد در آن فضاها گردند و تداوم استفاده از آن مکان ها حاصل شود. چنین حضور گسترده ای می تواند روابط میان مردم را مستحکم تر نموده و تعاملات میان آن ها را افزایش دهد. در واقع چنانچه بستری مناسب برای تعاملات اجتماعی وجود داشته باشد، بی شک کاربران بسیاری، تمایل به حضور در بستر فراهم شده را پیدا می کنند. چرا که انسان ها خلایقی اجتماعی هستند و تعامل با دیگران جزء نیازهای اساسی آن ها تلقی می شود. پیرو بحث مطرح شده، آدامز (۲۰۱۴) نیز، در پژوهش خویش بیان می دارد که زیرساخت کالبدی جهت تسهیل تعاملات اجتماعی ضروری است. لذا برای پاسخ گویی به این نیاز اساسی، طراحی فضاهای شهری مطابق با اصول طراحی مکان های سوم، از جمله مسئولیت های خطیر طراحان و برنامه ریزان شهری می باشد.

یافته های پژوهش حاضر با پژوهش سیاوش پور و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «رهیافت های طراحی فضاهای عمومی اجتماع پذیری شهری برگرفته شده از ویژگی های مکان سوم» مطابقت دارد. یافته های پژوهش حاضر با استفاده از ضریب همبستگی بین مکان سوم و تعامل اجتماعی نشان می دهد که هرچقدر کیفیت مکان سوم در سطحی از فضا ارتقاء یابد، تعاملات اجتماعی تقویت می گردد. این نوع مکان ها به زندگی غیررسمی شهروندان معنا می دهند و روابط اجتماعی شهروندان در خارج از زندگی رسمی و خانوادگی شکل می گیرد. در پژوهش سیاوش پور و همکاران، مکان سوم به عنوان راه حلی برای رفع کمبود مکان های گردهمایی غیررسمی بیان شد و از مکان سوم به عنوان یکی از مهم ترین محیط های گردهمایی عمومی در شهرها یاد شد که با ویژگی های مختص به خود (دارای قابلیت همسطح کنندگی افراد، غیر رسمی بودن، در دسترس پذیر بودن)، دارای پتانسیل ارتقاء تعاملات افراد با یکدیگر و جامعه است و بر زندگی اجتماعی شهروندان تأثیر گذاشته است.

یافته های پژوهش حاضر بیان داشت که هم بستگی مثبتی بین کیفیت مکان های سوم، کیفیت پیاده راه و هویتمندی مکان با جذابیت گردشگری وجود دارد. در واقع طراحی اصولی مکان های سوم و پیاده راه، منجر به جذابیت فضاهای شهری می شود. لذا گردشگران بیشتری تمایل به حضور در آن ها پیدا می کنند. چنانچه مکانی خصایص متمایزی داشته باشد، هویت منحصر به فردی می یابد. این فضاها به دلیل فرهنگ، تاریخ، معماری و ... غنی خود به طور ناخودآگاه برای افرادی که یک بار سابقه حضور در آن ها را یافته اند، خاطره ساز و معنادار می شوند. لذا احتمال حضور مجدد افراد در آن ها افزایش می یابد چرا که عناصر و کاربری هایی که برای مردم خاطره ساز بوده اند، هم چنان در این فضاها به حیات خویش ادامه می دهند و آدمی به جهت بهره مندی مجدد از فضا و یادآوری خاطرات، انگیزه حضور در آن مکان را پیدا می کند. افرادی که تاکنون در این فضاها حضور نیافته اند، به واسطه تبلیغات گردشگری خواهان تجربه فضاهای مذکور هستند.

در مجموع می توان چنین بیان داشت که فراهم سازی زیرساخت ها و خدمات اولیه (جمع آوری آب های سطحی، نورپردازی مناسب و ...) از اقدامات اساسی جهت اشتیاق مردم به حضور در فضاهاست که در این مسیر توزیع و جاذبه های مناسب کاربری ها و فعالیت ها می تواند به عنوان مکمل عامل فوق ایفای نقش نماید و در کنار یکدیگر منجر به افزایش حضور مردم در فضاها گردند. کلیت حاصل از مجموع دو عامل فوق (فراهم سازی زیرساخت ها و خدمات و توزیع مناسب کاربری ها و فعالیت ها و طراحی جداره ها) می تواند منجر به خلق هویتی منحصر به فرد شود و احساس دلبستگی در افراد را برانگیزد و منجر به حضور متداوم مردم گردد. همان طور که وانگ و چن (۲۰۱۵) بیان داشتند، مشاغل گردشگری به منظور جذب گردشگر، فعالانه درگیر ارائه و ترویج هویت مکان هستند. همبستگی مثبت گردشگری و تعاملات اجتماعی نیز به این مساله اشاره دارد که هرچقدر میزان گردشگری در یک مکان توسعه یابد، تعاملات اجتماعی در بین مردم نیز افزایش می یابد. در واقع چنانچه حضور گردشگران در فضاهای شهری افزایش یابد، امکان آشنایی و تبادلات فرهنگی و بهره مندی از تجارب یک دیگر حاصل می شود. مردم با فرهنگ های مختلف در کنار هم قرار می گیرند و با فرهنگ و هنر یکدیگر آشنا شوند. این امر موجب ارتقاء ارزش های اجتماعی پیاده راه فرهنگی شهر رشت می گردد به همین منظور موجب می شود و تا حدودی مردم از زندگی مبتنی بر اتومبیل فاصله گیرند. یوسیبو، کارنیرو و کالدیرا (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خویش بیان داشتند که فعالیت های گردشگری تاثیر مثبتی بر تعاملات اجتماعی دارند.

۵. نتیجه گیری

پیاده راه فرهنگی شهر رشت با دارا بودن پتانسیل های تاریخی و فرهنگی خود نقش مهمی در زنده کردن حیات اجتماعی شهر دارد و دارا بودن ویژگی های مکان سوم نقش مهمی به عنوان هسته ای اتفاقات غیررسمی زندگی و فضایی برای تعاملات اجتماعی میان گروه ها و اقشار گوناگون اجتماع دارد. همچنین این پیاده راه می تواند به افزایش خاطره انگیزی و وفاداری گردشگران از طریق ایجاد حس خوب "در آنجا بودن" در میان آنها بپردازد. همان طور که

نتایج تحقیق نشان می‌دهد رونق گردشگری و تعاملات اجتماعی به کیفیت مکان‌های سوم وابسته است. همچنین کیفیت پیاده‌راه و هویت‌مندی مکان نیز بر تعاملات اجتماعی و توسعه گردشگری تأثیر معناداری دارد.

در خصوص سطح و کیفیت تعاملات اجتماعی در محدوده پیاده‌راه فرهنگی رشت (سوال اول پژوهش) نتایج تحلیل‌ها در خصوص چهار متغیر (سن، سطح تحصیلات و جنسیت) نشان داد که افراد مسن‌تر بهتر از جوان‌ترها توانسته‌اند که در این محیط با دیگران ارتباط برقرار کنند، مردان در محیط این پیاده‌راه راحت‌تر به تعامل و برقراری ارتباط می‌پردازند و بیشترین میزان تعامل در محیط در میان گروه (فوق دیپلم و پایین‌تر) و کمترین میزان در میان گروه (لیسانس و بالاتر) است. همچنین بررسی مولفه‌های تعامل اجتماعی در فضا نشان می‌دهد که سه مولفه (ارتباط دوستانه با دیگران - میزبانی از جمع‌های خانوادگی - فرصت برای مراد و گفت و گو) میانگینی پایین‌تر از حد متوسط دارند. با توجه به مطالب گفته‌شده می‌توان نتیجه گرفت که پیاده‌راه رشت در برخی از جنبه‌های خود دارای ضعف‌هایی می‌باشد که نتوانسته امکان ایجاد تعاملات اجتماعی را در همه ابعاد و برای همه ی اقشار فراهم کند.

در خصوص نقش مکان‌های سوم در ایجاد تعاملات اجتماعی در فضای پیاده‌راه (سوال دوم) نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که دو مولفه (مکان سوم - تعامل اجتماعی) وابستگی مثبتی باهم دارند. در نتیجه می‌توان گفت که مکان‌های سوم فضایی برای رفع نیازهای اجتماعی انسان‌هاست که افراد صادقانه برای اصلاح یکدیگر گفت و گو کرده و برای بهبود دیگران کمک می‌کنند. یکی دیگر از ویژگی‌های مکان‌های سوم افزایش سرزندگی و نشاط است و همین ویژگی‌هاست که باعث می‌شود مکان‌های سوم به عنوان عرصه‌هایی برای ایجاد تعاملات اجتماعی نقش مهم و بارزی داشته باشند.

در خصوص چگونگی بازطراحی پیاده‌راه با تأکید بر مکان‌های سوم در راستای افزایش سطح تعاملات اجتماعی و توسعه گردشگری باید گفت مولفه‌های سه متغیر (کیفیت پیاده‌راه، مکان‌های سوم و هویت‌مندی مکان) با گردشگری ارتباط مثبتی دارند و بهبود آن‌ها باعث رونق و توسعه گردشگری می‌شود. علاوه بر این تعامل اجتماعی نیز تأثیر زیادی بر توسعه گردشگری خواهد داشت. در مجموع ایجاد ارتباط با افراد جامعه میزبان و یادگیری فرهنگ و آداب اجتماعی ایشان یکی از انگیزه‌های مهم گردشگران در سبک‌های نوین گردشگری است.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد هرچقدر گردشگری در یک مکان توسعه پیدا کند امکان ایجاد تعامل اجتماعی میان مردم بیشتر می‌شود. و از سوی دیگر هویت‌مندی پیاده‌راه بر جذب گردشگر و افزایش تعاملات اجتماعی نیز تأثیر مثبتی دارد. درواقع هویت شهری و فرهنگ غنی یک مکان می‌تواند جذب‌کننده اقشار مختلف مردم به یک مکان باشد. در عین حال یکی از موثرترین راهکارهای ارتقاء هویت مکان و تعامل اجتماعی توسعه مکان‌های سوم شهری است. بنابراین می‌توان با ارائه راهکارهای زیر در جهت بهبود هرچه بیشتر این فضا گام‌هایی موثر برداشت:

- تعیین محدوده مناسبی از پیاده‌راه برای برگزاری نمایش و موسیقی خیابانی

- کشف گروه‌های جوان و با استعداد نمایش و موسیقی و دعوت از آن‌ها برای اجرای برنامه در پیاده‌راه

- تقویت فضای سبز و درختان موجود در محدوده برای کمک به تطیف هوا و ایجاد سایه

- ایجاد سایبان های جذاب بر روی برخی از نیمکت های پیاده راه برای راحتی گردشگران
 - جانمایی کاربری های خدماتی مناسب در محدوده
 - تقویت دیواره های سبز برای جذب و کاهش آلودگی های صوتی
 - تعیین محدوده ای برای استقرار بازی های کوچک و مناسب سنین پایین
 - تقویت مواردی که باعث ایجاد حس امنیت در بانوان می شود مانند: نورپردازی مناسب، از بین بردن فضاهای
 - تقویت مواردی که باعث ایجاد حس امنیت در بانوان می شود مانند: نورپردازی مناسب، از بین بردن فضاهای
- بی دفاع و...

کتابنامه

۱. احمدی، ی. و دیانتی، ط. (۱۳۹۲). تبدیل فضای گمشده به مکان سوم؛ مطالعه موردی: مادی نیاصرم اصفهان. *اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار*.
۲. سالاری پور، ع.ا. و رضانی، ح.ر.، مهرجو، م. و قربانزاده، ن. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر کیفیت مکان های سوم شهری بر حس تعلق شهروندان مطالعه موردی: پیاده راه فرهنگی-تاریخی رشت. *مطالعات شهر ایرانی/اسلامی*، ۱۰ (۳۸)، ۳۷-۵۱.
۳. سلطانی، ع. و پیروزی، ر. (۱۳۹۱). پیمایش قابلیت پیاده مداری محورهای فرهنگی تاریخی. *نشریه شهر و معماری بومی*، ۳ (۳)، ۶۵-۷۷.
۴. سیاوش پور، ب.، آبرون، ع.ا. و موسوی، س.م. (۱۳۹۸). رهیافت های طراحی فضاهای عمومی اجتماع پذیری شهری برگرفته شده از ویژگی های مکان سوم. *شبک*، ۵ (۴۶)، ۱۴۱-۱۴۸.
۵. عباسقلی زاده، ه.، سالاری پور، ع.ا.، صلاح کار، ص. و مهرجو، م. (۱۳۹۸). بررسی میزان رضایت گردشگران از طرح های سالم سازی سواحل مطالعه موردی: استان گیلان. *مدیریت شهری*، ۵۷، ۵۹-۷۲.
۶. محجوب جلالی، ن. و قلعه نویی، م. (۱۳۹۳). مکان سوم؛ نیازی اجتماعی برای شهر. *اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار*.
۷. محمدی، م. و چنگلویی، ی. (۱۳۹۱). ارزیابی مولفه های کیفیت فضای شهری بر میزان مطلوبیت مسیرهای پیاده گردشگری. *نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران*، ۵، ۱۵-۳۲.
۸. محمدی زاده، ن. (۱۳۹۵). ارزیابی نقش مولفه کیفیت فضای شهری در مطلوبیت محورهای پیاده گردشگری. *نشریه مطالعات نواحی شهری*، ۳ (۲)، ۹۳-۱۱۱.
۹. مرصوصی، ن. و صباحی گراغانی، ی. (۱۳۹۹). تحلیل نقش موانع انسانی در توسعه گردشگری پایدار شهر کرمان. *برنامه ریزی و توسعه گردشگری*، ۹ (۳۵)، ۱۶۲-۱۸۶.
۱۰. ملکشاهی، غ.ر. (۱۳۹۸). گونه شناسی گردشگران داخلی شهری و گردشگری مسئولیت پذیر؛ مورد مطالعه: گردشگران شهرهای بابلسر، لاهیجان و سرعین. *برنامه ریزی و توسعه گردشگری*، ۸ (۳)، ۱۸-۳۴.

11. Abou-Shouk, M.A., Taha Mannaa, M., & Mohamed Elbaz, A. (2021). Women's empowerment and tourism development: A cross-country study. *Tourism Management Perspectives*, 37, 3-11.
12. Alver, Y., Onelcin, P., Cicekli, A., & Abdel-Aty, M. (2021). Evaluation of pedestrian critical gap and crossing speed at midblock crossing using image processing. *Accident Analysis & Prevention*, 156, 61-72.
13. Fitchrtt, J., Lindberg, F., & Martin, D.M. (2021). Accumulation by symbolic dispossession: Tourism development in advanced capitalism. *Annals of Tourism Research*, 86, 1-10.
14. Halder, S., & Sarda, R. (2021). Promoting Intangible Cultural Heritage (ICH) tourism: Strategy for socioeconomic development of snake charmers (India) through geoeducation, geotourism and geoconservation. *International Journal of Geoheritage and Parks*, 4-30.
15. Jangra, R., Kaushik, S.P., & Singh Saini, S. (2021). An analysis of tourist's perceptions toward tourism development: Study of cold desert destination, India. *Geography and Sustainability*, 2, 48-58.
16. Mehta, V., & Bosson, J.K. (2010). *Third places and the social life of streets*. Environment and Behavior.
17. Montgomery, J. (2006). *Community strengthening through urban sociability*. Australia: Department for Victorian Communities, Urban Cultures Ltd.
18. Oldenburg R. (1997). Our vanishing third places. *Planning Commissioners Journal*, 25, 6-10.
19. Oldenburg R. (1999). *The great good place: Cafes, coffee shops, bookstores, bars, hair salons, and other hangouts at the heart of a community*. Boston: Da Capo Press.
20. Sandelands L.E. (2003). *Thinking about social life*. Lanham, MD: University Press of America.
21. Stephenson, M. (2014). Deciphering 'Islamic hospitality': Developments, challenges and Opportunities. *Tourism Management*, 40, 155-164
22. Xu, X., Li, X., Zhao, H., Liu, M., Xu, A., & Ma, Y. (2021). A real-time, continuous pedestrian tracking and positioning method with multiple coordinated overhead-view cameras, *Measurement*, 178, 86-93.
23. Yang, Y., Wong, K. F., & Zhang, J. (2011). Determinants of length of stay for domestic tourists: Case study of Yixing. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 16(6), 619-633.
24. Yusup, M.F., Kanyan, A., Kasuma, J., Kamaruddin, H., and Adlin, J. (2016). Determinants of factors and the growth of tourism industry in Langkawi Island. *Journal of Scientific Research and Development*, 3(2), 13-20.
25. Zhou, R., Cui, Y., Wang, Y., & Jiang, J. (2021). A modified social force model with different categories of pedestrians for subway station evacuation. *Tunnelling and Underground Space Technology*, 110, 38-49.

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال نهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، شماره پیاپی ۱۷

طراحی مدل مفهومی ابعاد و مولفه های مدیریت منابع انسانی سبز

مهدی جانعلی زاده قزوینی (دانش آموخته دکتری مدیریت منابع انسانی، گروه مدیریت، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران)

janalimahdi@gmail.com

آذر کفاش پور (استاد مدیریت، گروه علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

kafashpor@um.ac.ir

امیر رحیم پور (استادیار مدیریت، گروه مدیریت، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران)

amirrahimpour@gmail.com

مصیب سامانیان (استادیار مدیریت، گروه مدیریت، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران)

samanianmosayeb@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۵

صص ۱۱۷-۱۳۶

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی ابعاد و مؤلفه های مدل مدیریت منابع انسانی سبز در راستای توسعه پایدار و با استفاده از راهبرد کیفی و روش نظریه داده بنیاد با رویکرد ظاهر شونده (گلگیری) بود. جامعه آماری را مدیران شهرداری مشهد به تعداد ۱۵۰ نفر تشکیل دادند، با استفاده از روش هدفمند قضاوتی، با ۱۵ نفر از خبرگان تا رسیدن به اشباع نظری مصاحبه نیمه ساختار یافته انجام شد. که در مرحله کدگذاری باز، تعداد ۴۰۰ کد اولیه شناسایی شد و در مرحله کدگذاری انتخابی، کدگذاری پیرامون مقوله محوری از طریق مقایسه مستمر، مفاهیم و مقولات پژوهش صورت گرفت و ۲۱۳ کد در ۴۳ مفهوم جمع بندی شد، در مرحله کدگذاری نظری با تلفیق میان مقوله ها توسط یک الگوی ارتباطی، مفاهیم در پنج بُعد فردی شامل مفاهیم؛ نگرش سبز، ارزش سبز، انگیزه سبز، دانش سبز، سلامت سبز، شخصیت سبز، رفتار سبز؛ بعد سازمانی شامل مفاهیم؛ پاداش و جبران خدمات سبز، مشارکت سبز، ارزیابی سبز، آموزش سبز، ساماندهی سبز، استخدام سبز، فرهنگ سازمانی سبز، نگهداری سبز، ساختار سبز، روابط مدیریتی سبز، ارتقاء و انتصاب سبز؛ بُعد شهری شامل مفاهیم؛ بودجه ریزی سبز، مدیریت پسماند شهری، شورای شهر، مقررات سبز شهری، طراحی سبز شهری، فرهنگ شهروندی سبز، فرایند اداری سبز، ساختار شهری سبز، حمل و نقل عمومی سبز؛ بعد فراشهري شامل مفاهیم؛ پژوهش سبز، سازمانهای مردم نهاد سبز، رسانه ها، تأمین زنجیره سبز، سازمانهای بین المللی، دولت، قوانین و مقررات فراشهري؛ بعد محیطی شامل مفاهیم؛ عوامل اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی، دینی، سیاسی، اقتصادی، و تکنولوژیکی در مدل احصاء شد.

کلیدواژه ها: توسعه پایدار، رویکرد ظاهر شونده، مدیریت منابع انسانی سبز، نظریه داده بنیاد

۱. مقدمه

امروزه وجود محیط زیست سالم و ایمن شهری برای پایداری و بقای یک جمعیت شرط اساسی است و سلامت روحی و جسمی مستقیماً به کیفیت محیط های زیست گوناگون مربوط می شود که عناصرش از خانوار و محل کار تا مقیاس بین المللی بر یکدیگر کنش دارند (رضازاده و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۳۹۸) رشد و توسعه روزافزون شهرنشینی با گسترش کالبدی شهرها رابطه مستقیم دارد و توسعه فیزیکی شهرها موجب دوری از طبیعت و قطع رابطه انسان با محیط زیست می شود (خوانین زاده و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۰). لذا اخیراً کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تحت تأثیر اهمیت مسائل زیست محیطی و توسعه پایدار قرار گرفته اند (شارما و گوپتا^۱، ۲۰۱۵). امروزه پایداری شهری فرایندی است که طی آن رفاه ساکنان شهری و زیست بوم های طبیعی بطور توانمند حفظ شده است و بهبود می یابد (شکوهی و همکاران، ۱۳۹۸). به منظور رعایت اصل توسعه پایدار که خواهان پیشرفت در زمینه صنعت و رفاه انسان و در عین حال حفظ محیط زیست و منابع طبیعی است، استقرار سیستمهای مدیریتی همچون سیستم مدیریت زیست محیطی می تواند جهت نیل به این مهم موثر باشد. برای رسیدن به این هدف داشتن کارکنانی سبز به معنای واقعی کلمه از مرحله گزینش و استخدام گرفته تا ارزیابی عملکرد، که بتوانند سازمانها را در راستای نیل به هدف مذکور کمک نمایند، نیازی ضروری بوده و بنابراین سیستم مدیریت منابع انسانی سبز در سازمانها را به یکی از اصلهای اساسی تبدیل کرده و مدیران منابع انسانی به حرکات سبز سازمانی پیوسته اند. از آنجایی که مدیریت منابع انسانی نقش مهمی را در شکل گیری فرهنگ سازمانی، ساختار، استراتژی و توسعه خط مشی سازمانی دارد، منابع انسانی نیز نقش کلیدی را در دست یابی به توسعه پایدار دارند (اسچالر^۲، ۲۰۱۴) در همین رابطه محققان بسیاری دیلی و هوانگ^۳، ۲۰۰۱، جکسون و همکاران^۴، ۲۰۱۱، رینویک^۵ و همکاران^۶، ۲۰۱۳) توجه خود را بر ارتباط بین مدیریت منابع انسانی و عملکرد زیست محیطی معطوف داشته اند. آنها هم چنین به اهمیت فعالیت های سبز کارکنان در محیط کاری تأکید دارند. این تلفیق مدیریت محیطی در منابع انسانی به عنوان مدیریت منابع انسانی سبز شناخته می شود که در راستای کمک به سازمانها در جهت افزایش عملکرد زیست محیطی از طریق افزایش نقش مثبت کارکنان و فعالیت های آنان در رابطه با محیط زیست می باشد (مسری و جارون^۶، ۲۰۱۷). سیستم مدیریت زیست محیطی مجموعه ای از اقدامات مدیریتی است که به سازمان این امکان را می دهد تأثیر فعالیت هایش بر محیط زیست را شناسایی و ارزیابی کرده و کنترل بیشتری روی عملیاتش اعمال نموده و در نتیجه منجر به کاهش ضایعات و افزایش کارایی سازمان شود (فیاضی و افشار، ۱۳۹۴) و مدیریت منابع انسانی سبز به تمامی اعمالی اشاره دارد که در

-
1. Sharma & Gupta
 2. Schuler
 3. Daily & Huang
 4. Jackson
 5. Renwick
 6. Masri & Jaaron,

تحول، پیگیری و استمرار یک سیستم انجام می شوند تا منابع انسانی محیط یک سازمان در زندگی های حرفه ای و خصوصی خود دارای هوشیاری باشند (آگروال و شارما، ۲۰۱۵).

سازمان های مادر مانند شهرداری در رعایت اصول مربوط به مدیریت محیط زیست که می تواند توأم با انجام فعالیت های دوست دار محیط زیست باشد بسیار اهمیت دارند. مشهد به عنوان دومین کلان شهر بزرگ کشور می باشد (رهنما و همکاران، ۱۳۹۱) که با نگاهی اجمالی به سرمایه های انسانی آن در می یابیم بیش از ۲۸ هزار نفر در آن اشتغال دارند (ابراهیمی یزدی و همکاران، ۱۳۹۸) و مدیریت نیروی انسانی در این سازمان با پیچیدگی هایی روبرو است. افزایش سن بازنشستگی، تنوع استخدام، کمیت نیروها، خروج نیروهای کارگری از بدنه شهرداری و ... ضرورت توجه به مدیریت منابع انسانی سبز را دو چندان می کند و داشتن کارکنانی سبز، که بتوانند سازمان شهرداری را در راستای نیل به هدف مذکور کمک نماید، ضروری است و بایستی سیستم مدیریت منابع انسانی سبز در شهرداری مشهد در راستای توسعه پایدار شهری پی ریزی شود و در این بین لزوم توجه به کارکنان به عنوان محرکه های ایجاد مدیریت منابع انسانی سبز و بزرگترین اصل برای پیاده سازی معیارهای عملکرد زیست محیطی، مهم می باشد. برخی تحقیقات انجام شده در این خصوص به شرح زیر است: صادقی ده چشمه (۱۳۹۶)؛ در مطالعه خود با عنوان بررسی تأثیر شیوه های مدیریت منابع انسانی سبز بر عملکرد زیست محیطی شرکت های قطب صنعتی شهرکرد نشان داد که رویه های استخدام، انتخاب سبز، توانمندسازی کارکنان و مشارکت سبز با عملکرد زیست محیطی ارتباط مثبت و معناداری دارد. قاسمی و همکاران (۱۳۹۵)؛ در مطالعه خود به بررسی ارتباط میان فعالیت های مدیریت منابع انسانی راهبردی بر عملکرد زیست محیطی از طریق تأکید بر نقش کارکنان در کمک به سبز شدن محیط زیست نتیجه گرفتند که فعالیت های مدیریت منابع انسانی راهبردی بر عملکرد زیست محیطی به واسطه رفتار شهروند زیست محیطی، تأثیر مثبت و معنادار دارد. رجب پور (۱۳۹۵)؛ در پژوهشی با عنوان تأثیر مدیریت منابع انسانی بر توسعه مدیریت زیست محیطی اذعان کرد کارکردهای منابع انسانی، تأثیر مثبت و معناداری بر اتخاذ مدیریت زیست محیطی دارد. اصغرزاده شیرازی فرد و همکاران (۱۳۹۴)؛ در مطالعه خود با عنوان نقش مدیریت منابع انسانی سبز در موفقیت طرح های زیست محیطی نشان داد که مدیریت منابع انسانی می تواند برانگیزاننده کارکنان در مورد بهبود مدیریت زیست محیطی سازمان ها باشد. روسکو^۱ و همکاران (۲۰۱۹)؛ در پژوهشی با عنوان "مدیریت منابع انسانی سبز و قادر ساختن فرهنگ سبز سازمانی با هدف افزایش عملکرد محیطی در راستای توسعه پایدار" نتیجه گرفتند که فعالیت های مدیریت منابع انسانی شامل استخدام، آموزش، ارزشیابی و سیستم پاداش باعث شکوفایی فرهنگ سبز سازمانی و توانمند سازی کارکنان می شود. همچنین مطالعات کیم و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که مدیریت منابع انسانی سبز، تعهدسازمانی کارکنان، رفتار دوستدار محیط زیست و عملکرد زیست محیطی را افزایش می دهد.

رضایی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان "بررسی تأثیر ابعاد مدیریت منابع انسانی سبز بر توسعه سازمانی پایدار" به این نتیجه رسیدند که ابعاد نه گانه مدیریت منابع انسانی سبز تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه سازمانی

پایدار دارند. همچنین نتایج نشان داد که تجزیه و تحلیل و طراحی شغل سبز ۵۵۲/۰، برنامه ریزی منابع انسانی سبز ۶۵۷/۰، استخدام سبز ۴۷۹/۰، انتخاب سبز ۴۱۳/۰، ارزیابی عملکرد سبز ۴۶۱/۰، آموزش نیروی انسانی سبز ۸۰۲/۰، مدیریت پاداش سبز ۶۱۹/۰، مدیریت ایمنی و بهداشت سبز ۷۲۸/۰ و مدیریت انضباط سبز ۷۲۴/۰ درصد از تغییرات مربوط به متغیر توسعه سازمانی پایدار را به طور مستقیم تبیین می کنند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۹، ۹۳).

روسکو^۱ و همکاران (۲۰۱۹)؛ در پژوهشی با عنوان "مدیریت منابع انسانی سبز و قادر ساختن فرهنگ سبز سازمانی با هدف افزایش عملکرد محیطی در راستای توسعه پایدار" بیان می کنند فعالیت های مربوط به مدیریت منابع انسانی سبز باعث افزایش عملکرد محیطی سازمانی می شود. این تحقیق در بین ۲۰۴ کارمند شرکت های ساختمانی چینی انجام شده است. یافته های تحقیق حاکی از این است که فعالیت های مدیریت منابع انسانی شامل استخدام، آموزش، ارزشیابی و سیستم پاداش باعث شکوفایی فرهنگ سبز سازمانی شامل تأکید رهبری، درگیری کارکنان در اهداف سازمانی و توانمند سازی کارکنان می شود.

عدنان راواشده^۲ (۲۰۱۹)؛ در پژوهشی با عنوان "تأثیر مدیریت منابع انسانی سبز روی عملکرد محیطی سازمانی در سازمان های خدمات بهداشتی اردن"، استخدام و گزینش سبز، آموزش و توسعه سبز، و پاداش سبز را ارائه داد. یافته ها نشان داد که اجرای گروهی از کارهای سبز در سطح متوسط بود، و رابطه آماری مثبتی نیز بین کارهای HRM سبز به صورت فردی و عملکرد زیست محیطی وجود داشت. قویترین همبستگی با کار استخدام و انتخاب سبز بود، در حالیکه ضعیف ترین همبستگی با آموزش و توسعه داشتند.

درمجموع پیشینه تحقیقات نشان می دهد کارکردهای سستی مدیریت منابع انسانی به تنهایی در حفاظت از محیط زیست اثربخش نیستند. از اینرو محققان بسیاری (رنویک^۳ و همکاران، ۲۰۱۳؛ مسری و جارون^۴، ۲۰۱۷؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۹؛ روسکو^۵ و همکاران، ۲۰۱۹؛ عدنان راواشده، ۲۰۱۹)، توجه خود را بر ارتباط بین مدیریت منابع انسانی و عملکرد محیطی معطوف داشته اند. آنها همچنین به اهمیت فعالیت های سبز کارکنان در محیط کاری تأکید دارند. این تلفیق مدیریت محیطی در منابع انسانی به عنوان مدیریت منابع انسانی سبز شناخته می شود که در راستای کمک به سازمان ها در جهت افزایش عملکرد محیطی از طریق افزایش نقش مثبت کارکنان و فعالیت های آنان در رابطه با محیط زیست می باشد (مسری و جارون، ۲۰۱۷).

با توجه به بررسی جامع پیشینه پژوهش؛ صادقی ده چشمه (۱۳۹۶)؛ قاسمی و همکاران (۱۳۹۵)؛ رجب پور (۱۳۹۵)؛ اصغرزاده شیرازی فرد و همکاران (۱۳۹۴)؛ روسکو^۶ و همکاران (۲۰۱۹)؛ مشخص گردید، این شکاف در پژوهشهای انجام شده وجود دارد که پژوهشی تاکنون به مقوله مدیریت منابع انسانی سبز در شهرداری ها بعنوان یکی

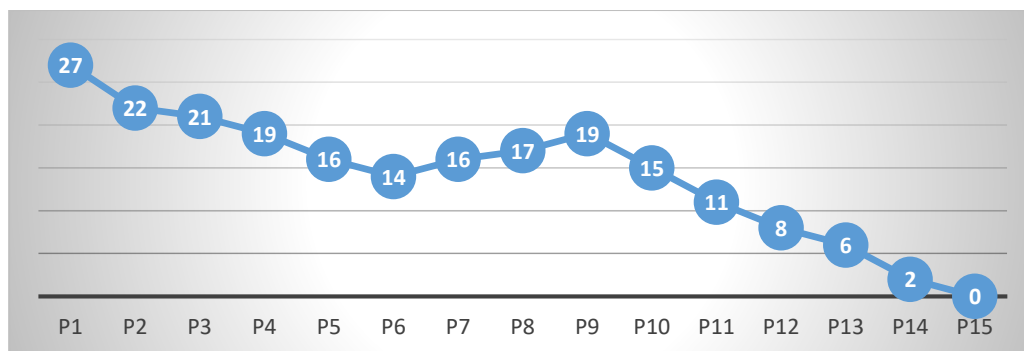
1. Roscoe
2. Adnan M. Rawashdeh
3. Renwick
4. Masri and Jaaron
5. Roscoe
6. Roscoe

از مهمترین و اثرگذارترین سازمانهای عمومی و عمرانی شهرها، در داخل و خارج کشور انجام نشده است و بنابر اهمیت موضوع خلأ یک سیستم سازی نظری، روش شناختی و تجربی در این زمینه مشهود است. تحقیق حاضر در نظر دارد تا به تبیین و طراحی مدل مدیریت منابع انسانی سبز در شهرداری مشهد بپردازد و راهکارهای مناسبی را برای مدیریت منابع انسانی سبز در شهرداری مشهد ارائه نماید و قصد پاسخگویی به این سؤال را دارد که مدل مدیریت منابع انسانی سبز در شهرداری مشهد چیست؟

۲. روش شناسی

۱.۲. روش پژوهش

با توجه به مسأله تحقیق که طراحی مدل مفهومی ابعاد و مولفه های مدیریت منابع انسانی سبز می باشد، برای شناسایی ابعاد و مؤلفه های مدل مدیریت منابع انسانی سبز، روش کیفی با مسأله پژوهش سازگاری بیشتری دارد لذا این پژوهش براساس هدف، بنیادی است و بر اساس ماهیت و روش تحقیق نوعی روش کیفی می باشد و برای تحلیل داده ها از روش شناسی نظریه داده بنیاد استفاده شده است، مبانی نظری داده بنیاد به عنوان مبنای پیش فرض های مبنایی این پژوهش، مورد توجه قرار گرفت. هر یک از رویکردهای اصلی در نظریه داده بنیاد، مبتنی بر پارادایم های جداگانه ای است؛ اما از آنجا که این پژوهش بر مبنای رویکرد ظاهر شونده (گلیزی^۱) صورت می گیرد، در تلاش است تا با مشارکت مصاحبه شوندگان و بررسی کنش های آنان در محیط طبیعی، به مطالعات موجود در حوزه مدیریت منابع انسانی سبز، غنا دهد. فرایند انجام پژوهش ترکیبی از استقرا و قیاس و بود. به این صورت که در مرحله گردآوری و تحلیل داده ها به منظور کدگذاری، مفهوم سازی و مقوله یابی تا رسیدن به الگوی ابتدایی پژوهش یک فرایند استقرایی انجام شد و پس از ظهور اولیه الگوی پژوهش و مقولات، مصادیق و شواهد (کدها و مفاهیم) قرار گرفته در داده ها به منظور تأیید و غنی سازی الگو مورد پیگیری و بازبینی قرار گرفت و به این صورت فرایندی قیاسی در این مرحله انجام شد. به این ترتیب، جریان مستمر رفت و برگشت میان استقرا و قیاس، با همان قیاس حدسی تا رسیدن به اشباع نظری و دستیابی به الگوی نهایی پژوهش انجام شد. جامعه آماری این پژوهش را مدیران و سرپرستان شهرداری مشهد و مناطق تابعه آن، به تعداد ۱۵۰ نفر تشکیل می دهند، برای انتخاب خبرگان این حوزه از ترکیب روش های هدفمند قضاوتی و روش نمونه گیری گلوله برفی استفاده شد، در ادامه بر اساس مبانی نمونه گیری در روش شناسی داده بنیاد، تا رسیدن به اشباع نظری، با ۱۵ نفر از سرپرستان این واحدها مصاحبه نیمه ساختار یافته به عمل آمد که فرایند اشباع نظری در شکل شماره ۱ نشان داده شده است.

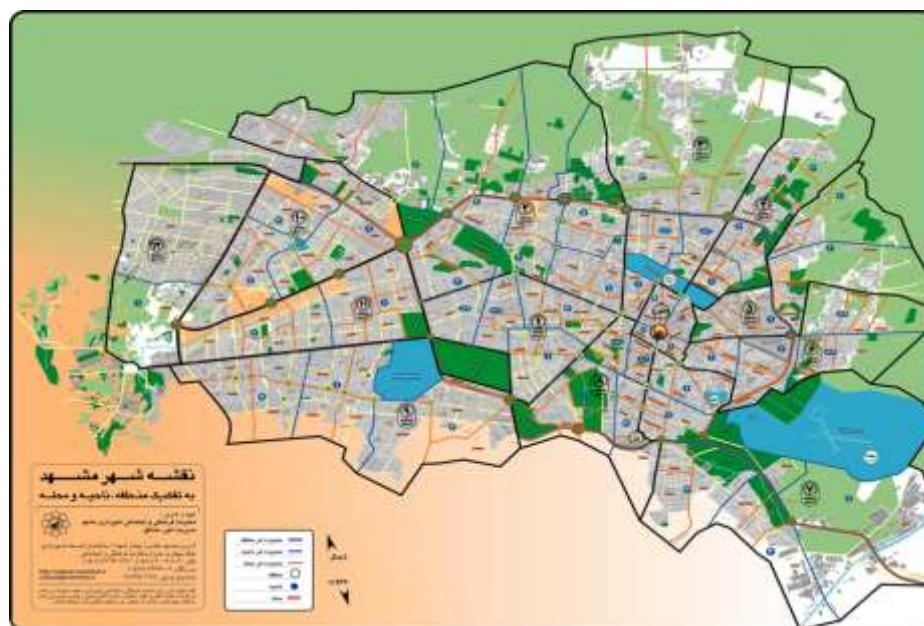


شکل ۱. فرایند رسیدن به اشباع نظری براساس مصاحبه های پژوهش

از جامعه مورد نظر بر اساس شاخص های سابقه بالای ۲۰ سال، تجربه شغلی مرتبط با حوزه مدیریت منابع انسانی و محیط زیست، میزان تحصیلات حداقل کارشناسی ارشد که به لحاظ اطلاعاتی، غنی بوده و می توانند اطلاعات مفیدی را در حوزه موضوع منتخب فراهم آورند و داده های غنی تری را در راستای اهداف مطالعه ارائه دهند نمونه گیری هدفمند صورت می گیرد.

۲.۲. محدوده مورد مطالعه

مشهد با سه میلیون نفر جمعیت (امیرفخریان و معینی، ۱۳۹۷)، کلان شهری در شمال شرقی ایران در موقعیت جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۵۷ دقیقه طول شرقی و در ارتفاع ۱۰۵۰ متری از سطح دریا واقع شده و مرکز استان خراسان رضوی است و به واسطه وجود حرم حضرت رضا (ع) هشتمین امام شیعیان، سالانه پذیرای ۲۷ میلیون زائر داخلی و دو میلیون زائر خارجی است که از آن به عنوان پایتخت معنوی ایران نام برده می شود. مشهد با ۳۵۱ کیلومتر مربع مساحت، دومین شهر پهناور و پرجمعیت ایران پس از تهران است و نود و پنجمین شهر پرجمعیت دنیا به شمار می رود. محدوده مورد مطالعه پژوهش در شکل زیر (شکل ۲) مشخص گردیده است.



شکل ۲. نقشه شهر مشهد

۳. یافته ها

برای پیاده سازی روش نظریه داده بنیاد در این مطالعه، بعد از بررسی پیشینه پژوهش و مطالعه الگوهای ارائه شده از منابع داخلی و خارجی، تعدادی از متغیرهای مشترک که عمدتاً در اغلب الگوها تکرار شده و مورد توجه بیشتر صاحب نظران بوده و هم چنین با توجه به ابعاد و اهداف سازمان های شهرداری هم راستا بوده است، شناسایی و جهت انجام مصاحبه ها و آمادگی محقق یادداشت گردید. سپس با انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته با خبرگان شامل مدیران و سرپرستان شهرداری مشهد و مناطق تابعه آن که با ۱۵ نفر به اشباع نظری رسید، مدل پژوهش طراحی گردید. مضمون کلی سؤالات مصاحبه درخصوص ابعاد، اقدامات و راهکارهایی بود که مدیریت توسعه منابع انسانی شهرداری می تواند به کار بندد تا باعث بهبود عملکرد سبز منابع انسانی این سازمان گردد. شایان ذکر است که برای پیاده سازی تکنیک داده بنیاد در این مطالعه از نرم افزار MAXQDA نسخه ۱۰ استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده از طریق مصاحبه، از روش داده بنیاد با بهره گیری از رویکرد ظاهر شونده (گلگیری) استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها در این رویکرد، در دو مرحله ۱- کدگذاری حقیقی (واقعی یا جوهری) شامل مراحل الف- کدگذاری باز ب- کدگذاری انتخابی و ۲- کدگذاری نظری انجام می شود. لذا چند مصاحبه اول به صورت باز کدگذاری شد، سپس با شناسایی مقوله محوری، مصاحبه های بعدی در قالب کدگذاری انتخابی ادامه یافت. سپس در مرحله کدگذاری نظری تلفیق میان مقوله ها توسط یک الگوی ارتباطی انجام شد. در مرحله کدگذاری باز، متون مصاحبه نگارش و به نرم افزار مکس کیودا منتقل گردید و تعداد ۴۰۰ کد کشف شد که نمونه ای از آن در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. نمونه کدگذاری باز

کدگذاری اولیه	متن مصاحبه
نگاه مثبت مدیران، پابندی به رفتار سبز	اگر سازمان ما واقعاً به دنبال حفظ طبیعت باشد به نظر من بایستی مدیران ما نگاه درستی به مسائل محیط زیستی داشته باشند یعنی شعار ندهند بلکه واقعاً در حرف و عمل به حفظ محیط زیست پایبند باشند
وجدان سبز داشتن، تعصب زیست محیطی، کاهش مصرف انرژی، بودجه ریزی سبز	اگر به لحاظ شخصیت فردی نسبت به محیط زیست عرق خاصی داشته باشد در برنامه ریزی بودجه، تصمیم سبز بهتری می گیرد اگر ما آدم باوجدانی باشیم و محیط زیست برامون مهمه سعی می کنیم که در مصرف انرژی احتیاط کنیم. بعضی ها در رفتارشان تعادل رو رعایت می کنند بعضی ها هم که هربار از یک طرف می افتند لحظه ای و هیجانی رفتار می کنند"

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در مرحله کدگذاری انتخابی، از تعداد ۴۰۰ کد اولیه بدست آمده در مرحله کدگذاری باز، پس از ادغام و حذف تعدادی کد به علت بی ربط بودن، در مجموع تعداد ۲۱۳ کد (شاخص) شناسایی شد و در ۴۳ مفهوم (مؤلفه) طبقه بندی شد که در جدول ۲ نمونه ای از آن مفاهیم نشان داده شده است.

جدول ۲. شکل گیری مفاهیم از کدهای مرتبط

کد (شاخص)	مفهوم (مؤلفه)
نگاه مثبت مدیران و کارکنان به مسایل زیست محیطی، حمایت از طرح و برنامه های سبز در سازمان، احساس تعلق به محیط زیست	نگرش سبز

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

در مرحله کدگذاری نظری، مفاهیم با بررسی رفت و برگشتی که در نظریه داده بنیاد وجود دارد، توسط محقق و با راهنمایی اساتید هر کدام در یک مقوله مرتبط قرار گرفتند. سعی بر این بود تا آنجا که امکان دارد مفاهیم مرتبط در یک طبقه قرار گیرند. این گزینش و طبقه بندی چندین بار اصلاح شد و با بررسی مجدد متن مصاحبه ها طبق راهنمایی خبرگان مفاهیم (مؤلفه ها) در ۴۳ مورد و مقوله ها (ابعاد) در ۵ طبقه تثبیت شد. نمونه ای از ابعاد و مؤلفه های حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه ها در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. شکل گیری مقوله (ابعاد) از مفاهیم (مؤلفه) مرتبط

مفاهیم (مؤلفه)	مقوله (بعد)
نگرش سبز	فردی
ارزش سبز	
انگیزه سبز	
دانش سبز	
سلامت سبز	

مفاهیم (مؤلفه)	مقوله (بعد)
شخصیت سبز	
رفتار سبز	
احساس دلبستگی سبز	

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۳۹۹)

با استفاده از روش *Grounded Theory* رویکرد ظاهر شونده (گلیزری) و در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش تحت عنوان "مدل مدیریت منابع انسانی سبز در شهرداری مشهد چیست؟"؛ مدل مدیریت منابع انسانی سبز در شهرداری مشهد بر اساس مصاحبه با مدیران و سرپرستان شهرداری مشهد با استفاده از کدگذاری باز، انتخابی و نظری صورت گرفت که در مرحله کدگذاری باز تعداد ۴۰۰ کد اولیه شناسایی شد سپس در مرحله کدگذاری انتخابی به ۲۱۳ کد که با بررسی مجدد و مفاهیم شناسایی شده مدیریت منابع انسانی سبز در ۴۳ مفهوم جمع بندی شد و در مرحله کدگذاری نظری این مفاهیم در پنج بُعد فردی، سازمانی، شهری، فراشهری و محیطی در قالب جدول ۴ طبقه بندی گردید.

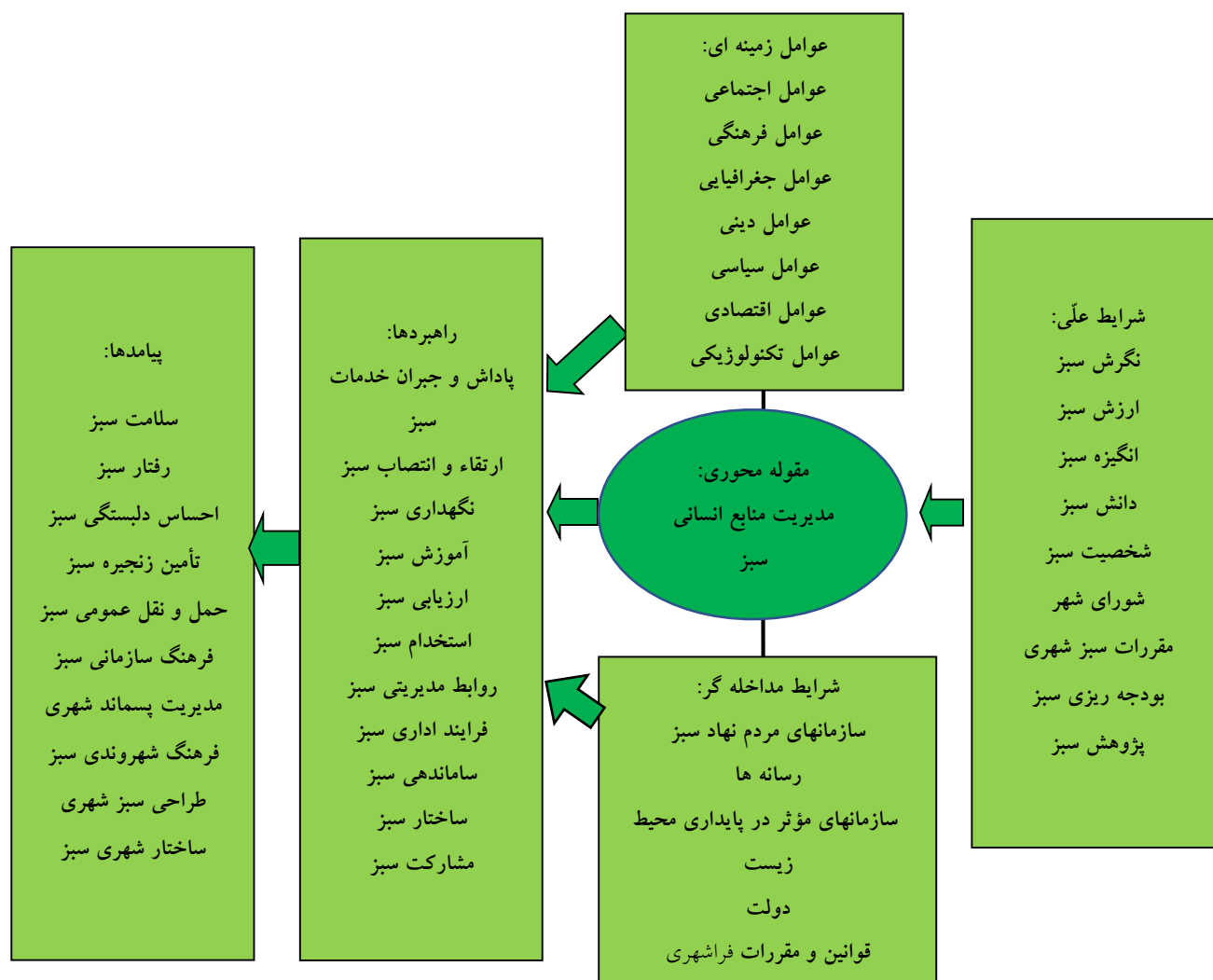
جدول ۴. مقوله محوری، مقوله ها (ابعاد)، مفاهیم (مؤلفه ها)

مقوله محوری	مقوله (بعد)	مفهوم (مؤلفه)
مدیریت منابع انسانی سبز	فردی	نگرش سبز
		ارزش سبز
		انگیزه سبز
		دانش سبز
		سلامت سبز
		شخصیت سبز
		رفتار سبز
		احساس دلبستگی سبز
	سازمانی	پاداش و جبران خدمات سبز
		مشارکت سبز
		ارزیابی سبز
		آموزش سبز
		ساماندهی سبز
		استخدام سبز
		فرهنگ سازمانی سبز
		نگهداری سبز
		ساختار سبز
		روابط مدیریتی سبز

مفهوم (مؤلفه)	مقوله (بعد)	مقوله محوری
ارتقاء و انتصاب سبز		
بودجه ریزی سبز	شهری	
مدیریت پسماند شهری		
شورای شهر		
مقررات سبز شهری		
طراحی سبز شهری		
فرهنگ شهروندی سبز		
فرایند اداری سبز		
ساختار شهری سبز		
حمل و نقل عمومی سبز		
پژوهش سبز		
سازمانهای مردم نهاد سبز		
رسانه ها		
تأمین زنجیره سبز		
سازمانهای دولتی مؤثر در پایداری محیط زیست		
سازمانهای بین المللی		
دولت		
قوانین و مقررات فراشهری		
عوامل اجتماعی	عوامل محیطی	
عوامل فرهنگی		
عوامل جغرافیایی		
عوامل دینی		
عوامل سیاسی		
عوامل اقتصادی		
عوامل تکنولوژیکی		

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹)

محقق بعد از مطالعات نظری و جمع آوری داده ها از بخش مصاحبه کیفی و تلفیق ادبیات با مفاهیم به دست آمده از نظر خبرگان و احصاء جداول مفاهیم، مقوله ها و ابعاد، مدل اولیه ذیل را احصاء نموده که مطابق شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳. مدل اولیه مدیریت منابع انسانی سبز در شهرداری مشهد

۴. بحث

با مقایسه مطالعات انجام شده قبلی و نتایج حاصل از این پژوهش در رابطه با مفهوم نگرش سبز؛ میرفردی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که؛ نوع نگرش نسبت به محیط زیست می تواند در بردارنده آموزه های تکرار ناپذیری منابع زیست محیطی باشد و یا اینکه دارای این پیش فرض باشد که منابع زیست محیطی پس از هربار استفاده و حتی تخریب دوباره بازآفرینی شوند و نتایج تحقیق زارع شاه آبادی (۱۳۹۵) نشان داده است که بین نگرش نسبت به تغییرات آب و هوا و رفتارهای حامی محیط زیست رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. با توجه به تئوری رفتار برنامه ریزی شده آرجن (۱۹۹۱)، نگرش فرد به یک رفتار در کنار هنجارهای ذهنی و درک عوامل کنترل رفتار بر میزان تمایل فرد به بروز رفتاری خاص اثرگذارند (رجب پور، ۱۳۹۹، ۳۵۱)، و در پژوهش کوردانو و

همکاران (۲۰۰۰) نگرشها، هنجارهای ذهنی و رفتارهای گذشته افراد تأثیر مثبتی بر روی ترجیحات و اولویتهای رفتارهای زیست محیطی افراد دارد. در پژوهش حاضر نیز درخصوص نگرش سبز کارکنان به عنوان عاملی مهم در رفتارهای سبز او تأثیر گذار است و بایستی به عنوان یک عامل مهم در طراحی مدل مدیریت منابع انسانی سبز سازمان شهرداری در نظر گرفته شود.

در رابطه با انگیزش سبز، ندیمی (۱۳۹۱)؛ نتیجه گرفته است که مهمترین کار در مدیریت امور، ایجاد انگیزه در سایرین است. این وظیفه شامل توانایی برای برقراری ارتباط، الگو شدن، چالش، تشویق، بدست آوردن بازخورد، درگیر شدن، تسلیم مسئولیت ها، توسعه و آموزش، اطلاع رسانی، ارائه کارها و فراهم نمودن پاداش مناسب می باشد همچنین نتایج تحقیق زارع شاه آبادی (۱۳۹۵) نشان می دهد که بین نگرش نسبت به تغییرات آب و هوا و رفتارهای حامی محیط زیست رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. در تحقیق حاضر نیز از انگیزش سبز به عنوان مفهومی نقش آفرین در سطح فردی در نظر گرفته شده است.

در خصوص مفهوم دانش سبز، در پژوهش همتی و شبیری (۱۳۹۴) به این مفهوم اشاره شده است و نتیجه گرفته شده است که؛ دانش محیط زیستی که افراد درباره محیط زیست، معضلات محیطی، عوامل مؤثر در گسترش آن، و همچنین اطلاعات در مورد آنچه فرد می تواند برای بهبود این وضعیت انجام دهد می شود. زارع شاه آبادی (۱۳۹۵)؛ در پژوهشی دیگر نتیجه گرفت که بین تحصیلات و آگاهی از تغییرات آب و هوا و رفتارهای حامی محیط زیست، رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد همچنین بین دانش عمومی درباره تغییرات آب و هوا و رفتارهای حامی محیط زیست، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. دانش بطور کلی بوجود آورنده هنجارها، نگرش، امکانات و ادراکات برای عمل است. در پژوهش حاضر نیز مفهوم دانش سبز با شاخص های؛ میزان مطالعات زیست محیطی فرد، عضویت در گروه های دوستدار محیط، تحصیلات دانشگاهی سبز، عضویت در مجلات محیط زیستی و میزان گذراندن دوره آموزشی سبز آمده است.

در رابطه با شخصیت سبز تنها در تحقیق شهریاری و همکاران (۱۳۹۸) به نوع شخصیت کارکنان به عنوان عوامل علی الگوی مدیریت منابع انسانی سبز در صنعت آموزش عالی اشاره شده است درحالیکه در پژوهش حاضر به شاخص های شخصیت سبز تحت عنوان؛ وجدان سبز داشتن، وظیفه شناسی نسبت به محیط زیست، حامی و دوستدار محیط زیست، مدافع محیط زیست، به تفصیل پرداخته شده است.

در مورد مفهوم رفتار سبز، صادقی (۱۳۹۶)، نتیجه گرفته است که؛ بروز رفتارهای سبز به عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر پایداری زیست محیطی شناخته شده اند و رفتار سبز کارکنان تأثیر زیادی بر بهبود عملکرد زیست محیطی سازمان دارد. همچنین سالم و همکارانش (۲۰۲۰)، وانز و دیلچرت (۲۰۱۲)، نورتن و همکاران (۲۰۱۷) نیز به مفهوم رفتار سبز پرداخته اند، در پژوهش حاضر نیز استفاده از امان های سبز کوچک مانند گلدانها و اکواریوم، پابندی به رفتار سبز و دغدغه زیست محیطی به عنوان معیارهای بروز رفتار سبز شناسایی شدند.

درمجموع نتایج این پژوهش نشان می دهد که با اجرای مدیریت منابع انسانی سبز در بعد فردی، پیامدهای فردی همچون سلامت جسمی و روانی کارکنان، افزایش نشاط کاری و بهبود روحیه کارکنان و کاهش استرس را می توان متصور بود که درواقع تحقیقات همیلتون و جیویا^۱ (۲۰۰۹) و همچنین تحقیق انهرت^۲ (۲۰۰۹) و همیلتون و جیویا (۲۰۱۵) و دیگران با عنوان رشد، رفاه و سلامت کارکنان و هم چنین با تحقیقات نورتون (۲۰۱۵) و توکلی و همکاران (۱۳۹۷) مطابقت دارد. اما مفهوم احساس دلبستگی سبز برای اولین بار در تحقیق حاضر شناسایی شد.

در رابطه با مفهوم استخدام سبز، به زعم اسپالر و جکسون (۲۰۱۴) مدیران منابع انسانی با پیوستن به حرکات سبز سازمانی نقش مهمی را در شکل گیری ساختار، استراتژی و توسعه خط مشی سازمانی دارد و راهبرد توسعه انتخاب و گزینش سبز بر عملکرد محیطی نقش کلیدی را در دست یابی به توسعه پایدار ایفا می نماید. تحقیق عدنان راواشده (۲۰۱۹) نشان داد که همبستگی قوی بین استخدام و انتخاب سبز و عملکرد زیست محیطی وجود دارد. در پژوهش شهریار و همکاران (۱۳۹۹) نیز استخدام سبز به عنوان یکی از راهبردهای مدیریت منابع انسانی در صنعت آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته است. رضایی و همکاران (۱۳۹۹)، سپهوند و همکاران (۱۳۹۷)، رجب پور و افخمی اردکانی (۱۳۹۹) و آرولراجاه (۲۰۱۳) نیز به مقوله استخدام سبز در مدیریت منابع انسانی سبز پرداخته اند. در تحقیق حاضر نیز در استخدام افراد بایستی به شاخص های سبز شامل؛ رعایت ضوابط زیست محیطی در استخدام، نگرش زیست محیطی فرد، سوابق زیست محیطی فرد، تعیین معیارهای سبز در مصاحبه استخدامی، کتاب های مطالعه شده محیط زیستی فرد، میزان دانش و اطلاعات زیست محیطی فرد، عضویت در گروه های زیست محیطی، طرح های زیست محیطی فرد، پرسشنامه شغلی سبز، فرایند الکترونیکی جذب توجه خاص شده است.

در خصوص مفهوم آموزش سبز رضایی و همکاران (۱۳۹۹)، رجب پور و افخمی اردکانی (۱۳۹۹)، توکلی و همکاران (۱۳۹۷)، و شاکریان (۱۳۹۸) به آن به عنوان یکی از وظایف و اقدامات مدیریت منابع انسانی سبز پرداخته اند و در تحقیق حاضر معیارهای آموزش سبز تحت عناوین؛ بدو خدمت زیست محیطی، دوره های ضمن خدمت زیست محیطی، آموزش استفاده بهینه از صحیح امکانات و ملزومات، استمرار و تناسب دوره آموزشی با شغل، شناساندن مزایای مصرف صحیح انرژی به کارکنان، آموزشهای سبز در خانه، نصب پوسترهای آموزشی محیط زیست شناسایی گردید.

به مفهوم ارزیابی سبز فقط در پژوهش مسری و جارون (۲۰۱۷) اشاره شده بود، که در تحقیق حاضر به معیارهای متناسب تری با حوزه شهرداری از ارزیابی سبز کارکنان از قبیل گنجاندن شاخصهای سبز در فرم ارزشیابی سالانه، میزان استفاده از من کارت، میزان استفاده از خودروی شخصی، میزان ضایعات کاغذ ایجاد شده، کنترل درجه حرارت بهینه محیط کار، آراستگی محیط کار، کارنامه مصرف انرژی اتاق ها، اجتناب از ماموریت های غیر ضروری، میزان

1. Hamilton & Gioia

2. Ehnert

استفاده از دو چرخه توسط کارمند، میزان گذراندن دوره آموزشی زیست محیطی، حساسیت کارمند نسبت به مسایل زیست محیطی پرداخته شده است.

مفهوم مشارکت سبز با تحقیقات مسری و جارون (۲۰۱۵) و مفهوم نگهداری سبز، محمدی و همکاران (۱۳۹۸) و رنویک و همکاران (۲۰۱۳) با نتایج تحقیق حاضر همخوانی دارد. در ارتباط با مفهوم پاداش و جبران خدمت سبز، پژوهشهای رضایی و همکاران (۱۳۹۹)، رنویک و همکاران (۲۰۱۵)، مسری و جارون (۲۰۱۷) و عدنان راواشده (۲۰۱۹) به آن پرداخته اند که با نتایج تحقیق حاضر تا حدودی همخوانی دارد اما در این پژوهش به شاخص های متناسب با سازمان شهرداری از قبیل: تجلیل از کارکنان برتر سبز، در نظر گرفتن خلاقیت و نوآوری سبزکارکنان، پرداخت پاداش به کارکنان سبز، ضرورت تناسب بین پاداش و کارسبز، طراحی سیستم تقدیر سبز، در نظر گرفتن مشوقهای سبز، تجلیل از کارکنان برتر سبز توجه شده است.

روسکو و همکاران (۲۰۱۹) به مفهوم فرهنگ سازمانی سبز، توجه نموده اند که در این پژوهش به شاخص های متناسب با حوزه شهری شامل: الگوی سبز بودن مدیران، هر کارمند یک نماینده فرهنگ سبز، آرم و لگوی سبز سازمانی، باور استفاده همگانی از وسایل نقلیه عمومی، نمادهای سبز در سازمان و هنجارهای سبز سازمانی پرداخته شد.

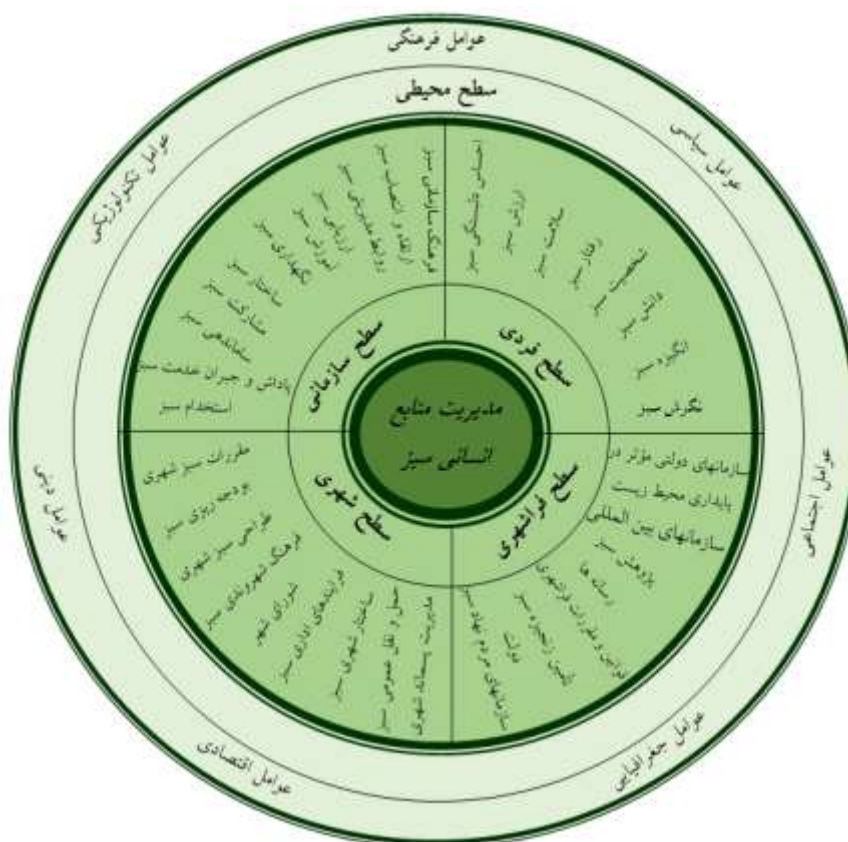
در تحقیق حاضر، در سطح فردی علاوه بر نگرش سبز به انگیزه سبز، دانش سبز، شخصیت سبز، رفتار سبز، سلامت روانی و جسمی و ارزشهای سبز، احساس دل بستگی سبز اشاره شده است که از نوآوری های این تحقیق به شمار می رود، در سطح سازمانی به استخدام سبز، آموزش سبز، ارزیابی سبز، سازماندهی سبز، مشارکت سبز، نگهداری سبز، پاداش و جبران خدمت سبز، روابط مدیریتی سبز، ارتقاء و انتصاب سبز، فرهنگ سازمانی سبز اشاره شده است. در رابطه با مفهوم زنجیره تأمین سبز، یعقوبی و همکاران (۱۳۹۷)، رجب پور و افخمی اردکانی (۱۳۹۹)، اکواه و همکاران (۲۰۲) و بنون و بنومو (۲۰۲۰) به آن اشاره نموده اند که با تحقیق حاضر مطابقت دارد.

در این تحقیق با استفاده از روش داده بنیاد رویکرد ظاهر شونده (گلایزری) مدل پژوهش، متشکل از پنج مقوله (بعد)؛ ۴۳ مفهوم (مؤلفه) و ۲۱۳ کد (شاخص) احصاء گردید. به این ترتیب که: در بُعد فردی مفاهیم: نگرش سبز، ارزش سبز، انگیزه سبز، دانش سبز، سلامت سبز، شخصیت سبز، رفتار سبز، احساس دل بستگی سبز، در بُعد سازمانی مفاهیم: پاداش و جبران خدمات سبز، مشارکت سبز، ارزیابی سبز، آموزش سبز، ساماندهی سبز، استخدام سبز، فرهنگ سازمانی سبز، نگهداری سبز، ساختار سبز، روابط مدیریتی سبز، ارتقاء و انتصاب سبز، در بُعد شهری مفاهیم: بودجه ریزی سبز، مدیریت پسماند شهری، شورای شهر، مقررات سبز شهری، طراحی سبز شهری، فرهنگ شهروندی سبز، فرایند اداری سبز، ساختار شهری سبز، حمل و نقل عمومی سبز و در بُعد فراشهری مفاهیم: پژوهش سبز، سازمانهای مردم نهاد سبز، رسانه ها، تأمین زنجیره سبز، سازمانهای دولتی مؤثر در پایداری محیط زیست، سازمانهای بین المللی، دولت، قوانین و مقررات فراشهری؛ در بُعد محیطی؛ عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل جغرافیایی، عوامل دینی، عوامل سیاسی، عوامل اقتصادی، عوامل تکنولوژیکی احصاء گردید.

تحقیقاتی که در زمینه مدیریت منابع انسانی سبز تاکنون انجام شده است بیشتر به وظایف و اقدامات مدیریت منابع انسانی سبز پرداخته اند؛ در این پژوهش ابعاد جدیدی از مدیریت منابع انسانی سبز کشف گردید که تا کنون در عمل مطرح نشده اند و از این حیث این پژوهش جنبه منحصر به فردی به خود گرفته است. لذا در این تحقیق مدلی جدید از مدیریت منابع انسانی سبز با دیدگاهی جامع و چند جانبه ارائه گردید که علاوه بر ابعاد در سطوح فردی و سازمانی، ابعاد شهری، فراشهری و محیطی در مدیریت منابع انسانی سبز کشف گردید که تاکنون در هیچ پژوهشی به آن اشاره نشده بود. در این تحقیق مفاهیم جدیدی از قبیل؛ احساس دل بستگی سبز، سفیر سبز، روابط مدیریتی سبز، ساماندهی سبز، بودجه ریزی سبز، فرهنگ شهروندی، طراحی سبز شهری، المان های شهری سبز، ارزشهای سبز، حمل و نقل سبز و... در طراحی مدل مدیریت منابع انسانی سبز شهرداری مشهد کشف گردید که در پژوهشهای قبلی انجام شده در داخل و خارج به آن اشاره ای نشده بود.

۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر به دنبال طراحی مدل مدیریت منابع انسانی سبز در شهرداری مشهد بوده است. برای تحقق هدف اصلی تحقیق با استفاده از روش *Grounded Theory* رویکرد ظاهر شونده از روش کدگذاری باز، انتخابی و نظری استفاده گردید. داده های حاصل از مصاحبه ها پس از تحلیل تفصیلی و مقایسه های مستمر بر اساس تشابه های معنایی، به سطوح انتزاعی تری ارتقاء پیدا کردند و با توجه به راهنمایی استادان و خبرگان مدیریت، در نهایت در پنج طبقه کلی فردی، سازمانی و شهری، فراشهری و محیطی قرار گرفتند. محقق با عنایت به اینکه مفاهیم مختلف شکل گرفته چه مضامین مشترکی را القاء می نمایند آنها را به طبقات خاص تخصیص داده و در حقیقت یک فرایند استقرایی که از داده های خام به سمت شاخص ها، مفاهیم و طبقات انتزاعی حرکت می کند و به طور طبیعی از بستر داده ها ظهور یافته، در این طبقه بندی مشاهده می شود. در نهایت برای استنتاج مدل نهایی بر اساس مقوله محوری و ابعاد (مقوله ها)، مؤلفه ها (مفاهیم) و کدهای (شاخص ها) بدست آمده، مدل دایره ای برای نمایش انتخاب گردید، به طوری که مقوله محوری در مرکز دایره، سپس ابعاد (مقوله ها) و سپس مؤلفه ها (مفاهیم) و در نهایت بعد محیطی در محیط دایره نمایش داده شد. در مدل لایه ها با رنگی متفاوت و با خطوط جداکننده ی دو خطی پررنگ به کم رنگ که جهت و شدت رابطه را نشان می دهد، مطابق شکل ۴ متمایز شده است که نشان می دهد عوامل محیطی اثر کمتری نسبت به ابعاد فردی، سازمانی شهری و فراشهری دارد و با رنگ روشن تر و در محیط دایره نمایش داده شده است.



شکل ۴. استنتاج مدل نهایی مدیریت سبز منابع انسانی سبز در شهرداری مشهد

مدل بومی فوق می‌تواند راهنمای عمل سیاستگذاران و خط مشی گذاران و رمز موفقیت و حلقه مفقوده توسعه پایدار شهری باشد و با خاطر نشان کردن نکات و پیشنهادات ارزنده‌ای، نقطه عطفی را در مدیریت منابع انسانی سبز و ارتقای توسعه پایدار شهری ایجاد کند.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که؛ شهرداری برای تحقق اهداف و مأموریت‌ها با محوریت توسعه پایدار شهری و کاهش آلودگی‌های زیست محیطی نیاز مبرم به تمرکز بر راهبردهای مدیریت انسانی سبز دارد. به دنبال تحقق این هدف بایستی علاوه بر سطوح فردی و سازمانی سطوح شهری، فراشهری و محیطی در حوزه مدیریت منابع انسانی سبز شهرداری کلان شهر مشهد مدنظر قرار گیرد. در همین راستا بایستی دولت، شورای شهر و شهرداری با در نظر گرفتن اسناد بالادستی در تدوین، اجرا و نظارت بر طرح‌ها و لوایح زیست محیطی و اختصاص بودجه سبز نقش آفرینی نمایند. شهرداری با تأکید بر آموزه‌های دینی، اعتقادات مذهبی، اصول اخلاقی و استفاده از اماکن مذهبی و مشارکت روحانیون، معرفی چشم انداز و مأموریت سبز سازمان به کارکنان، استفاده بهینه از امکانات و ملزومات، شناساندن مزایای اقتصادی، فرهنگی و... محصولات سبز، حمایت از گروه‌های غیررسمی سبز در سازمان، تشویق کارکنان به استفاده از دوچرخه، استفاده بهینه از ضایعات فرایندهای اداری، صرفه جویی در مصرف حامل‌های انرژی،

الگوی سبز بودن مدیران، هر کارمند یک سفیر سبز، آرم و لگوی سبز سازمانی، باور استفاده همگانی از وسایل نقلیه عمومی، نمادهای سبز در سازمان، هنجارهای سبز سازمانی در جهت نهادینه سازی فرهنگ سبز در سازمان و شهر گامهای موثری برداشته شود.

در زمینه ساماندهی سبز سازمان با استفاده از راهبردهای دورکاری، گردش شغلی کارکنان براساس سبز بودن، استقرار سیستم اتوماسیون اداری، برگزاری جلسات و کنفرانس های الکترونیکی گام بردارد و در زمینه آموزش کارکنان و شهروندان با آموزش بدو خدمت و ضمن خدمت کارکنان، ایجاد و حمایت از گروههای دوستدار محیط زیست، مجلات زیست محیطی، نصب بنرهای آموزشی، برگزاری همایش های زیست محیطی در سطح سازمان و جامعه گامهای مهمی برداشته شود. در فرایند جذب و استخدام کارکنان معیارهایی از قبیل: رعایت ضوابط، نگرش، سوابق، مطالعات، دانش، طرح ها و عضویت در گروههای زیست محیطی و فرایند الکترونیکی جذب متقاضیان مدنظر قرار گیرد. در سیستم ارزیابی عملکرد کارکنان معیارهایی از قبیل تفکیک پسماند، آراستگی و آرایش سبز دفتر کار، میزان استفاده از من کارت و خودروی شخصی، میزان ضایعات کاغذ، کنترل درجه حرارت بهینه محیط کار، کارنامه مصرف انرژی دفتر کار، مأموریت های غیرضروری، استفاده از دوچرخه، دوره های آموزشی زیست محیطی را در در فرم ارزشیابی فصلی و سالانه کارکنان در نظر بگیرد. در حوزه نگهداشت منابع انسانی سبز، با تعیین کارراه سبز شغلی؛ برگزاری تورهای گردشگری سبز؛ برنامه کاری منعطف؛ معرفی و قدردانی از کارکنان سبز؛ صندوق پیشنهادات و انتقادات سبز؛ دورکاری؛ گروههای کوه نوردی، طبیعت گردی و ورزشی کارکنان؛ ایجاد پارکینگ دوچرخه در سازمان اقدام نمود. در زمینه کاهش مصرف انرژی و کاهش آلودگی محیط زیست با استفاده از لامپ های کم مصرف، نصب تایمر و سنسور حرکتی، استفاده از سیستم های آبیاری مدرن، مشخص کردن مکان های پرمصرف انرژی، نصب شیشه های دوجداره، اسکن مدارک، تعمیر و تعویض تجهیزات معیوب با وسایل پربازده، عایق بندی لوله های آب، خودروهای هیبریدی و انرژی های تجدید پذیر، آبیاری هوشمند فضای سبز و بسته بندی های قابل بازیافت گامهای مؤثری برداشته شود. در راستای توسعه پایداری شهری در زمینه اجتماعی اقداماتی نظیر؛ رفتارهای مسئولانه، کاهش حاشیه نشینی در شهر، احساس تعلق به محیط زیست، افزایش کیفیت زندگی، افزایش سطح ارتباطات اجتماعی؛ در زمینه جغرافیایی با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی، قومیت، حفظ اکوسیستم و کنترل شهرسازی با تعامل با سازمانهای دولتی مؤثر در این زمینه و همچنین اقداماتی در حوزه شهری نظیر؛ ساماندهی شهرکهای صنعتی و مشاغل آلاینده، توسعه ناوگان حمل و نقل عمومی، استقرار شهر الکترونیک و محیطی گامهای اساسی برداشته شود.

کتاب نامه

۱. ابراهیمی یزدی، م.، وکیل زاده، ج.، حزب الهی، م.، و نارجیلی، ن. (۱۳۹۸). خلاصه بودجه شهرداری مشهد (راهنمای شهروندان). مشهد: دفتر برنامه و بودجه و ارزیابی عملکرد شهرداری مشهد.

۲. اصغرزاده شیرازی فرد، ر.، عباس نژاد، ط.، احمدی کهنعلی، ر. (۱۳۹۴). نقش مدیریت منابع انسانی سبز در موفقیت طرح های زیست محیطی. تهران: موسسه سفیران فرهنگی مبین، دومین همایش بین المللی مدیریت و فرهنگ توسعه.
۳. امیرفخریان، م.، و معینی، ع. (۱۳۹۷). ارزیابی مدل های خطی فضایی و غیرخطی در تبیین پراکنش فضایی دفاتر مسافرتی در شهر مشهد، ایران. *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، سال پنجم، ۱ (۸)، ۲۱-۴۳.
۴. پاکدل، ر.ا.، قلی پور، آ.، و حسینی، س.ح. (۱۳۹۷). طراحی الگوی توسعه منابع انسانی ملی با رویکرد پویایی سیستم. *فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی*، ۵ (۱۶)، ۷۱-۵۱.
۵. توکلی، ع.، هاشمی، ع.، ثبت، ع.، و رازقی، س. (۱۳۹۷). ارائه مدل ساختاری مدیریت منابع انسانی سبز بر مبنای نظام های مدیریت منابع انسانی. *فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)*، ۱۰ (۳۱)، ۷۷-۱۰۳.
۶. خوانین زاده، ع.، سرباز، م.، و احمدیان، ش. (۱۳۹۶). بررسی روند تغییرات فضای سبز در سه دهه گذشته با استفاده از سنجش از دور (مطالعه موردی: شهر یزد). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۴ (۲)، ۹۹-۱۱۵.
۷. رجب پور، ا. (۱۳۹۶). تأثیر مدیریت منابع انسانی بر توسعه مدیریت زیست محیطی. *فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین*، ۹ (۱)، ۵۱-۷.
۸. رضا زاده، س.م.، فنی، ز.، و رضویان، م.ت. (۱۳۹۸). پایداری محیط زیست شهری با رویکرد گردشگری (مورد پژوهی: محله درکه در منطقه یک کلانشهر تهران). *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۶ (۱)، ۳۹-۶۱.
۹. رهنما، م.ر.، خاکپور، ب.، و صادقی، م. (۱۳۹۱). تحلیل مدیریت استراتژیک در کلانشهر مشهد با مدل SWOT. *نشریه علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی (دانشکده جغرافیا)*، ۱۶ (۴۲)، ۱۹۸-۱۷۳.
۱۰. زارع شاه آبادی، ا.، سیارخلج، ح.ا.، و آقاعبداله ماهوت فروش، س. (۱۹۹۵). عوامل مرتبط با رفتارهای حامی محیط زیست در محیط شهری (مورد مطالعه شهروندان کرج). *فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار*، ۹، ۳۵-۲۳.
۱۱. سالاری مقدم، ز.، زیاری، ک.ا.، و حاتمی نژاد، ح. (۱۳۹۸). سنجش و ارزیابی زیست پذیری مطالعات شهری (مطالعه موردی منطقه ۱۵ کلانشهر تهران). *فصلنامه شهر پایدار*، ۲ (۳)، ۵۸-۴۱.
۱۲. سپهوند، ر.، ساعدی، ع.، و مومنی فرد، م. (۱۳۹۷). طراحی مدل مدیریت منابع انسانی سبز در سازمان های ورزشی با استفاده از رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری، دانشگاه صنعتی شاهرود. *نشریه مدیریت منابع انسانی در ورزش*، ۶ (۱)، ۱۷-۳۴.
۱۳. شاکریان، ح. (۱۳۹۷). شناسایی و تعیین اولویت اقدامات مدیریت منابع انسانی سبز با استفاده از تکنیک تاپسیس فازی. *مجله رویکردهای نوین در مدیریت و حسابداری*، ۶، ۱۴۳-۱۵۲.
۱۴. شکوهی، م.ا.، باغبان، س.، و رهنما، م.ر. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی سطح پایداری توسعه در مناطق یک و دو شهر مشهد. *مطالعات ساختار و کارکرد شهری*، ۶۱ (۸)، ۱۹۹-۱۷۹.

۱۵. شهریاری، ب.، حسن پور، ا.، نوه ابراهیم، ع.، و جعفری نیا، س. (۱۳۹۸). طراحی مدل مدیریت منابع انسانی سبز در صنعت آموزش عالی (مورد مطالعه دانشگاه های شهر تهران). تهران: رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی پردیس بین الملل.
۱۶. صادقی ده چشمه، ش. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر شیوه های مدیریت منابع انسانی سبز بر عملکرد زیست محیطی شرکت های قطب صنعتی شهرکرد. نجف آباد: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد نجف آباد.
۱۷. فیاضی، م.، افشار، ز. (۱۳۹۴). مدیریت منابع سبز انسانی. فصلنامه مدیریت صنعتی، ۲۵ (۲۷۲)، ۶-۴۶.
۱۸. قاسمی، ج.، موغلی، ع. ر.، و کمائی، م. ح. (۱۳۹۵). مطالعه تأثیر فعالیت های مدیریت منابع انسانی راهبردی بر عملکرد زیست محیطی با نقش واسطه ای رفتار شهروند-زیست محیطی و نقش تعدیل گر ابتکارات زیست محیطی. شیراز: پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی، گرایش منابع انسانی، دانشگاه پیام نور شیراز.
۱۹. محمدی، ح. ر.، پورکیانی، م.، سلاجقه، س.، و صیادی، س.، و ملایی، ح. ر. (۱۳۹۹). طراحی الگو مدیریت منابع انسانی سبز با رویکرد توسعه پایدار سازمانی. دوماهنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال ۱۱ (۳)، ۲۸۱-۳۱۴.
۲۰. میرفردی، ا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه اقتصادی-اجتماعی و احساس مسئولیت اجتماعی با رفتار محیط زیستی (مورد مطالعه: ساکنان نورآباد ممسنی). فصلنامه آموزش محیط زیست پایدار، ۹، ۱۱۴-۱۰۱.
۲۱. یعقوبی، ن. م.، دهقانی، م.، و امیدوار، م. (۱۳۹۷). استقرار مدیریت منابع انسانی سبز در اکوسیستم کارآفرینی. مجله پژوهش های مدیریت منابع انسانی، ۸ (۴)، ۱۴۹-۱۳۱.

22. Acquah, I.S.K., Agyabeng-Mensah, Y. & Afum, E. (2020). Examining the link among green human resource management practices, green supply chain management practices and performance. *Benchmarking: An International Journal*, ahead-of-print.
23. Aggarwal, S., & Sharma, B. (2015). GREEN HRM: Need of the hour. *International Journal of Management and Social Science Research Review*, 1(8), 63-70.
24. Arulrajah, A. (2015). Anton green human resource management practices: A review, Sri Lankan. *Journal of Human Resource Management*, 5(1), 1-16.
25. Benevene, P., & Buonomo, I. (2020). Green human resource management: An evidence-based systematic literature review. *Sustainability*, 12(5974), 1-25.
26. Daily, B., & Huang, S. (2001). Achieving sustainability through attention to human Resource factors in environmental management. *Int. J. Oper. Prod. Manage*, 21, 539-552.
27. Jackson, S., Renwick, D., Jabbour, C.J.C., & Muller-Camen, M. (2001). State-of-the-art and future directions for green human resource management. *Zeitschrift F"Ur Personal Forschung. German Journal of Research in Human Resource Management*, 25, 99-116.
28. Kim, Y.G., Kim, W.G., Choi, H.M., & Phetvaroon, K. (2019). The effect of green human resource management on hotel employees' ecofriendly behavior and environmental performance". *International Journal of Hospitality Management*, 76(A), 83-93.
29. Masri, H., & Jaaron, A. (2017). Assessing green human resources management practices in Palestinian manufacturing context: An empirical study. *Journal of Cleaner Production*, 143, 474-489.
30. Renwick, D.W.S., Redman, T., & Maguire, S. (2013). Green human resource management: A review and research agenda. *Int. J. Manag. Rev*, 115, 1-14

31. Roscoe, R., Subramanian, N., Charbel, J.C., & Chong, T. (2019). Green human resource management and the enablers of green organisational culture: Enhancing a firm's environmental performance for sustainable development. *Business Strategy and the Environment*.
32. Sharma, S., & Gupta, N. (2015). Green Hrm: An innovative approach to environmental sustainability. In: *Proceeding of the Twelfth Aims International Conference on Management, January, Calicut, India*.

مدیریت اقلیمی فضاهای باز محلات شهری از طریق کنترل تناسبات پوسته‌ای

ریحانه مسگران (دکتری معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

reyhaneh_mesgaran@yahoo.com

سید مجید مفیدی شمیرانی (استادیار معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

s_m_mofidi@iust.ac.ir

نیلوفر نیک قدم (دانشیار معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

n.nikghadam@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

صص ۱۶۶-۱۳۷

چکیده

عدم توجه معماری و شهرسازی معاصر به محیط زیست و سازگاری با اقلیم منطقه، مشکلات زیست محیطی فراوانی به همراه داشته است. هدف این پژوهش در راستای حل بخشی از مسئله، دستیابی به تناسبات حاکم بر پوسته‌های فضای باز محلات شهری است که ویژگی‌های منحصر به فردی در راستای همسازی با اقلیم منطقه خود دارند. بافت قدیم شهر یزد از بهترین الگوهای معماری همساز با اقلیم گرم و خشک ایران است که آموزه‌های آن می‌تواند دستورالعمل‌های مناسبی جهت معماری و شهرسازی معاصر به طراحان دهد. لذا سه محله از بافت تاریخی شهر یزد به عنوان نمونه‌های پژوهش انتخاب شدند. این پژوهش از نوع کاربردی و روش شناسی آن توصیفی-تحلیلی است که به روش کتابخانه‌ای و برداشت میدانی انجام گرفته است. شیوه تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها ترکیبی از دو روش کیفی و کمی بوده، که ابتدا ویژگی‌های هندسی پوسته‌های ۱۴۳ پلاک از گذرها، ورودی‌ها و میدان‌های اصلی محلات برداشت شده و مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند و با مقایسه و تحلیل نتایج آن، تناسبات پوسته‌ها در این اقلیم، بدست آمدند. نتایج نشان می‌دهد که متوسط ارتفاع و متوسط عرض پوسته میدان‌ها بیشتر از گذرها و ورودی‌ها، نسبت ارتفاع به عرض پوسته میدان‌ها ۱ به ۵/۷ و در گذرها ۱ به ۳۹، عرض پوسته میدان‌ها حدود ۶ برابر و در گذر ۳۹ برابر ارتفاع می‌باشد. یافته‌ها حاکی از وجود نسبت‌ها و روابطی در پوسته‌ها است که تحت تأثیر ویژگی‌های اقلیمی منطقه گرم و خشک ایران قرار دارند و می‌توان آنها را در فضاهای باز محلات شهری مدیریت کرد.

کلیدواژه‌ها: اقلیم گرم و خشک، تناسبات پوسته‌ای، فضای باز محلات شهری، مدیریت اقلیمی، یزد.

۱. مقدمه

معماری همساز با اقلیم با کم‌ترین تأثیرات مخرب بر محیط اطراف خود و توجه به منابع طبیعی موجود و صرفه‌جویی در مصرف منابع تجدیدناپذیر و حفظ آن برای آیندگان و تاثیرپذیری آن از شرایط محیطی اطراف، گامی اساسی در جهت توسعه پایدار می‌باشد (نیلسون، ۱۳۹۵، ص. ۱۲). بر هیچ‌کس پوشیده نیست که موضوع معماری همساز با اقلیم در کشور ایران، از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. معماری تاریخی ایران را می‌توان مصداق بارز معماری همساز با اقلیم برشمرد اما در معماری معاصر ایران با برخوردهای سطحی و شعارگونه که ناشی از فهم نادرست و بنیادین مبانی و مفاهیم معماری اقلیمی در این حوزه است، جایگاه آن را تا حد سبک و یا حتی مدهای زودگذر تقلیل و در تقابل با محیط زیست و اقلیم قرار داده است. لذا برنامه‌ریزی و طراحی بر پایه اقلیم و پیروی از الگوهای مناسب شرایط اقلیمی هر منطقه از الزامات دستیابی به معماری پایدار و در پی آن توسعه پایدار است (پوردیهیمی، ۱۳۹۰، ص. ۴۲). در این پژوهش سعی بر بدست آوردن بخشی از این روابط و الگوها، در یکی از اقلیم‌های غالب کشورمان، ایران شده است. با توجه به اینکه بیش از ۳/۴ پهنه کشور را اقلیم گرم و خشک فرا گرفته، این اقلیم به عنوان بهترین انتخاب جهت ارزیابی و دستیابی به الگوهای یاد شده در پوسته‌های فضای باز محلات آن در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

ایران کشوری پهناور با مناطق آب و هوایی مختلف است و سازندگان سستی در گذشته راه حل‌های اقلیمی منطقی متعددی را برای افزایش آسایش انسان ارائه کرده‌اند (پاکزاد و اسدی خوانساری، ۱۳۹۷، ص. ۳۱). اکثر ساختمان‌های مدرن بدون توجه کافی به اثرات زیست محیطی طراحی می‌شوند. تاریخ معماری رابطه مثبتی را بین محیط و ساختمان‌های سستی نشان می‌دهد که با توجه دقیق به الزامات اقلیمی و زمینه‌های اجتماعی فرهنگی طراحی شده‌اند (سفلایی^۱ و همکاران، ۱۳۹۵، ص. ۱۰). بر اساس یکی از تئوری‌ها، برخی از دلایل تغییر اقلیم در دوره‌های آماری با فعالیت‌های بیش از حد انسانی، به ویژه فعالیت‌های صنعتی و گازهای گلخانه‌ای مرتبط است (لئو ساموئه^۲ و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۲۳). معماری و شهرسازی سستی ایران، به عنوان یکی از کاملترین گونه‌های زمینه‌گرایی در جهان شناخته شده است (طبرسا و ناصری^۳، ۲۰۱۷، ص. ۹). از آن‌جا که شهر برای استمرار حیات خود، به شرایط مساعد طبیعی، ارتباط فرهنگی و اجتماعی و حیات اقتصادی نیاز دارد. در ارتباط با عوامل طبیعی، شهرهای سستی ایران خود را به نحوی با محیط مطابقت داده‌اند که گویی خود محیط هستند. در واقع ایران، از معدود کشورهای جهان است که در طول تاریخ توانسته است با ویژگی‌های فرهنگی و جغرافیایی خود، معماری متنوعی ایجاد کند. این تنوع حتی در تقسیم بندی‌های جغرافیایی یک منطقه محدود نیز قابل مشاهده است (مفیدی شمیرانی و مضطرزاده، ۱۳۹۴، ص. ۲۷). به‌طور کلی عوامل گوناگونی از جمله توپوگرافی، ویژگی‌های اقلیمی، قابلیت‌های اقتصادی، معیشت و منابع آب در ایران موجب پدیدارشدن بافت‌های کالبدی متفاوت شده است. این موقعیت جغرافیایی و اقلیمی

1. Soflaei

2. Leo Samue

3. Tabarsa & Naseri

خاص همراه با هوشمندی گذشتگان این سرزمین در بهره‌گیری از انرژی‌های طبیعی مانند باد و خورشید چه در مناطق گرم و خشک و چه در مناطق مرطوب کشور موجب شد تا این معماری بی‌نظیر پدید آید (ضیابخش و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۲۱). معماری سنتی ایران دارای پشتوانه‌ای قوی و پربار از جنبه‌های گوناگون پایداری، هنر و فرهنگ ایرانی است و خود سهم و ارزش ویژه‌ای را از این هنر و فرهنگ نمایش می‌دهد (هادیان‌پور و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۳۰). بررسی‌ها نشان می‌دهد که فنون و قواعد به کار رفته در معماری بومی ایران، واجد کلیه شاخص‌های پایداری بوده و بسیاری از مفاهیم نوین در عرصه معماری پایدار را در خود به وضوح دارد و توانسته است به نحو شایسته‌ای به مسائل محیطی خود پاسخ دهد. از اقدامات موثر در زمینه بهینه‌سازی مصرف انرژی در ساختمان‌های مسکونی، استفاده از انرژی‌های طبیعی و طراحی اقلیمی ساختمان‌ها براساس اصول معماری پایدار هر منطقه است. طراحی اقلیمی در روزگاران گذشته دست‌مایه اصلی معماری بوده است (حکمت‌نیا و انصاری، ۱۳۹۱، ص. ۱۹۹). در ایران، عمر مفید بناها، ۲۰ الی ۲۵ سال است. شهرهای امروزی به مثابه کارگاهی ساختمانی هستند که هرروزه در هر کوی و کوچه تعداد زیادی ساختمان در حال احداث یا تخریب‌اند. این امر که هر ساله باعث هدر رفت بخش عظیمی از سرمایه ملی، انرژی و منابع زیست محیطی می‌شود، خسارات بسیاری بر کشور و حتی جهان وارد می‌آورد. از سوی دیگر عدم وجود الگوهایی جهت حصول همسازی با اقلیم، طراح، سازنده، بهره‌بردار و کلیه دست‌اندرکاران امور ساختمانی را با نوعی ابهام و سردرگمی، مواجه ساخته است. تنها اقدام رسمی در ایران در این خصوص، مربوط به مبحث ۱۹ مقررات ملی است، که صرفه‌جویی در مصرف انرژی را تنها در قالب عایقکاری حرارتی و صوتی ساختمان خلاصه می‌کند و الگویی یکسان برای کل ایران، علیرغم تنوع اقلیمی و جغرافیایی، ارائه می‌دهد (دفتر مقررات ملی ایران، ۱۳۹۹، ص. ۹۸). دیگر اقدامات انجام شده در این مسیر، ترجمه‌های عینی از تجربیات کشورهای است که بعضاً هیچ همگونی و تشابهی با شرایط ایران ندارند (کامیابی و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷). بر اساس پژوهش‌های انجام شده تاکنون که برخی در این بخش آورده شد، نیاز به تدوین الگوهایی کاملاً بومی و منطبق بر اقلیم کشور کاملاً مشهود می‌باشد و از آن‌جا که معماری گذشته ایران به عنوان بهترین الگوی همساز با شرایط اقلیمی می‌باشد، باید از تجربیات آن به بهترین نحو استفاده نمود تا بتوان به الگوهای پاسخده به ویژگی‌های اقلیمی منطقه خود دست یافت و سپس از آن‌ها به عنوان مرجع جهت استفاده در مناطق با اقلیم مشابه در کشورمان استفاده نمود. نگاه بومی به چنین پژوهش‌هایی و انجام آن بر مبنای ویژگی‌های اقلیمی منطقه ایران بهترین راه حل جهت دستیابی به این اصول و الگوهاست. چرا که الگوهای موجود و موفق امروز دنیا، نمی‌توانند برای کشورهای دیگر، علی‌الخصوص کشورهای در حال توسعه چون ایران، کارساز واقع شوند و در وهله اول حتی اگر زیرساخت‌های تکنیکی آن در راستای بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر فراهم باشد، باز هم موضوعات بسیار مهم و زیربنایی از قبیل مسائل اقتصادی، شیوه‌های نگهداری، بهره‌برداری و...، همچنان مغفول و لاینحل باقی خواهد ماند. با توجه به ارزش فضایی شهر تاریخی یزد و قرارگیری آن در فلات مرکزی ایران با اقلیم گرم و خشک، و مطابق مطالعات و پژوهش‌های انجام شده قبلی، این شهر یکی از بهترین نمونه‌های معماری همساز با اقلیم است که به ثبت یونسکو نیز

رسیده، و به عنوان بستر انجام این پژوهش انتخاب شده است. در این پژوهش به بررسی و ارزیابی تناسب هندسی پوسته‌های فضای باز محلات شهر یزد پرداخته شده که نتایج حاصل از آن ما را به روابط و نسبت‌هایی در طراحی پوسته‌ها رهنمون می‌نماید تا از آن طریق بتوان به مدیریتی اقلیمی در این منطقه دست یافت. در واقع هدف از این پژوهش، دستیابی به تناسب حاکم بر پوسته‌های فضای باز محلات در اقلیم گرم و خشک ایران است.

۲. روش شناسی

۲.۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر، تلاشی است در جهت دستیابی به تناسب حاکم بر پوسته‌های فضای باز محلات شهری که ویژگی‌های منحصر به فردی در راستای همسازی با اقلیم منطقه خود دارند و می‌توان از این طریق فضاهای باز محلات را مدیریتی اقلیمی نمود. روش شناسی این پژوهش، توصیفی - تحلیلی بر اساس تحلیل کیفی است و راهبرد پژوهش، ترکیبی از روش توصیفی و نمونه موردی است. داده‌ها از طریق مشاهده، برداشت مستقیم و پیمایشی، عکس‌برداری جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و با بهره‌گیری از استدلال منطقی و استفاده از استدلال قیاسی و استقرایی، تمایزات و تشابهات با سایر نمونه‌ها بدست آمده است. هدف از پژوهش قیاسی کمک به تبیین یافته‌های تحقیق در قالب روابط، فرمول‌ها و نسبت‌های حاکم بر پوسته‌های مشابه اقلیم مورد بررسی این پژوهش است.

بر این اساس نمونه موردی این پژوهش پوسته‌های سه محله از شهر یزد با ارزش تاریخی و بومی در نظر گرفته شد که به عنوان بهترین الگوهای همساز با اقلیم گرم و خشک کشورمان ایران، بر اساس نظر صاحب‌نظران انتخاب گردیده و مورد برداشت، بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. پس از آن، نتایج حاصله بصورت اسکس‌های تحلیلی بر اساس ویژگی‌های موثر بر شکل‌گیری پوسته‌ها به لحاظ اقلیمی، ترسیم و مورد تحلیل قرار گرفته و از استدلال قیاسی آن‌ها، الگوهایی برای پوسته‌ها در این اقلیم ارائه گردیده است.

۲.۲. متغیرها و شاخص‌های پژوهش

به منظور گردآوری داده‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای و روش میدانی استفاده گردید. شیوه تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها ترکیبی از دو روش کیفی و کمی بوده و از روش علی مقایسه‌ای انجام گرفته است. چندین شهر در اقلیم گرم و خشک ایران جهت بررسی در این پژوهش مدنظر قرار گرفت که با توجه به نظر صاحب‌نظران و یونسکو که شهر یزد را به عنوان بهترین الگوی اقلیمی و تاریخی برشمردند، محلات این شهر به عنوان نمونه موردی، برداشت میدانی و بررسی شد. سه محله شاه ابوالقاسم، سهل بن علی و وقت الساعت که از محلات قدیمی و درونی بافت تاریخی شهر یزد بوده و دارای بناهای باارزش، و از لحاظ تاریخی و استراتژیک حائز اهمیت می‌باشند، در گذرهای اصلی و میدان‌ها و ورودی‌ها، ویژگی‌های هندسی پوسته‌هایشان از قبیل طول، عرض، ارتفاع در ۱۴۳ پلاک مورد برداشت، بررسی و ارزیابی قرار گرفتند و با مقایسه و تحلیل نتایج بدست آمده، تناسب هندسی حاکم بر پوسته‌ها در این اقلیم،

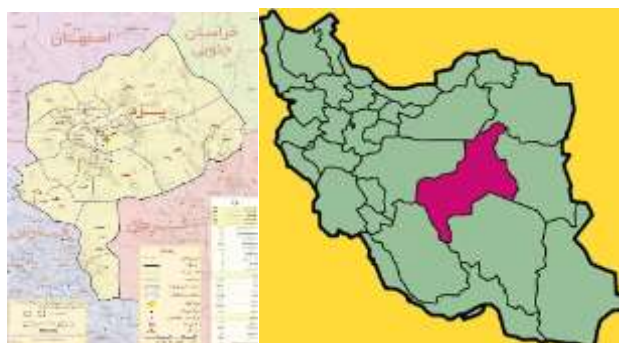
بدست آمدند. ابزار گردآوری داده‌ها عبارت بودند از : فیش یادداشت برداری، جداول طراحی شده جهت ثبت برداشت‌ها، نقشه‌های دقیق محلات که از میراث فرهنگی شهر یزد تهیه شده بود و گذرها و پلاک‌ها بر روی آن شماره گذاری و مشخص شده بودند، اسکیس‌های نماها که با لوازم اندازه‌گیری برداشت شده و پس از انطباق با عکس‌هایی که توسط دوربین عکاسی گرفته شد، بطور دقیق در جداول ترسیم گردیدند و سپس پلاک‌ها در هر گذر کنار هم به ترتیب ترسیم شدند و بدنه‌ها را بطور دقیق نمایش دادند و در ادامه با بررسی و مقایسه و تحلیل بدنه‌های به دست آمده در گذرها، میدان‌ها و ورودی‌ها، تناسبات غالب هندسی پوسته‌ها در محلات این شهر و اقلیم بدست آمد. جدول ۱، روش تجزیه و تحلیل داده‌ها را در پژوهش حاضر بیان می‌نماید. ویژگی‌ها و نتایج حاصل از تحلیل‌ها می‌تواند قابلیت تعمیم در اقلیم مشابه را داشته باشد، به عبارت دیگر تحقیق موردی از اعتبار بیرونی بهره‌مند باشد.

جدول ۱. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر

تجزیه و تحلیل داده‌ها			
گام اول	روش آماری توصیفی از داده‌های کمی		ترسیم نمودار
	پروژه		ترسیم جداول
	بهره‌گیری از راهبرد استدلال منطقی		تبیین چهارچوب‌های کاربردی پژوهش
گام دوم	تفسیر نهایی یافته‌ها		

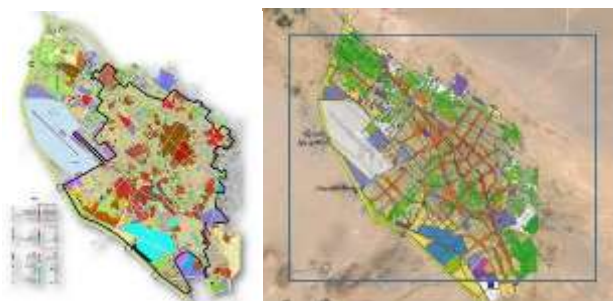
۳.۲. قلمرو جغرافیایی پژوهش

منطقه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، شهر یزد در استان یزد است. این شهر در مشرق اصفهان و در جنوب کویر لوت در مرکز ایران قرار گرفته است. سه طرف شرق و جنوب و شمال آن را کوه‌های اطراف احاطه کرده و از ضلع غربی باز است. قرار گرفتن در بخش مرکزی فلات ایران در برگزیده نامناسب‌ترین عوامل طبیعی چیره بر فلات مرکزی ایران است. بارش اندک همراه با تبخیر شدید، دور بودن از دریا، نزدیکی با کویر خشک و پهناور نمک، رطوبت نسبی کم همراه با گرمای بسیار، نوسان شدید درجه حرارت، از عواملی هستند، که یزد را به گونه یکی از خشک‌ترین مناطق ایران درآورده است (ویکی پدیا، ۱۳۹۹). در شکل ۱، موقعیت استان یزد در مرکز ایران و شهرهای این استان در اطراف شهر یزد نشان داده شده است.

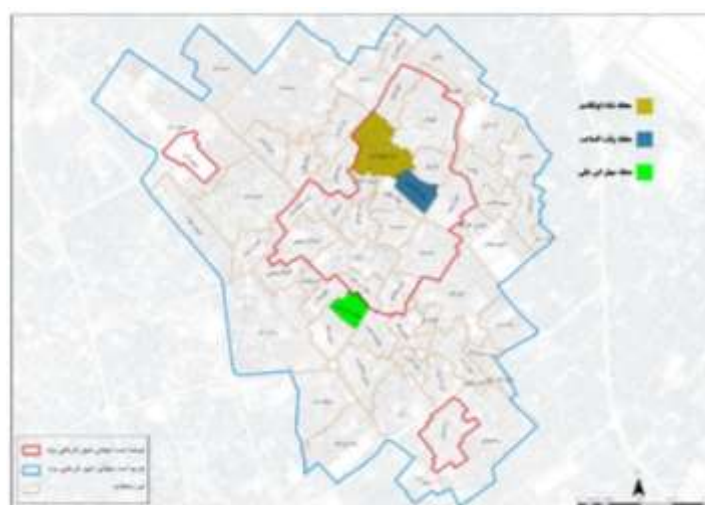


شکل ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه در کشور

این شهر با قدمت تاریخی خود و معماری شاخص بومی، در دوره‌های مختلف تحولات متعددی را به خود دیده و بر این اساس به سه بخش تقسیم گردیده است: ۱- بخش تاریخی شهر، شامل بخش قدیمی و درونی، مربوط به پیش از قرن نهم هجری قمری که از لحاظ کالبدی ترکیبی فشرده دارد. ۲- بخش تاریخی شهر، شامل بخش میانی که مجموعه شهر را تا استقرار حکومت پهلوی در سال ۱۲۹۹ نشان می‌دهد که از لحاظ کالبدی ترکیبی نسبتاً باز دارد. ۳- بخش‌های جدید و بیرونی از دیوارهای تاریخی شهر که گسترش آن در ۵۷-۱۳۴۷ سرعت گرفت و در دوران انقلاب اسلامی بر سرعت آن افزوده شد و از لحاظ کالبدی ترکیبی گوناگون دارد (توسلی، ۱۳۹۱، ص ۵۳). در این پژوهش بخش قدیمی و درونی تاریخی شهر به دلیل ارزش‌های فضایی و معماری بومی شاخص آن، انتخاب گردیده است. بافت تاریخی یزد با ۴۳ محله، به ثبت یونسکو رسیده است (نیلسن، اچ. جی، ۱۳۹۵، ص ۷۶)، از آن‌ها، سه محله به دلیل داشتن ویژگی‌های ارزشمند متفاوت و تاثیرگذاری آن‌ها در شکل‌دهی بافت قدیم شهر یزد و نیز دارا بودن گذر و میدان و بناهای با ارزش تاریخی انتخاب شده و مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند. در شکل ۲، مناطق هشت گانه شهر یزد به همراه طرح جامع آن در بخش‌های تاریخی و جدید آورده شده و در شکل ۳، عرصه و حریم و سه بخش مختلف شهر و موقعیت محله‌های مورد بررسی این پژوهش، نشان داده شده است.



شکل ۲. طرح جامع و مناطق شهر یزد



شکل ۳. عرصه و حریم بافت تاریخی شهر یزد و موقعیت سه محله مورد بررسی پژوهش

۳. یافته‌ها

یافته‌های حاصل از بررسی نمونه‌ها نشان می‌دهد که در پوسته‌های فضای باز محلات شهر یزد، به عنوان یکی از بهترین نمونه‌های معماری اقلیم گرم و خشک ایران، تناسباتی در جهت همسازی با اقلیم حاکم است. طبق آنچه در روش پژوهش گفته شد، پس از انتخاب شهر یزد به عنوان قلمرو پژوهش، سه محله شاه ابوالقاسم، سهل بن علی، وقت الساعت در بافت تاریخی آن که دارای ارزش استراتژیک و بناهای بارزش همساز با اقلیم بودند، انتخاب گردیدند و پوسته‌های گذرها و میدان‌های اصلی و ورودی‌های آن‌ها مطابق شکل‌های ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ برداشت شدند و پس از عکاسی، اندازه‌گیری، ترسیم اسکیس‌ها بر مبنای اطلاعات بدست آمده، پوسته هر گذر یا میدان در هر جبهه ترسیم دقیق گردید. در این بخش روی نقشه هر یک از محلات با پلاک‌های ثبت یونسکو شده که از سازمان میراث فرهنگی یزد گرفته شده بود، پلاک‌های برداشت شده در گذرها و ورودی‌ها، مشخص گردید و تصاویر عکاسی شده این پلاک‌ها در کنار آن‌ها آورده شد. سپس پوسته گذرها و میدان‌ها در تمامی جهات بر اساس برداشت‌ها ترسیم شده و همراه موارد مذکور آورده شد. شایان ذکر است که کلیه اشکال و ترسیم‌های این بخش توسط پژوهشگر انجام گردیده است. ویژگی‌های هندسی هر بدنه از جمله طول، عرض و ارتفاع در کلیه پلاک‌ها برداشت و در جداول متعددی یادداشت شدند که پس از جمع‌بندی و مقایسه آن‌ها به نتایج رسید که در جدول ۱، ۲ و ۳ این بخش بطور موجز آورده شده است. پس از تحلیل این نتایج تناسبات پوسته‌ها در میدان‌ها و گذرها مطابق جدول ۴ و ۵ بدست آمد که در جدول ۶ مورد قیاس با یکدیگر قرار گرفته که نتایج آن‌ها در ادامه در بخش تحلیل‌ها به صورت نسبت‌ها و روابط آورده شدند. با توجه به این‌که معماری گذشته ما دارای تناسباتی پاسخگو به اقلیم منطقه خود بوده است، با بررسی که در ویژگی‌های پوسته‌های این اقلیم انجام شد و در این پژوهش نیز آورده شد، این مهم بیشتر اثبات گردید و نسبت‌هایی بدست آمد که با به کار بستن آن‌ها در پوسته‌ها، در معماری

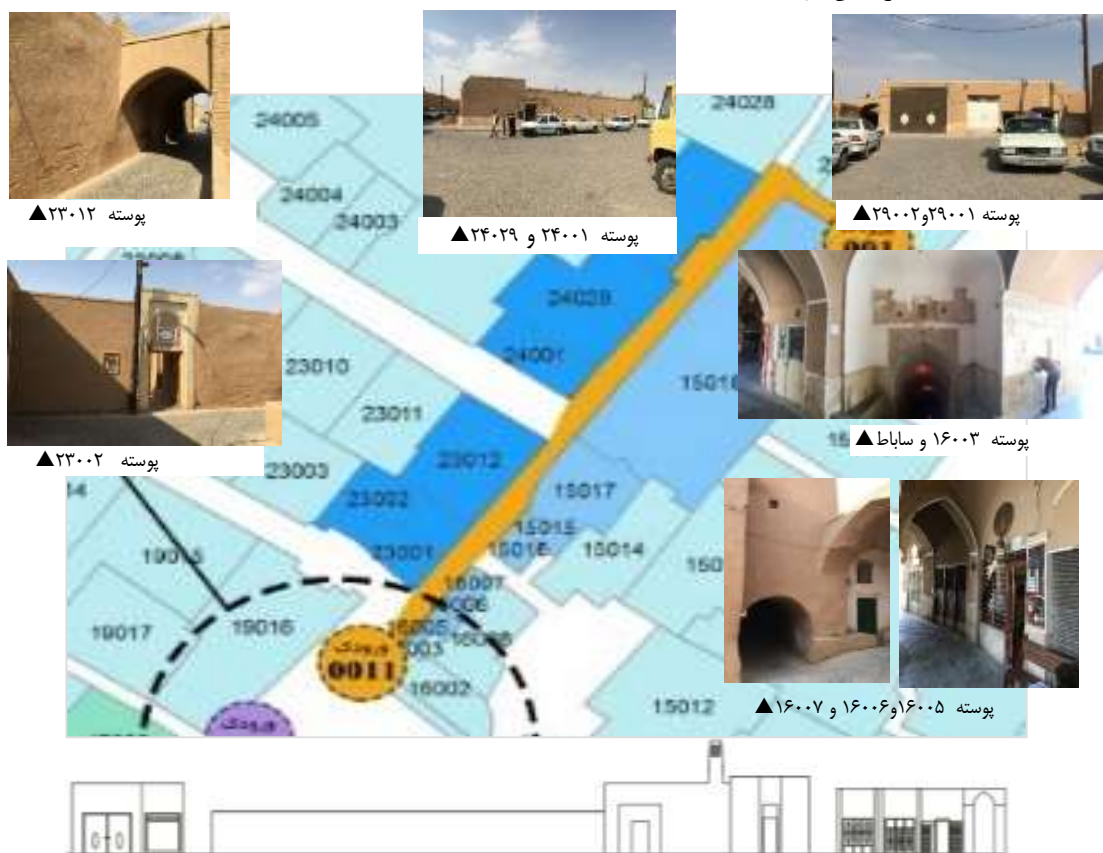
معاصر نیز می‌توان به مدیریتی اقلیمی رسید. در ادامه در بخش‌های بعدی این پژوهش نتایج قابل توجهی در خصوص روابط بین ویژگی‌های پوستهای به دست آمد که بر اساس الگوهای پوستهای محلات پژوهش مطابق جدول ۷، ۸، ۹ و ۱۰ و نیز یافته‌های این بخش، به فرمول‌هایی دست یافتیم که کاملاً بدیع بوده و برای دستیابی به مدیریت اقلیمی دستاوردی قابل ملاحظه محسوب می‌شود.

الف) نمونه‌های محله شاه ابوالقاسم

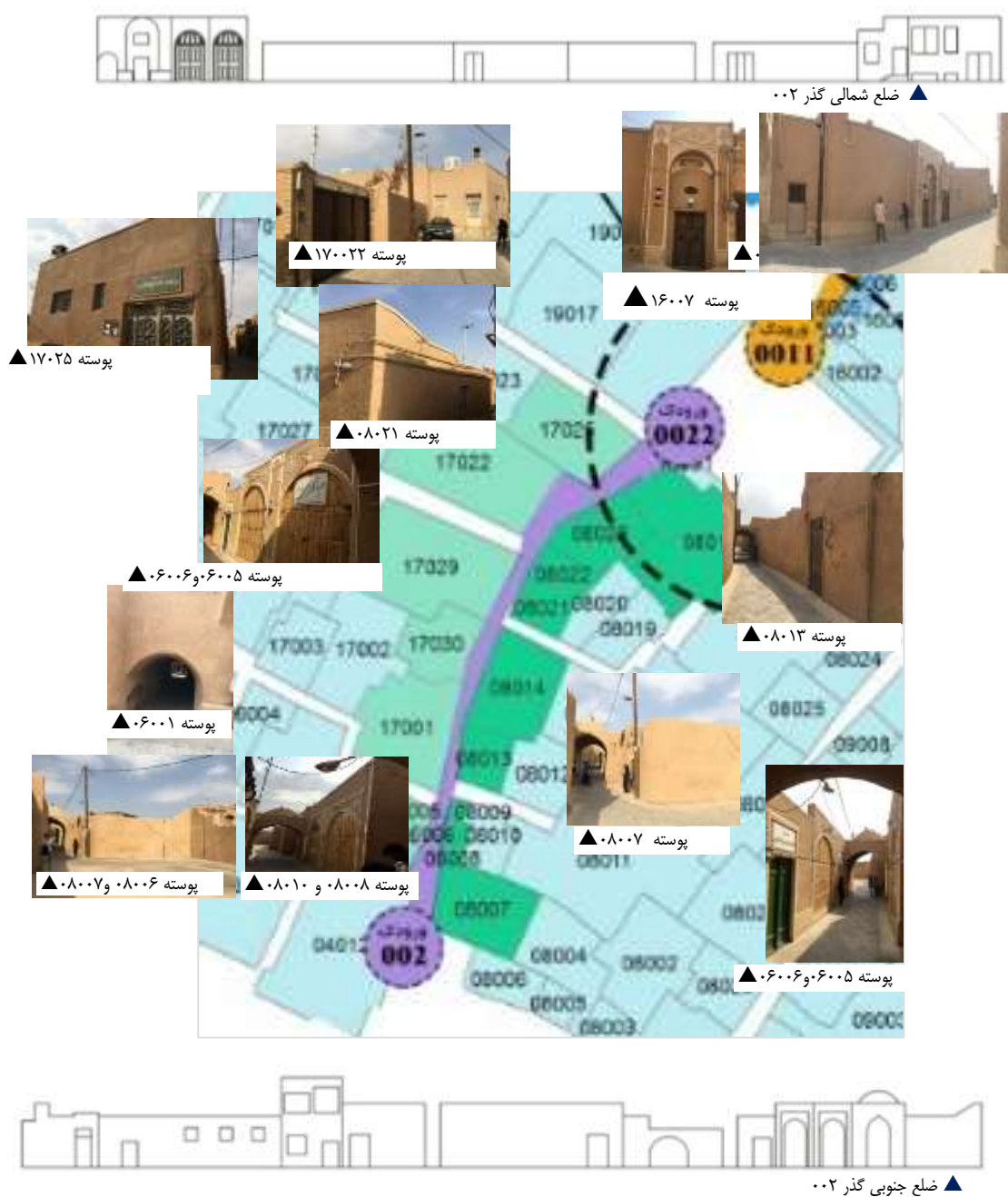
در این محله، میدان و دو گذر اصلی منتهی به میدان انتخاب شدند. حسینه شاه ابوالقاسم دورتادور میدان را دربرگرفته، و گذر ۰۰۱، شامل ۱۶ پلاک، ۱۲ تا کاربری مسکونی، یکی آب انبار و ۳ مخروبه، و گذر ۰۰۲، شامل ۱۹ پلاک، ۱۶ تا کاربری مسکونی، ۲ تا تجاری، یک بقعه بوده، که همگی مورد برداشت و ترسیم مطابق شکل ۵، ۶ و ۷ قرار گرفتند که پس از بررسی و ارزیابی نتایج آنها، تناسب پوستهای این محله در جدول ۱ آورده شده است.



شکل ۴. موقعیت میدان، گذرها و ورودی‌های اصلی برداشت شده محله شاه ابوالقاسم یزد



شکل ۶. پوسته‌های گذر ۰۰۱ محله شاه ابوالقاسم یزد



شکل ۷. پوسه‌های گذر ۰۰۲ محله شاه ابوالقاسم یزد

جدول ۲. جمع‌بندی وضعیت تناسبات پوسته‌های محله شاه ابوالقاسم یزد

متوسط ارتفاع بدنه‌های میدان (متر)	متوسط عرض بدنه‌های میدان (متر)	متوسط ارتفاع بدنه‌های ورودی محله (متر)	متوسط عرض بدنه‌های ورودی محله (متر)	متوسط ارتفاع بدنه گذر ۰۰۱ (متر)	متوسط عرض قطعات گذر ۰۰۱ (متر)	متوسط ارتفاع بدنه گذر ۰۰۲ (متر)	متوسط عرض قطعات گذر ۰۰۲ (متر)
۷	۲۳	۴/۱۶	۲/۴۶	۵	۶	۵	۸
مینیم = ۵/۵ ماکزیم = ۱۰	مینیم = ۲۲ ماکزیم = ۲۵	مینیم = ۳/۵۱ ماکزیم = ۵	مینیم = ۱/۷۴ ماکزیم = ۳/۱۸				

ب) نمونه‌های محله سهل بن علی

در این محله، دو گذر که این محله را به خیابان اصلی و پارکینگ‌ها متصل نموده و شامل بناهای شاخص بودند، انتخاب شدند. گذر ۰۰۱ شامل ۲۰ پلاک، ۱۵ تا کاربری مسکونی، خانه شیخ صدوقی، خانه پیرنیا، دانشگاه هنر یزد، کتابخانه دانشگاه، و بنای امام زاده سهل بن علی، و گذر ۰۰۲ شامل ۲۰ پلاک، ۱۸ تا کاربری مسکونی، مسجد سهل بن علی و یک مخروبه، که همگی مورد برداشت و ترسیم مطابق شکل ۸، ۹ و ۱۰ قرار گرفتند که پس از بررسی و ارزیابی نتایج آن‌ها، تناسبات پوسته‌های این محله در جدول ۲ آورده شده است.



▲ ضلع شمالی گذر ۰۰۱



▲ پوسه ۰۵۰۵



▲ پوسه ۰۴۰۲ خانه پیرنیا



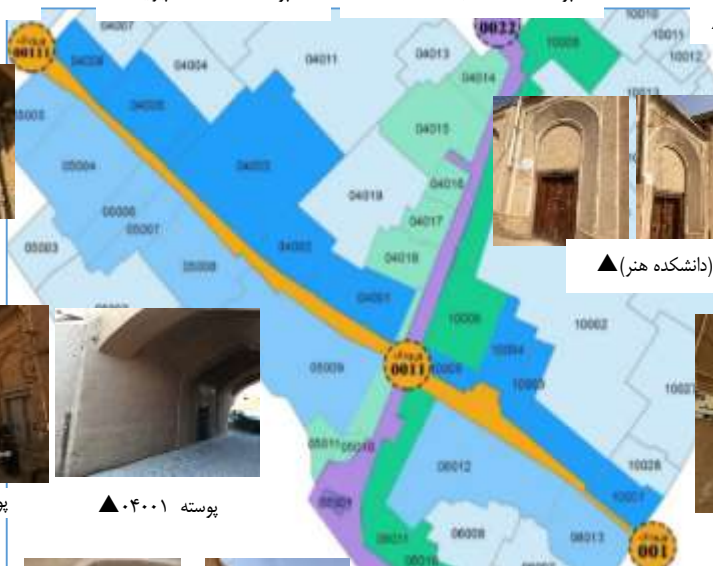
▲ پوسه ۰۴۰۴ کتابخانه دانشکده



▲ پوسه ۱۰۰۲ و ۱۰۰۳



▲ پوسه ۱۰۰۰۱



▲ پوسه ۰۴۰۳ خانه لاریها (دانشکده هنر)



▲ پوسه ۰۵۰۷



▲ پوسه ۰۴۰۱



▲ پوسه ۰۶۰۱۲ و ۰۶۰۱۳



▲ پوسه ۰۵۰۹ خانه صدوقی



▲ پوسه ۰۶۰۱۲

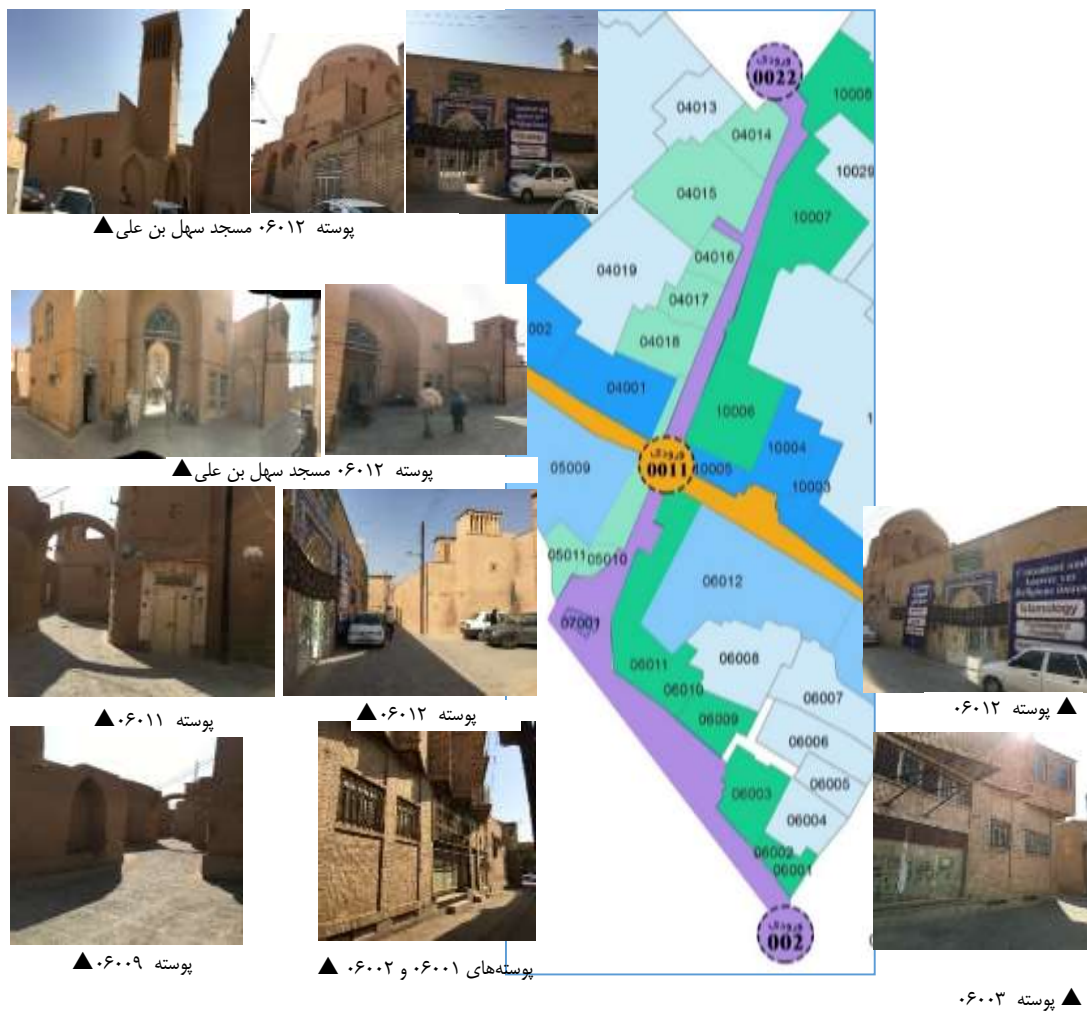


▲ ضلع جنوبی گذر ۰۰۱

شکل ۹. پوسه‌های گذر ۰۰۱ محله سهل بن علی یزد



▲ ضلع شرقی گذر ۰۰۲



▲ ضلع غربی گذر ۰۰۲

شکل ۱۰. پوسه‌های گذر ۰۰۲ محله سهل بن علی یزد

جدول ۳. جمع‌بندی وضعیت تناسبات پوسته‌های محله سهل بن علی یزد

متوسط عرض قطعات گذر ۰۰۲ (متر)	متوسط ارتفاع بدنه گذر ۰۰۲ (متر)	متوسط عرض قطعات گذر ۰۰۱ (متر)	متوسط ارتفاع بدنه گذر ۰۰۱ (متر)	متوسط عرض بدنه‌های ورودی محله (متر)	متوسط ارتفاع بدنه‌های ورودی محله (متر)
۲۱/۵	۵	۱۷/۵	۵/۸	۳ مینیمم=۱/۷ ماکزیمم=۴/۷	۵/۴۰ مینیمم=۳/۲۰ ماکزیمم=۷

پ) نمونه‌های محله وقت الساعت

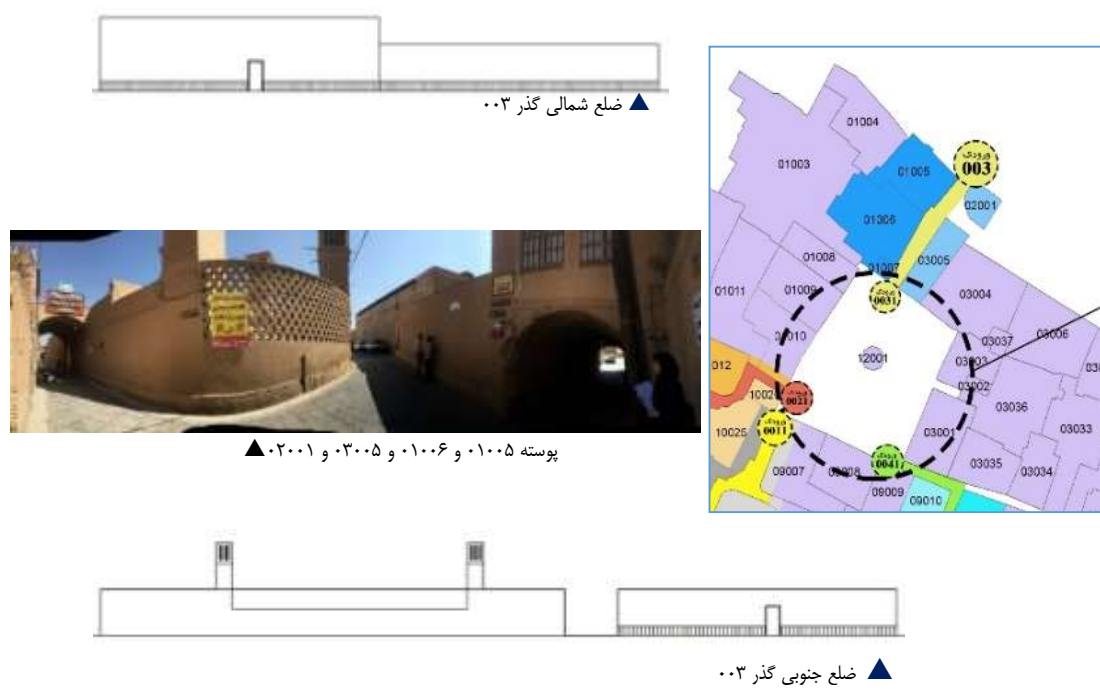
میدان و ۴ گذر منتهی به آن در این محله انتخاب شدند، ۴ بدنه میدان با ۱۲ پلاک، شامل ۷ بنا با کاربری مسکونی، ۳ بنا کاربری مهمانسرا، یک رستوران و بقعه سید رکن الدین بوده، گذر ۰۰۱ که از بلوار منتهی به مسجد جامع یزد آغاز می‌گردد، شامل ۱۲ پلاک، ۱۰ تا کاربری مسکونی، یک هتل و بقعه سید رکن الدین، گذر ۰۰۲ که از سمت بازار آغاز می‌شد، شامل ۱۱ پلاک همه مسکونی، گذر ۰۰۳ که از حدفاصل دو محله شاه ابوالقاسم و وقت الساعت آغاز می‌شد، شامل ۴ پلاک مسکونی که در زیر ساباط قرار داشته، و گذر ۰۰۴ شامل ۲۵ پلاک که ۱۸ تا کاربری مسکونی، یک هتل، ۲ تا کافه، یک رستوران و ۳ تا پلاک مخروبه بودند که همگی مورد برداشت و ترسیم مطابق شکل ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ قرار گرفتند که پس از بررسی و ارزیابی نتایج آن‌ها، تناسبات پوسته‌های این محله در جدول ۳ آورده شده است.



شکل ۱۱. میدان، گذرها و ورودی‌های اصلی برداشت شده محله وقت الساعت یزد



شکل ۱۲. پوستهای میدان وقت الساعت یزد



شکل ۱۴. پوسته‌های گذر ۰۰۳ محله وقت الساعت یزد



▲ ضلع شمالی گذر ۰۰۲



▲ پسته ۰۱۰۰۱



▲ پسته ۰۱۰۱۳



▲ پسته ۰۱۰۰۱ و ۰۱۰۱۳



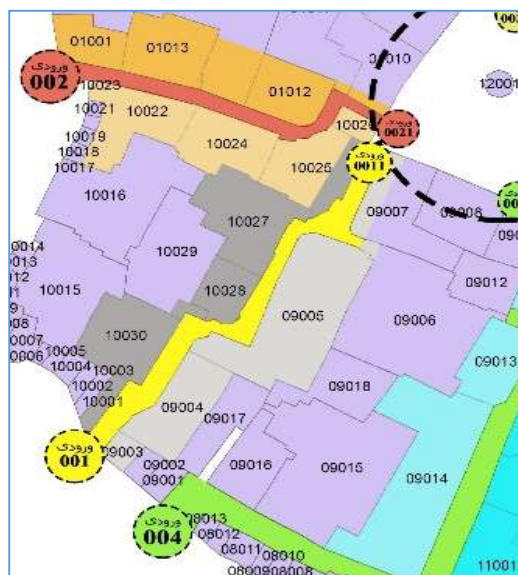
▲ پسته ۰۱۰۱۲



▲ پسته ۱۰۰۵



▲ پسته ۱۰۰۵



▲ پسته ۱۰۰۲



▲ پسته ۱۰۰۲۴



▲ ضلع جنوبی گذر ۰۰۲

شکل ۱۵. پسته‌های گذر ۰۰۲ محله وقت الساعت یزد



▲ ضلع شمالی گذر ۰۰۴



▲ پوسته ۰۸۰۱۳

▲ پوسته ۰۸۰۱۲



▲ پوسته ۰۸۰۰۴ رستوران فوکا



▲ پوسته ۰۸۰۰۷



▲ پوسته ۰۸۰۱۴



▲ پوسته ۱۱۰۰۲ هتل سیلک رود



▲ پوسته ۱۱۰۰۱



▲ پوسته ۰۸۰۱۵



▲ پوسته ۰۸۰۰۴ و ۰۸۰۱۴ و ۰۸۰۰۹ و ۰۸۰۰۸ و ۰۸۰۰۷ و ۰۸۰۰۶



▲ ضلع جنوبی گذر ۰۰۴



شکل ۱۶. پوسته‌های گذر ۰۰۴ محله وقت الساعت یزد

جدول ۴. جمع‌بندی وضعیت تناسبات پوسته‌های محله وقت ساعت یزد

متوسط عرض بدنه‌های میدان (متر)	متوسط عرض بدنه‌های ورودی محله (متر)	متوسط عرض بدنه‌های گذر ۰۰۱ (متر)	متوسط عرض بدنه‌های گذر ۰۰۲ (متر)	متوسط عرض بدنه‌های گذر ۰۰۳ (متر)	متوسط عرض بدنه‌های گذر ۰۰۴ (متر)	متوسط عرض بدنه‌های گذر ۰۰۵ (متر)	متوسط عرض بدنه‌های گذر ۰۰۶ (متر)	متوسط عرض بدنه‌های گذر ۰۰۷ (متر)	متوسط عرض بدنه‌های گذر ۰۰۸ (متر)	متوسط عرض بدنه‌های گذر ۰۰۹ (متر)	متوسط عرض بدنه‌های گذر ۰۰۱۰ (متر)
۵/۲۰	۴۱	۵/۶۵	۳/۶۰	۴/۸۴	۱۷/۴	۴/۷۲	۱۲/۳	۴/۵	۲۴/۵	۵	۱۲
مینیمم = ۲۰/۲ ماکزیمم = ۷	مینیمم = ۳۶۱ ماکزیمم = ۴۸	مینیمم = ۳ ماکزیمم = ۷	مینیمم = ۲ ماکزیمم = ۶/۵۱								

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

جدول ۵. تناسبات در پوسته میدان محلات یزد

حداقل ارتفاع (متر)	حداکثر ارتفاع (متر)	متوسط ارتفاع (متر)	حداقل عرض (متر)	حداکثر عرض (متر)	متوسط عرض (متر)	نسبت ارتفاع به عرض بدنه (متر)
۲/۲۰	۱۰	۶/۱۰	۲۲	۴۸	۳۵	۱ به ۵/۷

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

جدول ۶. تناسبات در پوسته گذرهای محلات یزد

حداقل ارتفاع (متر)	حداکثر ارتفاع (متر)	متوسط ارتفاع (متر)	حداقل عرض (متر)	حداکثر عرض (متر)	متوسط عرض (متر)	نسبت ارتفاع به عرض بدنه (متر)
۳	۱۲	۴/۷۰	۴۲	۳۲۵/۲	۱۸۳/۶	۱ به ۳۹

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

جدول ۷. مقایسه تناسبات حاکم بر پوسته‌های میدان و گذرهای محلات یزد

پوسته مورد مقایسه	حداقل ارتفاع (متر)	حداکثر ارتفاع (متر)	متوسط ارتفاع (متر)	حداقل عرض (متر)	حداکثر عرض (متر)	متوسط عرض (متر)	نسبت ارتفاع به عرض بدنه (متر)
میدان‌ها	۲/۲۰	۱۰	۶/۱۰	۲۲	۴۸	۳۵	۱ به ۵/۷
گذرها	۳	۱۲	۴/۷۰	۴۲	۳۲۵/۲	۱۸۳/۶	۱ به ۳۹
جمع‌بندی	درمیدان کمتر از گذر	درمیدان کمتر از گذر	در گذر کمتر از میدان	درمیدان کمتر از گذر	درمیدان کمتر از گذر	در گذر بیشتر از میدان	عرض بدنه در میدان حدود ۶ برابر و در گذر ۳۹ برابر ارتفاع

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

ت) تحلیل حاصل از مقایسه تناسبات حاکم بر پوسته‌های میدان، ورودی و گذرهای محلات یزد با بررسی و مقایسه نتایج حاصل از یافته‌ها در بخش قبلی مطابق جداول ۴، ۵ و ۶، و تحلیل آن‌ها نتایج و تناسبات به شرح زیر حاصل گردید:

حداقل و حداکثر ارتفاع پوسته در گذرها بیشتر از میدان‌ها و با نسبت به ترتیب ۱/۳۶ برابر و ۱/۲ برابر می‌باشد.
متوسط ارتفاع پوسته در میدان‌ها بیشتر از گذرها و با نسبت ۱/۳ برابر می‌باشد.
حداقل و حداکثر عرض پوسته در گذرها بیشتر از میدان‌ها و با نسبت به ترتیب ۱/۹ برابر و ۶/۷ برابر می‌باشد.
متوسط عرض پوسته در گذرها بیشتر از میدان‌ها و با نسبت ۵/۲۴ برابر می‌باشد.
نسبت ارتفاع به عرض پوسته در میدان‌ها ۱ به ۵/۷ و در گذرها ۱ به ۳۹ می‌باشد، عرض پوسته در میدان‌ها حدود ۶ برابر و در گذر ۳۹ برابر ارتفاع می‌باشد.

ث) نسبت‌ها و روابط بدست آمده از تحلیل‌ها که به نظر می‌رسد بر پوسته‌ها حاکم است، به شرح زیر می‌باشد:
متوسط ارتفاع پوسته در میدان محله < متوسط ارتفاع پوسته در گذر و ورودی محلات مورد بررسی پژوهش

$$\frac{1}{2} = \frac{\text{متوسط ارتفاع پوسته میدان محله}}{\text{متوسط ارتفاع پوسته ورودی محله}}$$

$$\frac{1}{3} = \frac{\text{متوسط ارتفاع پوسته میدان محله}}{\text{متوسط ارتفاع پوسته گذر محله}}$$

$$\frac{2}{3} = \frac{\text{متوسط عرض پوسته در میدان‌ها}}{\text{متوسط عرض پوسته در گذرها}}$$

$$12 = \frac{\text{متوسط عرض پوسته در میدان‌ها}}{\text{متوسط عرض پوسته در ورودی‌ها}}$$

$$\frac{5}{2} = \frac{\text{متوسط عرض پوسته در گذرها}}{\text{متوسط عرض پوسته در میدان‌ها}}$$

حداقل و حداکثر ارتفاع پوسته در گذر محله < حداقل و حداکثر ارتفاع پوسته در میدان محله

$$\frac{1}{3} = \frac{\text{حداقل ارتفاع پوسته گذر}}{\text{حداقل ارتفاع پوسته میدان}}$$

$$\frac{1}{2} = \frac{\text{حداکثر ارتفاع پوسته گذر}}{\text{حداکثر ارتفاع پوسته میدان}}$$

حداقل و حداکثر عرض پوسته در گذر محله < حداقل و حداکثر عرض پوسته در میدان محله

$$\frac{1}{9} = \frac{\text{حداقل عرض پوسته گذر}}{\text{حداقل عرض پوسته میدان}}$$

$$\frac{\text{حداکثر عرض پوستانه گذر}}{\text{حداکثر عرض پوستانه میدان}} = \frac{6}{5} = \frac{6}{5}$$

$$\frac{\text{ارتفاع پوستانه میدان}}{\text{عرض پوستانه میدان}} = \frac{1}{5/7} \quad (\text{نسبت ارتفاع به عرض پوستانه در میدان ۱ به ۵/۷ است.})$$

$$\frac{\text{ارتفاع پوستانه گذر}}{\text{عرض پوستانه گذر}} = \frac{1}{39} \quad (\text{نسبت ارتفاع به عرض پوستانه در گذرها ۱ به ۳۹ است.})$$

عرض پوستانه در میدان = ۶ × ارتفاع پوستانه (عرض پوستانه ۶ برابر ارتفاع در میدان)

عرض پوستانه در گذر = ۳۹ × ارتفاع پوستانه (عرض پوستانه ۳۹ برابر ارتفاع در گذر)

$$\frac{\text{عرض گذر}}{\text{ارتفاع بدنه گذر}} = \frac{1}{4}$$

مدیریت اقلیمی محلات شهری، حوزه‌های متعددی از جمله معماری، طراحی شهری، برنامه‌ریزی شهری و ... را دربر می‌گیرد و مدیریت فضاهای باز محلات می‌تواند به عنوان بخشی از آن راهگشا باشد. تا جایی که به فضاهای باز محلات مربوط می‌شود در دوره‌های اخیر مدیریت شهری، در خصوص مکان و ابعاد بازشوها و ارتفاع پوستانه نما تصمیماتی اتخاذ شده است که بر اساس پژوهش‌های پیشین، بوده اما در خصوص تناسبات و روابط بین اجزاء پوستانه‌ها، ضوابط و الگویی وجود نداشته و تصمیمات مدیریتی حاکم نبوده است. این کاستی یکی از دلایل انجام پژوهش حاضر می‌باشد. با کنکاش در معماری گذشته ایران کاملاً مشهود است که در کلیه پوستانه‌ها از گذرها، میادین و ورودی محلات، این روابط و نسبت‌ها حاکم بوده و به لحاظ اقلیمی پوستانه‌ها کاملاً پاسخگوی شرایط بوده‌اند. با این شواهد، شهر یزد با اقلیم گرم و خشک بعنوان یکی از بهترین الگوهای مورد بررسی و ارزیابی با گواه صاحب‌نظران این حوزه، به عنوان نمونه این پژوهش انتخاب گردید. بخش تاریخی شهر یزد که الگویی کاملاً بومی دارد هدایت‌کننده پژوهش جهت دستیابی به نسبت‌های موثر در طراحی اقلیمی پوستانه‌ها بود که در محلات اصلی این شهر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و از استدلال قیاسی و منطقی یافته‌ها، نتایج مورد نظر حاصل گردید که در نهایت به الگوهایی جهت استفاده و تعمیم در معماری اقلیمی ایران منتهی شد. با توجه به این که شناخت ویژگی‌های موثر در طراحی اقلیمی پوستانه‌ها، تحلیل‌ها و ترسیم‌های انجام شده، خاص پژوهش حاضر می‌باشد، نتایج حاصله نیز کاملاً بدیع بوده و قبلاً در پژوهشی به این شکل و تفسیر آورده نشده است.

قابل ذکر است که در مقایسه با سایر پژوهش‌ها، نتایج پژوهش حاضر ویژه اقلیم غالب ایران است در حالیکه نتایج به دست آمده در پژوهش‌های خارجی حاکی از وجود روابط و الگوهای اقلیمی در پوستانه‌های شهری است که با توجه به تنوع اقلیمی و ویژگی‌های متفاوت آب و هوایی که در نقاط مختلف دنیا وجود دارد، نتایج آن‌ها برای

ما قابل تعمیم نیست. اکثر نویسندگان توافق دارند که بهره‌گیری از ویژگی‌های اقلیمی برای دستیابی به مدیریتی واحد و همساز با اقلیم ضروری است (ژوان^۱، ۲۰۱۲؛ کورنیکو^۲، ۲۰۱۵؛ آلباتاینه^۳، ۲۰۱۶؛ فلیکس^۴، ۲۰۱۷) و می‌تواند در جهت توسعه پایدار گامی موثر باشد. داده‌ها و ویژگی‌های اولیه این پژوهش که بر اساس آن، بررسی‌ها و ارزیابی‌ها صورت پذیرفت، با مطالعات خاک زند، محمدی، جم و آقابزرگی در سال ۱۳۹۳، مبنی بر شناسایی عوامل زیست محیطی موثر بر پوسته‌های محلات شهری و با مطالعات مفیدی و مضطرزاده در سال ۱۳۹۴ مبنی بر ارزیابی معیارهای کالبدی پایداری محلات شهری در اقلیم گرم و خشک مطابقت دارد اما بررسی این داده‌ها و ویژگی‌ها بطور گرافیکی و تحلیل و حصول یافته‌ها در قالب نسبت‌ها و روابط حاکم بین اجزاء پوسته‌ها و الگوهای حاصل از آن‌ها، ویژه این پژوهش است، لذا جنبه نوآوری این پژوهش نه تنها در حصول نتایج بلکه در روند بررسی و ارزیابی با ترسیم پوسته‌ها در کلیه گذرها و میدان‌ها، و تحلیل آن‌ها می‌باشد. از جمله امتیازات این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌ها، دستیابی به فرمول‌ها، نسبت‌ها و الگوهای تعمیم پذیر در اقلیم گرم و خشک ایران است.

۴. بحث

بطور کلی نسبت‌ها و روابطی که از تحلیل ویژگی‌های برداشت شده از گذرها و میدان‌های سه محله منتخب یزد، به دست آمد، در سه مشخصه زیر قرار می‌گیرند:

متوسط ارتفاع پوسته در میدان محلات < متوسط ارتفاع پوسته در گذر و ورودی محلات

این مشخصه در واقع به دلیل اختلاف کاربردی گذر و میدان در محلات این شهر است، میدان‌ها معمولاً محل‌هایی ایستا و فضاهایی باز و گشاده برای برگزاری رویدادها، مراسم و گردهمایی‌های مذهبی و تاریخی و آئینی بوده و کاربری‌های اطراف آن‌ها نیز معمولاً عمومی در حداقل دو طبقه مانند هتل، مهمانسرا، بقعه، حسینیه و ... بودند، اما گذرها پویا و کم عرض و پیچ در پیچ بودند که محل رفت و آمد و صرفاً قرارگیری ورودی ساختمان‌های غالباً مسکونی بودند که با ارتفاع یک یا دو طبقه در کنار گذر قرار گرفته و سایه آن‌ها بر گذرها، باعث تعدیل دمای شدید این منطقه می‌شد.

حداقل و حداکثر ارتفاع پوسته در گذر محلات < حداقل و حداکثر ارتفاع پوسته در میدان محلات

این مشخصه نیز به دلیل یکنواختی کاربری در گذرها که غالباً مسکونی بودند، به نسبت میدان‌ها که کاربری‌های متنوع داشتند، حداقل و حداکثر ارتفاع پوسته گذرها بیشتر از میدان‌ها بود.

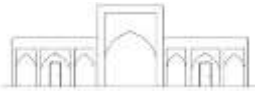
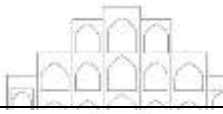
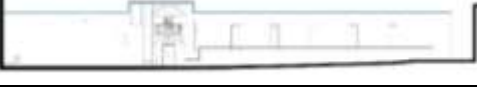
1. Zhun
2. Korniyenko
3. Albatayneh
4. Felix

حداقل و حداکثر عرض پوسته در گذر محلات < حداقل و حداکثر عرض پوسته در میدان محلات

در میدان‌های محلات کاربری‌ها متنوع با عرض دهانه‌های کم بودند تا بتوانند در کنار هم و دورتا دور فضای تجمع اصلی محله قرار گیرند، لذا در گذرها عرض پوسته پلاک‌ها بیشتر بودند.

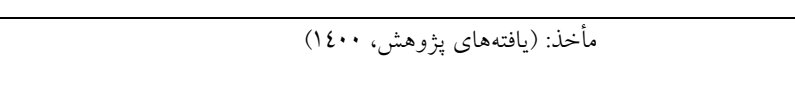
استدلال این پژوهش بر مبنای تناسبات و ویژگی‌های بدنه گذرها و میدان‌های بررسی شده محلات شهر یزد و الگوهایی که از پوسته‌های آن‌ها به دست آمده و در جداول ۷، ۸، ۹ و ۱۰ آورده شده است، شکل گرفته است که بر آن اساس ضرورت استفاده از الگوها و اصول معماری بومی در اقلیم گرم و خشک جهت دستیابی به مدیریت اقلیمی را کاملاً مشخص می‌نماید.

جدول ۸. الگوی بدنه‌های میدان محلات یزد

بدنه‌های میدان شاه ابوالقاسم	الگوی بدنه‌های میدان	بدنه‌های میدان وقت الساعت	الگوی بدنه‌های میدان
بدنه شمالی		بدنه شمال شرقی	
بدنه جنوبی		بدنه شمال غربی	
بدنه شرقی		بدنه جنوب شرقی	
بدنه غربی		بدنه جنوب غربی	

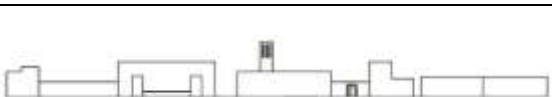
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

جدول ۹. الگوی بدنه گذرهای محله شاه ابوالقاسم یزد

بدنه‌های گذرها	الگوی بدنه‌های گذرهای ۰۰۱ و ۰۰۲
بدنه شمالی گذر ۰۰۱	
بدنه جنوبی گذر ۰۰۱	
بدنه شمالی گذر ۰۰۲	
بدنه جنوبی گذر ۰۰۲	

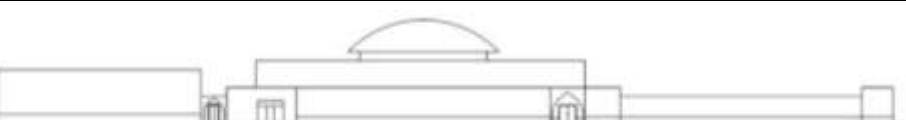
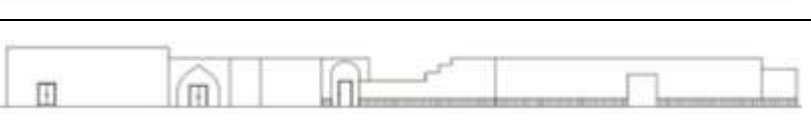
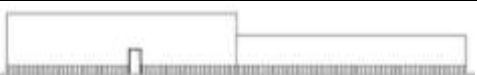
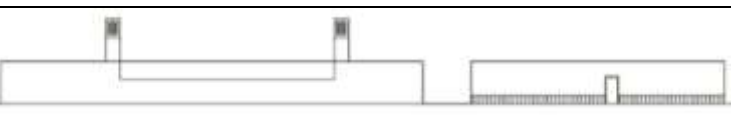
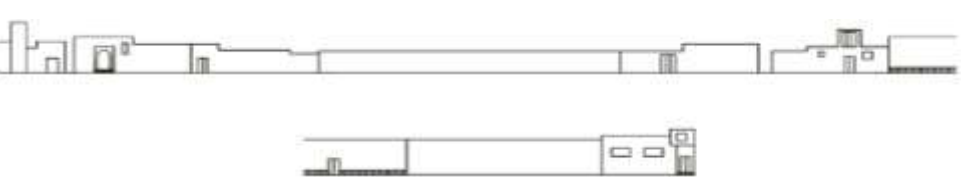
مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

جدول ۱۰. الگوی بدنه گذرهای محله سهل بن علی یزد

بدنه‌های گذرها	الگوی بدنه‌های گذرهای ۰۰۱ و ۰۰۲
بدنه شمالی گذر ۰۰۱	
بدنه جنوبی گذر ۰۰۱	
بدنه شرقی گذر ۰۰۲	
بدنه غربی گذر ۰۰۲	

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

جدول ۱۱. الگوی بدنه گذرهای محله وقت ساعت یزد

بدنه‌های گذرها	الگوی بدنه‌های گذرهای ۰۰۱، ۰۰۲، ۰۰۳ و ۰۰۴
بدنه شمالی گذر ۰۰۱	
بدنه جنوبی گذر ۰۰۱	
بدنه شمالی گذر ۰۰۲	
بدنه جنوبی گذر ۰۰۲	
بدنه شمالی گذر ۰۰۳	
بدنه جنوبی گذر ۰۰۳	
بدنه شمالی گذر ۰۰۴	

الگوی بدنه‌های گذرهای ۰۰۱، ۰۰۲، ۰۰۳ و ۰۰۴	بدنه‌های گذرها
	بدنه جنوبی گذر ۰۰۴

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

و همچنین حاصل یافته‌های پژوهش، فرمول‌هایی با نسبت‌های جالب توجه است که سه فرمول اصلی آن در این بخش به شکل زیر و مابقی در بخش یافته‌ها آورده شده است.

$ws = 5 sch$	Ws^1 : عرض میدان
$pch = 4 wp$	Wp^2 : عرض گذر
$pcw = 39 pch$	Pch^3 : ارتفاع پوسته گذر
$scw = 6 sch$	Pcw^4 : عرض پوسته گذر
	Sch^5 : ارتفاع پوسته میدان
	Scw^6 : عرض پوسته میدان

۵. نتیجه‌گیری

با کنترل تناسبات حاکم بر پوسته‌های فضاهای باز محلات شهر یزد، به عنوان یکی از بهترین الگوهای معماری همساز با اقلیم گرم و خشک ایران، و با توجه به ویژگی‌هایی که در روابط بین طول و عرض و ارتفاع پوسته‌ها، وجود دارد، تناسبات، روابط و فرمول‌هایی برای اقلیم گرم و خشک ایران در این پژوهش به دست آمد که قابل تعمیم برای شهرهایی با ویژگی اقلیمی مشابه، می‌باشد. مشابه این پژوهش قبلاً انجام نشده است و نتایج تحقیق حاضر بدیع است که در بخش یافته‌ها و بطور خلاصه در بخش بحث آورده شده است.

با مدنظر قرار دادن چنین الگوها و نسبت‌هایی که در معماری پوسته‌های محلات شهری ما در گذشته حاکم بوده و کاملاً موافق و همساز با اقلیم منطقه خود بوده است، شایسته است در معماری معاصر، از این ویژگی‌ها و الگوهای مانا استفاده گردد تا نسبت به شکل‌گیری رویکردی جدید در معماری متناسب با نوع اقلیم مورد نظر اقدام

1. Width square
2. Width passage
3. Passage cortex height
4. Passage cortex width
5. Square cortex height
6. Square cortex width

گردد. در انتها پیشنهاد می‌شود که تناسبات و الگوهای پوسته‌های فضای باز محلات اقلیم‌های دیگر کشورمان شامل: گرم و مرطوب، معتدل و مرطوب و سرد و خشک، در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرند تا الگوهایی مناسب آن اقلیم‌ها نیز بدست آید که شاید در راستای رفع مسائل و مشکلات معماری و شهرسازی امروز گامی موثر برداشته شود.

تقدیر و تشکر

نویسندگان مقاله بر خود شایسته می‌دانند از راهنمایی‌های ارزنده جناب آقای دکتر سید مسلم سیدالحسینی و جناب آقای دکتر محمدرضا نقصان محمدی قدردانی نمایند.

تضاد منافع

موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

کتاب‌نامه

۱. پاکزاد، ج.، و اسدی خوانساری، ح. (۱۳۹۷). *راهنمای طراحی فضای شهری*. تهران: انتشارات شهیدی.
۲. پوردیهیمی، ش. (۱۳۹۰). *زبان اقلیمی در طراحی محیطی پایدار*، جلد ۲، کاربرد اقلیم شناسی در برنامه ریزی و طراحی معماری. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳. توسلی، م. (۱۳۹۱). *ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
۴. حکمت نیا، ح.، و انصاری، ژ. (۱۳۹۱). *برنامه‌ریزی مسکن شهر میبد با رویکرد توسعه‌ی پایدار*. علمی پژوهشی، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۷۹، ۱۹۱-۲۰۷.
۵. دفتر مقررات ملی ایران. (۱۳۹۹). *مبحث ۱۹ مقررات ملی*. تهران: وزارت راه و شهرسازی.
۶. سفلیایی، ف.، شوهیان، م.، و مفیدی شمیرانی، س.م. (۱۳۹۵). *حیاط‌های سنتی ایرانی به عنوان اصلاح کننده اقلیم با در نظر گرفتن جهت، ابعاد و تناسبات*. *مرزهای پژوهش معماری*، ۲۳۸-۲۳۵.
۷. ضیابخش، ر.، شریفیان بار فروش، ش.ریا، و مفیدی-شمیرانی، م. (۱۳۹۳). *معیارهای شاکله بوم شهر دیدگاه نظریه‌پردازان*. علمی پژوهشی، *مجله باغ نظر*، ۱۱ (۳۱)، ۸۱-۷۳.
۸. کامیابی، س.، و احمدی، ر. (۱۳۹۲). *بررسی شاخص‌های آسایش حرارتی ساختمان در شهر مشهد*. کنفرانس ملی، معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار.
۹. مفیدی شمیرانی، س.م.، و مضطرزاده، ح. (۱۳۹۴). *ارزیابی معیارهای کالبدی پایداری در محله‌های شهری (با تکیه بر اقلیم گرم و خشک ایران)*. علمی پژوهشی، *مجله معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، ۱۵ (۴)، ۲۷۶-۲۶۱.
۱۰. نیلسن، اچ. جی. (۱۳۹۵). *تهویه طبیعی راهنمای طراحی اقلیمی مناطق گرم*. تهران: نشر خاک.

۱۱. هادیان پور، م.، مهدوی نژاد، م.ج.، بمانیان، م.ر.، حق شناس، م. (۱۳۹۳). ظرفیت‌سنجی به‌کارگیری پوسته‌های دوجداره در طراحی معماری اقلیم گرم و خشک ایران به منظور کاهش مصرف انرژی (نمونه موردی شهر یزد). علمی پژوهشی، مجله هنرهای زیبا، ۱۹(۵)، ۲۹-۳۸.

12. Albatayneh, A., Alterman, D., Page, A., & Moghtaderi, B. (2016). Assessment of the thermal performance of complete buildings using adaptive thermal comfort. Elsevier. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 216, 655 – 661.
13. Felix, M., & Elsamahy, E. (2017). The efficiency of using different outer wall construction materials to achieve thermal comfort various climatic zones. International conference of renewable energy. *Energy Procedia*, 115, 321-331.
14. Keshtkaran, P. (2011). Harmonization between climate and architecture in vernacular heritage (case study: Yazd, Iran). International Conference on Green Buildings and Sustainable Cities. Elsevier. *Procedia Engineer.*, 21.428-438.
15. Korniyenko, s. (2015). Evaluation of Thermal Performance of Residential Building Envelope. *Procedia Engineering*, 117, 191-196.
16. Leo Samue, D. G., Dharmasastha, K., Shiva Nagendra, S. M., & Prakash Maiya, M. (2017). Thermal comfort in traditional buildings composed of local and modern construction materials. *International sustainable environment Journal*, 6(2), 463-475.
17. Soflaei, F., Shouhian, M., & Mofidi Shemirani, S.M., (2016). Traditional Iranian courtyards as microclimate modifiers by considering orientation, dimensions, and proportions. *Frontiers of Architectural Research*.
18. Tabarsa, M. A., & Naseri, Y. (2017). The role of contextualism in architectural design of museums. *History Culture and Art Research Journal*, 6(1), 354-365.
19. Wikipedia, (2021). Yazd. <https://en.wikipedia.org/wiki/Yazd>.
20. Zhun, Yu. (2012). Mining Hidden Knowledge from Measured Data for Improving Building Energy Performance. PhD thesis, Concordia University.

Climatic Management of Open Spaces in Urban Areas by Controlling Skin Proportions

Reihaneh Mesgaran Kermani

PhD Candidate in Architecture, Department of Architecture, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Seyed Majid Mofidi Shemirani ¹

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran

Niloofer Nikghadam

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran

Received: 16 July 2021

Accepted: 04 December 2021

Abstract

Lack of attention of contemporary architecture and urban planning to the region's climate has caused many environmental problems. The purpose of this study was achieving the proportions governing the open space skins of urban areas that have unique characteristics in order to adapt to the climate of their region. Since more than 3.4 of Iran have arid climate, this study focused the issue. The old texture of Yazd is one of the best architectural models compatible with the arid climate of Iran, whose subtleties can give suitable instructions for contemporary architecture and urban designing. So, three areas of the historical context of Yazd were selected as case studies. This applied and descriptive-analytical research was carried out by the use of library resources and field survey. The method of research and analysis of data is a combination of qualitative and quantitative methods. First, the geometric properties of 143 plot skins were studied, by comparing and analyzing the results, proportions were obtained. The results showed that the average height of the skins in the squares was more than that in the passages and entrances; this ratio is 1.22 for the entrances and 1.35 for the passages. The average width of the skins is greater in the squares, followed by the passages and entrances, with ratios of about 2.3 and 12, respectively. The ratio of height to skin width is 1 to 5.7 in the squares and 1 to 39 in passages, skin width is about 6 times in the squares and 39 times in passages. The results showed the existence of ratios and relationships in skins that are affected by the climatic characteristics of the arid region of Iran and can be managed in open spaces of urban areas.

Keywords: Arid Climate, Climatic Management, Open Spaces in Urban Areas, Skin Proportions, Yazd

1. Corresponding author. Email: s_m_mofidi@iust.ac.ir

Designing a Conceptual Model of Green Human Resource Management

Mahdi Janali

PhD in Human Recourse Management, Islamic Azad University, Bojnord Branch, Bojnord, Iran

Azar Kafashpor¹

Professor, Management Department, Faculty of Economics and Administrative Sciences, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Amir Rahimpour

Assistant Professor, Islamic Azad University, Bojnord Branch, Bojnord, Iran

Mosayeb Samanian

Assistant Professor, Islamic Azad University, Bojnord Branch, Bojnord, Iran

Received: 17 June 2021

Accepted: 11 December 2021

Abstract

This study aimed to identify the dimensions and components of the green human resource management model. The statistical population consisted of 150 municipal managers in Mashhad. To achieve theoretical saturation, semi-structured interviews were conducted with 15 participants using a purposeful method. In the open coding step, 400 initial codes were identified in the selective coding stage. The coding around the central category was done through continuous comparison of research concepts and categories, and 213 codes were summarized in 43 concepts. In the theoretical coding stage, the concepts were categorized into five dimensions. Individual dimension includes the concepts of green attitude, value, motivation, green knowledge, health, personality, behavior. Organizational dimension includes concepts such as reward and compensation of green services, participation, evaluation, education, organization, employment, organizational culture, maintenance, structure, management relations, promotion and appointment. Urban dimension includes the concepts of green budgeting, urban waste management, city council, urban regulations, urban design, citizenship culture, official process, urban structure, and green public transportation. The metropolitan dimension includes concepts such as green research, green NGOs, the media, green chain supply, international organizations, government, extra-urban laws and regulations. Environmental dimension includes concepts like social, cultural, geographical, religious, political, economic, and technological factors.

Keywords: Green Human Resource Management, Grounded Theory, Municipality

1. Corresponding author. Email: kafashpor@um.ac.ir

Investigating the Role of Urban Third Places in Tourism Development (Case Study: Central Pedestrian Zone of Rasht City)

Aliakbar Salaripour¹

Assistant Professor, Department of Urban Planning and Designing, University of Guilan, Guilan, Iran

Ramtin Zadsalehi

MA in of Urban Designing, Department of Urban Planning and Designing, Deylaman Institute of Higher Education, Lahijan, Iran

Mehrdad Mehrjou

MA in Urban Planning, Department of Urban Planning and Designing, University of Guilan, Guilan, Iran

Received: 12 May 2021

Accepted: 22 September 2021

Abstract

Nowadays, with the unplanned urban growth and the subsequent increase in the use of cars, the role of pedestrians in urban spaces is gradually diminishing. This has reduced the vitality of public spaces for social interactions in cities. The present study aimed to investigate the level and quality of social interactions in the cultural pedestrian zone of Rasht city and the role of third places in creating social interactions and increasing the level of social interactions in tourism development. The applied study used a descriptive method. A questionnaire with a Likert scale was used to collect the data. Moreover, one-sample t-test, factor analysis, and Pearson's correlation coefficient were used for analyzing the data. The 51-item questionnaire used in this study measures the quality of third places, identity, destination attractiveness and social interactions in Alamolhoda pedestrian zone. The sample included 384 people using Cochran's formula. The questionnaire reliability is obtained at 0.897 by Cronbach's alpha test. The correlation findings for all three tests are an acceptable value and show that the components "place identity", "pedestrian zone quality", and "third places" have a significant impact on the development of tourism in the area. The most important implication of the present study is explaining the synergistic relationship between the development of third places and tourism. Therefore, the status of third places in urban planning and urban tourism planning should be emphasized in our country. Increasing third places' environmental and cultural qualities will eventually lead to increasing social diversity, interaction between citizens and tourists, and sustainable incomes.

Keywords: Cultural Pedestrian Zone, Tourism Development, Place Identity, Third Places, Rasht

1. Corresponding author. Email: salaripour@guilan.ac.ir

Analysis of Urban Fringe Stakeholders in the Capital (Metropolis of Tehran) based on the Power/Interest Matrix

Naser Nasirian

*MA in Urban Management, Faculty of Urban Planning, Fine Arts Campus, University of Tehran,
Tehran, Iran*

Maysam Basirat ¹

*Assistant Professor, Faculty of Urban Planning, Fine Arts Campus, University of Tehran, Tehran,
Iran*

Received: 22 September 2021

Accepted: 01 December 2021

Abstract

The conflict of interests in the use of land in urban fringe is one of the inherent characteristics of the world's metropolises, which in most cases leads to land speculation. Because the official definition of fringe for Tehran, Iran's capital, did not appear to be efficient, the way Tehran deals with its fringe is expected to differ from that of other cities in the country in approved urban development documents. Previous surveys and records indicate that this territory is home to a diverse range of interest groups with legal and illegal ties in the rural-urban fringe. The current study aimed to identify and analyze the interest groups that use their power or interest in the capital's (Tehran's) urban fringe to increase their authority and influence. The article's research method is descriptive-analytical. It was analyzed by reviewing the available literature on the urban fringe, identifying and analyzing the stakeholders of the capital's urban fringe using the power/interest matrix, and then analyzing it using interviews and questionnaires. According to the study's findings, the capital's urban fringe stakeholders are divided into four categories: the governmental-state sector, the public sector, the private sector, and popular groups, each of which has other key stakeholders. The study shows that the public and private sectors have the most power and interest. The research demonstrates that the public and private sectors have the most power and interest. Governmental-state stakeholders, however, are just a portion of the stakeholders of the popular organizations, despite having tremendous power and influence and reaping the little financial reward which has the least power and interest.

Keywords: Tehran Metropolis, Urban Fringe, Analysis Stakeholders, Power/Interest Matrix

1. Corresponding author. Email: mbasirat@ut.ac.ir

Formulating of Action Practice in Historical Fabrics using Culture-Based Regeneration Approach (Case Study: Ghanbar Ali Beig, Lar)

Zahra Etemadi

Master in Urban Designing, Department of Urban Planning, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Amirhosein Shabani Shahreza ¹

Assistant Professor, Department of Urban Planning, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Advancement in Architecture and Urban Planning Research Center, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Received: 09 April 2021

Accepted: 07 September 2021

Abstract

Adopting a cultural approach in urban planning means emphasizing the cultural meaning of space, along with its form and content. Accordingly, culture-based regeneration seeks to balance the various dimensions of city from the perspective of culture. With an interdisciplinary approach, this research looking at the literature of urban culture and regenerational practice, seeks to link the culture-based perspective in regenerational action in historical fabrics. This descriptive and analytical research is based on grounded theory. Semi-structured interviewes were conducted with 15 current and former residents and experts of the Ghanbar Ali Beig neighborhood. Analysis was done usin MAXQDA 2018 software and triple codings; based on the results of interviews, in the first level, 312 categories and in the next step, first 50 conceptual spectrums and after compression in the second level, 10 important categories were obtained. Finally, the main categories are attachment to the hometown and interest in preserving it, event-oriented, changing the demographic structure in terms of ethnicity along with the social adaptation of new and native residents, the prevalence and prosperity of business near the neighborhood, maintaining the tradition of daily water use, preserving collective identity and memories, spreading the culture of Larestan and contributing to the cultural economy of the city, dissatisfaction with the physical condition, incompatible land uses with the historical identity of the fabric, unity and empathy between the resident and former residents. The core category is "continuity of life and cultural unity of the neighborhood". Accordingly, the action application is presented.

Keywords: Culture-based Regeneration, Historical Fabrics, Grounded Theory, Ghanbar Ali Beig Neighborhood, Lar

1. Corresponding author. Email: amirhosein_shabani@yahoo.com

Investigating the Effect of Urban Space on Citizens' Behavioral Patterns (Case Study: Imam Street, Urmia)

Karim Hoseinzadeh Dalir

Professor in Department of Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Marand Branch, Marand, Iran

MirSaeid Moosavi

Assistant Professor of Architecture and Urban Planning Department, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Nima Bayramzadeh ¹

MA in Urban Planning, Young Researchers and Elite Club, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Hadi Pashachini

MA in Urban Planning, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Received: 22 March 2021

Accepted: 07 September 2021

Abstract

The purpose of this study was investigating the effects of urban spaces on citizens' behavioral patterns in Imam Street in Urmia. The data of this applied, descriptive-analytical study were collected through documentary and field studies. Data collection tools include observation, questionnaires, interviews, and receipts. The sample includes the users of Imam Street and the numerical value of 170 was obtained according to Cochran's formula for the unknown statistical population. The sampling method was random. The analysis of collected data was done in two ways: quantitative statistical methods (descriptive and inferential) and qualitative (results of statistical studies) methods. The variables of this research include the independent physical, social, and ecological variables and the behavioral patterns as dependent variable. According to the results of the Friedman test and evaluations of the components of urban landscape and image in this area, the social component with an average of 4.77 are the highest and the component of behavioral patterns with an average of 3.96 are the last. According to the results of the Pearson correlation test, there is a significant correlation between urban landscape components and citizens' behavioral patterns. According to the results of stepwise multiple regression analysis, the correlation coefficients are 0.61, 0.63, and 0.59, respectively. In other words, by entering the physical, social, and ecological components simultaneously, 0.40 of the next variance of the behavioral pattern is explained.

Keywords: Urban Spaces, Social Behavior, Behavioral Pattern, Environmental Quality, Urmia

1. Corresponding author. Email: Nima.bayramzadeh@yahoo.com

Challenges of Smart Environment in Mashhad Metropolis Using DPSIR Model

Omid Ali Kharazmi ¹

Assistant Professor in Urban Management, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mahsa Ghafourian

BA Students, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Marzieh Sabouri

BA Students, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Sima Sardar

BA Students, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 06 April 2021

Accepted: 04 September 2021

Abstract

This study tried to investigate the role of factors involved in the implementation of a smart environment in the metropolis of Mashhad in three parts: the degree of impact in case of occurrence, the probability of occurrence of an option in the future, and the status quo. Multi-dimensional mixed method was used. The data was collected using documents, questionnaires, and semi-structured interviews. The analytical foundation was based on the components of the DPSIR model. Participants in this study included 30 experts in the quantitative section and 9 experts in the qualitative interviews section who were selected by the snowball sampling method. The collected data were analyzed using a T-test in SPSS software. The results show that except for waste management, in other dimensions including water management, environmental integrated management, urban beautification, culture and identity, smart building, wastewater management, and development of green electricity, the degree of impact in case of occurrence was high and in the probability of future occurrence, culture and identity have a relatively favorable situation compared to other dimensions. In describing the current situation, the unfavorable situation of the smart environment in the metropolis of Mashhad was observed. Suggestions for improving the current situation were also provided in the current research.

Keywords: Environmental Challenges, Sustainable development, Smart Environment, DPSIR Model, Metropolis of Mashhad

1. Corresponding author. Email: kharazmi@um.ac.ir

Identifying the Effective Indicators of Urban Livability (Case Study of Areas 1, 5 and 8 of Isfahan Municipality)

Reyhaneh Mohrekesh

PhD Candidate in Geography and Urban Planning, Department of Geography, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Hamid Saberi ¹

Assistant Professor, Department of Geography, Tourism Research Center, Islamic Azad University, Najafabad Branch, Najafabad, Iran

Received: 31 May 2021

Accepted: 13 November 2021

Abstract

One of the most important recent theories of urban development is urban livability, which has been put forward with the aim of developing a city towards the greatest possible utility. The purpose of this research was identifying the indicators that are effective in urban livability. In this regard, first the livability from a theoretical point of view and then the characteristics of the areas of Isfahan city were investigated and measured. For the descriptive-analytical survey, 5-point Likert scale technique was used to identify effective indicators of livability. The findings show that there is a difference between the urban areas of Isfahan in terms of livability. According to the classification, Jolfa and Razmandagan areas have the highest level of livability and the reason for placing these two areas in the same class is the social, economic and cultural similarity between them and the residents of these two areas are relatively satisfied with the quality of the transportation system, social identity, facilities and residential satisfaction. Since Darb Kushk neighborhood is located in the center of the city and is facing economic, cultural and physical issues, it has an average livability level. The most dissatisfaction in this neighborhood was related to the low quality of the transportation system. Sichan, Abbasabad and Khaneh Isfahan neighborhoods are at the lowest level of livability and should receive the most attention.

Keywords: Livability, Livable City, Factor Analysis, Isfahan City

1. Corresponding author. Email: hamidsaberi2000@gmail.com

Table of Contents **(Extended Abstracts)**

▪ Identifying the Effective Indicators of Urban Livability (Case Study of Areas 1, 5 and 8 of Isfahan Municipality) Reyhaneh Mohrekesh, Hamid Saberi	1
▪ Challenges of Smart Environment in Mashhad Metropolis Using DPSIR Model Omid Ali Kharazmi, Mahsa Ghafourian, Marzieh Sabouri, Sima Sardar	2
▪ Investigating the Effect of Urban Space on Citizens' Behavioral Patterns (Case Study: Imam Street, Urmia) Karim Hoseinzadeh Dalir, MirSaeid Moosavi, Nima Bayramzadeh, Hadi Pashachini	3
▪ Formulating of Action Practice in Historical Fabrics using Culture-Based Regeneration Approach (Case Study: Ghanbar Ali Beig, Lar) Zahra Etemadi, Amirhosein Shabani Shahreza	4
▪ Analysis of Urban Fringe Stakeholders in the Capital (Metropolis of Tehran) based on the Power/Interest Matrix Naser Nasirian, Maysam Basirat	5
▪ Investigating the Role of Urban Third Places in Tourism Development (Case Study: Central Pedestrian Zone of Rasht City) Aliakbar Salaripour, Ramtin Zadsalehi, Mehrdad Mehrjou	6
▪ Designing a Conceptual Model of Green Human Resource Management Mahdi Janalizade Ghazvini, Azar Kafashpor, Amir Rahimpour, Mosayeb Samanian	7
▪ Climatic Management of Open Spaces in Urban Areas by Controlling Skin Proportions Reihaneh Mesgaran Kermani, Seyed Majid Mofidi Shemirani, Niloofar Nikghadam	8

ABSTRACTS

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Faculty of Letters and Humanities

Journal of Geography and Urban
Space Development

**Vol. 9, No. 2, Summer 2022,
Serial Number 17**

License Holder:
Ferdowsi University of Mashhad

General Director:
B. khakpour, PhD

Editor-in-Chief:
M. R. Rahn timer, PhD

Editorial Board:

Dr. I. Ebrahimzadeh
University of Sistan and Balouchestan,
Zahedan

Dr. M. Ajza Shokouhi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Anabestani
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. B. Khakpour
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. M. R. Rahn timer
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Saeedi
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. M. Soleimani
Kharazmi University, Tehran

Dr. Z. Fanni
Shahid Beheshti University, Tehran

Dr. E. Mafi
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Dr. A. Nazarian
Islamic Azad University, Science and
Research Branch, Tehran

Internal Editor:
Dr. M. Amirfakhriyan
Ferdowsi University of Mashhad,
Mashhad

Executive Manager:
Z. Baniasad

English Language Editor:
A. Nowruzy

Persian Editor:
Sh. Sabaghi Abkooch

Typesetting:
E. Tajvidi

Printing & Binding:
Ferdowsi University Press

Circulation: 30
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US\$ (USA)
20 US\$ (other)

Address:
Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad, Iran
Postal code:
9177948883
Tel: (+98 51) 38806724
Fax: (+98 51) 38807060
E-mail:
JUD@ferdowsi.um.ac.ir
Internet Address:
<http://jgusd.um.ac.ir>



Ferdowsi University of Mashhad

Journal of Geography and Urban Space Development

(Peer-Reviewed Journal)

Vol. 9, No. 2, Summer 2022, Serial Number 17

- **Identifying the Effective Indicators of Urban Livability (Case Study of Areas 1, 5 and 8 of Isfahan Municipality)** 1
Reyhaneh Mohrekesh, Hamid Saberi
- **Challenges of Smart Environment in Mashhad Metropolis Using DPSIR Model** 2
Omid Ali Kharazmi, Mahsa Ghafourian, Marzieh Sabouri, Sima Sardar
- **Investigating the Effect of Urban Space on Citizens' Behavioral Patterns (Case Study: Imam Street, Urmia)** 3
Karim Hoseinzadeh Dalir, MirSaeid Moosavi, Nima Bayramzadeh, Hadi Pashachini
- **Formulating of Action Practice in Historical Fabrics using Culture-Based Regeneration Approach (Case Study: Ghanbar Ali Beig, Lar)** 4
Zahra Etemadi, Amirhosein Shabani Shahreza
- **Analysis of Urban Fringe Stakeholders in the Capital (Metropolis of Tehran) based on the Power/Interest Matrix** 5
Naser Nasirian, Maysam Basirat
- **Investigating the Role of Urban Third Places in Tourism Development (Case Study: Central Pedestrian Zone of Rasht City)** 6
Aliakbar Salaripour, Ramtin Zadsalehi, Mehrdad Mehrjou
- **Designing a Conceptual Model of Green Human Resource Management** 7
Mahdi Janalizade Ghazvini, Azar Kafashpor, Amir Rahimpour, Mosayeb Samanian
- **Climatic Management of Open Spaces in Urban Areas by Controlling Skin Proportions** 8
Reihaneh Mesgaran Kermani, Seyed Majid Mofidi Shemirani, Niloofer Nikghadam

ISSN: 2538-3531